



اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران

نشریه آینده پژوهانه

Tehran Chamber
of Commerce, Industries
Mines and Agriculture

Ayandenegar

آینده نگار

لبخند چینی به کالای ایرانی

گسترش روابط تجاری ایران و چین
با آثاری از: اسدالله عسگرآولادی | سیدرضا سیدآزاده

شماره سی و هشتم . فروردین ۱۳۹۴ . ۷۶ صفحه

ISSN:2322-3316



اقتصاد ایران در سال ۱۳۹۴ چه چشم اندازی دارد؟

کلید توافق و تدبیر اقتصاد

با آثاری از: حسن رادمرد | محمدحسین برخوردار | محمدخوش چهره | هادی قوامی
محمدعلی ضیغمی | حسن مرادی | حامد مظاہریان | علیرضا شجاعی
به همراه میزگردی با حضور: سیدحمید حسینی و احمد ترک نژاد

بررسی لایحه رفع موانع تولید

نوشداروی تولید

با آثاری از: محسن بهرامی ارض اقدس | غلامرضا تاجگردون
محمدرضا پورابراهیمی | کاظم دوست حسینی | علی قنبری
موید حسینی صدر | علی محمد احمدی | جعفر قادری
به همراه میزگردی با حضور: احمدپور فلاح
محمدرضا سیدنورایی و سیدهادی موسوی نیک

سلطان حمل و نقل آسیا

رازهای کسب و کار لیندسی ادوارد فاکس، کارآفرین استرالیایی

مرکز مطالعات و بررسی های اقتصادی
اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران

www.tccim.ir

ریسک های اقتصادی دنیا در سال جدید

آخرین گزارش سالیانه مجمع جهانی اقتصاد (داووس)

اتاقی برای فردا گزارش و تحلیل هایی از هشتمین دوره انتخابات اتاق تهران

با یادداشت هایی از: علیمردان شیبانی . محسن مهرعلیزاده . مجتبی خسرو تاج



اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران

مرکز مطالعات و بررسی های اقتصادی
نشریه آینده پژوهانه

آینده نگار

شماره سی و هشتم
فروردین ۱۳۹۴



صاحب امتیاز: اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران

مدیر مسئول: عبدالله کاشانی موحد

اعضای شورای سیاست گذاری: یحیی آل اسحاق، محمدرضا بهرامن، ابراهیم بهادرانی
احمد ترک نژاد، سید محمود حسینی، محمود دودانگه، علی اکبر صابری، امیر مانیان
موسی غنی نژاد، محمدصادق مفتاح، علیرضا میر محمد صادقی، حسین نقره کار شیرازی

با نظارت: دکتر سید محمود حسینی

رئیس مرکز مطالعات و بررسی های اقتصادی

امور اجرایی: سارا محمدی

آتلیه طراحی: پویا ملک، محمد صالح بایرامی

نظارت فنی چاپ: حسن آقایی زاده

لیتوگرافی: نقش سبز

چاپ و صحافی: مبینا

نشانی: خیابان خالداسلامبولی، کوچه بیست و یکم، شماره ۱۰

تلفن: ۸۸۱۰۷۸۷۵ داخلی ۳۱۶

نشانی الکترونیک: researchcenter@tccim.ir

مقالات مندرج در آینده نگار الزاما مطابق دیدگاه نشریه نیست
و بازتاب دهنده نظر نویسندگان آنها است.

Ayandeggar
Tehran Chamber
of Commerce, Industries
Mines and Agriculture
No.36 May 2015



دولت باید تبعات سیاسی «تغییر» را بپذیرد
 سال ۱۳۹۴، سال بیم و امید در میزگردی با
 حضور احمد ترک‌نژاد و سیدحمید حسینی
 ۱۹

اتاقی برای فردا
 گزارشی از از انتخابات
 پارلمان بخش خصوصی
 که با مشارکت تاریخی
 اعضای اتاق‌ها برگزار شد
 ۶



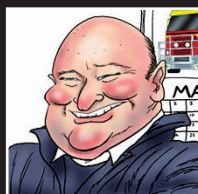
این قانون یک راه‌حل کوتاه‌مدت است
 بررسی لایحه حمایت از تولید در میزگردی با حضور
 احمدپورفلاح، محمدرضا سیدنورایی
 و سیدهادی موسوی‌نیک
 ۳۲



دوای درد بخش خصوصی
 گفت‌وگو با
 محسن بهرامی
 ارض‌اقدس
 ۴۱

سلطان حمل‌ونقل آسیا

کارآفرینی
 به شیوه
 لیندسی فاکس
 ۶۸



بازار هدف: روابط تجاری ایران و چین

- ۴۳ لبخند بازار چین به کالای ایرانی
 ۴۴ صادرات به چین را جدی بگیریم / گفت‌وگو با
 اسدالله عسگراولادی
 ۴۶ سهم ما از دومینوی بازار چین / سیدرضا سیدآقازاده
گزارش راهبردی: گزارش سالیانه داووس
 ۴۸ ریسک‌های اقتصادی در سال جدید
 ۵۰ ریسک‌ها و کلاف‌های سر در گم
 ۵۲ ریسک‌های جهان در سال آینده
 ۵۴ نگاهی دقیق‌تر به ریسک‌های جهان
 ۵۶ مقاومت در برابر ریسک‌ها
 ۵۷ مثال‌های عملیاتی
 ۵۷ نتیجه‌گیری پایانی

دهکده جهانی

- ۵۸ سال‌واگرای / گزارشی از پراجکت سیندیکیت
 ۵۹ دشمن اصلی یونان / گزارشی از بلومبرگ
 ۶۰ تا حدی ریاضت بیشتر / گزارشی از گاردین
 ۶۰ حفظ روند رشد در هند / گزارشی از اکونومیست
 ۶۱ چرا اقتصاد روسیه فرو نخواهد پاشید؟
 ۶۲ بازارها، یک گام به پیش / گزارشی از بلومبرگ مارکتر
 ۶۴ ریسک جهان در سال جدید

تجربه کارآفرین خارجی

- ۶۸ سلطان حمل‌ونقل آسیا / زندگی لیندسی ادوارد
 فاکس کارآفرین استرالیایی
 ۷۰ گفت‌وگو با فاکس: خوش‌شانسی در پشتکار است

راهنمای مدیران

- ۷۱ موفقیت یعنی کنترل زمان
 ۷۲ ۱۰ تفاوت مدیران موفق با افراد عادی
 ۷۲ ۱۰ عادت‌هایی که آفت مدیران موفق است
 ۷۳ ۳ راز موفقیت در کسب و کار
 ۷۳ ترس‌های پنهان یک کارآفرین
 ۷۴ پاورقی - بخش نهم: در فضیلت آموختن

دیباچه

- ۴ توافقی هسته‌ای و اقتصاد پویا

یادداشت‌ها و گزارش‌های ماه

- ۶ اتاقی برای فردا / گزارشی از انتخابات اتاق تهران
 ۸ تقابل مخرب و تعامل سودآور / علیمردان شیبانی
 ۸ هدف: تغییر رویه دولت / محسن مهرعلیزاده
 ۹ در جست‌وجوی تأثیرگذاری کلان / مجتبی خسرو تاج
 ۱۰ مقاومت و واقعیت / راهبردهای تحقق اقتصاد مقاومتی
 ۱۴ خیز بلند هند / گزارش اتاق تهران از اجلاس گجرات

پرونده ویژه:

سال ۱۳۹۴: سال بیم و امید

- ۱۷ چشم‌انداز واقع‌گرایانه / محمدخوش چهره
 ۱۸ استراتژی: خروج از رکود / محمدعلی ضیغمی
 ۱۹ دولت باید تبعات «تغییر» را بپذیرد / میزگردی با
 حضور حمید حسینی و احمد ترک‌نژاد
 ۲۵ چالش‌های اصلی: هنوز تورم و بیکاری / هادی قوامی
 ۲۶ سال نو، برآورد نو / محمدحسین بر خوردار
 ۲۷ سال تلای بازار مسکن؟ / حامد مظاہریان
 ۲۸ همان خواست تاریخی / حسن مرادی
 ۲۸ میانبر تورمیستی / حسن رادمرد
 ۲۹ بر آورد امروز، نقشه راه فردا / علیرضا شجاعی

اقتصاد سیاسی: بررسی لایحه حمایت از تولید

- ۳۱ برای حمایت از تولید / کاظم دوست حسینی
 ۳۲ این قانون یک راه‌حل کوتاه‌مدت است / میزگردی
 با حضور احمدپورفلاح، محمدرضا سیدنورایی و
 سیدهادی موسوی‌نیک
 ۳۶ دولت؛ حامی مشروط / علی قنبری
 ۳۷ هدایت سرمایه به تولید / جعفر قادری
 ۳۸ هم حمایت از تولید، هم مبارزه با فساد / میزگردی با
 موید حسینی صدر و علی محمداحمدی
 ۴۰ دوای درد بخش خصوصی / محسن بهرامی ارض‌اقدس
 ۴۲ معضله به نام تأمین مالی / محمدرضا پورابراهیمی
 ۴۲ راه علاج رکود / غلامرضا تاجگردون

توافق هسته‌ای و اقتصاد پویا

سال ۱۳۹۴، سال بخش خصوصی در سایه
«همدلی و همزبانی دولت و ملت»

صلاحیت‌ها و هم از جهت اجرای سالم انتخابات. شاید این وجه انتخابات تحت شعاع نتایج آن قرار گرفته باشد، در حالی که باید گفت، التزام به مردم‌سالاری زنجیره و فرآیندی بلندمدت است که حلقه‌های آن از خلال همین تجربیات موفق ساخته می‌شود.

گروه انتخاب شده نیز حداقل در اتاق تهران که مهم‌ترین اتاق کشور است، ترکیب جدیدی را رقم زده است، هرچند عناصر اصلی آن از گذشته تجربیات گرانباری در اتاق داشته‌اند، و این انتظار می‌رود که اتاق‌های بازرگانی با انرژی جدیدی که به آنها تزریق شده در نقش‌آفرینی اقتصادی و تعامل با دولت از خلال شورای گفت‌وگو، و نیز در سیاست‌گذاری‌های اقتصادی در کمیسیون‌های گوناگون، برگ جدیدی را در تاریخ بخش خصوصی کشور ورق بزنند.

رویداد مهم دیگر پیام‌های نوروزی مقام معظم رهبری و ریاست جمهوری بود. مهم‌ترین نکته‌ای که در پیام نوروزی رهبری نظام وجود داشت که مبنای شعار سال نیز که «دولت و ملت؛ همدلی و همزبانی» است قرار گرفت، آنجایی است که فرمودند: «این ظرفیت عظیم و مهم (ظرفیت ملت ایران و ظرفیت سیاست‌های نظام) دست یافتنی است ولی شروطی دارد؛ یکی از مهم‌ترین شروط عبارت است از

بخش خصوصی در حالی وارد سال ۱۳۹۴ می‌شود که مواجه با سه اتفاق مثبت و اساسی شده است. سه اتفاقی که وجود هر یک از آنها می‌توانست نویدبخش و امیدآفرین باشد، چه رسد به اینکه هر سه مورد با یکدیگر و تا حدی همزمان رخ دهد. حضور پرشور بخش خصوصی در انتخابات اتاق‌های بازرگانی؛ جملات کلیدی در خصوص رابطه دولت و مردم در پیام نوروزی مقام معظم رهبری و ریاست جمهوری و بالاخره به توافق سیاسی رسیدن ایران با ۵+۱ در مذاکرات هسته‌ای.

انتخابات اتاق بازرگانی در نیمه اسفندماه انجام شد. این انتخابات از چند جهت اهمیت داشت. اول اینکه اولین انتخابات در دولت جدید بود. دولتی که به لحاظ نظری و عملی خواهان همکاری با بخش خصوصی و اولویت دادن به این بخش در حوزه اقتصاد است. از جهت دیگر افزایش پرشور حضور بخش خصوصی در این انتخابات، نسبت به دوره پیش است. افزایشی که بازتاب‌دهنده امید بخش خصوصی به وضعیت و آینده کشور بود، و به دلیل همین امید، انگیزه بیشتری برای مشارکت پیدا کردند. به علاوه انتخابات اخیر اتاق از حیث حاشیه‌های گذشته، انتخابات بی‌حاشیه یا حداقل کم‌حاشیه‌ای بود و عملکرد نظارتی موافقی را در اجرای آن شاهد بودیم؛ هم از حیث بحث

همکاری‌های صمیمانه میان ملت و دولت؛ اگر این همکاری صمیمانه از دو سو شکل بگیرد، یقیناً همه آنچه که جزو آرزوهای ما است دست یافتنی است و آثار آن را مردم عزیزمان به چشم خواهند دید. دولت، کارگزار ملت است؛ و ملت، کارفرمای دولت است. هرچه بین ملت و دولت صمیمیت بیشتر و همکاری بیشتر و همدلی بیشتری باشد، کارها بهتر پیش خواهد رفت. باید به یکدیگر اعتماد کنند؛ هم دولت، ملت را به معنای واقعی کلمه قبول داشته باشد و ارزش و اهمیت و توانایی‌های ملت را بدرستی بپذیرد، هم ملت به دولت که کارگزار کارهای او است به معنای حقیقی کلمه اعتماد کند». در این پیام مهم مبنای رفتار و تعامل میان دولت و مردم، رابطه کارفرما - کارگزار یا پیمانکار معرفی شده است. این گونه تعریف از رابطه دولت و مردم، پایه و اساس دولت در نظام‌های مدرن است و بر این اساس، دولت نمی‌تواند همچون گذشته خود را قیم مردم از جمله بخش خصوصی تلقی و معرفی کند. دولت کارگزار و در نتیجه پاسخگوست. البته به همان اندازه هم حقوقی دارد که باید از طرف مردم و بخش خصوصی تامین شود. اگر این نگرش همواره وجود می‌داشت، هیچگاه شاهد تصمیمات نادرست اقتصادی و بعضی رفتارهای غیرقانونی در دهه گذشته نمی‌بودیم. و با این حد از فساد و نیز بی‌اعتمادی میان دولت و بخش خصوصی مواجه نمی‌شدیم. دولت زمانی به معنای واقعی کارگزار است که مردم به معنای واقعی کارفرما باشند و این نقش را ایفا کنند. کارفرما نمی‌تواند منتظر بماند که نقش و حقوق کارفرمایی او از جانب پیمانکار و کارگزار به او داده شود. بنابراین بخش خصوصی به عنوان جزیی مهم از مردم می‌باید نقش کارفرمایی خود را در برابر دولت ایفا کند و خواهان انجام وظایف دولت در امور حاکمیتی شود.

سخنان نوروزی جناب رئیس جمهور نیز وجه دیگری از چشم‌انداز اقتصاد ایران را در سال ۱۳۹۴ ترسیم کرد، آنجا که رونق پایدار، افزایش صادرات غیرنفتی و تأمین فرصت‌های جدید شغلی را سه هدف اصلی اقتصادی دولت در سال جدید برشمردند. رونق پایدار جز از طریق ثبات در اقتصاد کلان، انضباط بودجه‌ای دولت، حاکمیت قانون، مبارزه با فساد، بهبود شاخص‌های محیط کسب‌وکار و ثبات در مقررات و سیاست‌ها و برقراری رقابت در سطح بنگاه‌ها و حذف رانت و... محقق نمی‌شود. بخشی از این اقدامات از سوی دولت در ۱۸ ماه گذشته انجام شده است، و بخش خصوصی امیدوار است که این روند در سال ۱۳۹۴ گسترده‌تر شود. افزایش صادرات نیز از طریق ثبات مقررات و نیز ارتباط آرام و بدون تنش با خارج و سیاست‌های ارزی درست ممکن می‌شود. تأمین فرصت‌های شغلی نیز جز از طریق افزایش سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی ممکن نیست و این نیز نیازمند امنیت سرمایه‌گذاری و اصل شدن تولید و کار است.

خبر سومین اتفاقی که همه منتظر وقوع آن بودند در آخرین روزهای تعطیلات نوروزی از لوزان سوییس به گوش رسید. اگرچه اکثریت مردم ایران پیگیر گفت‌وگوهای ایران و ۵+۱ بودند، ولی بخش خصوصی بیش از دیگران پیگیر این مذاکرات بود، و امید داشتیم کشور با این توافق تاریخی ضمن حفظ حقوق هسته‌ای خود از وضعیت تحریم‌ها بیرون آید و یکی از مهم‌ترین موانع رشد و توسعه پایدار از میان برداشته شود. دست‌اندرکاران بخش خصوصی

بیش از هر کس دیگری می‌دانند که بحران به‌وجود آمده چگونه بر توسعه پایدار و فضای کسب‌وکار اثرات منفی برجای گذاشته و تعادل و ثبات را در روابط و بازرگانی خارجی دچار اختلال جدی کرده است. این توافق پنجره‌ای از ثبات و آرامش را در روابط سیاسی و اقتصادی کشور با خارج گشوده است که در صورت نهایی شدن و اجرا می‌تواند منجر به: الف- کاهش هزینه‌های واردات و صادرات شود و در نتیجه به نفع مصرف‌کننده و تولیدکننده است.

ب- بازارهای صادراتی و وارداتی را تنوع بخشد و از این طریق موجب رونق اقتصادی و تولید شود.

ج- با به جریان افتادن مجاری قانونی صادرات و واردات و نقل و انتقال پول، نه تنها از هزینه‌ها و ریسک‌های اضافی صرف‌نظر شود، بلکه جریان فساد از این معاملات خارج شود.

د- بهبود روابط خارجی زمینه را برای ورود سرمایه و تکنولوژی‌های جدید فراهم خواهد کرد. دو عاملی که اقتصاد ایران به شدت نیازمند آن است.

ه- آزاد شدن نقل‌وانتقال منابع ارزی ایران، موجب تحرکی جدی در اقتصاد خواهد شد و زمینه را برای تحقق اهداف اعلام شده آقای رییس جمهور فراهم خواهد کرد. بورس رونق دوباره خواهد گرفت و زمینه برای تک‌نرخی شدن ارز فراهم خواهد شد، و بخش قابل توجهی از رانت‌های ناشی از دو نرخی بودن ارز از میان خواهد رفت. اینها بخشی از نتایج مفیدی است که در رفع تحریم‌ها شاهد خواهیم بود.

از اتفاقات و تغییرات خوش‌آیند و امیدوارکننده‌ای که رخ داده و در فوق به آن اشاره شد، چه نتیجه‌ای می‌باید گرفت؟ این اتفاقات نباید خیال بخش خصوصی را آسوده کند، بلکه باید فعالیت و مسئولیت‌پذیری آن را نسبت به پیش بیشتر نماید. زیرا اکنون نوبت بخش خصوصی است که توانایی‌های خود را در شکل دادن و ایجاد یک اقتصاد پویا نشان دهد. بنابراین فرصتی طلایی برای این بخش به دست آمده که نقش تاریخی و بازگشت‌ناپذیر خود را در اصلاح ساختار اقتصادی کشور ایفا نماید. منظور از بخش خصوصی، نهاد برآمده از فعالان اقتصادی است. بدون این نهاد که باید حمایت همه اعضا را داشته باشد و خواست همه آنان را نمایندگی کند، چیزی به نام بخش خصوصی تأثیرگذار وجود نخواهد داشت. بنابراین مسئولیت اصلی به عهده اتاق‌های بازرگانی است. منتخبین این بخش می‌توانند نشان دهند که حامل سطح بالایی از فرهنگ بهسازی هستند و همه جناح‌ها و گرایش‌ها را در فرآیندهای تصمیم‌سازی مشارکت می‌دهند و با برنامه‌ای روشن راه را برای ایفای برجسته‌ترین نقش در تغییرات مثبت اقتصادی کشور هموار خواهند کرد.

مشکل این است که بسیاری از فعالان اقتصادی همچون گذشته منتظر هستند تا دولت مسیر مشارکت را برای بخش خصوصی باز کند. در حالی که این نگاه را باید تغییر داد. مسیری که به اراده و دست دیگران باز شود، به هنگام ضرورت با همان اراده و دست نیز بسته خواهد شد، این مسیر با دست و اراده و برنامه بخش خصوصی و از طریق نهادهای که آنان را نمایندگی کند باید باز شود. بخشی که خود را در برابر دولت، در نقش کارفرما ببیند و نه در قالب کمک‌گیرنده و منفعل.

اگرچه اکثریت

مردم ایران پیگیر

گفت‌وگوهای

ایران و ۵+۱

بودند، ولی بخش

خصوصی بیش

از دیگران پیگیر

این مذاکرات بود،

و امید داشتیم

کشور با این

توافق تاریخی

ضمن حفظ حقوق

هسته‌ای خود از

وضعیت تحریم‌ها

بیرون آید و یکی

از مهم‌ترین موانع

رشد و توسعه

پایدار از میان

برداشته شود.



اعضای هیات نظارت بر انتخابات استان تهران در حال اعلام نتایج اولیه آرا

اتفاق بر سر فردا

**گزارش آینده نگر
از انتخابات پارلمان بخش خصوصی
که با مشارکت تاریخی
اعضای اتاق ها
بر گزار شد**

بازرگانان، مدیران و صنعتگران باتجربه و عده ای از جوانان خوش فکر عرصه اقتصاد اکثر کرسی ها را از آن خود کرده و سایر گروه ها و ائتلاف های انتخاباتی را پشت سر گذاشته است. اما شاید حیرت حاضران بیش از پیروزی این گروه، تغییر کلی ترکیب هیات نمایندگان باشد؛ این تغییر خبر مهمی برای پارلمان بخش خصوصی و معنای آن، عدم رای آوری برخی از باسابقه های اتاق بازرگانی است. افرادی که بعضاً از ابتدای انقلاب کم و بیش در هیئت رییس اتاق بوده اند و حالا نتوانسته اند به هیات نمایندگان راه پیدا کنند. خواندن اسامی افراد پیروز انتخابات که تمام می شود، تازه صدای جمعیت بالا می رود که هر یک با تلفن همراه خبر این واقعه را به رسانه متبوعش می رساند تا شاید چاپ دوم روزنامه های فردا خبر این نتایج را بازتاب دهند. یکی از روزنامه های اقتصادی، فردای آن روز تیتراژ درشت خود را به انتخابات اختصاص داد و با اعلام مشارکت تاریخی بخش خصوصی در انتخابات اتاق بازرگانی، نوشت: «درخشش فیروزه ای در اتاق بازرگانی».

بسیاری از کسانی که آن روز دقایقی در حیات سالن روبروی مصلی تهران حاضر شدند، گویاترین تصویری که از این اکسیون منحصر بفرد انتخاباتی به یادشان مانده تصویر اسدالله عسکراولادی باشد که در حلقه پیران و جوانانی که او را به دفاع از عملکردش در

گذشت جوانترها هم اضافه شدند. آن روز برای اتاق تهران روز متفاوتی بود. نامزدها و هوادارانشان پس از اخذ رای ساعت ها به صورت سرپا و نشسته در این محل باقی ماندند و به بحث و گفت و گو درباره اقتصاد، اتاق و آینده بخش خصوصی پرداختند. شاید

آینده نگر: ۱۸ اسفند ۱۳۹۳؛ حدود ساعت ۱۰ شب، آرام آرام حال و هوای «سالن میثاق» محل برگزاری هشتمین دوره انتخابات اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران تغییر می کند. از آنسوی شیشه اتاق «پرس»، خبر می رسد که تا دقایقی دیگر نتایج انتخابات اعلام خواهد شد. برای خبرنگارانی که از ساعت هفت شب، با پایان وقت اضافه رای گیری منتظر این لحظه هستند، خبر خوشحال کننده ای است. لحظاتی بعد، درب شیشه ای باز می شود و بعد از سه ساعت انتظار، اجازه ورود خبرنگاران به سالن صادر می شود. تا خبرنگاران روی صندلی ها مستقر شوند، دوربین های صداوسیما آماده شوند و اعضای هیات نظارت بر انتخابات استان تهران پشت تریبون بیایند باز چند دقیقه ای می گذرد. سرانجام ابراهیم بهادرانی دبیرکل اتاق تهران به نمایندگی از دیگر اعضای هیات نظارت، اسامی را یک به یک می خواند و با خواندن هر یک، تعجب حاضران را بیش از پیش برمی انگیزد. بر اساس نتایج اولیه انتخابات، گروه نوپای «ائتلاف برای فردا» متشکل از گروهی از

کردهای اقتصادی اقتصادپون در روز انتخابات

از همان ساعت ۸ صبح روز ۱۸ اسفندماه حضور اعضای فعال اتاق بازرگانی در محوطه بیرونی و داخلی سالن میثاق چشمگیر بود. باتجربه ترها از نخستین ساعات در محل رای گیری حاضر بودند و کمی که



**۱۸ اسفندماه
روزی ۱۳۹۳
به یادماندنی برای
پارلمان بخش
خصوصی بود.
بخش خصوصی
تأثیرگذاری که
تعداد زیادی
از فعالانش
دوست دارند در
تصمیم‌گیری و
تصمیم‌سازی‌های
آن صاحب رای و
نظر باشند.**

آینده

شماره سی و ششم / فروردین ۱۳۹۴

اتابک، کوروش پرویزیان، سیدحسین سلیمی، محسن مهرعلیزاده، رضا پدیدار، حمیدرضا صالحی، محمود نجفی‌عرب، محمدحسین برخوردار، علیرضا کلاهی صمدی و احمد کیمیایی اسدی در گروه صنعت، پدram سلطانی، فریال مستوفی، مرتضی لطفی و سیدبهداد احرامیان در بخش معدن و احمد صادقیان، حامد واحدی، کاوه زرگران، مهدی معصومی اصفهانی، حسن فروزان فرد و علیرضا خائف در بخش کشاورزی با کسب اکثریت آرا به عنوان اعضای هشتمین دوره هیئت نمایندگان اتاق تهران انتخاب شدند. در میان منتخبین گروه صنعت ۱۴ نفر نامزد ائتلاف برای فردا، یک نفر از فهرست گروه خواستاران تحول و یک نفر از گروه پیشگامان وفاق به چشم می‌خورند. در گروه بازرگانی ۱۱ نفر از ائتلاف برای فردا، دو نفر از فهرست خواستاران تحول و یک نفر از ائتلاف بزرگ انتخاب شده‌اند. در بخش معدن هر چهار نفر و در بخش کشاورزی هم تمامی شش نفر منتخب، از اعضای ائتلاف برای فردا هستند. با این حساب، هرچند تا پیش از برگزاری انتخابات پیش‌بینی می‌شد با کسب اکثریت نسبی آراء از سوی دو یا سه ائتلاف انتخاباتی، بیست نفر عضو انتصابی هیئت نمایندگان از سوی دولت، ترکیب هیئت رییس و رییس آینده اتاق تهران را تعیین کنند اما با توجه به کسب اکثریت مطلق آرا توسط ائتلاف برای فردا (۳۵ نفر) نظر اعضای این ائتلاف و در صدر آنها مسعود خوانساری رییس کمیسیون حمل‌ونقل اتاق ایران، پدram سلطانی نایب‌رییس دوره هفتم اتاق ایران و محمدرضا انصاری مدیرعامل شرکت بین‌المللی کیسون در مورد خط مشی و ترکیب آینده هیئت رییس اتاق تهران تعیین‌کننده خواهد بود.

در کل کشور از استان تهران نیز بهتر بود چنانکه از ۳۸ هزار و ۱۲۰ نفر عضو اتاق‌های کشور که ۲۷ هزار و ۸۵۶ نفرشان واجد شرایط بودند، ۱۴ هزار و ۳۸ نفر رای خود را به صندوق‌ها ریختند تا اتاق بازرگانی ایران، در روزی تاریخی شاهد مشارکت بیش از ۵۰/۴ درصدی اعضای خود در انتخابات دوره هشتم باشد. رویدادی که دلایل متعددی برای آن مطرح شده است. از تغییر جایگاه اتاق‌ها در چهارسال اخیر، تا شرکت تمامی سلاقی بدون مواجهه با مشکلات مرسوم و همچنین امید به تغییر نگاه دولت نسبت به بخش خصوصی. هرچه بود، ۱۸ اسفندماه ۱۳۹۳ روزی به‌یادماندنی برای پارلمان بخش خصوصی بود. انتخاباتی که نه فقط از نخستین ساعات رای‌گیری که حتی پیش از آن، از نخستین روزهای ثبت‌نام چهره‌ها برای نامزدی در آن، تصویری تازه از بخش غیردولتی کشور به دست می‌داد. بخش خصوصی تأثیرگذاری که تعداد زیادی از فعالانش دوست دارند در تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی‌هایش صاحب رای و نظر باشند.

پروژه انتخابات چه کسانی بودند؟

مطابق آراء اعلام‌شده از سوی انجمن نظارت بر انتخابات اتاق تهران، یحیی آل اسحاق، محمدرضا انصاری، مسعود خوانساری، سیده فاطمه قمی، محسن بهرامی ارض اقدس، مهدی شریفی نیک‌نفس، ناصر ریاحی، فاطمه دانشور، محمد امیرزاده، اسدالله سگروالادی، محمدرضا زهره‌وندی، محمد لاهوتی، سید رضی حاجی آقامیری، علی سنگینیان، عباس آرگون و فرهاد فرونی در گروه بازرگانی، محسن خلیلی عراقی، مهدی جهانگیری، علی شمس اردکانی، مهدی پورقاضی، سیدمحمد

دوران فعالیت‌های اقتصادی و حضور در اتاق بازرگانی تهییج کرده بودند، بر صندلی نشسته و از تجربیاتش سخن می‌گفت، از بی‌مهری‌ها و ناراحتی‌هایی که در حقش شده بود و اینکه چرا پس از سال‌ها هنوز هم قصد کناره‌گیری از عرصه را ندارد و برای نشستن بر کرسی هیئت نمایندگان اتاق تهران با جوان‌ها به رقابت می‌پردازد. جز او حضور سیدمحمد صدر هاشمی‌نژاد بنیانگذار بانک اقتصاد نوین، محمدرضا بهزادیان رییس پیشین اتاق تهران که بعداًظهر به محل رای‌گیری آمد، مجیدرضا حریری نایب‌رییس اتاق ایران و چین، محسن بهرامی ارض اقدس مشاور معاون اجرایی رییس‌جمهوری و عضو هیئت نمایندگان اتاق تهران و بسیاری دیگر که ساعت‌ها در محل رای‌گیری ماندند و با رای‌دهندگان به گفت‌وگویی رودررو پرداختند از نکات جالب روز برگزاری انتخابات بود.

مشارکت تاریخی اعضای اتاق

انتخابات هشتمین دوره هیئت نمایندگان اتاق بازرگانی نه‌فقط از جهت ترکیب منتخبان بلکه از جهت میزان مشارکت اعضای فعال اتاق بازرگانی چه در کسوت نامزد انتخابات و چه در هیئت رای‌دهندگان انتخاباتی تاریخی بود. در این انتخابات از مجموع ۱۰ هزار و ۵۰۶ نفر واجد شرایط رای‌دهی در استان تهران، در پایان روز اخذ رای، پس از یک ساعت تمدید زمان رای‌گیری، تعداد ۳ هزار و ۳۶۵ نفر رای خود را در صندوق انداختند که به این ترتیب شاهد مشارکت ۳۱/۹ درصدی استان تهران در انتخابات دوره هشتم بودیم. این تعداد ۴۰ نفر را در بخش‌های بازرگانی، صنعت، معدن و کشاورزی برای ورود به ترکیب هیئت نمایندگان اتاق تهران انتخاب کردند. رقم مشارکت

درباره بخش خصوصی گرفته شود، ردپای اتاق بازرگانی دیده می‌شود. ما بخش عمده‌ای از این پیشرفت را مرهون تلاش‌های دکتر نهان‌دیان رئیس‌دفتر رئیس‌جمهور و رئیس پیشین اتاق ایران می‌دانیم، کمالینکه اتاق بازرگانی امروز در بیشتر نهادهای تصمیم‌گیری کشور حضور دارد و بدون مشورت با اعضای اتاق، بدون نظرخواهی از اعضای کمیسیون‌های اتاق کمتر مصوبه‌ای در ارتباط با بخش خصوصی به تصویب و تأیید مجلس و دولت می‌رسد. این یکی از اتفاقات خوبی است که طی چهارسال گذشته به دست آمده ولی کافی نیست، چراکه باید بتوانیم از این همه پتانسیل، از این همه استقبال و از این همه فکر خوبی که در بخش خصوصی شکل گرفته است، در جهت بهبود اقتصاد، بهبود تجارت، و اصولاً بهبود زندگی و رفاه مردم نهایت استفاده را ببریم.

درباره دلایل استقبال گسترده اعضای اتاق از انتخابات دوره هشتم برداشت‌های گوناگونی وجود دارد اما به عقیده نگارنده، یکی از دلایل مهم این استقبال خبرهای خوشی است که از مذاکرات ایران و کشورهای ۱+۵ به گوش می‌رسد. خبرهایی که می‌گوید داستان تحریم‌ها که لطمه فراوانی به اقتصاد کشور زد، به حمد الهی در حال اتمام است و فرآیندی که به نفع هیچ کدام از طرفین درگیر نبود با پیگیری مذاکرات برابر، پایاپای و احترام‌آمیز میان ایران و غرب رو به پایان است. اگر این اخبار را در نظر بگیریم، به نظر می‌رسد بخش خصوصی بسیار مدبرانه، آگاهانه و هوشیارانه عمل کرده و این استقبال گسترده از پارلمان بخش خصوصی نشان می‌دهد، از همین حالا فعالان اقتصادی خود را برای شرایط خروج از تحریم آماده می‌کنند.

آنچه اهمیت دارد آن است که هرکسی به عنوان نماینده این جمع گسترده بخش خصوصی به هیئت نمایندگان اتاق راه پیدا کرد، در جهت تعامل با دولت پیش برود نه در جهت تقابل، چراکه اقتصاد ما هیچ‌گاه از مسیر تقابل سودی نکرده و نخواهد کرد. نقد خوب است، ایراد گرفتن از مصوبات یا قوانین نامطلوب اثری مثبت و سازنده دارد اما افتادن به ورطه تقابل با دولت، به هر دو طرف دولتی و خصوصی لطمه می‌زند. این دو نیمه اقتصاد کشور باید در کنار هم و در جهت هم‌افزایی یکدیگر حرکت کنند. در این صورت مطمئناً راه دشوار پیش رو بسیار سریع‌تر طی می‌شود و همگی به اهداف تعیین‌شده خواهند رسید. چنانکه این رویکرد در اتاق نهادینه شده باشد، که به نظر می‌رسد شده است، بدون تردید اتاق هشتم نیز خط‌مشی دوره پیشین را دنبال خواهد کرد و به دلیل شرایط احتمالی حاکم بر آینده اقتصاد کشور، به مراتب قدم‌های مثبت‌تری در این راه خواهد داشت.



عکس یادگاری اعضای هیئت نمایندگان اتاق تهران در آخرین جلسه دوره هفتم



تقابل مُخرب و تعامل سودآور

اتاق هشتم خط‌مشی دوره پیشین را با قدرت بیشتری دنبال خواهد کرد



■ علیمردان شبیبانی

عضو دوره هفتم هیئت نمایندگان اتاق تهران

بخش خصوصی پیدا کرده است. به عبارت بهتر، اتاق بازرگانی به عنوان پارلمان بخش خصوصی پس از سال‌ها انتظار، آرام‌آرام به جایگاهی که می‌بایست داشته باشد دست یافته و اکنون تقریباً در هر فرآیندی که قرار است تصمیمی

استقبال گسترده اعضای فعال اتاق بازرگانی از انتخابات هشتمین دوره اتاق بازرگانی، که نسبت به دوره پیشین رشدی فاحش را نشان می‌دهد، گویای آن است که اتاق بازرگانی طی چهارسال اخیر جایگاه رفیع‌تری در نظر فعالان اقتصادی

هدف؛ تغییر رویه دولت

اتاق‌های بازرگانی با جایگاه واقعی خود فاصله دارند



■ محسن مهرعلیزاده

عضو منتخب دوره هشتم هیئت نمایندگان اتاق تهران

در سال‌های اخیر، هرچند به لحاظ قانونی مجاری تازه‌ای برای مشارکت اتاق‌های بازرگانی در تصمیم‌گیری‌ها و تصمیم‌سازی‌های کلان دولت در عرصه اقتصاد گشوده شده است اما این گشایش‌ها به هیچ‌وجه کافی نیست، چراکه نه تنها جایگاه اتاق و بخش خصوصی بسیار فراتر از این‌هاست، بلکه حتی از این امکان‌ها نیز به قدر کافی بهره‌برداری نشده است. به عقیده نگارنده، دولت و مجلس می‌توانند و باید بتوانند بیش از هشتاد درصد تصمیم‌گیری‌هایشان را به اتکال نظرات کارشناسی بخش خصوصی و جمع‌بندی‌های تخصصی اعضای اتاق‌های بازرگانی اتخاذ کنند. هرچند کسی دست قانون‌گذار و مسئولان دولتی را برای پذیرش اجباری نتایج پژوهش‌ها و پیشنهادات بخش خصوصی نبسته است، اما کیست که نداند صرفه و صلاح دولت و مجلس است که از حاصل تجربه‌ای که در اتاق‌های بازرگانی انباشته شده است استفاده کند. این ثروتی بی‌همتاست که دولت نباید از آن غفلت کند. اینکه طی سال‌های اخیر شوراهای گفت‌وگویی میان دولت و بخش خصوصی تشکیل شده و نمایندگان اتاق بازرگانی بعضاً به عنوان مشاور در برخی مجامع تصمیم‌سازی دولتی حضور دارند، تا اندازه‌ای راه را برای نقش‌آفرینی بخش خصوصی در اقتصاد باز کرده اما این هنوز درصدی از حد و اندازه‌های پتانسیل واقعی بخش خصوصی برای مشارکت در اداره کشور را نیز به کار نمی‌بندد.

متأسفانه هنوز این احساس که اقتصاد کشور به ایده‌ها، فکرها و کمک‌های بخش خصوصی نیازمند است ایجاد نشده است. هنوز هم به رغم کاهش قیمت نفت، با دلارهای نفتی به زندگی ادامه می‌دهیم، اگر جایی کم هم بیابوریم راه چین به ایران باز است، چنانکه اگر بخواهیم در داخل ارزانی شود، فوراً تعرفه‌ها را برمی‌داریم و سیل واردات را به سمت بازارهای داخل سرازیر می‌کنیم. چرا؟ چون هنوز معنای واقعی آن حدیث را که «ای به حال مردمی که می‌پوشند، آنچه را که خودشان نمی‌یافتند» درک نکرده‌ایم. با این حال هنوز هم امیدواریم با توجه به وضعیتی که کاهش قیمت نفت ایجاد کرده و خوشبختانه یا متأسفانه میلیاردها تومان از درآمد نفتی مان کاسته، در سال جدید، تغییری در رویکردهای دولت پدید آید. دولت امسال مجبور است کسری درآمدهایش را با درآمدهایی تازه جابجایی کند، برای تحقق این امر هیچ راهی جز توجه به تولید ندارد و این حاصل نمی‌شود جز با تقویت و اتکاب به بخش خصوصی؛ به طوری که هم دولت احساس کند باید پتانسیل‌ها و نیروهای بالقوه بخش خصوصی را به کار بگیرد و هم بخش خصوصی به این باور برسد که دولت به کمکش آمده است. نقطه وصل این دو، همین اتاق‌های بازرگانی هستند.

نخستین اولویت ما در پارلمان بخش خصوصی، تلاشی پیگیر برای افزایش مشارکت فعالان اعضا در روند کار اتاق بازرگانی است. بسیاری از فعالان اقتصادی اتاق را تنها به عنوان محلی برای تمدید کارت بازرگانی‌شان می‌شناسند، دیگری هم اتاق بازرگانی تنها در قامت نهادی به خاطر می‌آورند که در فلان قضیه گمرکی یا بهمان معضل بانکی به کمکشان نیامده است. هیچ وقت کسی این توقع را مطرح نکرده که اتاق بازرگانی در مورد واردات و صادرات، تدوین آیین‌نامه‌ها و مقررات چه کند تا وضعیت بهتر شود. هیچ‌گاه کسی توقع نداشته اتاق‌ها کاری در جهت تسهیل قوانین و مقررات انجام دهند. در هیئت نمایندگان دوره هشتم باید در یک فاصله زمانی کوتاه با اتخاذ مکانیسمی مناسب از طریق کمیسیون‌ها، نظرات بخش خصوصی را در زمینه‌های مختلف دریافت کنیم، تجمیع کنیم و به شکل قانون در آوریم و آنگاه با استفاده از لایه‌ها و ایزنی‌هایی که با دولت می‌کنیم به شکلی محکم و قوی، به آنها بقبولانیم که حاصل این مطالعه، هم یک مطالعه علمی، هم میدانی و هم عملیاتی است. با این کار نه تنها جایگاه بخش خصوصی را در کوتاه‌مدت در رویکردها و سیاست‌های دولت ارتقا خواهیم داد، بلکه خواهیم توانست در میان‌مدت و درازمدت، سلیقه و رویه دولت را تغییر دهیم.

در جست‌وجوی تاثیر گذاری کلان

چرايي شرکت گسترده اعضاي اتاق در انتخابات



■ مجتبی خسروتنج

رئيس هيأت نظارت بر هشتمين دوره انتخابات اتاق بازرگانی

شرکت گسترده اعضای اتاق‌های بازرگانی در هشتمین دوره انتخابات پارلمان بخش خصوصی تحلیل‌های فراوانی را برانگیخت و هرکسی از منظر خود به تحلیل این واقعه تاریخی پرداخت. نگارنده نیز با توجه به اینکه از نزدیک در جریان فعالیت اتاق بازرگانی طی سال‌های گذشته و چگونگی برگزاری انتخابات دوره اخیر بوده است، نکاتی را درباره دلایل این حضور قابل ذکر می‌داند:

۱ یکی از مهم‌ترین دلایل مشارکت مردم در انتخابات اتاق‌های بازرگانی، امیدی است که طی ماه‌های اخیر با روی کار آمدن دولت تدبیر و امید و پیشرفت مذاکرات ایران با کشورهای غربی، به تحولات قریب‌الوقوع و مثبت در بخش اقتصادی دارند.

۲ این حضور، لبیکي بود در پذیرش دعوت مسئولین نظام برای حضور بخش خصوصی در عرصه اقتصاد. گذشته از تاکید همیشگی مقام معظم رهبری بر لزوم نقش‌آفرینی بخش خصوصی در اقتصاد کشور، سخنرانی اخیر جناب آقای جهانگیری معاون اول رئیس‌جمهور در اتاق بازرگانی که گفته بود «دولت با تمام وجود آمادگی خود را برای استقبال از حضور و مشارکت بخش خصوصی در عرصه اقتصادی اعلام می‌کند» و اطمینان داد که «دولت نمی‌خواهد خودش به عنوان عامل اجرایی وارد فعالیت اقتصادی شود و در جایگاه واقعی‌اش به عنوان سیاستگذار باقی می‌ماند، نیز در افزایش حضور فعالان اقتصادی در انتخابات اتاق بی‌تاثیر نبود.

۳ به نظر در این دوره از انتخابات عملکرد انجمن و هیات‌های نظارت نیز در افزایش مشارکت تاثیرگذار بود چراکه این انجمن‌ها سعی کردند برخلاف دوره‌های پیش، نسبت به حضور کاندیداها با تفکرها و گرایش‌های مختلف در عرصه انتخابات پافشاری کنند، چنانکه ما در تهران حتی یک رد صلاحیت شده نداشته باشیم و تمامی کاندیداهای تهران بتوانند با انواع و اقسام ایده‌ها و عقاید در این عرصه حاضر شوند. بدین ترتیب فضا برای حضور دیدگاه‌های مختلف در اتاق فراهم شد.

۴ رفتن به سمت مکانیزه کردن شمارش آرا که همواره یکی از دغدغه‌های رای‌دهندگان بوده؛ نه تنها از نظر سرعت اعلام نتایج انتخابات، پیشرفتی قابل تقدیر به شمار می‌آید بلکه رفتن به سمت شمارش الکترونیکی، اعتماد و اطمینان خاطر بیشتری به شرکت‌کنندگان داد که در شمارش آرا اشتباهی صورت نخواهد گرفت و همین مشارکت را تا حد زیادی بالا برد.

۵ طی چهار سال گذشته بنگاه‌ها به دلیل شرایط رکود در فشار و مضيقه فراوان بودند. مادر این سال‌ها، بارها از شرکت‌های مختلفی می‌شنیدیم، که شرایط کار چه همکاری با کشورهای خارجی و چه در فروش داخلی، شرایط راحتی نیست. اکنون به نظر می‌رسد نگاه جدیدی در شرکت‌ها به وجود آمده که شاید در قالب حضور در تشکلهایی مثل اتاق، بعد از این بتوانند حضور دیگری در مسائل داشته باشند.

۶ در برخی از لیست‌های انتخاباتی، نمایندگان از تشکلهای فنی و مهندسی، و موسسات پولی و مالی به چشم می‌خورند که بعضاً صاحبان هولدینگ‌های بزرگ سرمایه‌گذاری هستند. وقتی چنین افرادی به صحنه می‌آیند، مسلماً گروهی از اعضای تشکلهای مرتبط را نیز به صحنه می‌کشاند.

■ ■ ■

به هر ترتیب، فرصتی که امروز رئیس اتاق بازرگانی با بهره‌گیری از آن، در قالب قوانین و مقررات، در ۳۶ کمیسیون و دستگاه تصمیم‌سازی حضور دارد و همان قوانینی که اجازه داده است نمایندگانی که در اتاق بازرگانی حضور دارند حداقل در ۹۰ سازمان و کمیسیون، طرف مشورت قرار بگیرند، همگی باعث می‌شود این احساس در فعالان بخش خصوصی به وجود بیاید که با حضورشان در اتاق می‌توانند در این صحنه‌ها حضور جدی‌تری داشته باشند.

رفتن به سمت
شمارش
الکترونیکی،
اعتماد و اطمینان
خاطر بیشتری به
شرکت‌کنندگان
داد که در
شمارش آرا
اشتباهی صورت
نخواهد گرفت و
همین مشارکت را
تا حد زیادی بالا
برد.

راهبردهایی که کارشناسان و فعالان اقتصادی و دولتی در مجموعه پرونده‌های مجله آینده نگر برای تحقق اقتصاد مقاومتی پیشنهاد کردند

مقاومت واقعیت

آینده‌نگر: حدود چهارده ماه از ابلاغ سیاست‌های کلی «اقتصاد مقاومتی» به رؤسای قوای سه‌گانه و رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام می‌گذرد. راهبردی کلان که به تصریح مقام معظم رهبری، قرار است در ادامه و تکمیل سیاست‌های گذشته، خصوصاً سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی، نقشه راه «حرکت صحیح اقتصاد کشور به سوی اهداف عالی» را ترسیم، و زمینه و فرصت تحقق «حماسه اقتصادی» را فراهم آورد. در فاصله بیش از یکسال از ابلاغ این سیاست‌ها تا امروز، مجله «آینده‌نگر» تلاش کرده است تا با تبیین و توضیح زوایای مختلف اجرای سیاست‌های «اقتصاد مقاومتی» و نظرخواهی از فعالان اقتصادی، نمایندگان مجلس، و اساتید علم اقتصاد و مسئولان اجرایی کشور، گامی هر چند کوچک در تسهیل فعالیت‌ها و شناسایی فرصت‌ها و تهدیدهای پیش روی دولت و بخش خصوصی برای تحقق این راهبرد بومی و ملی بردارد. آنچه در ادامه می‌خوانید جمع‌بندی نظرات کارشناسان و چکیده یافته‌های «آینده‌نگر» در شماره‌هایی پیاپی است که به موضوع اقتصاد مقاومتی پرداخته است. امیدواریم این چکیده و به نوعی سند راه، برای نقش آفرینان مسیر توسعه و پیشرفت کشور، و تحقق هر آنچه ایران اسلامی را در عین ایجاد و حفظ روابط برابر و احترام‌آمیز با جهان، به کشوری مستقل، پیشرفته و آباد تبدیل می‌کند، راهگشا باشد.

حداکثرسازی بهره‌وری از منابع صورت می‌گیرد. در چندسال گذشته شاهد تشدید تحریم‌های غرب علیه ایران بوده‌ایم و طبعاً عملکرد اقتصادی ایران تحت تاثیر تحریم‌ها رو به ضعف رفته است. هم تورم شدت گرفته و بیکاری بالاتر رفته و هم رشد اقتصادی مختل شده است. در حقیقت، اقتصاد مقاومتی - که هم شامل مدیریت مصرف و تامین امنیت غذایی است و هم شامل رقابت‌پذیر کردن اقتصاد ایران و همچنین پیشرفت‌های علمی و فنی و همین‌طور عدالت اجتماعی - مجموعه تدابیر و راهبردهایی است که دولتمردان باید در تعامل با جامعه مدنی و محافل کسب‌وکار به منظور بهبود عملکرد اقتصاد کشور و با هدف مقابله با تحریم‌های غرب اتخاذ کنند. این راهبرد کلان، مولفه‌های بسیاری دارد که برخی از شاخص‌ترین‌های آن در نمودار شماره یک قابل مطالعه است.

چالشی همیشگی به نام اقتصاد دولتی

یکی از مهمترین موانع تحقق اقتصاد مقاومتی، دولت بزرگ در ایران است، چنانکه بسیاری از کارشناسان معتقدند اگر بخواهیم ساختار دولتی اقتصادمان را حفظ کنیم، امکان اینکه بتوانیم به اقتصاد مقاومتی دست پیدا کنیم، وجود نخواهد داشت. یکی از جنبه‌های مهم اقتصاد مقاومتی عبارت است از به صحنه آوردن ظرفیت‌ها، استعدادها، مدیریت و سرمایه‌های مردم. در مقابل آن، اقتصاد دولتی قرار دارد که در نهایت، مدیریت، سرمایه و استعداد دولت را در صحنه می‌آورد. تجربه نشان داده، استعدادها و مدیریت دولت هیچ‌گاه نمی‌تواند شکوفایی روش‌های بخش خصوصی را داشته باشد و تنها موجب کاهش بهره‌وری

به معنای بازگشت به سیاست‌های دوران جنگ، نه به منزله «اقتصاد ریاضتی» و نه به معنای عدم تعامل اقتصادی با کشورهای دیگر و کشیدن دیوار به دور کشور، بلکه بازگشت به اقتصادی قدرتمند و سالم است. دیدگاهی که با بررسی بند به بند ابلاغیه اجرایی سیاست‌های اقتصاد مقاومتی می‌توان بر آن صحنه گذاشت. در حقیقت منظور از اقتصاد مقاومتی این است که بنیه اقتصادی قوی داشته باشیم، نقاط قوت خود را تقویت کنیم و اگر جایی نقطه آسیب‌پذیری ماست، آن را شناسایی، رفع و نه‌تنها از معرض آسیب خارج کنیم بلکه فکری به حال تقویت و توان‌افزایی آن کنیم تا هم به اهداف عالی کشور دست یابیم و هم در صحنه جهانی در تعامل با دیگر کشورها حرفی برای گفتن داشته باشیم. اقتصاد ریاضتی یک برنامه کوتاه‌مدت و موقت مربوط به گذار از شرایط خاصی است که رکود یا شوک ناگهانی مانند سیل، زلزله، جنگ یا تحریم‌های خارجی وجود دارد و ممکن است محور آن ریاضت باشد. به این معنا که سیاست محوری دولت و یا اجماع ملی بر صرفه‌جویی حداکثری و کاهش مصرف خصوصی و عمومی و یا خوداتکایی و درون‌گرایی حداکثری قرار می‌گیرد. در صورتی که اقتصاد مقاومتی یک برنامه بلندمدت برای رسیدن به توسعه و افزایش رفاه عمومی است. کاهش مصرف خصوصی و مخارج عمومی یا محدودیت‌هایی حتی در سرمایه‌گذاری‌های متعارف در برنامه اقتصاد ریاضتی یک اجبار (معمولاً موقتی) است درحالی که در برنامه اقتصاد مقاومتی به هیچ وجه اجبار نیست بلکه یک انتخاب عالمانه است که براساس

نه ریاضت اقتصادی، نه اقتصاد وابسته

یکی از مهمترین مباحثی که پس از ابلاغ سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی در محافل اقتصادی مطرح بود، ارائه تعریفی جامع با استفاده از تجربیات گذشته ایران و جهان در حوزه اقتصاد و یافتن نمونه‌ای مشابه برای تبیین عینی این راهبرد بود. موضوعی که وقتی به بحث گذاشته شد، به روشن شدن ابعاد مختلف این بحث انجامید. تقریباً تمامی کارشناسان، فعالان و مسئولان اقتصاد کشور معتقدند اقتصاد مقاومتی نه



نمودار شماره یک: مولفه‌های اقتصاد مقاومتی



خواهد شد. بنابراین، اقتصاد باید رشد غیردولتی داشته باشد. دولت وظایفی دارد که باید همان وظایف خاص خود را انجام دهد و از ورود به محیط کسب و کار و بنگاه‌داری خودداری کند. اقتصاد اصولاً باید عرصه فعالیت بخش خصوصی باشد و دولت نقش هدایتگر سیاست‌های کلان را برعهده بگیرد. جایی که دولت در اقتصاد دخالت می‌کند باید محدود به مواردی باشد که زمینه برای بخش خصوصی فراهم نشده و دولت برای فراهم آوردن این امکان نقش آفرین شود، زمینه را آماده کند و خود خارج شود. در اقتصاد ایران، کار دولت‌ها سیاست‌گذاری، پشتیبانی و بازکردن مسیر برای مردمی کردن اقتصاد است.

۲ نفت در مسیر مقاومت؛ فرصت یا تهدید؟

آیا اگر ایران دارای ذخایر نفتی نبود، راحت‌تر می‌توانست به اقتصاد مقاومتی جامعه عمل بپوشاند یا اکنون که طلای سیاه را در اختیار دارد؟ صنعت نفت نه تنها بالاترین نقش را در ایجاد درآمد ارزی برای ایران دارد، بلکه اساسی‌ترین عامل چانه‌زنی در سطح منطقه و جهان برای حفظ منافع استراتژیک و اقتصادی ایران به‌شمار می‌آید و موتور محرکه اقتصاد کشور است. بند دهم ابلاغیه اقتصاد مقاومتی تأکید دارد که در چارچوب اقتصاد مقاومتی، ما باید در جهت «حمایت همه‌جانبه هدفمند از صادرات کالاها و خدمات به تناسب ارزش افزوده و با خالص ارزش افزوده مثبت» بکوشیم. صنعت نفت و گاز یکی از عرصه‌هایی است که می‌توان در بخش صادرات به آن پرداخت و به افزایش صادرات «فراورده‌های نفتی» بجای «خام‌فروشی» بخشی از کاهش درآمدهای نفتی در سال جاری را جبران کرد. گذشته از صادرات، ما در ایران بسیاری از پروژه‌های نفتی را داریم که پیشرفت آنها، تنها به خاطر کمبود نقدینگی متوقف شده است. یکی از پیشنهادهایی که در راستای مردمی‌سازی اقتصاد و تقویت بخش خصوصی در راستای تحقق اقتصاد مقاومتی در حوزه نفت و گاز مطرح است، گشودن راهی برای مشارکت مردم در توسعه میادین نفتی و پروژه‌هایی همچون پارس جنوبی است. اگر قبول کنیم که مالک اصلی ذخایر نفت و گاز کشور شهروندان فعلی و نسل‌های آینده این مرزوبوم هستند، مشارکت آن‌ها در توسعه این صنعت امری طبیعی است ولی دولت‌ها همواره به بهانه حفاظت از این ذخایر با مشارکت ایرانیان در درآمد طرح‌های نفت و گاز موافق نبودند، در حالی که خارجی‌ها در شرایط ویژه‌ای می‌توانستند از آن بهره‌مند شوند. نیاز به سرمایه‌گذاری در طرح‌های انرژی طی دوسال آینده به‌طور کلی بیش از ۷۰ میلیارد دلار پیش‌بینی می‌شود که از این مقدار حدود ۶۰ درصد آن می‌باید برای توسعه میادین نفت و گاز و تزریق به میادین نفتی هزینه شود و بقیه برای صنایع پایین‌دستی و صنایع گازبر، پتروشیمی و

نیروگاه‌ها و انرژی‌های نو به‌کار گرفته شود. به عقیده کارشناسان اقتصادی، از آنجا که احتمال جذب این حجم سرمایه‌گذاری در شرایط فعلی از طرف شرکت‌های خارجی دور از انتظار است و در عین حال بسیاری از طرح‌های نیمه‌تمام فعلی را می‌توان در کمتر از دوسال به بهره‌برداری رسانید، اهمیت سرمایه‌گذاری فوری در این طرح‌ها برای تکمیل آن‌ها و ایجاد درآمد روشن است. اگر قسمتی از این نیاز بتواند از مشارکت‌های مردمی در این طرح‌ها به‌دست آید منافع فراوانی از جمله کمک به جلوگیری از فرار سرمایه از کشور، جذب سرمایه ایرانیان خارج از کشور، جذب سرمایه از حوزه خلیج فارس، کمک به جلوگیری از افزایش تورم به علت سرازیر شدن ریال‌های سرگردان به بخش‌های غیرتولیدی، افزایش درآمد خزانه از طریق مالیات بر منافع این سرمایه‌گذاری‌ها و بیمه‌های مربوطه، و تسریع در اجرای طرح‌های توسعه نفت و گاز ایران، به دنبال خواهد داشت.

یکی دیگر از ظرفیت‌های حوزه انرژی برای تحقق اقتصاد مقاومتی موضوع اصلاح الگوی مصرف و افزایش بهره‌وری در این بخش است. یک مصداق روشن صرفه‌جویی انرژی، در مصارف روشنایی خانگی و صنعتی است که بیش از ۳۰ درصد انرژی برق کشور را مصرف می‌کند. در سطح کلان صنعت نفت نیز می‌توان این صرفه‌جویی و بهره‌وری را به شکلی دیگر مشاهده کرد: طی سال‌های اخیر، برخی پروژه‌های غیر اولویت‌دار متوقف شده و اولویت اول به میادین پارس جنوبی داده شده که امر مثبتی است اما در مورد سایر میادین مشترک و از جمله لایه نفتی پارس جنوبی نیز اقدامات جدی‌تری مورد نیاز است. خصوصاً که در زیر بخش‌های انرژی، سازمان‌های ناکارآمد و پُرهزینه زیادی وجود دارند که باید مورد رسیدگی جدی قرار گیرند.

از طرف دیگر، عرصه انرژی پتانسیل دیگری نیز برای تحقق اقتصاد مقاومتی دارد که باید از آن با عنوان «دیپلماسی انرژی» یاد کرد. ایجاد وابستگی و اتصالات برای ما منافع اقتصادی و اثرگذاری سیاسی و دیپلماتیک به دنبال دارد و پایداری و ثبات امنیتی ایجاد می‌کند. ضمن اینکه نباید بازارهای دور را هم از نظر دور بداریم. کارشناسان صنعت انرژی معتقدند گاز ارزان می‌تواند ابزاری برای در دست گرفتن ابتکار عمل بسیاری از بازارهای دنیا و ابزاری مهم در راستای گسترش دیپلماسی انرژی در جهان است که نه فقط منافع اقتصادی بلکه منافع سیاسی فراوانی به دنبال دارد. به عنوان مثال، وقتی ایران گاز ژاپن را تأمین کند این کشور در سازمان ملل روبه‌روی او نمی‌ایستد. دیپلماسی انرژی همین است و باید ابزارش را فراهم کنیم؛ فراهم کردن ابزار هم تنها با ظرفیت‌سازی امکان‌پذیر است. (نمودار دو)

۳ اقتصاد دانش‌بنیان و فرصت‌های نو یافته

یکی از اصول و مواد تعیین شده در اقتصاد مقاومتی درباره حرکت در جهت اقتصاد

دانش‌بنیان است. بند دوم سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی ابلاغ شده از جانب مقام معظم رهبری مربوط به این موضوع است که: «پیشسازی اقتصاد دانش‌بنیان، پیاده‌سازی و اجرای نقشه جامع علمی کشور و ساماندهی نظام ملی نوآوری به منظور ارتقاء جایگاه جهانی کشور و افزایش سهم تولید و صادرات محصولات و خدمات دانش‌بنیان و دستیابی به رتبه اول اقتصاد دانش‌بنیان در منطقه». اما تحقق این امر مستلزم پیش‌زمینه‌هایی است که بدون وجود آن‌ها امکان دارد اقتصاد دانش‌بنیان آنچنان که باید و شاید به نتیجه نرسد.

اول، ورود به مرحله اقتصاد دانش‌بنیان، در درجه اول مستلزم پذیرش چهار چوب عقلانیت و دانش اقتصادی است. دوم، اقتصاد دانش‌بنیان باید به‌گونه‌ای اجرایی و عملی شود که این اقتصاد به موتور محرک سایر بخش‌ها تبدیل شود. نمی‌توان دل خود را به بالا بودن مقالات ISI و رشد شاخص‌های علمی خوش کرد، بلکه مسئله مهم بهره‌برداری از آنهاست و اگر نتواند به ارزش افزوده اقتصادی و نیز تولید نیازهای جامعه و مردم تبدیل شوند، به سرعت نتیجه عکس خواهد داد. سوم، اگر چه اقتصاد دانش‌بنیان در مرحله اولیه خود نیازمند کمک‌های دولت است، ولی این کمک‌ها باید با برنامه و با جهت‌گیری روشن باشد و موجب رانت نشود. به‌ویژه در ایران که بودجه دولت از نفت است، به سهولت می‌توان به نام تقویت اقتصاد دانش‌بنیان، اقداماتی را انجام داد که جز رانت برای عده‌ای، ثمر دیگری نداشته باشد. چهارم، اقتصاد دانش‌بنیان، بدون ارتباط با اقتصاد جهانی نمی‌تواند پیشرفت کند. قطع ارتباط با جهان بیرون از یک سو موجب انزوای علمی و ناتوانی در کسب دانش می‌شود و از سوی دیگر اگر دستاوردی هم داشته باشد، به سهولت به دست دیگران می‌رسد بدون آنکه از دستاوردهای دیگران بتوان بهره‌ای جست. پنجم، اقتصاد دانش‌بنیان به دلیل پیشرفته‌تر بودن، نیازمند استانداردهای بالاتری برای محیط کسب و کار است. در حالی که وضعیت شاخص‌های محیط کسب و کار در ایران به نسبت پایین است، لذا ضروری است این شاخص‌ها ارتقا یابد.

۴ معدن و صنایع معدنی؛ گنج پنهان اقتصاد ایران

هرچند درآمدهای ناشی از فروش نفت همواره یکی از مهمترین پایه‌های توسعه کشور در یک قرن گذشته بوده، اما کاهش وابستگی و هدایت این درآمدها به سمت توسعه زیرساخت‌ها و مسائل بنیادین اقتصاد نیز آرزوی همیشگی بوده است. رهبر معظم انقلاب سوم مردادماه ۱۳۹۱ در سخنانی با اشاره به لزوم کاهش وابستگی اقتصاد کشور به نفت گفته

نمودار دو: تحقق اقتصاد مقاومتی در حوزه انرژی

ملزومات اقتصاد مقاومتی در حوزه نفت و انرژی

توسعه دیپلماسی انرژی با استفاده از ابزار گاز ارزان
اصلاح الگوی مصرف و افزایش بهره‌وری
جذب مشارکت بخش خصوصی در پروژه‌های نفتی
گسترش صادرات فراورده‌های نفتی



یکی از مهمترین موانع تحقق اقتصاد مقاومتی، دولت بزرگ در ایران است، چنانکه اگر بخواهیم ساختار دولتی اقتصادمان را حفظ کنیم، امکان دستیابی به اقتصاد مقاومتی، وجود نخواهد داشت.





بودند: «به نظر من کاهش وابستگی به نفت، یکی از الزامات اقتصاد مقاومتی است. این وابستگی، میراث شوم صدساله ماست. ما اگر بتوانیم از همین فرصت که امروز وجود دارد، استفاده کنیم و تلاش کنیم نفت را با فعالیت‌های اقتصادی درآمزای دیگری جایگزین کنیم، بزرگترین حرکت را در زمینه اقتصاد انجام داده‌ایم.» یکی از مزیت‌های مهم و صنایع درآمدزای کشور پس از نفت و گاز، منابع معدنی و صنایع وابسته به آن است که در حال حاضر در وضعیت بسیار خوب و ممتازی قرار دارد. چنانکه با توجه به وجود ۶۴ نوع ماده معدنی و بیش از ۵۷ میلیارد تن ذخیره قطعی و احتمالی در ایران، رتبه نخست ذخایر معدنی را در خاورمیانه به خود اختصاص داده‌ایم. برخی با استناد به همین منابع، «معادن» را بازوی قدرتی اقتصاد مقاومتی می‌نامند و معتقدند دولت باید اولویت کاری خود را در حمایت از بخش سرمایه‌گذاری فرآوری مواد معدنی متمرکز کند و موانع پیش روی معدنکاران و سرمایه‌گذاران فرآوری مواد معدنی را بردارد چراکه با این کار می‌تواند با کاهش نرخ «بیکاری»، یکی از مهمترین دغدغه‌های بخش بزرگی از جمعیت کشور را برطرف کند. به عقیده کارشناسان امر، سرمایه‌گذاری دولت بر تهیه اطلاعات پایه معدنی به‌ویژه تدوین نقشه جامع معدن و صنایع معدنی بر اساس نقشه جامع علمی کشور، برنامه‌ریزی برای مدیریت هدفمند نظام آموزش فنی و حرفه‌ای کشور جهت کسب مهارت‌های پیشرفته مورد نیاز در بخش معدن، تعریف اقتصاد اکتشاف در کشور، سیاستگذاری مناسب برای ایجاد شرکت‌های اکتشافی داخلی، و فراهم آوردن شرایط برای حضور شرکت‌های اکتشافی بین‌المللی در معادن ایران از جمله بایسته‌ها و پیش‌زمینه‌های توسعه بخش معدن و صنایع معدنی و تحقق اقتصاد مقاومتی در این حوزه است.

۵ پروژه‌های عمرانی وزیر ساخت‌های مقاومت

یکی از دغدغه‌های مهم در مسیر تحقق اقتصاد مقاومتی، وضعیت حاکم بر پروژه‌های عمرانی و توسعه زیرساخت‌های کشور است. طی سال‌های اخیر با توجه به کاهش درآمدهای ارزی ناشی از تحریم‌های بین‌المللی و پایین آمدن قیمت نفت، اختصاص اعتبار به پروژه‌های عمرانی کشور به حاشیه رفته و بسیاری از این پروژه‌ها به خاطر نبود نقدینگی لازم، نیمه‌تمام رها شده‌اند. این رویکرد با فلسفه پروژه‌های عمرانی فاصله زیادی دارد، چراکه از دیرباز، پروژه‌های عمرانی مسیری برای سرمایه‌گذاری‌های بالاسری اقتصادی و اجتماعی به‌منظور ایجاد زمینه‌ها و صرفه‌های مکانی و مقیاس

برای سرمایه‌گذاری مستقیماً مولد بخش خصوصی بوده و از این جهت یک زمینه و ضرورت اجتناب‌ناپذیر برای توسعه است. این حوزه از اقتصاد تا آنجا مهم است که بخش مهمی از هزینه‌های عمرانی جاری به خودی خود و فی‌نفسه هیچ موضوعیتی ندارند بلکه صرفاً اعتباراتی هستند که باید برای حفظ و نگهداری سرمایه به‌دست آمده از محل سرمایه‌گذاری‌های عمرانی صرف شوند. اتفاقی که طی سال‌های اخیر در اقتصاد کشور رخ داده، درست عکس این شرایط را رقم زده است، به‌طوری که ما اولویت را به اعتبارات جاری داده‌ایم و اعتبارات عمرانی هم در صورتی که منابعی در اختیارمان باشد یا ظرفیت اجرایی داشته باشند، در دستور کار دولت قرار می‌گیرند؛ رویکردی که با روح کلی اقتصاد مقاومتی در تعارض است. به هر ترتیب هرچند شرایط پروژه‌های عمرانی چندان مساعد نیست، اما دولت اعلام کرده برنامه‌هایی برای بهبود اوضاع در دستور کار دارد. یکی از مهمترین این دستاوردها، موضوعی بود که محمداقبر نوبخت سخنگوی دولت اعلام کرد. اینکه «دولت در طرح‌های عمرانی هیچ پروژه‌ای را جلو نمی‌برد مگر اینکه ۸۰ درصد آن به لحاظ فیزیکی پیشرفت داشته باشد. این اولویت‌بندی برای اختصاص اعتبار به پروژه‌هایی که زودتر به بهره‌برداری خواهند رسید، از جمله رویکردهای دولت است که از سوی کارشناسان این حوزه مورد تأیید قرار گرفته است. اما آنان علاوه بر این برنامه موقت که از سوی دولت در نظر گرفته شده است، برخی پیش شرط‌ها را برای تحقق اقتصاد مقاومتی در حوزه پروژه‌های عمرانی لازم می‌دانند که عبارتند از: اولویت قرار گرفتن منافع ملی در اجرای پروژه‌های عمرانی، تحول در رویکرد دولت به پروژه‌های عمرانی و سپردن کار به بخش خصوصی، وارد کردن دانش و تکنولوژی به منظور روزآمد کردن بخش عمرانی کشور، تقویت توان مدیریتی و انتخاب مدیران لایق برای بخش‌های عمرانی، ممانعت از گران شدن اجرای پروژه‌ها و جذب سرمایه‌گذاری خارجی.

۶ صنایع کوچک و متوسط؛ ارتش بی‌زنرال

به اعتقاد برخی کارشناسان اقتصادی، یکی از بسترهای مناسب پیاده‌سازی مولفه‌های اقتصاد مقاومتی، صنایع کوچک و متوسط هستند چراکه به دلیل انعطاف‌پذیری‌شان نسبت به صنایع بزرگ می‌توانند تغییرات بهره‌ورانه بیشتری را بپذیرند و برای پیاده‌سازی اهداف اقتصاد مقاومتی نسبت به صنایع بزرگ در اولویت قرار بگیرند. این صنایع به دلیل کوچک‌تر بودنشان در مقابل تغییر قوانین مقاومت کمتری دارند و می‌توانند با سایر بنگاه‌ها تعامل بهتری داشته باشند، خصوصاً اینکه یکی از مولفه‌های اقتصاد مقاومتی آن است که علاوه بر اینکه اقتصادمان پیشرو باشد باید با فضای بین‌المللی هم ارتباط داشته باشد. این صنایع از طرف دیگر، به راحتی می‌توانند به سمت اقتصادهای دانش‌بنیان هم بروند که با مولفه‌های

اقتصاد مقاومتی همخوان است و پیاده‌کردن اصول ابلاغیه اقتصاد مقاومتی را در این صنایع تسهیل می‌کند. صنایع کوچک و متوسط در دهه‌های گذشته همواره مورد بی‌مهری و قربانی سوءمدیریت‌ها بودند. شرایطی که طی سال‌های اخیر و در دولت گذشته به شدت تشدید شد. علت این بود که ما بیش از این صنایع، به صنایع بزرگی چون نفت، پتروشیمی، فولاد، سیمان و... توجه کردیم، درحالی که طبق آمارهای موجود، صنایع بزرگ تنها ۳۰ درصد صنعت کشور را اشغال کرده‌اند حال آن‌که ۶۰ تا ۷۰ درصد صنعت موجود در کشور ما به صنایع کوچک و متوسط اختصاص دارد و این یعنی نقشی بی‌بديل در ایجاد اشتغال. با این تفاسیر، به نظر می‌رسد توجه و حمایت دولت از صنایع کوچک و متوسط به جای صنایع بزرگ به‌ویژه در شرایط فعلی بتواند رشد و شکوفایی اقتصاد کشور و خروج از وضعیت رکود تورمی و به تبع آن تثبیت اقتصاد مقاومتی را به‌نحو بهتری محقق کند. خصوصاً آنکه صنایع بزرگی مانند صنعت خودروسازی



نظام بانکی؛ پشتیبان مقاومت

بدون شک، یکی از مهمترین پیش شرط‌های تحقق اقتصاد مقاومتی چنانکه در بند نهم ابلاغیه مقام معظم رهبری آمده است «اصلاح و تقویت همه‌جانبه نظام مالی کشور با هدف پاسخگویی به نیازهای اقتصاد ملی، ایجاد ثبات در اقتصاد ملی و پیشگامی در تقویت بخش واقعی» است. بانک‌ها بر مبنای کارکرد تعریف شده خود، به عنوان تامین‌کننده و واسطه مالی، می‌توانند با تامین به‌موقع و مناسب منابع مالی مورد نیاز بنگاه‌های اقتصادی و نیز با اتخاذ روش‌های ساده و شفاف در ارتباط با مشتریان خود، نقش ممتازی در بهبود فضای کسب‌وکار و تحقق اقتصاد مقاومتی ایفا کنند. در این راستا بازآرایی و اصلاح مقررات و قوانین حاکم بر نظام بانکی، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است. از طرف دیگر، بدون تغییر و اصلاح نرخ سود سپرده و نرخ تسهیلات و متناسب کردن آنها با نرخ تورم ممکن نیست که نظام بانکی وضعیت مطلوبی پیدا کند. یکی دیگر از نکات مهم برای تحقق اقتصاد مقاومتی خارج شدن بانک‌ها از سیاست بنگاهداری است. متأسفانه برخی از بانک‌های غیردولتی بیش از آنکه به معنای دقیق وظیفه بانک را که جمع‌آوری منابع مردم و هدایت آن به سوی اقتصاد مولد است انجام دهند، در مقام تامین نیازهای

توجه به منافع ملی در اولویت‌بندی و اجرای پروژه‌ها
سپردن پروژه‌ها به بخش خصوصی
وارد کردن تکنولوژی
جذب سرمایه‌گذاری خارجی

نمودار چهار: اقتصاد مقاومتی در نظام بانکی



سهامداران اصلی خود که بنگاه‌های تولیدی و خدماتی بزرگ هستند قرار دارند. در واقع به دلیل کارکرد ناصحیح بانکها، بنگاه‌های بزرگ اقدام به تاسیس بانک کرده‌اند و آن را به خدمت خود درآورده‌اند و این کار شامل وظایف بانک به عنوان یک بنگاه مدرن نیست. افزایش نظارت بر بانک‌ها برای جلوگیری از بروز فساد بانکی، تصویب قوانین و بخشنامه‌های الزام‌آور برای بانک‌ها جهت اعطای تسهیلات ارزان به بخش تولید کشور، در نظر گرفتن سازوکاری برای بازگشت معوقات بانکی، و برقراری رقابت کامل در عین آزادی عمل کافی، از دیگر مواردی است که بهبود عملکرد نظام بانکی کشور و داشتن بانکی متناسب با اقتصاد مقاومتی یاری خواهد رساند.

نظام توزیع؛ شبکه مقاومت ملی

«شفاف و روان‌سازی نظام توزیع و قیمت‌گذاری و روزآمدسازی شیوه‌های نظارت بر بازار» خواسته‌ای است که در قالب بند ۲۳ سیاست‌های ابلاغی اقتصاد مقاومتی مطرح شده است. موضوعی که به نظر می‌رسد نیازمند بازنگری در نظام توزیع به عنوان مویرگ‌های اقتصاد ایران باشد. یکی از مهمترین مشکلات نظام توزیع ایران، فقدان ساماندهی و داده‌های صحیح آماری است. هر تغییری به آمار دقیق و شفافیت نیاز دارد. ما آمار دقیقی از واحدهای صنفی و جزییات آنکه کدامشان توزیعی و کدامشان تولیدی است نداریم. همچنین از میزان فعالیت‌های انجمن‌های صنفی و توزیع‌کنندگان کالا و ... نیز برآوردی وجود ندارد و پرواضح است که اگر آمار شفاف و درستی در دسترس نباشد نمی‌توان نیاز زمانه را تعیین کرد. مسئله دیگر اینکه، نظام توزیع کالا و خدمات، زمانی مطلوب عمل می‌کند که در آن کالا و خدمات در کمترین زمان با کمترین هزینه از تولیدکنندگان (یا بخش واردات) به مصرف‌کنندگان



نمودار پنج: اقتصاد مقاومتی در نظام توزیع

انتقال یابد، ضمن آنکه در کلیه مراحل این فرآیند همچون نگهداری، چیدمان، حمل‌ونقل و در نهایت عرضه کالا و خدمات، استانداردهای لازم در ارائه کالا و خدمات رعایت گردد. از طرف دیگر، به عقیده برخی کارشناسان، برای اصلاح نظام توزیع کالا و رسیدن به این مهم، باید از ظرفیت تعاونی‌ها بیش از پیش استفاده شود، چراکه از این طریق بخش قابل توجهی از هزینه‌ها کاهش خواهد یافت. برآیند نظرات کارشناسان در گفت‌وگو با آینده‌نگر این است که «مشکل نظام توزیع دولتی رانتی و غیرقابل رقابت و عدم وجود شفافیت در اقتصاد کشور و زنجیره تامین جدی است». آنها بهترین راه‌حل را سیاست‌گذاری دولتی، برنامه‌ریزی اصولی و ایجاد فضای رقابتی شفاف و غیررانتی توسط حاکمیت و تصدی‌گری توسط بخش خصوصی می‌دانند. بر این اساس همچنین، مواردی چون رانت‌دایی، شفاف‌سازی، استفاده حداکثری از توان داخلی با توجه به مزیت‌ها، فعال کردن اصناف، اتحادیه و تشکلهای مردم‌نهاد فراگیر ملی نیز می‌تواند باعث هم‌افزایی و بهره‌وری شود. تشکیل شورای سیاست‌گذاری به عنوان متولی و سیاست‌گذار اصلی هر گروه همگن صنعتی و یا زنجیره‌های کسب‌وکار و همچنین اصلاح نظام تعرفه‌ای به سمت نظام عدالت‌محورانه هم از دیگر پیشنهاداتی است که در حوزه اصلاح نظام توزیع و سوق دادن آن به سمت تحقق اهداف اقتصاد مقاومتی مطرح است.

دیپلماسی اقتصادی؛ پیش‌شرط صادرات

یکی از مهمترین عرصه‌های حضور موثر در اقتصاد بین‌الملل، خصوصاً در کشورهایی که از داشتن سوخت‌های فسیلی و سایر درآمدهای خدادادی محرومند، صادرات خدمات است. موضوعی که در ایران به واسطه وجود همیشگی درآمدهای نفتی کمتر به آن توجه شده است. یکی از مهمترین موضوعات در این رابطه، بازاریابی خدمات است. ما باید در این عرصه سه استراتژی مهم را مورد توجه قرار دهیم: نخست استراتژی گزینش بازارها، دوم استراتژی ورود به بازارها و سوم استراتژی تداوم حضور در بازارها که ما در هر سه مورد نقص داریم. جالب اینکه اگر به آمارهای خدمات و بازارهایی که موفق به صادرات خدمات به آن‌ها شده‌ایم نگاهی ببندیم، می‌بینیم که نسبت معناداری میان توسعه صدور خدمات فنی‌ومهندسی و ارتباطات و دیپلماسی سیاسی- اقتصادی دولت‌هایمان با این کشورها وجود دارد. چنانکه اجرای پروژه‌هایی در کشورهای روسیه، بلاروس، ونزوئلا و سایر کشورهای مشابه، همین ارتباط معنادار را نشان می‌دهد. هر چند در حوزه کالا، ارتباطات تجاری قدیمی بخش خصوصی تاثیرگذار است، اما در حوزه صادرات خدمات به‌ویژه خدمات فنی و مهندسی، به نظر می‌رسد، پشتیبانی دولتی در داخل و تسهیل دیپلماتیک در حوزه بین‌الملل نقش بیشتری در ورود به بازارها دارند. جز خدمات فنی‌ومهندسی، ما در حوزه‌های گردشگری،

پزشکی و ... نیز مزیت‌های نسبی و پتانسیل‌های فراوانی داریم که استفاده از آن‌ها به تثبیت جایگاه منطقه‌ای و جهانی کشور و تحقق اقتصاد مقاومتی کمک شایان توجهی خواهد کرد.

فساد؛ پاشنه آشیل اقتصاد

«اگر ما بتوانیم به یک اقتصاد سالم برسیم، بخش بزرگی از اقتصاد مقاومتی محقق شده است». این سخن رئیس سابق کمیسیون اقتصادی مجلس، شهابیت غزل اقتصاد مقاومتی است. موضوعی که در ماده ۱۹ ابلاغیه رهبری با عنوان «شفاف‌سازی اقتصاد، سالم‌سازی آن و جلوگیری از اقدامات، فعالیت‌ها و زمینه‌های فساد» در حوزه‌های پولی، تجاری، ارزی و ... مورد توجه قرار گرفته و تاکید دوباره است بر لزوم مبارزه با فساد اقتصادی، رانت‌خواری و انواع اختلال در نظام اقتصادی کشور، به عنوان پیش‌شرط تحقق اقتصاد مقاومتی. برخی بوروکراسی پیچیده اداری را عامل اصلی بروز فساد در کشورهایی نظیر ایران می‌دانند، دیگری تودرتویی نهادهای را عاملی مهمتر به‌شمار می‌آورند، کسانی فقدان نهادهای مدرن را عامل استیصال در برابر فساد سیستماتیک ارزیابی می‌کنند و بعضی دیگر تورم و کاهش ارزش پول ملی را یکی از منابع ورود فساد به اقتصاد کشور معرفی می‌کنند. فساد ناشی از هر کدام از این عوامل باشد، بدون شک، خود منشأ لطمات فراوانی برای اقتصاد یک کشور است و به مثابه «پاشنه آشیل» امنیت اقتصادی را مورد تهدید قرار می‌دهد. یکی از راه‌حل‌های پیشگیری از بروز فساد که باید به آن فکر کرد، تقویت جامعه مدنی به معنای کلی است. درواقع اگر تشکلهای مدنی، احزاب سیاسی و رسانه‌ها، سندیکاها، کارگری، مردمی و اتحادیه‌ها در عرصه عمومی جامعه فعالیت کنند، جلوی بسیاری از کژکاری‌ها گرفته خواهد شد. افزایش هزینه و کاهش درآمد حاصل از فساد برای مفسدان و وجود فضای باز رسانه‌ای جهت افشای بی‌واهمه موارد فساد از دیگر پیش‌شرط‌های مبارزه با فساد در یک جامعه است. شفاف‌سازی در عرصه‌های مدیریتی و اجرایی کشور، کاهش پیچیدگی‌های اداری، افزایش کنترل و نظارت بر مناقصات اقتصادی، اولویت قرار دادن مبارزه با عوامل فسادساز بر مبارزه با مفسد، اصلاح روابط و ضوابط اعطای وام‌های بانکی، کاهش تعداد نهادهای موازی نظارتی و کاهش شکاف میان قیمت پول رسمی و غیررسمی از جمله مواردی است که برای پیشگیری از بروز فساد لازم و موثر است.

نمودار شش: اقتصاد مقاومتی و مبارزه با فساد



ما اولویت را به اعتبارات جاری داده‌ایم و اعتبارات عمرانی هم در صورتی که منابعی در اختیارمان باشد یا ظرفیت اجرایی داشته باشند، در دستور کار دولت قرار می‌گیرند؛ رویکردی که با روح کلی اقتصاد مقاومتی در تعارض است.



■ محمدرضا
بختیاری
معاون امور
بین الملل اتاق
تهران

هند

گزارش اتاق تهران از هفتمین اجلاس «گجرات پویا ۲۰۱۵»



گجرات در ساحل غربی هند واقع شده و از سال ۲۰۰۵ تاکنون رشد اقتصادی حدود ۱۰ درصد داشته که از متوسط رشد اقتصادی هند بیشتر است.

آینده نگار

شماره سی و ششم / فروردین ۱۳۹۴

گجرات به یک قطب تجارت جهانی تعریف شده است. جالب این جاست که نخست وزیر جدید هند قبل از انتخاب به سمت جدید سال‌ها سروریز ایالت گجرات بوده و از این نظر علاقه خاصی به توسعه و پیشرفت این ایالت دارد ضمن اینکه ایالت گجرات زادگاه مهاتما گاندی بنیان‌گذار کشور هند است و با ۶۰ میلیون نفر جمعیت دارای امکانات فراوانی بدین شرح است:

گجرات در ساحل غربی هند واقع شده و به شهرهای مهم دنیا از راه‌های هوایی و دریایی مرتبط است. این ایالت از سال ۲۰۰۵ تاکنون رشد اقتصادی حدود ۱۰ درصد داشته که از متوسط رشد اقتصادی هند بیشتر است و رتبه اول در بین ایالات مختلف هند را دارد. سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی گجرات ۹/۵ میلیارد دلار از کل سرمایه‌گذاری ۲۵۵ میلیاردی در هند است. دولت گجرات قصد دارد ظرف ۵ سال آینده ۳/۳ میلیارد دلار در صنایع نساجی سرمایه‌گذاری نماید که بیش از یک میلیون شغل در این بخش را ایجاد خواهد کرد. گجرات با تولید ۹۳۰۰۰۰ عدل پنبه، ۶۰ درصد صادرات این محصول را به خود اختصاص داده و ۵۰ درصد تولید ابریشم، ۶۵ درصد تولید کتان، ۲۵ درصد تولیدات صنعتی نساجی در این ایالت به دست می‌آید. گجرات بزرگترین تولید کننده پارچه‌های نخی با ۱۵۶۰ کارخانه متوسط و بزرگ نساجی پیشرو در این زمینه است. تخمین زده می‌شود که صادرات بخش نساجی گجرات در سال ۲۰۱۷ به ۲۵ میلیارد دلار برسد. گجرات همچنین یکی از مراکز عمده دارو و فرمولاسیون آن است و درصدد است که به یکی از مراکز مهم جهانی صادرات دارو تبدیل شود. در سال ۲۰۱۴ صادرات و واردات صنایع دارویی گجرات به ۷/۸ میلیارد دلار رسید همچنین این ایالت در زمینه تولید انرژی‌های تجدیدپذیر پیشرو است و ۱۵ درصد از تولید این نوع انرژی را در هند به خود اختصاص داده است. در زمینه توریسم این ایالت با ۳۵۰۰ سال سابقه تاریخی دارای جاذبه‌های طبیعی و فرهنگی، نمایشگاهی و فستیوال، ساحل، معبد و دیگر مراکز دیدنی و تفریحی است. منطقه ویژه سرمایه‌گذاری هولرا (DSIR Dh(olera با ۹۲۲۵ هکتار زمین و ۲۰۴۰ زمینه مختلف فعالیت اقتصادی در ایالت گجرات واقع شده و در زمینه‌های صنایع سنگین، اتومبیل، الکترونیک، های تک، IT، دارو و بیوتکنولوژی و با اشتغال بیش از سیصد هزار کارگر مشغول به کار است.

در مراسم افتتاحیه این همایش نخست وزیر هند در سخنانی اعلام کرد که این اجلاس را با اجلاس جهانی داووس مقایسه می‌کند و گفت: «هند معتقد است که کل جهان یک خانواده هستند و این یک اتفاق نادر است که کل جهان در این جا زیر یک سقف مانند یک خانواده جمع شده‌اند. من

شدن به چهارراه توسعه، رهبری هند در فقرزدایی طی دهه آینده، شگفتی از نقطه نظرات نخست وزیر هند در خصوص شهرهای هوشمند، حضور سرمایه‌گذاران در هند به منزله پلی برای از بین بردن شکاف بین آنچه که هست و آنچه که می‌تواند باشد، ایجاد ۳۰ هزار شغل در زمینه صنایع برش الماس در گجرات در آینده، موقعیت عالی گجرات در امور اداری و زیرساخت‌های اقتصادی جهت سرمایه‌گذاری، رشد مداوم در زمینه‌های مختلف همکاری‌های دو جانبه، چندجانبه و بین المللی با هند تعریف شده بود.

در طول این همایش ۴۰۰ جلسه ملاقات رودرو بین شرکت‌کنندگان برگزار شد و همچنین ۱۴ سمینار مختلف در مورد کشورهای ژاپن، سنگاپور، هلند، انگلستان، امریکا، استرالیا، دانمارک، کانادا، سوئد، بحرین، اسرائیل، و افغانستان، امارات متحده عربی، لهستان و آستاراخان طی دو روز برگزاری همایش برپا گردید که در هر کدام از آنها گروه‌های مختلفی شرکت و در خصوص نحوه تعامل و گسترش روابط هند و کشورهای مذکور سخنرانی، بحث و گفتگو به عمل آمد. همچنین در طول همایش بیشتر از هزار قرارداد مشترک استراتژیک برای سرمایه‌گذاری توسط کمپانی‌های شرکت کننده به امضا رسید.

این اجلاس که در ادامه ۶ اجلاس قبلی که از سال ۲۰۰۵ شروع شده است با هدف تبدیل ایالت

هفتمین اجلاس «گجرات پویا ۲۰۱۵» دی ماه ۱۳۹۳ با شرکت نمایندگانی از ۱۱۰ کشور جهان در شهر گاندی نگر مرکز ایالت گجرات هند برگزار شد. در این اجلاس که هر دو سال یکبار برگزار می‌شود، هیئتی نیز از ایران به سرپرستی اکبر ترکان مشاور رئیس جمهور و سرپرست مناطق آزاد و تجاری کشور و با همراهی ۱۵ نفر از وزارت امور خارجه، وزارت راه و ترابری، مناطق آزاد کشور، شرکت سرمایه‌گذاری پتروشیمی، اتاق بازرگانی صنایع، معادن و کشاورزی تهران، سازمان بنادر و دریانوردی حضور یافتند. این هیئت علاوه بر شرکت در چند سمینار، ملاقات‌هایی نیز با مقامات هندی انجام داد و از تاسیسات بندری، معادن، نیروگاه موندرا وابسته به گروه آدانی و مراکز صنعتی گروه اسار (نفت و گاز و پتروشیمی و فولاد) بازدید به عمل آورد. در این اجلاس که با سخنرانی نخست وزیر هند، نارندرا مودی افتتاح شد شخصیت‌های مهم بین‌المللی همچون دبیرکل سازمان ملل متحد، وزیر امور خارجه امریکا، رئیس بانک جهانی، وزیر کشور هند، وزیر تجارت و توسعه انگلستان، وزیر اقتصاد، تجارت و صنعت ژاپن به همراه روسای برخی شرکت‌های بزرگ چند ملیتی و هلدینگ‌ها حضور داشتند. اصلی‌ترین موضوع مورد بحث در این همایش حول مسائلی همچون امکانات سرمایه‌گذاری در هند، پیشرفت هند حتی در طول دوره رکود، تبادلات فرهنگی، امکانات گجرات برای تبدیل

به مناطق مختلف دنیا سفر کرده‌ام. همه جا یک نگرانی مشترک وجود دارد و آن نوسانات اقتصاد جهانی است همه ما باید برای ثبات و بهبود آن راه‌حلی پیدا کنیم. گجرات سکویی خواهد بود که سایر ایالات نیز از پیشرفت آن بهره‌مند گردند.» آقای مودی درباره هدف همایش نیز گفت: «این همایش با اهداف پیوستن کوچک‌ها و بزرگ‌ها، فقرا و اغنیا، احساسات جسمی و افکار بالغ تشکیل شده است. و ما آگاهیم که با دارا بودن یک ششم جمعیت جهان، هر عمل ما دارای اثر جهانی خواهد بود.» نخست وزیر هند در ادامه با اشاره به اولویت‌های دولتش افزود: «دولت من متعهد به تغییر و بهبود اوضاع اقتصادی و اجتماعی در هند و از جمله کیفیت زندگی مردم است و در طول ۷ ماه زمامداری متعهد به ایجاد سیاست‌هایی هستیم که فضا را قابل پیش‌بینی شفاف و عادلانه نماید. ما می‌خواهیم فدرالیزم تعاونی را در کشور توسعه دهیم و همزمان می‌خواهیم رقابت را میان ایالات ایجاد کنیم تا هر چه را می‌خواهند جذب کنند. از همین رو ما تمرکز را روی زیرساخت‌ها از طریق سرمایه گذاری خصوصی و عمومی گذاشته‌ایم و با گسترش بخش‌های بندرسازی، فرودگاه، حمل و نقل به توسعه اقتصاد و تورسم کمک خواهیم کرد.» آقای مودی همچنین خبر داد که دولت او چهار ماه قبل حرکت «در هند بسازید» (Make in India) را با هدف تشویق رشد صنایع در کشور آغاز کرده تا هند را به یک قطب صنایع جهانی تبدیل کند. او سپس به شرکت‌کنندگان در همایش اطمینان داد که: «ایجاد تسهیل در تجارت با هند نگرانی اصلی برای شما و ماست و من به شما اطمینان می‌دهم که روی این مسئله بصورت جدی مشغول کار هستیم. امروز هند سرزمین فرصت‌هاست. امکانات بسیاری برای سرمایه‌گذاران در هند وجود دارد که محدود به یک بخش یا منطقه خاص نیست بلکه نامحدود است و قدرت دموکراسی و قوه قضاییه مستقل هند، زمینه را برای تجارت پایدار با این کشور فراهم می‌کند.»

براین اساس برگزاری ۷ اجلاس در گجرات از سال ۲۰۰۵ تاکنون نشان از اهمیتی است که دولت هند برای آن قائل است. در اجلاس ۲۰۱۵ حضور و سخنرانی نخست وزیر هند، بان کی مون دبیرکل سازمان ملل، جان کری وزیر امور خارجه آمریکا و تعداد زیادی از وزرای اقتصادی کشورهای اروپایی، استرالیا، کانادا و دیگر شخصیت‌های برجسته سیاسی و اقتصادی داخلی و خارجی نشان دهنده اهمیت آن برای مقامات هند و همچنین جامعه بین‌المللی است.

در این اجلاس کشورهای قدرتمند اقتصادی تصمیم قاطع خود را برای شرکت در ساخت و گسترش اقتصاد هند در همه زمینه‌ها نشان دادند. آمریکا اعلام کرد که ظرف ۳ سال آینده قصد دارد

بیش از ۴۰ میلیارد دلار در هند سرمایه‌گذاری کند. ژاپن نیز با سرمایه‌گذاری مستقیم و نیز اجرای پروژه‌های مشترک در غالب پروژه‌های توسعه اقتصادی هند حضور فعال دارد. به نظر می‌رسد یکی از اهداف این کشورها (که اکثرا کشورهای قدرتمند سیاسی و اقتصادی بلوک غرب هستند) علاوه بر کسب منافع متقابل در همکاری‌های اقتصادی با هند، تبدیل این کشور به یک قدرت و رقیب سرسخت اقتصادی برای چین در منطقه و جهان باشد.

کشور هند با ۱/۲ میلیارد نفر جمعیت، رشد اقتصادی حدود ۷ درصد، پیشرفت‌های سریع اقتصادی، صنعتی و تکنولوژیک طی سال‌های اخیر تبدیل به دومین اقتصاد در حال رشد دنیا شده و با زیرساخت‌های لازم از لحاظ وسعت، جمعیت تحصیل کرده، منابع طبیعی و موقعیت استراتژیک و بزرگترین دموکراسی دنیا توجه کشورهای مختلف را برای همکاری‌های اقتصادی، تجاری، صنعتی، تکنولوژیک به خود جلب کرده است. دولت هند با آگاهی از شرایط فوق‌الذکر در صدد است از این عوامل حداکثر بهره‌برداری را نموده و کشور هند را به یکی از قطب‌های مهم سیاسی و اقتصادی جهان تبدیل کند. برگزاری اجلاس ۲۰۱۵ به نوعی علاقه هند را برای تبدیل این کشور به مرکز فوروم آسیایی شبیه به داووس نشان می‌دهد و حضور بیش از ۱۱۰ کشور و مقامات مختلف جهانی، تحقق این هدف را برای هند قابل دسترس می‌کند.

بدون شک توسعه اقتصادی هند در منطقه‌ای که چه به لحاظ سیاسی و چه اقتصادی دارای بحران‌های فراوان است از نقطه نظر کشورهای اروپایی و آمریکا می‌تواند به بهبود اوضاع اقتصادی این کشورها و در نتیجه صلح و ثبات منطقه کمک نموده و الگویی برای مشارکت آنان در برنامه‌های توسعه اقتصادی کشورهای مذکور و جهان سوم باشد. الگویی که در رابطه با تحولات و توسعه اقتصادی چین پس از سیاست درهای باز اقتصادی پاسخ مثبت

داد و چین را از یک کشور جهان سوم به دومین اقتصاد بزرگ دنیا تبدیل کرد و اکنون دولت‌های غربی در صدد هستند علاوه بر استفاده از این الگو برای هند، از این کشور در جهت کنترل و مهار چین استفاده کنند.

دولت هند نیز با آگاهی از این موقعیت مناسب اقدام به برگزاری اجلاس ایالت گجرات که دارای توانمندی‌های لازم برای همکاری‌های اقتصادی و سرمایه‌گذاری است نمود و در صدد است با الگو قراردادن آن سایر ایالت‌های هند را نیز تشویق و ترغیب به برگزاری چنین اجلاس‌هایی بنماید که در نهایت به هدف هند برای تبدیل شدن به یکی از قطب‌های اقتصادی جهان کمک خواهد کرد.

بدون شک توسعه اقتصادی هند در منطقه‌ای که چه به لحاظ سیاسی و چه اقتصادی دارای بحران‌های فراوان است از نقطه نظر کشورهای اروپایی و آمریکا می‌تواند به بهبود اوضاع این کشورها و در نتیجه صلح و ثبات منطقه کمک می‌کند.





پرونده‌ای در پیش‌بینی و آینده‌نگری اقتصاد ایران در سال پیش رو



۱۷	چشم‌انداز واقع‌گرایانه . محمد خوش‌چهره
۱۸	استراتژی؛ خروج غیرتورمی از رکود . محمدعلی ضیغمی
۱۹	دولت باید تبعات «تغییر» را بپذیرد . میزگردی با حضور سیدحمید حسینی و احمد ترک‌نژاد
۲۵	چالش‌های اصلی؛ هنوز تورم و بیکاری . گفت‌وگو با هادی قوامی
۲۶	سال نو، برند نو . محمدحسین برخوردار
۲۷	سال طلایی بازار مسکن؟ . حامد مظاهریان
۲۸	همان خواست تاریخی . حسن مرادی
۲۸	میانبر توربستی . حسن رادمرد
۲۹	برآورد امروز، نقشه راه فردا . علیرضا شجاعی

چشم‌انداز واقع‌گرایانه

حفظ وضع موجود به نفع دولت است



■ محمد خوش‌چهره
استاد اقتصاد دانشگاه تهران

رکود تورمی مواجهه کرده است. اگر چه دولت تمایلات و منویاتی دارد و اعلام کرده که تورم را به صفر رسانده است و در پی آن اعلام کرده که کشور از رکود خارج شده، اما اگر منظور از این صحبت‌ها آرام‌بخشی موقت برای درد عمومی جامعه باشد یک معنا دارد، ولی اگر منظور از آن بیان یک واقعیت باشد به شدت مورد انتقاد و مخالفت صاحب‌نظران در حوزه اقتصاد ملی قرار می‌گیرد. شرایط اقتصاد ملی ایران در حال حاضر علائمی را که دولتی‌ها می‌گویند نشان نمی‌دهد، به‌ویژه وضعیت متغیرهایی مثل اشتغال، سطح سرمایه‌گذاری یا سرعت گردش پول و مسائلی از این دست نشان‌دهنده خروج اقتصاد از رکود نیستند. البته ممکن است بتوان در حوزه‌های خاصی از فعالیت‌های اقتصادی مثل نفت، پتروشیمی یا حتی برخی صنایع مثل خودرو، این ارفاق را قائل شد که مقداری از رکود فاصله گرفته‌ایم اما این‌ها برای قضاوت درباره خروج کل اقتصاد کشور از رکود کافی نیست. بنابراین چالش‌های فرارو عمدتاً همین متغیرهای کلان مثل درآمد‌هاست.

درباره فرصت‌هایی که در سال ۱۳۹۴ پیش‌روی اقتصاد ایران قرار دارد، تدابیر اصلی دولت این است که پس از سه سال صحبت، تبلیغات و اظهار نظرهای مختلف بتواند تلاش‌هایی که در جهت بهبود مناسبات خارجی و بین‌الملل صورت گرفته را به نتیجه برساند. دولت این امید را دارد که با بازسازی مناسبات، فشار تحریم‌ها کاهش پیدا کند و به تبع آن امکان دسترسی به منابع بلوکه‌شده ایران که رقمی بالای صدمیلیارد دلار است فراهم شود؛ ورود این رقم به کشور، می‌تواند مقدمه تحولی جدی در اقتصاد ملی باشد. از آنجایی که واقع‌گرایی را ترجیح می‌دهم اعتقادم بر این است که حتی بازسازی مناسبات و حل بعضی از مشکلات نمی‌تواند تأثیرات آنی داشته باشد، مگر در حوزه جو روانی که یکی از حوزه‌های صوری فعالیت‌های اقتصادی است. مهم تحرک اقتصاد ملی از قبل ورود منابع جدید است که به‌طور قطع این اتفاقات در کوتاه‌مدت نتیجه‌ای برای کشور در بر ندارد اما در میان مدت و بلندمدت می‌تواند تأثیر زیادی داشته باشد. بنابراین حل مشکلات اقتصادی در سال ۱۳۹۴ به تبع تجدید منابع احتمالی نمی‌تواند تحلیلی رادر داشته باشد یا مبنای یک تحلیل را رونق ببخشد. حفظ وضع موجود به نفع دولت است. هنر دولت در ارتباط با متغیرهای کلان اقتصاد در سال جدید، این است که بتواند وضع موجود یعنی سطح بیکاری و تورم موجود را حفظ کند.

اصلی‌ترین چالش‌های فراروی مدیریت کلان اقتصاد ملی، در چشم‌انداز سال ۱۳۹۴، تامین منابع پولی و مالی است که برای تحقق مأموریت‌ها و انجام وظایف دستگاه‌ها و نهادهای مختلف به آن نیاز داریم. از آنجا که اقتصاد ایران وابسته به نفت است، برخلاف تفاوت شعارهای سیاسی دولت‌های پس از جنگ، هر دولتی که روی کار آمده، تا پایان دوره خود یک روند افزایشی وابستگی به درآمد نفتی را در کارنامه خود به ثبت رسانده است. در نتیجه، هر دولت، رکورد دولت قبلی را شکسته است، به‌طوری که در دو، سه سال گذشته از نظر میزان وابستگی به درآمد نفتی در اوج رکوردشکنی بوده‌ایم. در مورد دولت یازدهم نیز اگر چه مدت زیادی از فعالیت آن نمی‌گذرد اما قضاوت کلی این است که لایحه بودجه ۱۳۹۳ نشان‌دهنده این مسئله بود که به‌طور واقعی بالای ۶۵ درصد درآمد دولت به درآمدهای نفتی وابسته بوده است. چنین وابستگی شدیدی به یک متغیر برون‌داد که امروزه مورد تحریم نیز قرار گرفته است، می‌تواند چالش اصلی در برابر تامین منابع و کسب درآمد در کشور باشد.

اقتصاد مقاومتی ماه‌هاست به عنوان یک مسئله عملیاتی جامع مطرح است اما تا پیاده‌شدن، باور و عملیاتی‌شدن آن راه زیادی مانده است، چرا که هنوز از عملکرد دولت و مجلس، یک تبلور عملیاتی که ناشی از اراده‌ای جدی برای کاهش وابستگی به متغیرهای تهدیدزا و در رأس آن نفت باشد را نمی‌توان استنباط کرد. چالش‌های اساسی ما هنوز هم به متغیرهای کلان اقتصاد ملی بازمی‌گردد. این متغیرهای کلان در ادبیات شناخته‌شده خود عبارتند از:

الف- اشتغال: متغیری که در شرایط بحرانی قرار دارد و باید اولویت نظام تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری را معطوف به آن کرد.

ب- سطح عمومی قیمت‌ها یا تورم: این متغیر نیز تقریباً وضعیت مشابهی دارد و در کنار اشتغال، وضعیتی بحرانی دارد.

متغیرهای کلان دیگری شامل سطح مصرف عمومی، سطح سرمایه‌گذاری، سطح پس‌انداز و متغیرهای بزرگی همچون صادرات و واردات نیز وجود دارند و همه آن‌ها با چالش‌هایی کمابیش جدی مواجه هستند که بخشی از آن‌ها چالش‌های درونی اقتصاد ملی است و بخشی چالش‌های ناشی از اقتصاد بیرونی است اما به هر حال مجموع این چالش‌ها اقتصاد را با شرایط

استراتژی؛ خروج غیر تورمی از رکود

پاسخ به پرسش‌های آینده‌نگر



محمدعلی ضیعی
معاون سابق وزارت
صنعت، معدن و
تجارت



با موفقیت
مذاکرات، فرصتی
طلایی برای
دولت ایجاد
خواهد شد تا از
محل منابع ارزی
بتواند مشکلاتش
را برطرف کند
و منابع کافی
برای واردات
کالاها و استراتژیک در
اختیارش باشد.

با توجه به اتفاقاتی که در سال ۱۳۹۳ بر اقتصاد گذشت، چشم‌انداز و پیش‌بینی تان از اقتصاد سال ۱۳۹۴ چیست؟

در سال جاری دولت باید به دنبال این باشد که ضمن مدیریت و کنترل تورم در بحث خروج از رکود نیز به صورت جهت‌دار و موثر عمل کند و رونق را به محیط کسب و کار بازگرداند. این بخشی از چالش‌های دولت در سال ۱۳۹۴ است. در کنار این مسائل، دولت با دو دسته عوامل تأثیرگذار نیز مواجه است: عوامل درون‌زا و برون‌زا. عوامل درون‌زا شامل محیط داخلی می‌شود و مهم‌ترین و موثرترین و بارزترین عوامل تأثیرگذار بر اقتصاد کشور هستند. علاوه بر این، عوامل برون‌زایی نیز وجود دارند که در فضای بین‌المللی حاکم هستند و شاخص‌ترین آن بحث مذاکرات هسته‌ای و موضوع تحریم‌هاست که در فضای اقتصادی امسال تأثیرگذار خواهند بود. چشم‌انداز فعلی دولت که از فضای برون‌زا و مذاکرات هسته‌ای، تحریم و شرایط بین‌المللی استنباط می‌شود، فضایی مثبت است و می‌توان امیدوار بود که با ایجاد توافق منطقی و برد-برد، نتایج روشنی را در حوزه اقتصاد در پی آورد. اگر مذاکرات به نتیجه برسد برای دولت از دو منظر فرصت ایجاد می‌شود؛ اول اینکه در چنین شرایطی امکان افزایش فروش نفت برای دولت ایجاد می‌شود و می‌تواند امکانات بهتری در اختیار داشته باشد. دوم اینکه منابع ارزی دولت که هم‌اکنون در کشورهای دیگر غیرقابل استفاده است، با این توافقات، قابل استفاده می‌شود. در نتیجه، این امیدواری برای دولت ایجاد می‌شود که در بخش‌های عمرانی منابع ارزی مناسبی که در دو سال اخیر به دلیل سیاست‌های نادرست دولت‌های گذشته با مضیقه روبرو شد، استفاده شود و بخش‌های دیگر اقتصاد از این طریق به گردش درآید. در صورت موفقیت مذاکرات، فرصتی طلایی برای دولت ایجاد خواهد شد تا از محل منابع ارزی بتواند مشکلاتش را برطرف کند. از سوی دیگر مثبت‌بودن فضای امکان‌افراهم می‌کند که منابع کافی برای واردات کالاها و استراتژیک در اختیار دولت باشد. به بیان دیگر اگر منابع ارزی بیشتری در اختیار دولت باشد، هم مشکل میزان منابع ارزی برطرف می‌شود و هم فضای مثبت روانی در بازار ارز ایجاد خواهد شد. از سوی دیگر این اتفاق اثر کاهنده‌ای بر التهاب بازار ارز در شبکه غیربانکی نیز خواهد داشت و می‌توان نرخ ارز در بازار آزاد را نیز تا حدودی کاهش داد. مضاف بر اینکه افزایش منابع ارزی نیز فرصتی برای دولت و سیستم بانکی ایجاد خواهد کرد و دولت در این شرایط می‌تواند به سمت کم کردن فاصله نرخ ارز در شبکه بانکی و آزاد حرکت کند. در این شرایط، دولت می‌تواند هدف‌گذاری خود

را برای تک‌نرخ‌ی کردن ارز نیز محقق کند. البته ارز تک‌نرخ‌ی حذف کامل فاصله بین ارز دولتی و آزاد نیست اما اگر این فاصله قدری نزدیک‌تر شود، ارز شبکه بانکی به راحتی در دسترس فعالان اقتصادی قرار خواهد گرفت و این گروه نیز به راحتی و بدون دغدغه می‌توانند به فعالیت اقتصادی خود ادامه دهند. از سوی دیگر در صورت تحقق این اتفاق، واردکنندگان و تولیدکنندگان نیز برای تأمین قطعات ماشین‌آلات و مواد اولیه به جای اینکه در صف ارز سیستم بانکی بایستند، وقتی مشاهده کنند که این فاصله کم‌زمان انتظار را پوشش می‌دهد ارز موردنظر را از سیستم بانکی تأمین می‌کنند و در این صورت است که دولت می‌تواند در جهت تک‌نرخ‌ی کردن ارز حرکت کند. دولت در این شرایط می‌تواند شاهد تحقق برنامه‌ریزی‌های دو سال گذشته باشد و در این صورت، بهسازی‌هایی که در اقتصاد پیش‌بینی کرده طی سال ۱۳۹۴ به بار خواهد نشست. این موضوع برای دولت فرصتی ایجاد می‌کند تا برنامه‌ها و فعالیت‌های خود را امیدوارانه‌تر دنبال کند. موضوع دیگری که از احتمال موفقیت مذاکرات حاصل می‌شود، ورود سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی به بخش‌های سرمایه‌بر از جمله عمران، بورس و سرمایه‌گذاری بلندمدت است. مواردی که همگی مستقیماً بر اقتصاد کشور و خروج آن از رکود تأثیر می‌گذارند و فضای مثبتی را برای آن رقم خواهند زد.

دولت در سال ۱۳۹۴ چگونه می‌تواند از فرصت‌های پیش‌روی اقتصاد ایران به صورت

مطلوب و در بهترین سناریو استفاده کند؟

دولت برای بالفعل کردن فرصت‌های احتمالی باید سه محور مهم را مورد توجه قرار دهد و برای تحقق آنها تلاش کند. یکی از این محورها بحث خروج از رکود و تنظیم مقرراتی است که دولت از طریق آن قادر باشد بخش‌های اقتصادی به‌ویژه فعالان بخش تولید را تحریک کند، شرایط رکودی را از تولید خارج کند و رونق را مجدداً به این بخش بازگرداند.

بهبود محیط کسب و کار، محور دیگری است که دولت باید برای تحقق آن تلاش کند. افزایش سهم بخش خصوصی در اقتصاد نیز، محور سومی است که هم‌اکنون یکی از چالش‌های اصلی دولت است و در سال آینده نیز باید مورد توجه جدی قرار گیرد.

کاهش شدید قیمت نفت در اواخر سال ۱۳۹۳، مشکلاتی را متوجه دولت کرد. نگاه شما درباره آینده بازار نفت چیست؟

به نظر نمی‌رسد سال ۱۳۹۴، نوسان شدیدی در قیمت نفت دیده شود اما آنچه که براساس اطلاعات رسیده می‌توان تحلیل و استنباط کرد این است که قیمت نفت در دامنه موجود در نوسان خواهد بود. از سوی دیگر

با توجه به نقش کشورهای تولیدکننده نفت و نفت شیل به نظر می‌رسد جهش ناگهانی و افت شدید برای قیمت نفت در طول سال جاری متصور نباشد اما آنچه که در این میان از اهمیت بیشتری برخوردار است، درجه اول افزایش امکان فروش نفت در سایه مذاکرات هسته‌ای و دوم، استفاده بهینه منابع حاصل از محل فروش نفت است.

دولت در سالی که گذشت با سه چالش خشکسالی، پدیده ریزگردها و بحران کم‌آبی روبرو بود. چه اولویت‌هایی را باید مدنظر قرار دهد تا چالش‌های این بخش در سال جدید به حداقل برسد؟

نمی‌توان نادیده گرفت که در سال‌های گذشته اگر نگوئیم از مدیریت کشت غافل شدیم، اما توجه جدی نیز به این بخش نداشتیم. هر چند تزیقاتی در این بخش صورت گرفت اما توجه نشد که باید بر اساس منابع، در حد امکان و مزیت‌هایی که در بخش سرزمینی وجود دارد، مدیریت کشت را انجام دهیم. به این معنا که باغدار و کشاورز نباید به صورت سعی و خطا به سمت کشت محصول حرکت کنند و سندروم سیب‌زمینی و پیاز را در محصولات دیگر شاهد باشیم. از سوی دیگر به دلیل محدودیت آبی در بخش کشاورزی که سال گذشته، بیش از همیشه خودنمایی می‌کرد، دولت باید امسال به سمت کشت محصولاتی برود که از منابع آبی کم‌تری تغذیه کنند. باید به این موضوع توجه داشت که چه محصولی تولید کنیم و چه محصولاتی را از کجاها تأمین کنیم که مقرون به صرفه باشد. توجه به کالاهای استراتژیک و جلوگیری از تولید محصولات آب‌بری که موجب خسارت به منابع زیرزمینی می‌شود از دیگر مسائلی است که باید مورد توجه دولت قرار گیرد. دولت همچنین باید نسبت به تغییر کشت و جایگزین کردن محصولات دیگری که منابع آب کمتری نیاز دارند، اقدام کند. البته تمامی این موارد نیازمند ترویج در بخش کشاورزی است.

مهم‌ترین استراتژی‌ای که دولت باید در طراحی راهبردهای اقتصادی خود در سال

۱۳۹۴ در نظر داشته باشد به نظر شما چیست؟

خروج از رکود با حفظ و مدیریت نرخ تورم باید مهم‌ترین رویکرد و استراتژی دولت در سال جاری باشد. سال ۱۳۹۴ سالی نه‌چندان آسان و بلکه دشوار برای دولت خواهد بود. سالی سخت همراه با بروز طبعیه‌های جدیدی از شکوفایی اقتصادی. در سال جاری، اگر عوامل دورن‌زا و برون‌زا هم‌افزایی داشته باشند و در عین حال، تدبیر و عقلانیتی که در تصمیمات دولتی وجود دارد، در عرصه اقتصادی تداوم یابد و به بار بنشیند، رشد مورد انتظار اقتصادی نیز محقق خواهد شد.



عکس: امید ایران مهر

دولت باید تبعات «تغییر» را بپذیرد

آینده‌نگری اقتصاد ۱۳۹۴ در میز گردی با حضور سیدحمید حسینی و احمد ترک‌نژاد

مسئله هدفمندی یارانه‌ها مورد دیگری است که هر دو نفر متفق القولند که دولت باید یکبار برای همیشه تصمیم نهایی خود را درباره آن بگیرد، به سرعت عملیاتی‌اش کند و تبعات سیاسی آن را نیز بپذیرد. مشروح میزگرد آینده‌نگر در ارزیابی عملکرد اقتصاد ایران در سالی که گذشت و پیش‌بینی و آینده‌نگری اقتصاد ۱۳۹۴ را در ادامه می‌خوانید.

عظیم محمودآبادی: فصل مشترک تمامی پیش‌بینی‌ها برای اقتصاد ایران در سال ۱۳۹۴، تأثیر نتیجه مذاکرات تیم دیپلماسی کشورمان با گروه پنج به علاوه یک است. هم سیدحمید حسینی و هم احمد ترک‌نژاد دو میهمان میزگرد آینده‌نگر، معتقدند این توافق در شرف نهایی شدن است، و در این صورت بخش وسیعی از مشکلات اقتصاد ایران به‌ویژه در حوزه نقل و انتقال اعتبارات مالی مرتفع می‌شود.

III موضوع میزگرد ما آینده‌نگری و پیش‌بینی اقتصاد ایران در سال ۱۳۹۴ است. شاید لازم باشد ابتدا تصویری از وضعیت موجود ارائه دهیم تا بتوانیم در آینه آن، سال پیش‌رو را ببینیم.

ترک‌نژاد: اصلی‌ترین مسئله امروز اقتصاد ایران کاهش ظرفیت‌ها و توان تولیدی کشور است که باعث شده رشد اقتصادی محدودی رقم بخورد. این موضوع بیش از هر چیز ناشی از دو عامل مهم؛ رشد محدود تشدید سرمایه و همچنین رشد محدود سرمایه‌گذاری‌های ثابت انجام شده است. از طرف دیگر، روند اقتصاد کشور پیش از سال ۱۳۹۳، هم حکایت از رشد منفی سرمایه‌گذاری دارد و هم رشد منفی بهره‌وری کل، که این‌ها

حال افزایش است. موضوع اشتغال، یک موضوع اقتصادی-اجتماعی است؛ به‌هر دلیلی اگر با توجه به این رشد محدود تا انتهای این دهه، یک فکر بنیادی برای آن نکنیم، چگونگی بازتولید اقتصاد ملی را ندانیم و آن را پیاده نکنیم، به‌نظر می‌رسد که این چالش اقتصادی-اجتماعی به یک بحران سیاسی تبدیل شود. پس، این یک ضرورت است که ببینیم چگونه می‌توانیم از این شرایط که ما را به یک توان محدود تولید در اقتصاد کشور دچار کرده خارج شویم.

II آقای حسینی شما در مورد تصویری که آقای ترک‌نژاد از وضعیت موجود ارائه دادند چه نظری دارید؟ آیا شما هم خروج از

خود نیز مزید بر علت شده‌اند. برآوردها نشان می‌دهد رشد سرمایه‌گذاری ما ۵ درصد در پایان سال ۱۳۹۳ است و شاید قادر باشیم تا پایان سال ۱۳۹۹ این رقم را به ۱۲ درصد برسانیم. در این صورت، نرخ رشد سرمایه‌گذاری‌های ثابت تا پایان سال ۱۳۹۳ اگر از ۲ درصد به ۲٫۹ درصد رسیده باشد، رشد اقتصادی کشور تا پایان سال ۱۳۹۹ به متوسط ۳ درصد خواهد رسید. این نرخ رشد، رشد اقتصادی بسیار محدودی را نوید می‌دهد که در سه‌چهار دهه گذشته سابقه ندارد. به‌واسطه همین شرایطی که وجود دارد ظرفیت‌سازی برای اشتغال‌های جدید در حال محدود شدن است و همزمان، جمعیت بیکاران و به‌خصوص بیکاران فارغ‌التحصیل دانشگاه‌ها به‌طور مداوم، در

وضعیت تحدید تولید و زمینه‌سازی برای فرصت‌های شغلی جدید را اولویت و مسئله اصلی اقتصاد کشور می‌دانید؟

حسینی: من این بحث را از جای دیگری پی می‌گیرم. پس از توافقنامه ژنو، با توجه به تصمیماتی که دولت در جهت کنترل نقدینگی و اصلاح سیاست‌های غلط گذشته اتخاذ کرد، به‌نظر می‌رسد ما روندی روبه‌رشد را طی کردیم و توانستیم تا اینجا، در دو دوره سه‌ماهه، رشد مثبت اقتصادی را تجربه کنیم. یعنی اگر توانسته باشیم در سه ماهه آخر سال ۱۳۹۳ هم رشد مثبتی داشته باشیم، می‌توانیم ادعا کنیم که کشور از رکود خارج شده است. عمده دلایلی که باعث شد در پایان امسال، بسیاری از ما [فعالان اقتصادی] احساس کنیم اقتصاد کشور کمی جان گرفته و تا حدی بهبود یافته این است که در درجه اول؛ دولت طی این دو سال، با تمام مشکلات و سختی‌های گذشته توانست ۵۰ هزار میلیارد تومان بودجه عمرانی را به بازار کشور تزریق کند.

همزمان طلب بسیاری از پیمانکاران پرداخت شده و به بسیاری از پروژه‌ها نیز پول تزریق شده است. یعنی بودجه عمرانی بعد از سال‌ها بار دیگر نقش مثبت خود را در اقتصاد کشور بازی می‌کند. دوم، اینکه به خاطر فضای مطلوب و همچنین منابع ارزی مناسبی که فراهم شد واردات ما به‌خصوص در حوزه مواد اولیه واحدهای صنعتی و کالاهای واسطه‌ای رشد خوبی داشته که این نیز به نوبه خود، به رشد تولید بسیاری از اقلام داخلی مثل خودرو کمک کرده است. در صنعت ساختمان و بقیه صنایع نیز توانسته‌ایم تا حدی افزایش تولید داشته باشیم. برخی منتقدان تصور می‌کنند اقتصاد مقاومتی یعنی هیچ وارداتی نداشته باشیم در صورتی که این وارداتی که انجام شد، دقیقا در راستای افزایش صادرات و کمک به افزایش رشد اقتصادی کشور عمل می‌کند. سوم، اینکه وضعیت نقدینگی بانک‌ها در این مدت نسبت به گذشته بهبود یافته است؛ چراکه دولت توانست آرامش را در بازار حاکم کند و در نتیجه، منابع مالی کشور از بازار ارز، سکه و ساختمان بار دیگر به سمت بانک‌ها روانه شد و نقدینگی بانک‌ها و سپرده‌های مردم نزد آنان حدود ۳۰ درصد افزایش یافت. عمده این سپرده‌ها، بیش از ۲۰۰ هزار میلیارد تومان سپرده‌های بلندمدت مردم در بانک‌هاست که آنها امسال می‌توانند به پشتوانه آن در مجموع بیش از ۳۰۰ هزار میلیارد تومان تسهیلات به بخش تولید و بخش‌های اقتصادی کشور بدهند. این سه عامل دست به دست هم داده و توانسته روند ملایم رو به رشدی را برای اقتصاد کشور ترسیم کند. اگر این شرایط، با خواسته‌ها، انتظارات و مطالبات مردم و فعالان



ترک‌نژاد: وقتی دولت با مشقات فراوانی که از آن مطلعیم، ارز را تأمین می‌کند نباید آن را به مصرف کالاهای مصرفی برساند. اولویت باید راه‌اندازی واحدهای تولیدی، تأمین قطعات و وارد کردن دانش و تکنولوژی باشد.



خواهد بود، چراکه اگر این اتفاق بیفتد، کشور مواد خام خود را در یک مرحله تبدیل می‌کند، واحدهای جدیدی به مدار تولید می‌رسند و محصول این‌ها در بازار قابل عرضه خواهد بود.

II در این صورت آیا درآمد ایران از آن محل، با درآمد حاصل از فروش نفت خام در وضعیتی که سابق بر این داشتیم قابل قیاس است؟

ترک‌نژاد: با توجه به قیمت‌هایی که وجود دارد، اگر بتوانیم فرآورده‌های نفتی مان را در بازار به فروش برسانیم بخش قابل توجهی از آن درآمد از دست‌رفته را می‌توان جبران کرد که احتمالا هم خواهیم توانست. این یک نقطه امیدوارکننده است ولی به‌طور کلی من اعتقاد دارم دولت باید سه مسئله و یک «باید» را مدنظر داشته باشد و آن این است که تمام سیاست‌های دولت باید حوزه‌های مولد را پشتیبانی کند؛ این حوزه‌ها شامل تولید صنعتی، تولید کشاورزی و حتی تولید خدمات هم هست که باید به آن‌ها توجه کند. در کنار این‌ها، دولت باید مراقب باشد که سیاست‌هایش حوزه‌های غیرمولد را پشتیبانی نکنند. این در درجه اول، در حفظ فرصت‌های شغلی فعلی تعیین‌کننده است و در مراحل بعد، روی افزایش نرخ سرمایه‌گذاری‌های ثابت انجام‌شده تأثیر می‌گذارد و آثار تورمی کمتری به دنبال خواهد داشت.

II شما از لزوم حمایت دولت از تولید مولد و خودداری از حمایت تولید غیرمولد سخن می‌گویید، لطفا بگویید تولیدهای مولد و غیرمولد به‌طور مصداقی شامل کدام صنایع می‌شوند؟

ترک‌نژاد: وقتی دولت با مشقات فراوانی که از آن مطلعیم، ارز را تأمین می‌کند نباید آن را به مصرف کالاهای مصرفی برساند. اولویت دولت حتما باید تخصیص مواد اولیه برای راه‌اندازی واحدهای تولیدی، تأمین قطعات و درواقع وارد کردن دانش و تکنولوژی و تمام این امکاناتی که وجود دارد باشد. یعنی ما اگر در داخل می‌توانیم از ظرفیت‌های سرمایه‌گذاری‌شده تولیدی به‌دست آوریم، باید تلاش کنیم بهره‌وری و کیفیت را بالا ببریم تا بتوانیم کمتر واردات داشته باشیم. امروز دیگر زمانی نیست که سالانه ۱۲۷ یا ۱۲۸ میلیارد دلار داشته باشیم تا عمده آن را به واردات اختصاص دهیم، اشتباه بنیادینی که دولت قبل مرتکب شد این بود که برای کنترل تورم سیاست درهای باز وارداتی را اجرا کرد که ضربه مهلکی به تولید کشور بود. من فکر می‌کنم سه مسئله وجود دارد که دولت باید آن‌ها را در اولویت قرار دهد. اول اینکه باید تکلیف یارانه‌ها را روشن کند.

بخش خصوصی همسان نیست، به این دلیل است که انتظارات فراتر از این‌هاست. احساس مردم این است که این رونق هنوز در سطح خرد بنگاه‌ها، در سطح زندگی مردم و در قیمت کالاهای دیده نمی‌شود. شما رونق را در صادرات، افزایش را در تولید نفت و گاز و در تولید کلان مشاهده می‌کنید اما این رونق تا به سطح بنگاه‌های بزرگ بیاید و از آنجا به بنگاه‌های کوچک برسد قطعا زمان زیادی می‌برد. وقتی ایران خودرو راه بیفتد، پس از آن کار قطعه‌سازان رونق می‌گیرد و سپس سایر کسانی که در صنعت خودرو مشغول هستند آثار آن را می‌بینند. در مرحله اول شاید آن‌ها این احساس را نکنند که رونق و افزایش تولیدی در اقتصاد کشور رخ داده است. بنابراین من فکر می‌کنم برخلاف تمام مشکلات و سختی‌هایی که اقتصاد کشور با آن‌ها مواجه بود، سال خوبی را پشت سر گذاشتیم. خوش‌بین هستم که مسائل ما با دنیا در سال جدید بهبود می‌یابد و این موضوع می‌تواند تغییرات بسیار بزرگی را در اقتصاد کشور ایجاد کند و بسیاری از روندها را تغییر دهد.

II آقای ترک‌نژاد! دکتر حسینی تصویر مثبتی ارائه کردند که ممکن است شما هم با بخشی از آن‌ها موافق باشید. فکر می‌کنید مواردی که به عنوان دستاوردهای دولت در سال گذشته مطرح شد، می‌تواند همچنان در سال جاری ادامه داشته باشد؟

ترک‌نژاد: این قابل انکار نیست که دولت یازدهم در طول دوران کوتاه فعالیتش، رفتارهایی منطقی درپیش گرفته و همین رفتارهای منطقی منجر به شکل‌گیری نوعی آرامش در اقتصاد کشور شده است، به‌طوری که در سال ۱۳۹۳، ما جز مقطعی کوتاه، هیچانی در بازار نداشتیم و این آرامش کمک مهمی به اقتصاد کشور است. اما دولت در ماه‌های اخیر، با پدیده کاهش قیمت نفت مواجه شد که بسیاری از معادلات را تغییر می‌دهد. البته امیدواریم با طرح‌هایی که وزارت نفت بر آن متمرکز شده تا به نتیجه برساند بتوانیم بخشی از مشکلات ناشی از کاهش قیمت نفت را از طریق فروش فرآورده‌ها جبران کنیم. انشاءالله در سال ۱۳۹۴ این یکی از نقاط امیدوارکننده

دولت نباید نگران طبقات پایین جامعه باشد. من فکر می‌کنم ۲۰ میلیون نفر از جمعیت کشور واقعاً نیازمند حمایت دولت هستند. پیشنهادی که وجود دارد این است که حتی می‌توان یارانه این ۲۰ میلیون نفر را دوبرابر کرد تا مؤثرتر باشد، ولی در مقابل حدود ۵۰ میلیون نفر را داریم که می‌توان از فهرست یارانه‌گیران حذف کرد. این کار، بار یارانه‌ای را برای کشور نصف خواهد کرد. هرچند به نظر می‌رسد حذف یکباره یارانه دیگر امکان‌پذیر نباشد اما می‌توان محتوای آن را تغییر داد. دوم اینکه دولت باید سیاست یکسان‌سازی نرخ ارز را اعمال کند چون شکافی هست که به‌طور دائم وجود دارد و ماحصل آن به دست مصرف‌کننده نهایی نمی‌رسد تا از یک‌سو تبدیل به رفاه شود و از طرف دیگر، درآمدهای دولت را افزایش دهد. مسئله دیگر لزوم حذف یارانه نان از سوی دولت است. کاری که درآمد حاصل از آن نیز ۱۰ تا ۱۱ هزار میلیارد تومان خواهد بود و دولت می‌تواند از آن در جنبه‌های دیگری بهره بگیرد. سوم اینکه دولت باید در مسئله سوخت و انرژی حرکت جدی‌تری صورت دهد. این سه مسئله در کنار هم، به بهینگی مصرف و درآمدهای دولت کمک می‌کند. چرا این‌ها را مطرح می‌کنم؛ برای اینکه دولت متمرکز است که بخش قابل توجهی از بودجه عمومی را از بخش مالیات بگیرد اما این کار اگر به درستی انجام نشود، مصداق سیاست‌های ضدمولد است. شما باید بتوانید راه‌حلی برای بهبود این روند پیدا کنید، به‌طور مثال برای آنهایی که فرصت‌های شغلی بیشتری را حفظ می‌کنند تشویق‌های مالیاتی بگذارید، چون فشار مالیاتی بر واحدهای تولیدی می‌تواند اثرات کندکننده بسیار زیادی داشته باشد. بنابراین بهتر است دولت بر ظرفیت‌های درآمدی که دارد - یا می‌تواند ایجاد کند - متمرکز شود، فشار مالیاتی را بر حوزه‌های کسب‌وکار کم کند تا آن‌ها بتوانند تحرک بیشتری داشته باشند و سیاست‌های خروج از رکود با حداقل تورم، بتواند اتفاق بیفتد. جوانه‌های خروج از رکود در حال ظهور است اما مطمئناً مردم فعلاً آن را احساس نمی‌کنند. دکتر مسعود نیلی مثال خوبی در این باره دارد که پشت یک چراغ قرمز که صفی طولانی از ماشین‌ها ایستاده‌اند و شما در فاصله‌ای دور از چراغ قرار دارید، ظاهراً حرکت نمی‌کنید اما آن کسی که جلوتر ایستاده دارد با سرعتی ثابت حرکت می‌کند و تا شما به او برسید زمان می‌برد. بنابراین باز هم تاکید می‌کنم که این سه مسئله بسیار مهم‌اند و دولت باید درباره آن‌ها تصمیمات قاطعی بگیرد، چراکه اگر روند قبلی را ادامه دهد آثار و تبعات تخریبی دولت قبلی با یک مرحله تأخیری دیگر، دوباره پدیدار خواهد شد. این دولت هوشیار است، نیروهای متخصص و دلسوز زیادی دارد و کسانی که آن

را حمایت کردند تا روی کار بیایند نیز دل در گرو موفقیت او دارند. من اخیراً گزارشی می‌خواندم که بر اساس آن، در حال حاضر تخصیص منابع بانکی به‌خصوص در بانک‌های تجاری بیش از ۷۰ درصد در حوزه‌های غیرمولد انجام شده است.

II کدام یک از نهادهای صنعتی یا

اقدامات اقتصادی ما غیرمولد هستند؟

ترک‌نژاد: حرف ما این است که منابع کشور اعم از منابع ارزی و منابع ریالی نباید به واردات آن دسته از کالاهای نهایی اختصاص یابد که ایران ظرفیت تولید آنها را دارد. این یک واقعیت است که قدرت خرید مردم پایین آمده و آنها نوعی فقرنجیبانه را تحمل می‌کنند، معنای دیگرش این است که آنقدر نقدینگی در اختیار مردم نیست که تقاضا را تشدید کند و بعد ما برای ارائه کالا به آنها مجبور شویم دستمان را به نشانه تسلیم بالا ببریم. اتفاقاً تمامی شرایط آماده است برای اینکه ما روی واحدهای تولیدی‌مان سرمایه‌گذاری کنیم.

II آقای حسینی! جناب ترک‌نژاد معتقدند

که فروش فرآورده‌های نفتی می‌تواند بخش قابل توجهی از کسری حاصل از کاهش درآمدهای نفتی را جبران کند. علاوه بر بیان نظر خود درباره این مسئله، بفرمایید روند قیمت نفت را چگونه پیش‌بینی می‌کنید و این مسئله چه تأثیری بر تامین بودجه در سال جدید خواهد داشت؟

حسینی: یکی از دل‌نگرانی‌هایی که اواخر سال گذشته برای کشور ایجاد شد، کاهش قیمت نفت بود. در این رابطه، حرف‌های سیاسی زیادی زده شد مبنی بر اینکه نفت به ۴۰، ۳۰ و یا حتی ۲۰ دلار برسد اما کارشناسان نفت و گاز معتقدند اتفاق عجیبی در بازار نفت نیفتاده که قیمت‌ها به این شدت کاهش پیدا کند. شرایط فعلی ناشی از وقوع نوعی جنگ قیمت بین صادرکنندگان است، بالاخره طی سال‌های اخیر انقلابی در عرصه فناوری دنیا رخ داده و بر اثر آن مازادی از تولید در بازار وجود دارد که نمی‌توان آن را نادیده گرفت. اما شرایطی که به کاهش قیمت نفت در اواخر سال گذشته انجامید پایدار نیست

و کارشناسان پیش‌بینی می‌کنند طی ماه‌های آینده، قیمت‌ها اصلاح می‌شود و به محدوده ۶۰-۷۰ دلار بازمی‌گردد. طبق آخرین پیش‌بینی مؤسسه استاندارد تحقیقات چارتر که مؤسسه معتبری است، در نیمه دوم سال ۲۰۱۵ قیمت نفت برنت به ۸۵ دلار می‌رسد، در صورتی که متوسط قیمت نفت برنت سال گذشته به ۵۳ دلار رسید. یعنی پیش‌بینی‌ها حاکی از آن است که قیمت نفت دست‌کم حدود ۳۰ درصد افزایش خواهد یافت. در بودجه‌ای که کمیسیون تلفیق برای امسال تصویب کرد، سهم درآمدهای نفتی را از ۷۲ هزار میلیارد تومان به ۵۴ هزار میلیارد تومان کاهش داد که حدود ۴۰ هزار میلیارد تومان آن را از محل فروش نفت ۴۰ دلاری پیش‌بینی کرده بود. ۱۳، ۱۴ هزار میلیارد تومان هم از محل ۵ میلیارد دلار پول نفتی پیش‌بینی کرده بود که به تازگی فهمیدند در هند داریم، تراز سرمایه کشور در سال ۱۳۹۱، ۲۲ میلیارد دلار کم داشت که تحت عنوان اشتباه آماری در تراز سرمایه کشور ثبت شده بود. فعلاً ۵ میلیارد دلار از این کسری در هند پیدا شده و آن را به بودجه امسال اضافه کرده‌اند اما هنوز در حال پیگیری این مسئله هستند. به‌طور قطع با ۵۴ هزار میلیارد تومان کار زیادی نمی‌توان از پیش برد. فقط اگر هزینه کارمندان دولت و حقوق‌های دولتی را در نظر بگیریم، چیزی حدود ۷۰ هزار میلیارد تومان است. یعنی اگر دولت با همین اندازه‌ای که دارد، هیچ کاری هم نخواهد انجام دهد باید حداقل ۷۰ هزار میلیارد تومان به حقوق‌ها تخصیص دهد و علاوه بر این، ۴۷، ۴۸ هزار میلیارد تومان برای تأمین حقوق اجتماعی، رفاه و بازنشستگان هزینه کند. یعنی چیزی حدود ۱۱۰ هزار میلیارد تومان فقط هزینه‌های دولت است لذا همه پیش‌بینی می‌کنند که سال جدید، سال سختی باشد. اما اتفاقی که در بودجه دیده نشده و از نقاط مثبت آن است اینکه بالاخره ۵ فاز پارس جنوبی راه افتاده یا در حال راه‌اندازی است. ۱۲۵ میلیون مترمکعب گاز، حدود ۲۰۰ هزار بشکه میعانات گازی و حدود ۲ تا ۵.۲ میلیون تن گاز مایع به تولیدات کشور اضافه می‌شود که دو نتیجه دارد؛ یکی اینکه ما حتماً می‌توانیم صادراتمان را به عراق شروع کنیم، صادرات گاز به ترکیه را افزایش دهیم و همزمان واردات از ترکمنستان را به حداقل برسانیم که این خودش می‌تواند ۱۵۱۰۰ میلیارد دلار منابع جدید برای دولت ایجاد کند. کار دومی که دولت می‌کند این است که هرچند در سال ۱۳۹۲، ۲۷ میلیارد لیتر مایعات در نیروگاه‌ها مصرف کرد و سال گذشته آن را کاهش داد، امسال با توجه به افزایش تولید گاز، می‌تواند کل مصرف نیروگاه‌ها را قطع کند تا تولیدمان صادر شود. یعنی دولت در این بین، می‌تواند درآمدی ۷۶ میلیارد دلاری از محل صادرات



حسینی: شرایطی

که به کاهش قیمت

نفت در اواخر سال

گذشته انجامید

پایدار نیست

و کارشناسان

پیش‌بینی می‌کنند

طی ماه‌های آینده،

قیمت‌ها اصلاح

می‌شود و به

محدوده ۶۰-۷۰

دلار بازمی‌گردد.





ترک‌نژاد:
مشاور فرهنگی
رییس‌جمهوری
به‌درستی گفته
بودند که کشور
مین‌گذاری شده
است. من فکر
می‌کنم نه تنها این
مین‌گذاری اتفاق
افتاده، بلکه نقشه
آن حتی در دست
مین‌گذاران هم
نیست تا بتوانند
از روی آن کاری
بکنند

فرآورده‌ها داشته باشد، بحث میعان‌گازی که جای خود را دارد. پیش‌بینی من این است که دولت چیزی حدود ۶۰ یا ۷۰ میلیون دلار در روز افزایش درآمد داشته باشد. دولت به هر دلیل در بودجه امسال به عنوان یک اقدام احتیاطی این درآمد جدید را ندیده است، پس خیلی نباید دل‌نگران کسری بودجه بود. هم قیمت نفت رو به افزایش است، هم دست‌کم برای سال جدید درآمدهای جایگزینی داریم، و هم دولت بالاخره باید مجبور شود از بعضی از سیاست‌های خود دست بردارد. تجربه نشان داده که تا دولت مجبور نشود از بعضی سیاست‌های پوپولیستی خود دست برنمی‌دارد. دولت باید گاهی مجبور شود تا اصلاحی ساختاری انجام دهد وگرنه اگر این اختیار با خودش باشد نشان داده که قدرت و جسارت تصمیم‌گیری ندارد و کار به جایی می‌رسد که دیگر نمی‌تواند ادامه دهد، مجبور به اصلاح می‌شود و افکار عمومی هم می‌پذیرد که این اصلاح ساختار با هر هزینه‌ای انجام شود. وقتی دولت می‌گوید ندارم و نمی‌توانم، مردم چه کار باید بکنند؟

اما به هر حال نمی‌توان انکار کرد که این کار تبعات سیاسی برای دولت خواهد داشت.

حسینی: وقتی که دولت مجبور شد، باید تبعات سیاسی آن را هم بپذیرد و کار درست را انجام دهد. حرف من این است که مردم هم باید درک کنند. اگر دولت راه را درست برود و کار درست را انجام دهد و مردم هم احساس کنند که دولت راه درست را می‌رود و این به نفع منافع ملی است با دولت همراهی می‌کنند. این‌گونه نیست که مردم را بترسانیم از اینکه فلانی می‌آید و اگر ما سیاست‌های پوپولیستی را کنار بگذاریم حتماً پوپولیست‌ها روی کار می‌آیند. مردم اگر احساس کنند که مجموع سیاست‌های دولت به نفع کل اقتصاد کشور است و باعث بهبود و رونق اقتصاد و اشتغال شده، آن را می‌پذیرند. بنابراین، کسری بودجه نباید خیلی باعث دل‌نگرانی باشد اما باید از همین فضا و وضعیت قیمت نفت استفاده کنیم و دولت تا جایی که می‌تواند سیاست‌ها و ساختارهای خود را اصلاح کند. دولت سه نقش عمده در اقتصاد کشور بازی می‌کند؛ یک نقش بودجه‌ای، یک نقش سیاست‌گذاری و یک نقش مداخله‌ای. مزیت کاهش قیمت نفت در این است که نقش مداخله‌ای دولت در اقتصاد کشور را به حداقل می‌رساند. دولت مجبور است تا جایی که می‌تواند از مداخله در بازار دست بردارد چون این امکان برایش وجود ندارد. موضوع دیگر، نقش سیاست‌گذاری دولت است که با وجود فشارها و مشکلات موجود دولت در این زمینه مثبت عمل کرده و تا اینجا به سیاست‌هایش پایبند بوده



و توانسته است به صورت ملایم رشدی نامرئی داشته باشد تا بالاخره به تورم صفر درصد در بهمن‌ماه گذشته برسد و رکود را تشدید نکند. هیچ‌کس نمی‌تواند بگوید در دوران دولت یازدهم، رکود در اقتصاد کشور تشدید شده است. همه اعتقاد دارند که بالاخره احساس رونق در اقتصاد کشور وجود دارد. سومین نقش دولت، نقش بودجه‌ای است به این معنی که دولت هرچقدر بتواند کار عمرانی کند خوب است ولی باید او را هدایت کرد تا خودش کار عمرانی و بودجه‌ای انجام ندهد. کنار بنشینند و خرید خدمت کنند؛ یعنی بگویند اگر کسی بیمارستان ساخت من آن را اجاره می‌کنم، بیایید جاده بسازید من تضمین می‌کنم، بندر بسازید من اجازه فعالیت می‌دهم و امثال اینها. این چه فرهنگی است که همه زیرساخت‌ها را باید دولت بسازد؟ این روش سال‌هاست در تمام دنیا منسوخ شده و در عوض، دولت‌ها کنار می‌نشینند و خرید خدمت می‌کنند. دولت باید در شرایط فعلی بپذیرد که بخش خصوصی بخشی از منابع خود را به بازار ببرد، اجازه دهد این نقدینگی جذب شود و مردم فضای کار داشته باشند؛ تجربه نشان داده که هر جا به مردم اجازه فعالیت دادیم نتیجه‌بخش بوده است. زمانی در تمام تهران ۱۰ استخر وجود نداشت اما اکنون در هر کوی و برزن یک باشگاه ورزشی راه افتاده است. چرا؟ دولت در این زمینه چه کاری انجام داده است؟ هیچ، فقط اینکه فضا را باز کرده و اجازه فعالیت و ساخت و ساز را به مردم داده است. درحال حاضر اگر کسی بخواهد در پایتخت ورزش کند احساس کمبودی ندارد چون در شهر تهران امکانات ورزشی زیادی فراهم است. ما هر جا فضا را باز کردیم و به مردم اجازه ورود دادیم بسیاری از مشکلات حل شد. در بحث‌های عمرانی هم، باید از این قاعده تبعیت کنیم؛ دولت نباید خودش بندر یا جاده بسازد، یا حتماً نباید خودش برق کشی کند یا شرکت مخابرات راه بیندازد. دولت باید فضا را باز و رگلاتوری کند، باید تصویری از آینده مشخص کند و کار را به مردم بسپارد.

آقای ترک‌نژاد! هم شما و هم آقای حسینی به جذب نقدینگی و انباشت سرمایه به عنوان یک راه‌حل اشاره کردید. اتفاقاً یکی از معضلاتی که سال گذشته با آن

مواجه بودیم و شاید در آینده نزدیک و حتی دور اقتصاد ما تأثیرگذار باشد، افشای فساد و تخلفات اقتصادی بود. اصلی‌ترین راه‌حل جلوگیری از این روند را چه می‌دانید؟

ترک‌نژاد: مشاور فرهنگی رییس‌جمهوری به‌درستی گفته بودند که کشور مین‌گذاری شده است. من فکر می‌کنم نه تنها این مین‌گذاری اتفاق افتاده، بلکه نقشه آن حتی در دست مین‌گذاران هم نیست تا بتوانند از روی آن کاری بکنند. دولت باید سیاست مبارزه با فساد را به عنوان یک سیاست راهبردی انتخاب کند، چراکه هزینه‌های تولید، کالا و خدمات را به شدت بالا برده، قدرت رقابت را گرفته و فضای رانتی و ویژه‌خواری را گسترش داده است. مبارزه با فساد هم این‌گونه نیست که بتوان آن را با تعویض افراد انجام داد این جنگیدن با معلول است، ما باید به سراغ علت‌ها برویم. ما به‌طور ساختاری دچار این مسئله شده‌ایم، بنابراین نیاز داریم که نظام اداری کشور را به صورت ساختاری اصلاح کنیم و اولویت هم با جاهایی است که بیشترین مشکل را دارند؛ مثل نظام بانکی، بازار سرمایه و تأمین اجتماعی. علاوه بر اینها، در قانون کار نیز باید اصلاحات قانونی انجام گیرد و در مسائل گمرک و مالیات نیز این رویکرد مدنظر باشد. موضوع دیگری هم وجود دارد و آن در مورد بخشی از نظام تولید، یعنی کشاورزی ماست. در این بخش، منابع پایه تولید به شکل گسترده‌ای آسیب دیده است؛ ما باید آن را به عنوان یک واقعیت به‌همان شکلی که هست بشناسیم و راهبردی بنیادی برای این قسمت طراحی کنیم وگرنه، با توجه به اینکه کشور هم دیگر آنقدر پول نفت ندارد که بتواند منابع غذایی وارد و توزیع کند، در دهه آینده به نقطه‌ای می‌رسیم که ممکن است غیرقابل برگشت باشد. در قانون اساسی آمده است که نظام، مسئول تأمین امنیت غذایی کشور است؛ یا باید مدیریت کند و دیگران تولید کنند و یا خود به هر ترتیب برای آن تدبیری بیاندیشد. در مجموع، دولت باید یک هدف بنیادین برای خودش تعریف کند و آن اینکه به دنبال «کارآمدشدن» باشد. برای کارآمدشدن دولت ما باید دو کار را در اولویت نخست قرار دهیم؛ دولت باید هم کارآ و هم اثربخش باشد تا بگوییم این دولت کارآمد است. دولت برای رسیدن به این هدف، دو کلید اصلی دارد. اول اینکه باید به سمت سیاست‌های کاهش هزینه برود و دوم، سیاست‌های ارتقاء بهره‌وری دارایی‌ها که اگر آن را به‌عنوان یک راهبرد بلندمدت انتخاب شود، بدون تردید می‌توان افق‌های خوبی را به جامعه انتقال داد و نگرانی‌ها را کم کرد. این کار ساده‌ای نیست ولی بی‌تردید امکان‌پذیر است. در دنیا تجربیات موفقی وجود دارد که دولت‌ها توانسته‌اند در چنین شرایطی خود را به نقاط بهتری برسانند.

II آقای حسینی! توافق هسته‌ای چه وضعیتی را در اقتصاد ما به وجود خواهد آورد و تأثیرگذاری آن به چه شکل خواهد بود؟

حسینی: توافق می‌تواند روی محیط کلان سیاسی، اقتصادی و مقررات کسب‌وکار ما اثرگذار باشد. ما طی سال‌های اخیر، تحریم‌ها را داشتیم که مانعی جدی در برابر اقتصاد کشور بود. و از سوی دیگر سیاست‌های اقتصادی غلط دولت، اقتصاد کشور را آچمز کرده بود. بنابراین، در حال حاضر نهاد دولت از یک طرف در حال اصلاح سیاست‌های خود است و از طرف دیگر تحریم‌ها را به عنوان عاملی آچمزکننده از برابر اقتصاد کشور برمی‌دارد یا بحث روانی آن را حل می‌کند چنانکه ظرف هشت ماه آینده کشورهای مختلف بتوانند با ایران کار کنند. با این توافق شک نکنید بسیاری از مسائلی که ما در زمینه امور حمل‌ونقل و مسائل روزمره زندگی داریم حل می‌شود. مشکلاتی که به پای اقتصاد ما پیچیده است، تحریم‌های کلی سازمان ملل متحد نیست، بلکه اتفاقاً بیشتر ناشی از تحریم‌های اتحادیه اروپا و اختیارات رییس‌جمهوری امریکا است. من فکر می‌کنم لغو این تحریم‌ها فضای مثبتی را فراهم می‌کند. سیاست‌های اقتصادی دولت هم امسال روشن‌تر می‌شود و دولت به سمت خصوصی‌سازی و اقتصاد رقابتی می‌رود، چرا که هم شرایط به او تحمیل شده و هم شما وقتی در اقتصاد جهانی روی خوش نشان می‌دهید مجبور می‌شوید تا حدی سیاست‌های خود را در جهت سیاست‌های کلی نظام اقتصادی جهانی اصلاح کنید تا بتوانید از آن بهره بگیرید. اقتصاد دنیا حاضر نیست در یک اقتصاد دولتی و بسته سرمایه‌گذاری کند، در نتیجه، حتماً منابعی به سمت بخش خصوصی ایران می‌آیند. این‌بار برخلاف دفعات قبل که عمده سود و بهره سرمایه‌گذاری‌های خارجی متعلق به دولت بود حتماً بر همکاری با بخش خصوصی و سرمایه‌گذاری در آن تأکید خواهد شد. بنابراین من فکر می‌کنم رشد اقتصادی کشور شدت می‌گیرد، پروژه‌های نیمه‌تمام اغلب به جریان می‌افتد، مقدار زیادی از منابع مالی که به علت تنگناهای منابع مالی در حال حاضر اوضاع اسفناکی دارند از طریق خطوط اعتباری دنیا حل می‌شود، دسترسی ما به منابع خودمان بیشتر می‌شود و وقتی روابط و منابع بانکی راه بیفتد کل مشکلات حل می‌شود. الان مجبور هستید ۳۰ درصد پول بدهید تا کالای خود را بگیرید اما آن زمان با ۱۰ درصد و به راحتی با یک ال.سی می‌توانید کار خود را انجام دهید، در این صورت، سرعت گردش پول در اقتصاد کشور افزایش پیدا می‌کند. من اعتقاد دارم بخش‌هایی مثل خودروسازی، پتروشیمی، مخابرات، نفت و هواپیمایی به سرعت می‌توانند سرمایه‌گذاری

خارجی را جذب کنند. در صحنه اقتصاد داخل هم گفته می‌شود که در شرایط جدید، بازار مسکن راه می‌افتد. چون ایرانی‌ها به هر دلیل فکر می‌کنند تا وقتی که بازار مسکن راه نیفتد بازار را کد است و رونق اقتصادی را در رونق بازار مسکن می‌دانند. در حالی که این به نفع هیچ‌کس نیست، اما نمی‌دانم چرا مردم فکر می‌کنند اگر بازار مسکن حرکت کند حتماً بازار و اقتصاد رونق دارد و اگر ثابت و راکد است پس حتماً بازار کسب‌وکار راکد است. من اعتقاد دارم که با رفع تحریم‌ها، بازار مسکن هم به راه می‌افتد.

II در همان نیمه اول سال این اتفاق می‌افتد؟ ترک‌نژاد: نه.

حسینی: اعتقاد من این است که برای اوایل تابستان بازار مسکن راه می‌افتد به دلیل فضایی که ایجاد، و سرمایه خارجی که وارد می‌شود. همیشه یکی از دلایل رونق بازار مسکن ما، پولی بود که ایرانیان خارج از کشور نمی‌توانستند با آن کار خاصی انجام دهند بنابراین آن را وارد بازار مسکن ایران می‌کردند. این پول‌ها ۷-۸ سال است که از بازار مسکن ما رفته و این خود یکی از عواملی است که سبب شده عمده منابع بانکی در بخش مسکن قفل شود. اگر بخش مسکن راه بیفتد بخش عمده‌ای از معوقات بانکی حل می‌شود و نظام بانکی هم رونق می‌گیرد. لذا من به سال جدید خوشبین هستم و اعتقاد دارم که مجموع سیاست‌های دولت و تحولاتی که در روابط بین‌المللی اتفاق افتاده است می‌تواند اقتصاد کشور را شکوفا کند.

II پس پیش‌بینی می‌کنید، نرخ ارز تغییر محسوسی داشته باشد؟

حسینی: نمی‌گویم به شدت سالی که قطعنامه ۵۹۸ پذیرفته شد اتفاق می‌افتد اما بالاخره تأثیراتی بر بازار ارز، ملک و سهام خواهد داشت. هرچه دولت بتواند این تلاطم را کمتر کند بهتر است چون اقتصاد کشور به‌طور مثال قیمت ارز پایین را تاب نمی‌آورد.

ترک‌نژاد: دولت باید پیش‌آگاهی‌هایی به جامعه بدهد، چون بدون تردید نوسانات در حوزه‌های مختلف بسیار کوتاه‌مدت و زودگذر خواهد بود،

مشروط بر اینکه روشنگری شود تا مردم اسیر این اتفاقات نشوند. یعنی اگر به‌طور مثال قیمت ارز از ۳۵۰۰ تومان ۲۰۰ تومان پایین آمد، اگر هرکس ۲۰ یا ۳۰ هزار دلار دارد یکباره وسط بازار ارز نیاید تا سرمایه‌اش را عرضه کند، چون این تلاطم را تشدید خواهد کرد. دولت باید به جامعه پیش‌آگاهی بدهد که در جریان این اتفاق، از رفتارهای احساسی و عکس‌العملی پرهیز کنند تا این نوسانات را به حداقل برسانیم. نکته دیگری که به اعتقاد من لازم است دولت به آن توجه کند این است که توافق با غرب، فرصتی استثنایی در اختیار ایران است. البته هرچند ایران یکی از پرفریت‌ترین کشورها برای سرمایه‌گذاری است اما مطمئناً بهشت سرمایه‌گذاری نیست، چون مشکلات زیادی هم دارد. دولت باید در یک اقدام هوشمندانه آنچه را که مانع جذب سرمایه‌گذاری خارجی است از میان بردارد. با توجه به آنچه آقای

حسینی به آن اشاره کردند رویکرد سرمایه‌گذاران خارجی این‌بار توجهی به دولت ندارد بلکه می‌خواهد با بخش خصوصی کار کند و این بسیار مهم است. دولت باید در شش‌ماهه اول سال، هرچه را که مزاحم جذب سرمایه‌گذاری است به سرعت اصلاح و آماده کند. در این صورت، تعریف هزار میلیارد دلار پروژه در ایران پس از رفع موانع قانونی، اصلاً عدد اغراق‌آمیزی نیست. فرض کنید در حوزه گردشگری، ظرفیت‌های ساخت هتل در ایران چقدر است؟ اگر برندهایی که کار ساخت هتل در کشورهای مختلف جهان هستند به ایران بیایند و بخواهند در این زمینه‌ها سرمایه‌گذاری کنند، روی چه ارقامی فکر می‌کنند؟ همینطور در زمینه راه‌آهن و به‌طور کلی صنعت حمل‌ونقل و ... بنابراین دولت باید یک تمهید مقدماتی بیاندیشد و از طریق مقررات‌زدایی و تسهیل جذب سرمایه‌گذاری، هزار میلیارد پروژه تعریف کند. از بخش خصوصی هم بخواهد که آنچه دارند بیاورند تا زمانی که این مقدمات آماده شد، پروژه جذب شود. از جمله جاهایی که دولت باید محرک‌های رشد آن را فعال کند حوزه مسکن است. این کار دو تأثیر عمده دارد: نخست اینکه ما باید بدانیم که بیش از ۹۵ درصد از شاغلان مستقیم حوزه مسکن، فقیرترین طبقات جامعه هستند و اشتغال آن‌ها اهمیت فراوانی دارد. علاوه بر این، محرک‌های رشد این حوزه، بسیار بالاتر از صد صنعت دیگر است و این برای خروج از رکود موضوع بسیار بااهمیتی است. از طرف دیگر، این کار از تشدید قیمت‌ها در یک فاصله زمانی بعدی جلوگیری می‌کند چون که رونق بازار مسکن از نیمه دوم سال ۱۳۹۴، آرام‌آرام آغاز خواهد شد و در سال ۱۳۹۵ جدی‌تر است. پس برای اینکه نوعی تعادل در عرضه و تقاضا به وجود بیاید دولت باید خودش تحریک‌کننده رشد باشد تا پس از آن، تعادل عرضه و تقاضا در سال‌های



حسینی: اعتقاد من این است که برای اوایل تابستان بازار مسکن راه می‌افتد و در این صورت، بخش عمده‌ای از معوقات بانکی حل می‌شود و نظام بانکی هم رونق می‌گیرد. لذا من به سال جدید خوشبین هستم.

۱۳۹۶ و ۱۳۹۷ دچار مشکل نشود. این هم از جمله موضوعاتی است که باید به آن توجه کرد.

۱۱ یکی دیگر از مسائلی که در سال پیش‌رو مطرح است بحران خشکسالی است. پیش‌بینی‌ها حکایت از آغاز یک سلسله خشکسالی سی‌ساله دارند که شواهد آن نیز در زمستان ۱۳۹۳ دیده شد. این موضوع ممکن است دولت و اقتصاد کشور را با چه بحران‌هایی در آینده نزدیک روبه‌رو کند و چه راه‌حل‌هایی می‌توان برای آن ارایه کرد؟

ترک‌نژاد: من در بخشی از صحبت‌ها مطرح کردم که یکی از اصلی‌ترین موضوعاتی که برعهده دولت است، حل معضلات حوزه کشاورزی است. اولین کار بازایی ظرفیت‌های منابع پایه تولید است که کاری بلندمدت می‌طلبد. دوم اینکه چشم‌انداز کشاورزی ایران را باید متکی بر محدودترین عامل تولید خود یعنی آب برنامه‌ریزی کرد. بیست‌وچند سال پیش در مقاله‌ای نوشتم که ایران به‌طور کلی ظرفیت تأمین غذای حدود ۴۵ میلیون نفر را دارد. محاسبات هم بر مبنای امکانات آب کشور در آن زمان بود. حالا بعضی افراد می‌گویند با امکانات کشور، ۲۵۰ میلیون نفر را نیز می‌توان غذا داد درحالی که این گونه نیست. این نکته‌ای تعیین‌کننده است. سوم، ورود تکنولوژی جدید به‌خصوص در حوزه مهندسی ژنتیک برای خلق اقلام جدید کم‌مصرف، مقاوم به خشکی، شوری و بیماری است. در کنار این‌ها، باید به سمت بهینگی در مصرف نیز حرکت کنیم چراکه ضایعات محصولات کشاورزی ما هنوز بسیار زیاد است. این‌ها در واقع باید در قالب سیاست‌های کوتاه‌مدت و میان‌مدت گنجانده شوند. ما واقعا باید محصولات پرمصرف را حذف کنیم. به‌طور مثال نباید چغندر قند و ذرت تولید کنیم چرا که آب زیادی مصرف می‌کنند. دلیلی ندارد در هر جای ایران، برنج بکاریم، که محصولی بسیار پرمصرف است. سیاست‌های تولید بخشی از محصولات مثل جالیز و غیره را نیز می‌توان به سیستم‌های گلخانه‌ای انتقال داد. باید دانش‌آموخته‌های کشاورزی را آموزش داد، دانش عملی‌شان را بالا برد و برایشان شغل ایجاد کرد. در کشورهای دیگر، گاهی در هر هکتار گلخانه‌ای تا ۱۵۰۰ تن محصول می‌توان تولید کرد.

۱۲ توصیه‌های زیادی به دولت در این میزگرد شد اما شما برای بخش خصوصی چه توصیه‌ای دارید؟ یعنی فعالان خرد، متوسط و بزرگ چه اقداماتی را لازم است برای بهبود فعالیت‌های خود در سال جدید انجام دهند؟

حسینی: سیاست‌های بخش خصوصی در ۷،

۸ سال گذشته انقباضی و در راستای تثبیت وضعیت موجود بوده و کسی به دنبال توسعه و بازار جدید نبوده است، همه تلاش کردند خود را حفظ کنند. اما سیاست‌های سال ۱۳۹۴ قطعا نمی‌تواند اینگونه باشد. یعنی اگر ما اعتقاد داریم که اتفاقاتی در حال رخ دادن است قاعدتا استراتژی بخش خصوصی، نگاه او به بازار و سیاست‌هایی که اتخاذ می‌کند نباید مبتنی بر حفظ وضع موجود باشد بلکه باید سیاست‌های توسعه‌ای در پیش بگیرد. نگاه بخش خصوصی باید به توسعه روابطش با خارج باشد. به‌طور قطع تا بخش خصوصی با جهان خارج ارتباط برقرار نکند و بخواهد مدام به حمایت‌های دولت تکیه کند بارور نمی‌شود. بخش خصوصی حتی باید برای توسعه روابط با خارج از کشور در عرصه دانش، تکنولوژی، نرم‌افزاری، نیروی انسانی، بازار، صادرات و واردات خود را مجهز کند و به سازماندهی و آماده‌سازی بپردازد. هم روی فرصت‌های پیش رو مطالعه کند و هم به‌طور جدی به دنبال این باشد که سیاست‌های دولت، سیاست‌هایی در جهت آزادسازی و رقابت سالم در اقتصاد کشور باشد. در ادامه هم خود را برای همکاری با بنگاه‌های خارجی آماده کند. این فرصت در حال فراهم‌شدن است و هر کس می‌تواند از این فرصتی که فراهم می‌شود استفاده کند. زمانی اعتبارات زیادی در سطح بازار و بانک‌ها بود اما بخش خصوصی اصلا بلد نبود چگونه از آن استفاده کند، و قدر آن را نمی‌دانست. اکنون که از یک فضای بسته و محدود به سمت یک فضای احتمالا باز پیش می‌رویم، امکان رقابت و توسعه وجود دارد و قاعدتا خیلی بیشتر قدر آن را می‌داند. همانطور که خارجی‌ها الان خیلی بیشتر قدر ایران را می‌دانند و می‌پندند که ظرفیت و پتانسیل ایران آنقدر زیاد است که هر کاری می‌کنند باز هم این کشور روی پاهای خود ایستاده است، بنابراین توجه‌شان به ایران جلب می‌شود. ما این شرایط جدید را خیلی بیشتر باید درک کنیم، کسی می‌تواند در شرایط جدید موفق باشد که سیاست‌های او با سیاست‌های گذشته‌اش فرق کند، سازماندهی او متفاوت باشد و بتواند خود را برای شرایط جدید و به‌طور عمده روابط خارجی آماده کند.

ترک‌نژاد: نکاتی که در مورد دولت بیان کردیم در بخش خصوصی هم عکس‌العمل‌های مثبتی برای تحرک به‌وجود خواهد آورد. در حقیقت، پیش‌نیازی هستند برای اینکه بخش خصوصی هم بتواند وارد این مسائل شود اما در هر حال بخش خصوصی باید بداند که قرار است با شرایط جدیدی روبه‌رو شود و باید یک آمادگی تازه در خودش به‌وجود بیاورد. این آمادگی می‌تواند در قالب کاهش هزینه‌ها و سیاستگذاری برای استفاده بهینه از ظرفیت دارایی‌ها، سیاست‌های مبتنی بر فروش بیشتر به مشتریان و کاهش قیمت‌هایش

از طریق افزایش بهره‌وری و مشتری جدید، بازار جدید و محصول جدید به‌منصه ظهور برسد.

۱۱ فکر می‌کنید امسال بیشتر در حوزه رکود مشکل داریم یا تورم؟ برآورد صحبت‌های هردو میهمان ما در این میزگرد گویا این است که احتمالا تورم بالاتر و رکود پایین‌تری را شاهد خواهیم بود. آیا این برآورد درستی است؟

حسینی: بله، احساس من این است که خطری که پیش‌روی دولت قرار دارد افزایش نرخ تورم است. با توجه به اینکه نقدینگی کشور در سال ۱۳۹۳ افزایش یافت و بیش از نرخ نقدینگی پیش‌بینی‌شده توسط دولت شد، احتمال اینکه روند کاهش تورم در دولت یازدهم متوقف شود و تا حدودی دوباره روند رشد نرخ تورم در کشور شکل گیرد، بعید نیست. از طرف دیگر ما اکنون تازه در حال بازگشت به سال ۱۳۹۰ و ۱۳۹۱ هستیم. یعنی اگر ۴ درصد رشد داشته باشیم پس از یکی دوسال تازه برمی‌گردیم به تولید ناخالص ملی پیشین که داشتیم. بنابراین انتظار اینکه مردم در کوتاه‌مدت احساس کنند زندگی‌شان بهتر شده، به نظر من شدنی نیست، ولی فضای زندگی برای مردم به‌نظر من بهتر می‌شود. آرامشی که بر بازار حاکم است و امیدی که برای مردم به‌وجود می‌آید خود باعث می‌شود که مردم بپایند، در بازار خرج کنند و دل‌نگران آینده خود نباشند. مردم اگر احساس کنند آینده کشور، آینده امیدوارکننده‌ای است به بازار وارد می‌شوند. یعنی مردم می‌آیند، خریدوفروش می‌کنند و بازار تا حدودی رونق می‌گیرد.

ترک‌نژاد: بله به نظر من هم دولت با خطر بازگشت تورم روبه‌روست. به دلیل کاهش خیلی سریع و زیاد تورم، دولت دچار یک خوشحالی زود هنگام شده است. البته سیاست‌های دولت بی‌تردید تأثیرگذار بوده ولی اینکه تورم با این سرعت کاهش یافت، از کاهش قدرت خرید و احتیاط مردم در خرید نیز تأثیر بسیار پذیرفته است یعنی انتظار مردم برای کاهش قیمت‌ها به‌طور مستمر افزایش یافت و بنابراین در خرید ترمز کردند. در این میان، دولت تصور کرد این شرایط صرفاً نتیجه کارکرد سیاست‌هایش است، درحالی که این‌گونه نیست. بنابراین من اعتقاد دارم که اگر در پایان دوره اول ریاست‌جمهوری آقای روحانی، نرخ تورم به ۱۵ درصد برسد ولی رشد اقتصادی از ۵ عبور کند و نرخ بیکاری آن در محدوده ۱۰ باشد دولت بسیار موفق بوده است. به نظر من، دولت باید آن وعده تورم ۱۵ درصدی را برای پایان دوره خود اعلام می‌کرد که حالا به نوعی پارادوکس رفتاری دچار نشود تا اگر نرخ تورم ۲ درصد افزایش یافت به یکباره همه‌چیز برهم نریزد.



ترک‌نژاد: بخش خصوصی باید برای مواجهه با شرایط جدید آمادگی تازه در خودش به‌وجود بیاورد. این آمادگی می‌تواند در قالب کاهش هزینه‌ها و سیاستگذاری برای استفاده بهینه از ظرفیت دارایی‌ها به‌منصه ظهور برسد.



از نگاه شما، مهم‌ترین چالش‌های اقتصاد ایران در سال ۱۳۹۴ چیست؟

با توجه به برنامه‌ها و اولویت‌هایی که دولت در برنامه کاری خود دارد، به نظر می‌رسد در سال ۱۳۹۴ وضعیت متفاوت‌تری در اقتصاد کشور حاکم شود. هرچند تلاش‌های زیادی برای کاهش نرخ تورم از سوی دولت انجام شده است اما هنوز و همچنان، تورم چالش اصلی اقتصاد ایران در سال ۱۳۹۴ است. بنابراین ضرورت دارد تلاش برای کاهش این نرخ تداوم یابد. افزایش نرخ بیکاری چالش دیگری است که پیش‌روی دولت قرار دارد؛ این در حالی است که یکی از اهداف دولت در برنامه‌های بالادستی، کاهش نرخ تورم و بیکاری است اما امروز انبوه فارغ‌التحصیلان دانشگاهی به عنوان معضلی ساختاری به یک چالش اساسی تبدیل شده است و لایحه بودجه ۱۳۹۴ نیز که لایحه پایانی برنامه پنجم توسعه است درخصوص پرداختن به مسائل و مشکلات مانند نرخ تورم و سایر مسائل کلی کشور از جمله کاهش نرخ ۱۳ درصدی بیکاری عمومی و همچنین نرخ بیش از ۲۵ درصدی بیکاری فارغ‌التحصیلان دانشگاهی دچار مشکل است و برنامه‌ای ندارد. البته تلاش دوساله دولت یازدهم برای کاهش نرخ تورم از ۴۳ درصد به ۱۷ درصد قابل تقدیر است اما باید توجه داشت که اتفاقات رخ داده در لایحه بودجه سال ۱۳۹۴ ما را با افزایش قیمت‌ها روبرو خواهد کرد که این روند در تبصره‌های مختلف قابل مشاهده است. از سوی دیگر با توجه به اینکه در شرایط رکود تورمی هستیم دولت در سال ۱۳۹۴ با شرایط سختی روبرو خواهد بود. البته جز نرخ تورم و بیکاری، پرداخت‌های نقدی به اکثر خانوارهای ایرانی از دیگر چالش‌هایی است که دولت با آن دست به گریبان است و هنوز معلوم نیست که در این باره قرار است چه اقدامی انجام دهد.



چالش‌های اصلی: هنوز تورم و بیکاری

اقتصاد ۱۳۹۴ در گفت‌وگو با هادی قوامی نایب رئیس کمیسیون برنامه و بودجه مجلس

ارمان جوادنیا: هادی قوامی، نایب رئیس کمیسیون برنامه و بودجه مجلس معتقد است سال جدید سالی متفاوت برای اقتصاد ایران خواهد بود و به صراحت تأکید می‌کند که «هرچند دولت دستاوردهای خوبی در حوزه نرخ تورم داشته و روند کاهشی نرخ تورم در سال ۱۳۹۳ چشمگیر بوده، اما این شاخص اقتصادی و نرخ بیکاری از چالش‌های مهم دولت در سال ۱۳۹۴ خواهد بود.» او در گفت‌وگو با «آینده‌نگر»، اجرای سیاست‌های اقتصاد مقاومتی از قبیل «اصلاح نظام مالیاتی، تعامل پویا با دنیا، استفاده از امکانات تجارت آزاد و توجه به زیرساخت‌های اقتصادی» را از جمله استراتژی‌های لازم دولت برای سال ۱۳۹۴ می‌داند و تأکید می‌کند «دولت باید علاوه بر استفاده بهینه از ظرفیت‌ها و پتانسیل‌های کشور، به تولید داخل و کارآفرینان توجه ویژه‌ای داشته باشد تا بتواند موانع و چالش‌های اقتصادی را پشت سر بگذارد.» مشروح این گفت‌وگو را در ادامه می‌خوانید.

یکبار هم که شده، به جای خام‌فروشی، از طریق تبدیل نفت و استفاده از مشتقات آن از اقتصاد نفتی رها شده و بتوانیم بر تحریم‌ها غلبه کنیم.

از لزوم حمایت کارآفرینان سخن گفتید. این کار به واقع چه تأثیری بر روند کلی اقتصاد کشور در سال جدید خواهد داشت؟

کارآفرینان کسانی هستند که ۴۰ درصد تولید ناخالص کشور را بر دوش می‌کشند و تاکنون کارنامه درخشانی بر جای گذاشته‌اند، بنابراین اگر همه بخش‌های کشور، محیط حقوقی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی را برای کارآفرینان فراهم کنند و با توجه ویژه دولت، حمایت خوبی از کارآفرینان صورت گیرد، می‌توان افزایش تولید و رونق در اشتغال کشور را شاهد بود چراکه بهینه‌کردن و افزایش کیفیت تولید، هنر کارآفرینان است. توجه به ظرفیت‌های داخلی، رشد استعدادها، فراهم کردن عدالت منطقه‌ای، تکیه بر کارآفرینان داخلی و از بین بردن تبعیض‌ها، از آثار و برکات اقتصاد مقاومتی است و این تنها راهی است که ما از طریق آن می‌توانیم با نظام سلطه مقابله کنیم. باید توجه داشته باشیم که اگر تنها به رفع تحریم‌ها دل ببندیم، نه تنها فایده‌ای ندارد بلکه تأثیری هم بر جای نخواهد گذاشت. و اگر به هردلیلی تحریم‌ها تداوم یابد، باید از تولید و تولیدکنندگان داخلی به‌طور واقعی حمایت کنیم. توجه همه - چه دولت، چه مردم و چه بخش خصوصی - باید به تولید داخلی باشد و دولت باید به‌گونه‌ای برنامه‌ریزی کند تا حمایت از بخش واقعی تولید از اولویت‌هایش باشد تا مشکلات و چالش‌های اقتصادی یکی پس از دیگری برطرف شود.

پیش‌بینی‌تان از وضعیت کشاورزی در سال ۱۳۹۴ چیست؟ مهمترین مساله در این حوزه را چه می‌دانید؟

در بخش کشاورزی هم مباحثی وجود دارد که مهم‌ترین آن‌ها در ارتباط با بحث اراضی است که در مجلس پیگیری و دنبال می‌شود. به تازگی نیز با تغییر کاربری اراضی کشاورزی دیم درجه ۴ و بالاتر به واحدهای صنعتی و معدنی دارای مجوز موافقت شده است. همچنین براساس مصوبه مجلس در ماده الحاقی ۱۹ آمده است که مرجع صدور مجوز تغییر کاربری اراضی کشاورزی موظف است برای احداث یا توسعه واحدهای صنعتی و معدنی دارای مجوز از مرجع ذیصلاح حداکثر ظرف مدت یک سال از تاریخ تکمیل مدارک اعلام نظر کند. جالب آنکه در صورت عدم پاسخ در مهلت مقرر، احداث یا توسعه واحدهای مذکور در اراضی دیم درجه ۴ و بالاتر که امکان تبدیل آن به کشت آبی نباشد، با رعایت ضوابط زیست‌محیطی و پس از تأیید وزارت جهاد کشاورزی و پرداخت عوارض قانونی بلامانع است. بنابراین در صورت اجرای این بندها نیز اتفاقات خوبی در این بخش رخ خواهد داد.

در کنار چالش‌هایی که مطرح کردید، پیش‌بینی می‌کنید چه فرصت‌هایی در سال ۱۳۹۴ پیش‌روی عرصه اقتصاد کشور ما قرار بگیرد؟

فرصت‌های زیادی فراوی اقتصاد کشور وجود دارد اما شرط استفاده از آنها این است که دولت هزینه‌های اضافی را کاهش دهد و تا حد امکان در مصارف غیرضروری صرفه‌جویی کند تا بتواند از فرصت‌های موجود نهایت استفاده را ببرد. توجه به سیاست‌های اقتصاد مقاومتی و اجرای آن، به عنوان یکی از مهم‌ترین فرصت‌ها برای اقتصاد کشور در سال جاری از ضروریات است و متولیان امر باید از این طرح بهترین استفاده را داشته باشند. بنابراین با توجه به اهمیت نقش کارآفرینان در کشور، هم مجلس، هم دولت و هم قوه قضاییه باید محیط را برای فعالیت آنان فراهم کنند. در کنار این موارد، تحریم نفتی نیز فرصت مناسب دیگری است تا

فرصت‌های زیادی فراوی اقتصاد کشور وجود دارد اما شرط استفاده از آنها این است که دولت هزینه‌های اضافی را کاهش دهد و تا حد امکان در مصارف غیرضروری صرفه‌جویی کند تا بتواند از فرصت‌های موجود نهایت استفاده را ببرد.



■ محمدحسین
برخوردار
رئیس مجمع
واردات



**تقویت صادرات
و مشوق‌های
آن در کشور ما
و خصوصاً در
شرایطی که
خروج از رکود
از اصلی‌ترین
برنامه‌های دولت
است، شاید
بدیهی‌ترین
پیشنهاد باشد.**

سال نو، برند نو

گشایش در امور بنگاه‌ها، امری تدریجی و زمان‌بر است

محیط‌های تجاری اطراف ما به سرعت در حال تغییر هستند، مدل‌های تجارت متحول می‌شوند و هزینه‌هایی که یک بنگاه اقتصادی برای معرفی خود در بازارهای جهانی نیاز دارد به طور روزانه دستخوش تغییر می‌شود. اینچنین است که فرصت‌های یک بنگاه برای رشد، پیوسته در حال گذرند و بنابراین، هر اشتباه و غفلتی در فضای تجارت بین‌المللی می‌تواند تبعات سنگینی برای یک بنگاه یا یک برند تجاری به دنبال داشته باشد. آن هم در دنیایی پرتلاطم و فرا رقابتی، که جبران عواقب و تبعات دوری از فضای تجارت بین‌المللی، ممکن است بیش از یک دهه به طول بیانجامد. رقابتی شدن محیط کسب‌وکار در فضای بین‌المللی موجب شده که بنگاه‌ها برای استفاده بهینه از بازارهایی که سال‌ها در آنها حضور داشته‌اند، فشار مضاعفی را تحمل کنند. در تجارت امروز نمی‌توان هر لحظه که اراده کردید به بازاری ورود پیدا کنید و هر لحظه هوس کردید از آن خارج شوید. قواعد و رفتار خاصی بر آن حاکم است که گاه نوشته است و گاه نانوشته. بنگاه‌های ما در چندسال اخیر در دو حوزه آسیب دیده‌اند؛ از یک‌سو، نتوانسته‌اند به تعهدات مندرج در قراردادهای خود با شرکای خارجی عمل کنند و از سوی دیگر به عرف تجاری‌ای که سال‌ها میان خود و شرکای تجاری‌شان مرسوم بود، پایبند نمانده‌اند. بنابراین، با توجه به شرایطی که ممکن است به واسطه گسست تحریم‌ها پیش روی بنگاه‌ها قرار بگیرد، باید اذعان کرد که فضای تجارت خارجی در سال ۱۳۹۴ بسیار پیچیده‌تر از سال گذشته خواهد بود.

سال بازسازی چرخه تجاری

فشار مضاعفی که در چندسال اخیر بر بنگاه‌های اقتصادی وارد شده، افزون بر فضای غبارآلود ناشی از امکان لغو یکباره تحریم‌ها سبب شده تجارت و بازرگانان ایرانی، به جای برنامه‌ریزی برای طرح‌های توسعه، بیشتر مراقب مخاطرات باشند و دائم این اندیشه را مرور کنند که باید در سال جدید با ملاحظاتی پیش بروند که به شکست خوردن در تجارت ختم نشود. همه این‌ها یعنی وضعیت بنگاه‌های اقتصادی ما در حوزه تجارت بین‌المللی چندان مناسب به نظر نمی‌رسد. در واقع امسال تجار بیشتر از شکست خوردن هراس دارند تا اینکه به فکر گسترش برنامه‌های خود باشند. اینچنین است که باید اعتراف کرد، تجارت خارجی ما به نوعی

«بازسازی چرخه تجاری» نیازی فوری و مبرم دارد. مدیریت فرآیند تجاری در عرصه بین‌المللی در قالب یک چرخه اتفاق می‌افتد. این چرخه شامل فازهایی است که به هم مرتبط هستند؛ محدودیت‌های ناشی از دوران تحریم‌های سختگیرانه، این فازها را با اختلال روبرو کرده و ما در این دوره باید انرژی مضاعفی صرف کنیم تا به بازسازی این چرخه بپردازیم، چراکه بدون بازسازی این چرخه، بازگشت به فرآیند تجارت خارجی بسیار دشوار خواهد بود. فاز طراحی و آنالیز، نقطه شروع بازسازی این چرخه است. در این مرحله سازمان، فرآیندهای تجاری و محیط فنی و تکنیکی را بررسی می‌کنند و بر مبنای این بررسی فرآیندها شناسایی، بازبینی، و اعتبارسنجی می‌شوند تا در نهایت با یک مدل سازی تازه بازتعریف شوند و از این طریق، ذینفعان مختلف بتوانند به صورت موثر در تعریف و بهبود فرآیندها مشارکت کنند.

سال پررنگ شدن نقش دولت

وضعیت غبارآلود بنگاه‌های اقتصادی، ضرورت ایجاد یکپارچگی درون سازمانی و بین سازمانی در محیط زنجیره تامین و هم‌افزایی بخش دولتی با بخش خصوصی را دوچندان ساخته است. دولتمردان باید شجاعانه رویه‌هایی اجرایی را برای تسریع در تسهیل تجارت و بازرگانی پیاده‌سازی کنند. مروری بر رفتار دولت‌های توسعه‌یافته در جهان فرارقابیتی و پیچیده امروز نشان می‌دهد که مسیر بهینه رشد تجارت خارجی اعم از واردات و صادرات باید به گونه‌ای ترسیم شود که منفعت همه بازیگران در آن لحاظ شده باشد و دولت نقشی ترکیبی و تعادل‌بخش را در این میان برعهده گیرد و با خلق مشوق‌های لازم، کاهش بوروکراسی اداری و تقویت دیپلماسی اقتصادی مسیر را برای تصاحب سهم بیشتری از بازار بین‌المللی توسط بنگاه‌های داخلی هموارتر سازد. تقویت صادرات و مشوق‌های آن در کشور ما و خصوصاً در شرایطی که خروج از رکود از اصلی‌ترین برنامه‌های دولت است، شاید بدیهی‌ترین پیشنهاد باشد. در حوزه واردات هم تسهیل فرآیندها و مقررات‌زدایی در عین واگذاری امور به تشکلهای صنفی می‌تواند راهکاری راهگشا در مسیر بهبود شرایط فعالان اقتصادی باشد.

سال کاهش موانع غیرتربهای

لغزوم قانونمندی آیین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌ها موضوعی است که بسیاری از بخش‌های اقتصادی ما

با آن مواجه‌های جدی دارند. گاهی پیش می‌آید که محور بسیاری از برنامه‌ها با برنامه‌های کلان کشور و اسناد بالادستی پایش نمی‌شود. به عنوان مثال، علی‌رغم آنکه در قانون پنجم توسعه کشور، صراحتاً بر این اصل که «ایجاد محدودیت در صادرات کالا ممنوع است» تأکید شده، واقعا وجود دست‌اندازهای اداری و ممنوعیت‌ها در مسیر صادرات جای تعجب و شگفتی دارد. در کجای دنیا چنین تجربه‌ای وجود دارد که دولتی با تعیین عوارض، ایجاد محدودیت و یا عدم تامین اعتبار برای جواز صادراتی، در مقابل بخش صادرات خود، مانع‌تراشی و انگیزه‌فرسایي کند؟ نکته قابل توجه آن است که در برخی مقاطع زمانی، با ایجاد محدودیت در صادرات، نه تنها تلاش چندین ساله بنگاه‌های اقتصادی ما برای در اختیار گرفتن بازارهای بین‌المللی بی‌اثر شده بلکه نوعی فضای روحی و روانی منفی را در کشورهای مقصد کالا ایجاد کرده که بازگشت به این بازارها را با دشواری بیشتری مواجه می‌کند.

علاوه بر این، سال‌ها است که ذهن بسیاری از صادرکنندگان کشور با دغدغه‌هایی متراکم شده که عمدتاً به فرآیندهای اداری و دست‌وپاگیر داخلی مربوط می‌شود. صدور ضمانت‌نامه بانکی برای صادرکنندگان و نیز فرآیند طولانی دریافت گواهی استاندارد کالاهایی که دارای نشان استاندارد هستند برای صادراتشان از جمله این موارد است. مشابه همین چالش‌ها در حوزه واردات نیز به اشکال دیگری وجود دارد و هر ناظر منصفی را به این نتیجه می‌رساند که گویی کاربرد واقعی بسیاری از قوانین و مقررات ما، فقط و تنها فقط، ایجاد هزینه مضاعف برای واردکنندگان شناسنامه‌دار و یا ایجاد انگیزه برای واردات غیررسمی و پنهان است. به عنوان مثال، تقریباً تمامی فعالان اقتصادی در فرآیند تجارت خود با این موضوع مواجه بوده‌اند که مهمور شدن مدارک و مستندات به مهر سفارتخانه‌ها در کشور مبدأ کالا، صرفاً تأییدیه‌ای اجمالی است که به هیچ‌وجه جنبه تأیید کیفی محصول را نداشته و حتی تأییدیه مستندات و مدارک نیز محسوب نمی‌شود. در همه‌جای دنیا طرفین تجاری، دارای زبان مشترکی هستند که در کمترین زمان و با کمترین هزینه، می‌توانند پیام و خواسته خود را به دیگری منتقل کرده و اسناد و مدارک خود را با یکدیگر تبادل کنند. بر این اساس چنانچه سازمان توسعه تجارت ایران، این موضوع را از طریق وزارت امور خارجه پیگیری کند، گام بزرگی در جهت

سال طلایی بازار مسکن؟

پاسخ به پرسش‌های آینده‌نگر

یکم. کارشناسان تحلیل‌های متفاوتی در مورد وضعیت بازار مسکن در سال جدید ارائه می‌دهند. به اعتقاد برخی کارشناسان بازار مسکن با رشد مناسب‌تری در سال جدید روبرو خواهد شد اما آیا به نظر شما می‌توان هیچ سناریویی برای شوک قیمتی در بازار مسکن را در نظر گرفت؟

رسدها و برآوردهای ما از بازار مسکن حاکی از آن است که در سال جدید هیچ شوک قیمتی در بخش مسکن نخواهیم داشت و قیمت‌ها همچنان به تخلیه حباب قیمتی ادامه می‌دهند. با توجه به شرایط فعلی اقتصاد و برنامه‌های دولت در این حوزه افزایش قیمت شدیدی در این بخش نخواهیم داشت چنانکه مطابق پیش‌بینی ما؛ میزان افزایش قیمت مسکن در سال آینده با یک شیب ملایم چند درصدی، کمتر از نرخ تورم خواهد بود. علاوه بر این پیش‌بینی می‌شود اردیبهشت، ماه طلایی بازار مسکن باشد. در این ماه تعداد مبادعه‌نامه‌ها افزایش خواهد یافت و در این صورت می‌توان درباره وضعیت قیمت مسکن در سال ۱۳۹۵ نیز اظهار نظر کرد. البته در مورد بازار رهن و اجاره احتمال دارد قیمت‌ها حداکثر هم‌سو با نرخ تورم و نه بیشتر، افزایش یابد اما در خرید و فروش واحدهای مسکونی برآورد ما این است که آهنگ افزایش قیمت‌ها، پایین‌تر از نرخ تورم باشد.



■ حامد مظاهریان
معاون امور مسکن و
ساخت‌مان وزیر راه و
شهرداری

۲ به اعتقاد شما بازار مسکن چه زمانی از رکود خارج خواهد شد؟

واقعیت این است که بازار مسکن تحت‌تأثیر شاخص‌های کلان اقتصادی است؛ یعنی متناسب با رشد اقتصادی، تورم و تزریق منابع مالی شاخص‌های کلان، شرایط بازار مسکن نیز تغییر می‌کند. بنابراین هر نوع تغییری در شاخصه‌های اقتصاد کلان، در این بازار نیز تأثیرگذار خواهد بود. البته برداشت از منابع ارزی و تزریق به این بخش نیز از دیگر مواردی است که می‌تواند در حوزه مسکن تأثیرگذار باشد. پیشنهاد قطعی ما برای خروج مسکن از رکود، تقویت طرف تقاضا از طریق پرداخت وام به میزان ۴۰ تا ۵۰ درصد قیمت مسکن است. برآورد ما این است که نظام بانکی در یک دوره ده‌ساله حدود صد هزار وام خرید مسکن با بهره حدود ۱۴ درصد را تأمین کند. این راهکار می‌تواند تا حد زیادی خروج بازار مسکن از رکود را سرعت بخشد. هم‌اکنون برآورد ما این است که نیاز به یک میلیون و دویست هزار واحد انباشته وجود دارد و در کنار آن یک میلیون و ۶۰۰ هزار خانه خالی هم موجود است که با توجه به این موضوع تولید برای تقاضا موثر نیست. به نظر می‌رسد اشتباهی در سیستم بانکی رخ داده است به این شکل که وام‌های مسکن تنها به بخش‌هایی داده شده که طالب مسکن لوکس بوده‌اند. بنابراین رفع نیاز به مسکن به صورت غیرمتعادلی انجام شده است و همین مسئله مشکلاتی را در این بازار ایجاد کرده است.

تسهیل تجارت برداشته است. واقعیت آن است که همبستگی تجارت خارجی ما در حوزه واردات و صادرات به‌درستی دیده نشده است. اگر این همبستگی به معنای واقعی در فضای اقتصادی ما لحاظ می‌شد الان در این نقطه نایستاده بودیم.

سال همبستگی صادرات و واردات

تجربه سایر کشورهای صادرکننده نفت موید آن است که رونق صادرات و گسترش بازارهای صادراتی منوط به همبستگی صادرات غیرنفتی با واردات مواد اولیه، دانش فنی و تکنولوژی تولید، و خدمات مهندسی است. مروری بر تجربه دیگر کشورهای جهان نشان می‌دهد که بزرگ‌ترین صادرکنندگان کالا در جهان، خود در زمره بزرگ‌ترین واردکنندگان نیز بوده‌اند و آنچه در خصوص اقتصاد ما حائز اهمیت است آن‌که در اقتصاد ما؛ حجم، ترکیب و ارزش کالاهای وارداتی همواره به‌دنبال روند کاهش یا افزایش درآمدهای نفتی حرکت کرده، درحالی که صادرات عموماً یک روند رشد ثابت داشته است و نگاه منفی صادرکنندگان به بخش واردات نیز ریشه در همین رویکرد غلط دارد. برای همین، بسیاری از کارشناسان معتقدند کلید پیشرفت اقتصاد ما، چیزی جز درپیش گرفتن استراتژی ادغام صادرات و مدیریت واردات در کنار تعریف نقش حمایتی دولت نیست.

سال ارتقاء ارزش «برند»

در جهان فرارقابیتی امروز، نه‌تنها شرکت‌ها بلکه دولت‌ها از «برند» و برندسازی، برای دستیابی به مزیت رقابتی در بازار کالاهای و خدمات مصرفی استفاده می‌کنند. در این فرآیند، برند به عنوان یک دارایی ناملموس ولی کلیدی از سوی دولت‌ها پذیرفته شده و به همین جهت، منابع و تسهیلات بیشتری برای گسترش آن به کار گرفته می‌شود اما فضای اقتصاد و تجارت کشور ما به دلیل فشارهای مداوم اقتصادی، همواره با این موضوع بیگانه بوده است. همه می‌دانیم در زمان رکود اقتصادی «برند»، نه‌تنها سکویی برای جهش فراهم می‌کند تا شرکت‌ها بتوانند با استمرار در سودآوری به حیات خود ادامه دهند بلکه می‌تواند شرکای تجاری را به‌هم پیوند داده و زمینه‌های سرمایه‌گذاری بلندمدت را نیز فراهم آورد. متأسفانه، ارزیابی شرایط بنگاه‌های اقتصادی ایران در چندسال اخیر، نشان‌دهنده آن است که هم در حوزه واردات در حال واگذاری کردن بازار به کالاهایی هستیم که اصالتاً برند نیستند، و هم در حوزه صادرات به‌دلیل ضعف در برندسازی، بازار را به رقیبان واگذار کرده‌ایم. امیدواریم با تدبیر دولت محترم و نقش‌آفرینی بیشتر بخش خصوصی، در سال ۱۳۹۴ حداقل بخشی از آسیب‌های وارد شده به فعالان اقتصادی کشور جبران شود، هرچند همه فعالان اقتصادی بر این حقیقت واقف‌اند که گشایش در امور بنگاه‌ها کاری تدریجی و زمان‌بر است.

ذهن بسیاری از

صادرکنندگان

کشور با

دغدغه‌هایی متراکم

شده که عمدتاً به

فرآیندهای اداری و

دست‌وپاگیر داخلی

مربوط می‌شود.

گویی کاربرد

واقعی بسیاری از

قوانین و مقررات

ما، فقط ایجاد

هزینه مضاعف

برای واردکنندگان

شناسنامه‌دار و

ایجاد انگیزه برای

واردات غیررسمی

و پنهان است.



همان خواست تاریخی

کاهش قیمت نفت نمی‌تواند ادامه پیدا کند
اما به این امید نباید بسنده کرد

کشور استفاده کنیم. کارویژه ما در این مقطع از تاریخ آن است که وابستگی اقتصادمان را به فروش نفت کاهش دهیم، حتی اگر همین فردا قیمت نفت به بالای صد دلار رسید، باید این وابستگی را کم کرد و یگانه راه کم کردن این وابستگی، چنانکه اشاره شد توجه جدی به بخش‌های دیگر اقتصاد است. باید بتوانیم اعتماد بخش خصوصی را جلب کنیم. باید بتوانیم از این بخش حمایت واقعی داشته باشیم و با راهکارهای گره‌گشا بخش‌های خصوصی مولد و واقعی را در یک اقتصاد کشور سهیم کنیم. این راهکارها تنها مستلزم حمایت مالی و تسهیلاتی نیست، بلکه دولت بیش از حمایت مالی باید با چتری از قوانین خوب و راهگشا، تولیدکنندگان بخش خصوصی را پشتیبانی و تقویت کند. دولت باید از تبدیل مناطق آزاد به شاهراه‌های قاچاق کالا جلوگیری کند، باید مشکلات پیش‌روی واردات و صادرات کالا و خدمات را از میان بردارد و بالاخره، باید در واردات مواد اولیه از بخش صنعت و تولیدکنندگان بی‌ادعای آن حمایت کند. وقتی سخن از کاهش وابستگی به نفت به میان می‌آید، باید به چگونگی و پیش‌شرط‌های تحقق آن نیز اندیشید. وابستگی به نفت مطمئناً زمانی کم خواهد شد که دست‌کم بخش عمده‌ای از این مشکلات و موانع برطرف شده باشد. آرزویی که جز با اراده، جدیت و پیگیری دولت امکان‌پذیر نخواهد بود.

توریسم و اشتغال‌زایی پایا

گسترش توریسم، سودی دو برابر درآمد نفت عاید کشور می‌کند

با توجه به آمار جهانی حداقل ۶۳۷ دلار ارزآوری روزانه هر گردشگر، نه تنها گسترش صنعت توریسم، باعث افزایش ارزآوری خواهد شد، بلکه اشتغال‌زایی پایا را نیز به دنبال خواهد داشت. در حال حاضر شرایط کشور به گونه‌ای پیش می‌رود که لازم است به گردشگری بهای بیشتری داد تا همزمان خالی شدن روزانه چاه‌های نفت، هر روز سهم بیشتری در سبد درآمدی کشور پیدا کند چراکه بر اساس یک معادله ساده، هر گردشگر خارجی به صورت میانگین معادل فروش ۴۰ بشکه نفت خام در بهترین شرایط قیمت نفت، برای جمهوری اسلامی ایران ارزآوری دارد. ظرفیت‌های گردشگری ایران نیز مثل برخی کشورهای دیگر تنها محدود به گردشگری طبیعت نیست بلکه در سایر عرصه‌ها از جمله گردشگری مذهبی، ورزشی، علمی و گردشگری درمانی کشور نیز می‌توانیم پذیرای بسیاری از مشتاقان در سراسر دنیا باشیم. گردشگری بهترین صنعت جایگزین صنعت نفت است، چنانکه با رونق صنعت گردشگری می‌توان به کاهش اتکا به درآمدهای نفتی امیدوار بود. هر گردشگر ورودی موجب افزایش ثروت ملی و هر گردشگر داخلی عاملی برای گردش و توزیع ثروت در کشور است و هر دو نهایتاً به اشتغال‌زایی در کشور یاری می‌رسانند و اگر درصد بسیار کمی از حمایت‌هایی که از سایر بخش‌های اقتصادی کشور مانند صنعت، کشاورزی، بازرگانی و خدمات انجام می‌شود از حوزه گردشگری شود فرایند درآمدزایی، ارزآوری و اشتغال‌زایی آن به مراتب بیش از سایر بخش‌ها خواهد بود. استفاده صحیح از پتانسیل‌ها و ظرفیت‌های گردشگری ایران می‌تواند سودی معادل دو برابر ذخایر نفتی را به کشور سرازیر کند چراکه آمارها نشان می‌دهد مبلغی بین ۴۰۰ تا ۶۰۰ میلیارد دلار از درآمد کشورهای مختلف دنیا از صنعت توریسم تأمین می‌شود که متأسفانه با وجود جایگاه تاریخی و ویژگی‌های طبیعی ایران، کشورمان در این سبد درآمد جهانی سهم مناسبی را به خود اختصاص نداده است. اگر با توجه به مزایای صنعت گردشگری و تأثیر اقتصادی توسعه این صنعت در درآمدزایی و اشتغال‌زایی بتوانیم تنها به ۳۰ درصد از درآمد صنعت توریسم جهان دست پیدا کنیم، می‌توانیم سالانه سودی ۲ برابر درآمد حاصل از فروش ذخایر نفتی وارد کشور کنیم.



■ حسن رانمدرد
معاون بازرگانی
داخلی وزیر سابق
صنعت، معدن و
تجارت

در آستانه سال جدید به نظر می‌رسد یادآوری این نکته ضروری باشد که دولت با اتخاذ تصمیماتی ضربتی، می‌تواند و باید بحران ناشی از کاهش قیمت نفت را مرتفع سازد به شرط آنکه به سرعت، قدم در راه صرفه‌جویی و کم کردن از هزینه‌های جاری بگذارد و همزمان به دنبال منابع جایگزین برای سهم درآمد نفت در بودجه سالیانه بگردد از جمله:

۱

مالیات: سهل‌الوصول‌ترین راه جبران کاهش درآمد نفتی، افزایش درآمدهای مالیاتی است. اما آمارهای دولتی در ایران نشان می‌دهد که سالانه حدود ۴۰ درصد گریز از مالیات در کشور داریم.

۲

کشاورزی: دولت ناگزیر است علاوه بر مالیات در بخش‌های دیگر مثل کشاورزی و خدمات نیز به عنوان آلترناتیو نفت و درآمدهای نفتی سرمایه‌گذاری کند. مثلاً در بخش کشاورزی سرمایه‌گذاری بر روی زعفران، کشت، بسته‌بندی و صادرات آن درآمدزایی و ارزآوری فراوانی دارد.

۳

توریسم: یکی از صنایعی که درآمد و ارزآوری عظیمی برای کشورهای جهان ایجاد کرده و بخش عمده هزینه‌های دولت را تأمین می‌کند صنعت توریسم است. صنعتی که در ایران با وجود تنوع آب‌وهوایی و سرمایه تاریخی و فرهنگی مغفول مانده است. ما برای جبران این نقیصه، باید هر چه سریعتر دروازه‌های کشور را به روی دنیا بخصوص به روی کشورهای مسلمان باز کنیم.

۴

صادرات خدمات فنی و مهندسی: باید مبادلات اقتصادی و تجاری را در بخش صادرات خدمات و نیروهای انسانی با دنیا و کشورهای منطقه افزایش دهیم. ایران از منابع انسانی و نخبه بالایی برخوردار است. ما می‌توانیم این نیروی انسانی را در ساخت بنادر، ساختمان‌ها، جاده‌سازی، خدمات پرسنلی، پزشکی و مهندسی در کشورهای دیگر به کار بگیریم. امروز مسئله اصلی دولت این است که آیا می‌تواند به خواست تاریخی خود که «کاهش وابستگی به درآمدهای نفتی» است جامه عمل بپوشاند یا



■ حسن مرادی
کارشناس انرژی



یکی از صنایعی که درآمد و ارزآوری عظیمی برای کشورهای جهان ایجاد کرده و بخش عمده هزینه‌های دولت را تأمین می‌کند صنعت توریسم است. صنعتی که در ایران با وجود تنوع آب‌وهوایی و سرمایه تاریخی و فرهنگی مغفول مانده است.

برآورد امروز نقشه راه فردا

سال ۱۳۹۴

باید سال نهضت بازاری را
به بنگاه‌های ایرانی باشد



■ علیرضا شجاعی

مدرس دانشگاه و کارشناس مسائل راهبردی

پیش‌بینی وضعیت اقتصاد ایران برای سال جدید شاید به دلیل متغیرهای گوناگون و اغلب غیرقابل پیش‌بینی اقتصاد کشور کار چندان ساده‌ای به‌نظر نرسد، اما با بررسی روندها و تحلیل عملکردها و وضعیت اقتصادی سال ۱۳۹۳ می‌توان برای اقتصاد امسال ایران سناریوهایی را پیش‌بینی کرد. این بررسی از سه منظر مهم و قابل طرح بوده و می‌تواند به عنوان نقشه‌راه، مورد استفاده قرار گیرد.

منظر نخست، اولویت‌های کاری دولت یازدهم در حوزه اقتصاد بر اساس منویات مقام معظم رهبری است. در این راستا ۸ اولویت کاری برای دولت متصور است که عبارتند از: کنترل تورم، کاهش وابستگی به نفت، تقویت تولید داخلی، اجرای طرح تحول اقتصادی، اصل ۴۴، اجرای مراحل بعدی طرح تحول اقتصادی، تقویت خودکفایی و استقلال اقتصادی، مبارزه با مفاسد اقتصادی و تقویت اقتصاد دانش‌بنیان.

منظر دوم، شعارها و وعده‌های اقتصادی دولت است. در این زمینه دولتی که نام «تدبیر و امید» بر خود نهاده، وعده‌های بسیاری داده که از جمله مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به بهبود شرایط محیط کسب‌وکار برای ایجاد اشتغال و کاهش بیکاری، بهبود معیشت مردم، تامین مسکن ارزان و مهار قیمت آن، اهمیت دادن به تولید و مقابله با فساد برای ایجاد عدالت اقتصادی، حرکت از مصرف‌محوری به تولیدمحوری، اجرای درست قانون هدفمندی یارانه‌ها، آرامش و ثبات در بازار پول و طلا، مهار گرانی و کنترل تورم اشاره کرد. **منظر سوم،** انتظارات مردم است. مردمی که با هزاران امید و آرزو برای حفظ نظام و کشورشان از یک‌سو و بهبود همه‌جانبه زندگی فردی و اجتماعی خود از سوی دیگر، پای صندوق‌های رای آمدند و حماسه سیاسی را رقم زدند. ارزیابی میزان پاسخگویی دولت به این انتظارات و تاثیر آن بر زندگی افراد و جامعه را نیز باید در متن جامعه و در زبان مردم جستجو کرد. با این مقدمه می‌توان به پیش‌بینی وضعیت اقتصاد

در ماه‌های پیش‌رو پرداخت.

■ ■

در سال جدید چندین مولفه اقتصادی و سیاسی بر شرایط کشور تاثیرگذار خواهد بود که می‌توان آن‌ها را در دو بخش داخلی و خارجی تقسیم‌بندی کرد. در بخش داخلی، نامگذاری سال از سوی مقام معظم رهبری، ابلاغ سیاست‌های کلی برنامه ششم توسعه کشور، ادامه اجرای هدفمندی یارانه‌ها و افزایش حامل‌های انرژی (که برخی در اسفندماه سال گذشته نیز افزایش یافت)، انتخابات مجلس شورای اسلامی و مجلس خبرگان رهبری، و سال پایانی برنامه پنجم توسعه از جمله مولفه‌هایی است که بر اقتصاد کشور تاثیرگذار خواهند بود. در بخش خارجی یا محیط خارجی نیز عواملی همچون قیمت نفت و میزان فروش نفت ایران، نرخ طلا و ارز جهانی، نتیجه مذاکرات با کشورهای ۵+۱ تا حداکثر ۱۰ تیرماه، تداوم یا رفع (کامل یا تدریجی) تحریم‌ها علیه ایران، ادامه مناقشات و تنش‌های روسیه با آمریکا و اتحادیه اروپا، ناآرامی‌های منطقه به‌ویژه حضور داعش و تاثیر آن بر تجارت و مبادلات منطقه، تحولات اوکراین، سوریه و... بر اقتصاد موثر خواهند بود.

■ ■

طبق اهداف کمی برنامه پنجم توسعه، ۸۰ میلیارد دلار صادرات غیرنفتی - بدون احتساب میعانات گازی برای سال ۱۳۹۴ پیش‌بینی شده که ۵۵ میلیارد دلار آن صادرات کالا و مابقی آن یعنی ۲۵ میلیارد دلار مربوط به صادرات خدمات است. هرچند دستیابی به این ارقام در شرایط کنونی و وضعیت موجود بعید به‌نظر می‌رسد لیکن به باور نگارنده، با اقداماتی ضربتی و عزمی جدی در دولت، بخش تولید و صادرات می‌تواند به این اعداد دست یابد. برخی از این راهبردها عبارتند از:

الف) مردمی کردن اقتصاد:

این کار نه تنها جلوی افزایش تحریم‌ها را می‌گیرد بلکه تحریم‌شکن است و موجب رشد تولید و صادرات خواهد شد. پیش‌بینی می‌شود در صورت تصمیم غرب به افزایش تحریم‌ها، تمرکز تحریم بر تولید و تجارت دولتی باشد لذا با مردمی کردن و خصوصی‌سازی می‌توان اثر آن را خنثی کرد.

ب) نهضت بازاری را به کالاهای ایرانی

هرچند در ظاهر، مشکل اصلی بنگاه‌های نقدینگی است و اغلب کارشناسان و حتی مسئولان بر آن تاکید می‌کنند لیکن از نظر نگارنده مشکل کلیدی، بازار است. اگر بازار محصولات ایرانی رونق پیدا کند و به گونه‌ای تولیدکننده تضمین خرید محصولش را داشته باشد به هر نحو ممکن نقدینگی مورد نیازش را تامین خواهد کرد. سال آینده باید سال نهضت بازاری را به محصولات بنگاه‌های ایرانی باشد. این کار همت بلند و مضاعف دولت و اتاق‌های بازرگانی، اصناف و تعاون خانه‌های صنعت را می‌طلبد.

ج) توجه به توسعه صادرات خدمات در کنار کالا

در چندسال گذشته توجه خوبی به توسعه صادرات

خدمات فنی و مهندسی شد و حمایت مناسبی از آن صورت پذیرفت که ماحصل آن رشد چشمگیر صادرات این بخش بود، اما بیش از ۱۰ حوزه صادرات خدمات وجود دارد که متأسفانه در ایران توجه کمی به آن‌ها شده است. سال‌هاست که از توسعه توریسم و جذب گردشگر خارجی - مطرح‌ترین حوزه خدمات - سخن به میان می‌آید در حالی که هیچ برنامه و سازوکار مدون، زیرساخت قابل قبول و عزم جدی برای عملیاتی کردن آن وجود ندارد، چه رسد به سایر حوزه‌های صادرات خدمات.

چنانچه حتی مذاکرات هسته‌ای با رفع کامل تحریم‌ها در مهلت مقرر به سرانجام برسد، هرچند تاثیرات روانی سریعی خواهد داشت اما به‌نظر نمی‌رسد بتواند به سرعت بر اعداد و ارقام و شاخص‌های اقتصادی در سال ۱۳۹۴ و بهبود جهشی روند کنونی اثرگذار باشد. به همین جهت همان‌گونه که رهبر معظم انقلاب در دیدار مردم قم به دولت توصیه کردند «باید به وعده‌های خیالی لغو تحریم‌ها دل بست» بلکه باید کاری کرد که کشور در برابر تحریم‌ها مصونیت پیدا کند. برای تحقق این مهم، چند رویکرد اساسی باید در دیدگاه و رویکرد دولتمردان تقویت شود:

اول، تکیه بر نیروی داخلی و مردم است؛ دوم، توجه به اقتصاد مقاومتی؛ سوم، مدیریت هزینه کرد بودجه؛ چهارم، استفاده هوشمندانه و مدبرانه از ابزار مالیات؛ پنجم، بازمهندسی راهکارهای افزایش ارزش‌آوری و کاهش ارزبری (مدیریت مصرف ارز)؛ و ششم، توسعه فرهنگ و مدیریت جهادی در سطوح مختلف.

■ ■ ■

توجه واقعی و نه شعاری دولت به توصیه‌های راهبردی رهبر معظم انقلاب در حوزه اقتصادی، به‌ویژه استفاده از ظرفیت‌های داخلی، اجرای سیاست‌های اقتصاد مقاومتی و سخت‌گیری در واردات کالاهای غیرضرور و تجملی، می‌تواند موجب رونق تولید و به تبع آن رشد اقتصادی و افزایش صادرات غیرنفتی شود. برای رونق تولید و رشد صنعت، معدن و تجارت کشور باید شیرینی بخش‌های غیرمولد به حوزه تولید و صادرات منتقل شود. دولت به جای اجبار و برخورد دستوری و بخشنامه‌ای برای تامین نقدینگی بنگاه‌های تولیدی که آمارها نشان از عدم توفیق این راهکار در سال‌های مختلف از جمله سال ۱۳۹۳ دارد و سهم صنعت و معدن در حالت خوشبینانه در همان حدود مقادیر سال‌های ماقبل آن است باید امر تولید را برای سرمایه‌گذاران «جذاب» کند. این امر شدنی است و راهبردها و راهکارهای خاص خود را دارد. در پایان، بیان این نکته ضروری است که مشکل اقتصاد ایران، «اقتصاد آزاد صرف» که برخی به آن معتقدند یا «اقتصاد دولتی صرف» که مدافعان خاص خود را دارد، نیست؛ این هر دو اشتباه است. مشکل آن است که پس از سال‌ها هنوز دولت جای درست خود را در اقتصاد پیدا نکرده است. به عبارتی جایی که نباید باشد هست و آنجا که باید باشد، نیست یا حضوری کم‌فروغ دارد. با این روال، هر دولتی بیاید آتش همان آتش است و کاسه همان کاسه.



طبق اهداف کمی

برنامه پنجم

توسعه، ۸۰ میلیارد

دلار صادرات

غیرنفتی - بدون

احتساب میعانات

گازی برای سال

۱۳۹۴ پیش‌بینی

شده که ۵۵

میلیارد دلار آن

صادرات کالا و

مابقی آن یعنی

۲۵ میلیارد دلار

مربوط به صادرات

خدمات است.

تولید و سود

پرونده‌ای درباره لایحه «رفع موانع تولید رقابت‌پذیر و ارتقای مالی کشور»
که با تایید شورای نگهبان تبدیل به قانون شد

۳۱	پیشنادهایی برای حمایت از تولید . کاظم دوست‌حسینی
۳۲	این قانون یک راه‌حل کوتاه‌مدت است . میزگردی با حضور احمد پورفلاح، محمدرضا سیدنورایی و هادی موسوی‌نیک
۳۶	دولت؛ حامی مشروط . علی قنبری
۳۷	هدایت سرمایه به تولید . جعفر قادری
۳۸	هم حمایت از تولید، هم مبارزه با فساد . میزگردی با حضور موید حسینی‌صدر و علی محمد احمدی
۴۰	دوای درد بخش خصوصی . گفت‌وگو با محسن بهرامی ارض‌اقدس
۴۲	معضلی به نام تأمین مالی . محمدرضا پورابراهیمی
۴۲	راه علاج رکود . غلامرضا تاجگردون

پیشنهادهایی برای حمایت از تولید

دولت می‌تواند با شناسایی ایده‌ها و ارائه تضمین‌های لازم از صنایع جدید حمایت کند



■ کاظم دوست‌حسینی

رئیس مرکز امور پژوهش و آموزش بانک توسعه صادرات ایران

تنظیم لوائح حمایت از تولید ملی و همچنین خروج غیر تورمی از رکود، پس از مطالعات لازم و نظرسنجی از صاحب‌نظران در خصوص مشکلات تولید صورت گرفت و در آن‌ها به نکات ارزنده‌ای نیز توجه شده است، با این حال ضرورت دارد موارد دیگری که از دید قانونگذار مغفول مانده بار دیگر مورد توجه قرار گیرد و در عین حال، تاثیر برخی از بندهای پیشنهادی در این لوائح بر روند خروج از رکود و تقویت تولید نیز تبیین و توجیه شود. برای نیل به این هدف توجه به نکاتی چند ضروری می‌نماید.

بخشی از مشکلات و معضلاتی که در قالب رکود در تولید بروز کرده‌اند، ریشه در حوزه‌های غیر مولد اقتصاد نظیر دلالتی و فعالیت‌های کم‌ریسک‌تر و پُربازده‌تر از فعالیت تولیدی دارد. در شرایطی که نرخ سود متعارف بدون ریسک و تضمینی در بازار (مثل سود سپرده‌های بانکی) بیش از سود فعالیت‌های پُرحمت و پُریسک تولیدی است، انگیزه سرمایه‌گذاری و کار برای تولید از بین می‌رود. در این شرایط، گلوگاه رکود در تولید، الزاماً مواردی چون کمبود سرمایه، نقدینگی، تسهیلات بانکی و احیاناً مشکلات مالیاتی، ممنوع‌الخروجی و امثال اینها نیست. چه بسا تقویت امکانات مالی واحدهای تولیدی و ایجاد تسهیل در تامین سرمایه در گردش و افزایش سرمایه این واحدها و نیز افزایش سرمایه بانک‌ها از طریق لوائح و طرح‌ها، صرف بخش تولید کشور نشده و به‌صورت غیرمستقیم در حوزه‌های غیرمولد اقتصاد به کار گرفته شود. فقدان دیدگاهی جامع و چندجانبه در حمایت از تولید و رفع رکود، و عدم توجه به حوزه‌های دیگر اقتصاد، ما را به نتیجه مطلوب نخواهد رساند بلکه لازم است ضمن حمایت از تولید، همزمان با تلاش برای کنترل تورم، با رانت و استفاده از سرمایه‌ها برای فعالیت‌های مُضر اقتصادی و کسب سودهای کاذب مبارزه شود.

باید به خطرات رکود در تولید برای اقتصاد کشور و واکنش سریع در جهت رفع این معضل توجه بیشتری داشت. سرعت عمل برای رفع مشکل تولید که معضلاتی چون بیکاری، کاهش توان حرفه‌ای، فرار مغزها و خروج نیروهای تخصصی، فرهنگ غلط اقتصادی و در نهایت وابستگی را به دنبال می‌آورد، موضوعی حیاتی است. اینکه دولت مدت یکسال یا بیشتر معطل بحث و تبادل نظر جهت تنظیم لایحه و راپزنی برای تصویب آن شود، با التزام به آنچه تحت عنوان «عزم ملی و مدیریت جهادی» شعار و نام سال گذشته بود، همخوانی ندارد. بسیاری از بندهای پیشنهادی لایحه در حوزه اختیارات دولت بود و ضرورت ارائه آن به مجلس تبیین نشد، بنابراین جز ائتلاف وقت حاصل دیگری نداشت. از طرف دیگر فروش اموال تملیکی بانک‌ها و انتقال سود آن به حساب افزایش سرمایه، وصول مطالبات از محل حساب ذخیره ارزی، جذب سرمایه خارجی و ... نیز پیش‌تر در زمره وظایف بانک‌ها و سایر دستگاه‌های دولتی و غیردولتی بود. دولت می‌تواند با محاسبه هزینه‌های اجتماعی ناشی از رکود مثل بیکاری، فقر، بزهکاری و ... یا رانه قابل تخصیص برای توسعه تولید در کشور را تعریف کند.

توجه به بهره‌وری در بخش تولیدی کشور از جمله مهمترین شاخص‌هایی است که بر بهبود تولید ناخالص داخلی تاثیر مستقیم دارد. بنابراین اگر قریب ۵۰۰ هزار میلیارد تومان نقدینگی در اختیار مردم و بخش‌های عمومی است ولی تنها اندکی از آن برای امور تولیدی سرمایه‌گذاری می‌شود، نشان می‌دهد که به یک عارضه‌یابی جدی از منظر بهره‌وری محتاج هستیم. از طرف دیگر، شناسایی تولیداتی با توجیه اقتصادی مطلوب و فعالیت‌های تولیدی پُربازده و معرفی آن‌ها به مردم و واسطه‌گری برای قبول ریسک و ارائه تضمین باید در برنامه‌های حمایت از تولید دیده شود تا توجه بخش عمده‌ای از سرمایه‌های سرگردان به بخش تولیدی معطوف شود. در این راه همچنین، هدایت بخش‌های مختلف تولیدی به جذب نیروی انسانی شایسته، همسokردن سود شرکت‌ها و سازمان‌ها با منافع و پاداش کارکنان و مدیران لایق و نظارت بر عملکرد بخش‌های اقتصادی مولد جهت دستیابی و اطمینان از بهره‌وری مطلوب ضروری است. مشوق‌های مالیاتی را نیز می‌توان در قالب بهره‌وری و تاثیر مثبت بر تولید ناخالص داخلی و توسعه اقتصادی تعریف کرد.

توجه به راه‌اندازی واحدهای جدید تولیدی و به اصطلاح «طرح‌های ایجاد» به‌خصوص در صنایع کوچک ضروری است. متأسفانه سیاست بانکی دولت، تمرکز بر اعطای تسهیلات سرمایه در گردش توسط سیستم بانکی به واحدهای موجود و فعال تولیدی کشور و احاله تامین مالی برای سرمایه‌گذاری‌های تولیدی به بازار سرمایه است. از آنجا که تسهیلات سرمایه در گردش در مقایسه با تامین مالی سرمایه‌گذاری کم‌ریسک‌تر، کوتاه‌مدت‌تر و با بازگشتی سریع‌تر همراه است، دولت با تمرکز بر این سیاست، یک الگوی انتفاعی را دنبال می‌کند. در حالی که دولت مطابق قانون اساسی وظیفه اصلی را در ایجاد زمینه‌های اشتغال و تولید و جایگزینی واردات برای رفع نیازهای داخلی دارد و باید در راه توسعه ظرفیت‌های تولید کشور نگاهی حمایتی داشته باشد و ریسک آن را نیز بپذیرد.



به‌طور کلی عوامل موثر بر توسعه تولید در کشور عبارت از ایده و خلاقیت، سرمایه، نیروی انسانی و قوانین و مقررات حاکم است. در این میان، از لحاظ سرمایه پولی و نیروی کار که عوامل بیشتر شناخته‌شده‌ای هستند، کمبودی در کشور وجود ندارد و دولت در مواجهه با این دو عامل صرفاً باید نقش هدایت و حمایت‌کننده را بازی کند. اما برای عوامل دیگر که کمتر به آنها پرداخته شده، کارهای جدی‌تری لازم است. در این موارد، دولت می‌تواند با شناسایی فکرها و ایده‌ها و ارائه تضمین لازم جهت جبران خسارت، به راه‌اندازی و حمایت از صنایع جدید کمک کند و علاوه بر تقویت قوانین و مقررات تشویق‌کننده مالیاتی، قوانین و مقررات تسهیل‌کننده و حمایتی دیگری را نیز در راستای افزایش بهره‌وری و پاداش تولیدی باکیفیت و سودآور تعریف کند و به تصویب برساند.



باید به خطرات
رکود در تولید برای
اقتصاد کشور و
واکنش سریع
در جهت رفع
این معضل توجه
بیشتری داشت.
سرعت عمل برای
رفع مشکل تولید
که معضلاتی چون
بیکاری، کاهش
توان حرفه‌ای،
فرار مغزها و
خروج نیروهای
تخصصی، فرهنگ
غلط اقتصادی و در
نهایت وابستگی را
به دنبال می‌آورد،
موضوعی حیاتی
است.



این قانون یک راه حل کوتاه مدت است

بررسی لایحه قانونی رفع موانع تولید رقابت پذیر و ارتقای نظام مالی کشور در میزگردی با حضور محمدرضا سیدنورایی، احمدپورفلاح و سیدهادی موسوی نیک

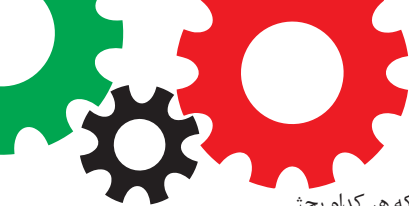
لیلا ابراهیمیان: هر سه نفری که در میزگرد آینده نگر شرکت کردند از لزوم حمایت از تولید و بخش خصوصی می گویند. همگی دغدغه‌ای مشترک دارند ولی با حساسیت‌هایی گاه متفاوت. می گویند راه توسعه از بخش خصوصی می گذرد و این بخش نیاز به توجه بیشتر دارد. توجهی که مهندس احمد پورفلاح از آن با عنوان معافیت مالیاتی و تسهیلات با سود پایین یاد می کند. اما دکتر محمدرضا سیدنورایی، استاد اقتصاد دانشگاه علامه طباطبائی تأکید می کند که کلی گویی راه را برای رانت‌های کلان هموار می کند و باید خیلی دقیق این معافیت‌ها را مشخص کرد. در همین حال، دکتر سیدهادی موسوی نیک مدیر گروه مدلسازی دفتر مطالعات اقتصادی مرکز پژوهش‌های مجلس، اقتصاد نفتی را دلیل بی توجهی به تولید و بخش خصوصی می داند و ابراز امیدواری می کند با توجه به کم رنگ شدن نقش نفت در اقتصاد، اهتمام به تولید داخلی بهبود یابد. هر سه نفر می گویند از این لایحه باید در حد یک قانون برای حل مشکلات کوتاه مدت انتظار داشت نه بیشتر. آنها معتقدند نه تنها از هر قانون خوبی نیز امکان استفاده سوء وجود دارد بلکه گاهی این قوانین حتی ضمانت اجرایی ندارند.

تیرماه به مجلس داده شده بود در مهرماه اجرایی شود ولی بررسی آن در مجلس آنقدر طولانی شد که به موعود برگزاری انتخابات ریاست جمهوری و انتخاب آقای روحانی رسیدیم. همزمان با مباحث مربوط به نخستین بودجه دولت یازدهم، طرح را به دولت فرستادیم تا نظر خود را اعلام کند. این طرح سرانجام سر از دفتر آقای نعمت زاده درآورد، ایشان هم پیش‌نویسی از طرح را برای اعضای شورای مشاوران وزیر - که من هم عضو بودم - فرستادند و در این فرآیند، دوباره مواردی حذف و اضافه شد. بار دیگر در مرکز پژوهش‌های مجلس از اصناف، بانک‌ها و رئیس‌ان کمیسیون‌های متعدد اقتصادی برای بررسی بیشتر دعوت شد و در نهایت با ۳۰ ماده و ۳۰ ماده الحاقی به تصویب رسید. آن زمان من در کار گروه رفع موانع تولید که به دعوت آقای طیب‌نیا تشکیل می‌شد، رفتم و آمد داشتم و متوجه شدم که همزمان ۶ طرح و لایحه در رابطه

۱۴ هزار واحد صنعتی متوقف است و این چیزی جز نتیجه بی‌دقتی به اهمیت قوانین مرتبط با تولید نیست. فکر تنظیم آخرین لایحه از این دست که موضوع صحبت ماست، به زمانی برمی‌گردد که من در سال ۱۳۹۱ رئیس کمیسیون صنایع مجلس شورای اسلامی را به اتاق ایران دعوت کردم. ما پیش‌بینی می‌کردیم که شرایط واحدهای تولیدی و صنعتی ما روز به روز در حال بدتر شدن است و این الزام به وجود آمد تا وارد عمل شویم. کار گروهی در کمیسیون صنایع و در بخش معدن توسط آقای بهرامن مطالعه خود را شروع کردند. ما پیش‌نویسی را تهیه کردیم و به دولت دادیم اما از طرف آنها مورد استقبال قرار نگرفت برای همین این طرح را به مرکز پژوهش‌های مجلس بردیم و حدود ۴۰ جلسه با کمیسیون‌های متعدد مجلس برگزار شد اما با طولانی شدن مباحث ما عملاً کنار کشیدیم. قرار بود که این طرح «فوری» که در

II در این میزگرد می‌خواهیم «لایحه رفع موانع تولید رقابت پذیر و ارتقای نظام مالی کشور» را بررسی کرده و ببینیم این لایحه تا چه میزان می‌تواند مشکلات پیش روی بخش خصوصی را حل کند. اما شاید در ابتدا لازم باشد شمای کلی‌ای از اقتصاد ایران داشته باشیم و بعد از تبیین کلی این شرایط و مشکلات به این پرسش پاسخ دهیم که چه ضرورت‌هایی برای ارائه این لایحه از طرف دولت وجود داشته و چقدر این لایحه در شرایط امروز پاسخگوی نیاز تولید کنندگان است؟

احمد پورفلاح: پس از انقلاب هر دولتی که بر سر کار آمد «داعیه حمایت از تولید» داشت اما در عمل اتفاقی در این مسیر نیفتاد و در خیلی از موارد این حمایت‌ها تنها بر روی کاغذ به صورت طرح، لایحه و در نهایت قانون ترسیم شد. به جز چند مورد منفرد و جدا از هم که تولید را به شرایطی رسانید که امروز همه شاهد آن هستیم. الان فعالیت



موسوی نیک: این

درک به درستی
ایجاد شده که
سیستم بانکی
و بازار سرمایه
در حال حاضر
آن طوری که
شایسته این
شرایط است، توان
تامین مالی بنگاه‌ها
را ندارد. سرمایه
در گردش نیاز
فعالی بنگاه‌هاست
تا بتوانند خود را
حفظ کنند و بعدها
فرصت داشته
باشند به توسعه
فکر کنند.

۴۴. قانون هدفمندی یارانه‌ها که هر کدام بحثی جداگانه می‌طلبد. مثلاً در اصل هفتم قانون اصل ۴۴ مقرر بود که در هر استانی باید ستادی برای سرمایه‌گذاری تشکیل می‌شد تا از تولیدکننده‌ها حمایت کند. این اصل بسیار مهمی است که هیچ وقت جدی گرفته نشد. همه رئیس‌جمهورها به برنامه کوتاه‌مدت زودبازده در دوره خود فکر می‌کنند و بر برنامه بلندمدت و میان‌مدت سرمایه‌گذاری نمی‌کنند، شاید هم ما درست بلد نیستیم که مطالباتمان را پیگیری کنیم. هر دولتی که بر سر کار می‌آید می‌خواهد با برنامه‌ای قانون را دور بزند. مثلاً در اواخر دهه ۱۳۶۰ محض اینکه دولت آقای هاشمی‌رفسنجانی سر کار آمد با اجرای «سیاست تعدیل اقتصادی» خواستند مشکلات را برطرف کنند. نتیجه اینکه تورم در سال ۱۳۷۴ به ۴۹/۵ درصد رسید. بعدها در دوره آقای خاتمی «طرح ساماندهی اقتصادی» پیاده شد. آن موقع مگر اقتصاد ما بی‌برنامه بود؟ یا در دوره احمدی‌نژاد که «طرح تحول اقتصادی» را آوردند. مگر ما برنامه چهارم توسعه را نداشتیم؟ قانون اصل ۴۴ یکی از مهمترین قوانین در کشور ایران نه تنها در دوره جمهوری اسلامی که حتی پیش از انقلاب است. ما طرح‌های اقتصادی کوتاه‌مدت را لقلقه زبان‌ها می‌کنیم و نتیجه این می‌شود که تولیدکننده مشکلات خود را به دولت و مصرف‌کننده تحمیل می‌کند. حمایت از تولید به این معنا نیست که ما به سمت تولیدکننده غش کنیم و به مصرف‌کننده ظلم کنیم، باید تعادلی در میان اینها وجود داشته باشد، اما در اقتصاد ایران این تعادل اساساً وجود ندارد. علت هم این است که دولت‌ها همواره می‌گویند ما نجات‌دهنده اقتصاد کشور هستیم، در حالی که دولت به تنهایی نمی‌تواند این کار را انجام دهد. درست است که اقتصاد ما دولتی است و به نفت وابسته است اما برای دستیابی به موفقیت، حتماً باید بخش خصوصی هم در کنار آن باشد. اگر کل بودجه را در نظر بگیریم، سهم دولت در اقتصاد در بعضی سال‌ها حتی به ۹۰ درصد هم می‌رسد. حتی در بودجه ۱۳۹۴ هم همین گونه بود؛ مگر با ۱۰ درصد سهم در اقتصاد چقدر می‌توان از بخش خصوصی توقع داشت؟

پورفلاح: آقای دکتر! حتی این سهم هم در عمل اجرا نمی‌شود و این هم به سمت سایر ردیف‌های بودجه منحرف می‌شود...

سیدنورایی: بله، در همین قسمت ظاهراً خصوصی هم بخش‌های شبه‌دولتی را داریم که روح و شاکله اصلی مدیریت در آنها دولتی است. نهادهای وابسته به حکومت و سازمان تامین اجتماعی، نهادهای عمومی - غیردولتی، بنگاه‌های اقتصادی شبه‌دولتی‌ای هستند که حتی مجلس هم نمی‌تواند از آنها سوال کند، و الان اینها هم در بخش خصوصی تعریف شده‌اند. آیا با این ۱۰ درصد که به‌طور واقعی ۵-۶ درصد سهم بخش خصوصی در اقتصاد است، می‌خواهیم کل اقتصاد را متحول

خارجی ما بازی‌گشت. بنابراین، دولت برای رهایی از این شرایط، به دلیل فشار افکار عمومی برای کنترل تورم و البته به دلیل مشی خود دولت، کارهایی را در اولویت قرار داد و از طریق ایجاد ثبات در اقتصاد کلان و ثبات بودجه‌ای توانست جلوی روند مخرب تورم و رکود را بگیرد. بحث این بود که آیا نیاز به لایحه است و یا اینکه اقدام تثبیت‌گر کفایت می‌کند و حوزه تجارت خارجی می‌تواند به این موضوع کمک کند اما در نهایت به این نتیجه رسیدند که به یک لایحه قانونی هم نیاز است. اما اینکه این لایحه چقدر با نیازها تطابق دارد جای بحث دارد.

۱۱ دولت از این لایحه چه انتظاری دارد؟ آیا این لایحه می‌تواند همه مشکلات تولید را برطرف کند؟
موسوی نیک: به نظر من مهمترین تحلیل دولت تامین نظام مالی است. این درک به درستی ایجاد شده که سیستم بانکی و بازار سرمایه در حال حاضر آن طوری که شایسته این شرایط است، توان تامین مالی بنگاه‌ها را ندارد. بخصوص که ما در این شرایط رکود تورمی نیاز داریم به سمت تسهیلات کوتاه‌مدت برویم. سرمایه در گردش نیاز فعلی بنگاه‌هاست تا بتوانند بنگاه‌های اقتصادی خود را حفظ کنند تا بعدها فرصت داشته باشند به توسعه خود فکر کنند. بخش مهم این لایحه همانطوری که در عنوانش نیز آمده ارتقای نظام مالی کشور است.

۱۱ آقای سیدنورایی! چه دلایلی باعث شد دولت‌ها، به‌رغم داعیه حمایت از تولید نتوانند به این هدف برسند؟

محمد رضا سیدنورایی: من هم با صحبت‌های دوستان موافق هستم. یکی از مشکلات اقتصاد ایران وابستگی به درآمدهای حاصل از فروش منابع طبیعی به خصوص نفت و مشتقات آن است. اما به نظر من مشکل اصلی اقتصاد ایران دولتی‌بودن و رانتیربودن دولت است، چراکه خود دولت با تصمیماتش ایجاد رانت می‌کند. البته نقد من فقط به دولت یازدهم نیست، بلکه به همه دولت‌های قبل و بعد از انقلاب این نقد را دارم. مدتهاست بازرگانی و تجارت محور اصلی اقتصاد ایران شده است، چنانکه ما در سال‌های اخیر حدود ۶۰ میلیون دلار واردات داشتیم. متأسفانه شیوه‌ای رایج شده که وقتی قیمت‌هایمان تا حدودی بالا می‌رود به بهانه کنترل تورم، با وارد کردن کالای خارجی به باغداری و کشاورزی خود ضربات جبران‌ناپذیری می‌زنیم. طوری که ما حتی از آفریقا میوه وارد می‌کنیم! ما منابع مان را به درستی تخصیص نداده‌ایم. اقتصاد ما بیش از حد سیاسی است. دولت می‌خواهد خودش همه کارها را انجام دهد و البته دیگران هم این انتظار را از دولت دارند. برخی دیگر فکر می‌کنند اینکه قوه مقننه قانون جدیدی تصویب کند حتماً مشکلات برطرف می‌شود! من فهرستی از قوانین دارم که نتوانسته‌اند مشکلات را حل کنند: قانون بهبود مستمر محیط کسب و کار، قانون اجرای اصل

با حمایت از تولید وجود دارد و غیر از خود بسته که ۱۷۷ ماده را شامل می‌شد، نزدیک ۱۸۰-۱۹۰ ماده هم در حمایت از تولید بود. بالاخره همه اینها جمع‌بندی شد و به این متنی که هم‌اکنون می‌بینید تبدیل شد. مسلماً حتی این جمع‌بندی نیز پاسخگوی همه نیازهای تولیدگران نیست ولی می‌تواند به خیلی از مسائل پاسخ دهد.

سیدهادی موسوی نیک: آمارهای ارائه شده توسط سازمان بین‌المللی بهره‌وری نشان می‌دهد که در اقتصاد ایران در فاصله سال‌های ۱۹۷۰ تا ۲۰۱۲ از کل رشد ما ۵ درصد سهم بهره‌وری است و عمدتاً این رشد سهم تشکیل سرمایه بوده است. دلیل اصلی پایین بودن سهم بهره‌وری در اقتصاد ایران «درآمدهای نفتی» است. کشورهایی که از منابع درآمدی طبیعی بر خوردار نیستند سعی کرده‌اند که سهم بهره‌وری بالایی در اقتصاد خود داشته باشند. بالاخره هم‌زمانی کشف نفت و تشکیل دولت مدرن در ایران باعث بازتولید یکسری مشکلاتی شده که در نهایت ماهیت دولت و چگونگی ارتباط دولت با بخش خصوصی تنها با عامل نفت قابل توضیح است. دولت‌ها با اتکا به منابع موجود همواره سعی داشته‌اند که در بخش خصوصی دخالت کنند و به اقتصاد مثل جامعه جهت بدهند و البته این جهت‌دادن نه مانند کشورهای توسعه‌یافته بلکه در جهت حذف بخش خصوصی و یا رقابت با بخش خصوصی است. درواقع ما با دولتی بزرگ با حجم بالایی از مداخلات روبرو هستیم که ابعاد این دخالت به اقتصاد هم رسیده است. در این سو، بخش خصوصی هم با توجه به وابستگی شدید به دولت و درآمدهای نفتی بهره‌وری لازم را برای فعالیت نداشته است. اما در چندسال اخیر با شرایط متفاوتی روبرو هستیم. علاوه بر مسائل و مشکلاتی که از دولت قبلی به دولت یازدهم رسیده، ما در دولت گذشته با یک شوک نفتی هم مواجه بودیم. دولت‌های نفتی در زمان شوک نفتی با اهداف بلندپروازانه خود حاصلی جز بیماری هلندی، یعنی رشد منفی و رکود و تورم مضاعف نداشته‌اند. اینکه چطور اقتصاد ایران به این شرایط وارد شد و تولید، صنعت و کشاورزی با هم آسیب دید نیاز به به بررسی جدی دارد اما به هر حال واقعیتی وجود دارد و آن اینکه در چندسال حاکمیت دولت دهم درآمدهای نفتی روی این مسئله سرپوش گذاشت. بعدها نیز در جریان اجرای مرحله اول طرح هدفمندی یارانه‌ها با فشار هزینه‌ای که برای بخش صنعت ایجاد شد، به تشدید این وضعیت ناگوار کمک شد. ما در نیمه دوم سال ۱۳۹۰ وارد فاز جدید تحریم‌ها شدیم و فشارها به صورت جدی‌تری از قبل پیگیری شد، در نیمه اول سال ۱۳۹۰ با یک جهش ارزی بی‌سابقه روبرو بودیم و در نیمه دوم، محدودیت واردات هم به این وضعیت دامن زد تا اینکه تورم به بالای ۴۰-۳۰ درصد رسید. دولت یازدهم با این شرایط کار را قبول کرد. آن زمان بخش مهم رکود تورمی به مدیریت تجارت



پورفلاح: ما ابتدا باید به این باور برسیم که مسیر توسعه پایدار از تولید می‌گذرد. در عمل، دولت‌ها فقط موقعی که درآمدهایشان کاهش یافته، به سمت حمایت از تولید کشیده شده‌اند. تا این نگرش عوض نشود این لایحه و هر قانون دیگر نمی‌تواند پاسخگو باشد.

کنیم؟ این امکان ندارد. اگرچه تولیدکننده‌ها در شرایط سخت واقعا زحمت می‌کشند و کار آنها از نظر من یک جهاد است. اما مسئله دیگری نیز وجود دارد و آن اینکه تولید در ایران وابسته به ارز است. اینکه گفته می‌شود از تولید حمایت کنیم باید خیلی دقیق مشخص کرد که ما از چه تولیدی قرار است حمایت کنیم. بعضا مواردی در تولید است مثل تولید مرغ که به واردات کنجاله مربوط است. ما در ایران کنجاله نداریم و مجبور می‌شویم دانه‌های روغنی را وارد کنیم و وقتی این مواد به اندازه وارد نشوند قیمت مرغ تغییر می‌کند، چنانکه در دوسال پیش هم اتفاق افتاد. ما نتوانسته‌ایم طی همه سال‌های گذشته، با دانشی که در اختیار داریم این وابستگی را کم کنیم. حمایت از تولید داخلی باید حتما به نسبت سهم ارزی و ارزآوری که دارد حمایت شود. بخصوص آنجا که گفته می‌شود تولید از مالیات معاف شود و یا نرخ سود بانکی کاهش پیدا کند حتما باید با توجه به سهم «ارزبری» باشد.

لطفاً نسبت «ارزبری» و حمایت از تولید را دقیق‌تر توضیح دهید و اینکه آیا در این لایحه به این موارد اشاره شده است یا نه؟

سید نورایی: یعنی اینکه هر چقدر سهم ارزی تولیدات داخلی کمتر باشد، حمایت از آنها بیشتر باشد و هر چه سهم ارزی بیشتر باشد حمایت به صورت معافیت مالیاتی و وام کم‌بهره کمتر شود. البته حمایت فقط سود نیست، قانون کار، قانون تامین اجتماعی، و قانون بهبود محیط کسب و کار هم حمایت محسوب می‌شود. یکی از مواردی که در قانون بهبود محیط کسب و کار است و با گذشت دو سال هنوز اجرا نمی‌شود، بندی است که مناقصه‌ها و مزایده‌های کشور در یک شبکه سراسری اجرا شود و بر اجرای آنها نظارت شود. مسئله این است که دولت به تنهایی نمی‌تواند اقتصاد ایران را نجات دهد. همه قوا با هم مسئول هستند. مگر نقش قوه قضاییه در اقتصاد کم‌اهمیت است؟ در برخورد با فساد اقتصادی، فساد بانکی، زمین‌خواری و ویژه‌خواری این قوه باید قاضی ویژه‌ای را برای رسیدگی داشته و هزینه‌های مربوطه را تامین کند تا یک پرونده چندسال و چندماه طول نکشد. این یکی از مواردی است که سرمایه‌گذارها را راغب می‌کند که در سرمایه‌گذاری احساس امنیت کنند.

پورفلاح: در سال‌های اخیر چند پارامتر بخش خصوصی را به شدت تحت فشار قرار داد. اولین مسئله تحریم‌هاست. مسئله بعدی بحث هدفمندی یارانه‌هاست که در بخش مولد کشور با آن موافق بودیم و به دفعات در اتاق بازرگانی و کمیسیون‌های متعدد عنوان شد که این یک تصمیم شجاعانه بوده ولی در مرحله اجرا بسیار بد عمل شد. قانون هدفمندی یارانه‌ها به شکلی غلط پیاده شد و با اینکه هسته‌های مختلف مخالف وابسته کردن مردم به نقدینگی، و معتقد بودند بجای این کار باید زیرساخت‌ها را اصلاح کرد، این توزیع نقدی انجام شد و در زیرساخت‌ها هزینه نشد. عملا امروز تولید

به‌شدت صدمه دیده، و در روستاها دارهای قالی پایین آمده چون درآمدهای نقدی یارانه‌ای میانگین درآمد خانوارهاست و باعث شده خانواده‌ها از تولید دست بکشند. این آسیبی بود که در حوزه صنعت هم اتفاق افتاد. مسئله بعدی تغییر نرخ برابری دلار و ریال بود. این سیاست در شرایطی اتفاق افتاد که سیاست‌های انقباضی در سیستم بانکی و پولی جاری بود. بحث بعدی که ایجاد بدبینی کرد افشاشدن و پرده‌برداری از فسادهای گسترده اداری و مالی بود. افزایش رانته‌های کلان بانکی باعث شد که جو بدبینی نسبت به نظام بانکی به‌وجود آید. از آنطرف هم تمامی بانک‌ها سعی کردند سیاست‌های محدودکننده را جاری کنند که در نهایت به تولیدکننده‌ها صدمه خورد. هر کدام از این بحران‌ها کافی بود که بخش مولد کشور را به زانو درآورد اما در حوزه صنعت خیلی خوب روی کیفیت کالا کار کرده‌ایم. بنابراین من به بخش صنعت نمره قبولی می‌دهم. همه بحران‌هایی که گفته شد، موجب شدند که ما در بخش تولید سخت‌افزاری و نرم‌افزاری صدمه ببینیم. ما در همه صنایع حتی در صنایع گردشگری و همه پتانسیل‌های کشور صدمه دیدیم و به قول دکتر موسوی‌نیک درآمد نفتی به این آسیب دامن زد. سوال این است که ما چقدر توانستیم از جاذبه‌های توریستی خود که گفته می‌شود در فهرست ده کشور اول توریستی جهان هستیم استفاده کنیم؟ به‌رحال لایحه رفع موانع تولید هر چه باشد، می‌تواند بخشی از مشکلات اقتصاد ما را حل کند، نه همه را. ما باید برای حل این مشکلات قدم‌به‌قدم حرکت کنیم. خوشبختانه امروز مسئولان نظام به این نتیجه رسیده‌اند که بخش مولد کشور را کمک کنند ولو اینکه دولت به سالی ۱۵۰ میلیون دلار درآمد نفتی دست پیدا کند یا نه، ما باید کمک کنیم که وابستگی به نفت نه در حرف که در عمل کمتر شود. باید بخش مولد را تقویت کنیم تا از طریق واردات و گمرک و از طریق تولید و مالیات، نیازهای مالی دولت تامین شود. چراکه اگر صنعت، تولید و واردات ضعیف شود، دولت درآمد حاصل از عوارض گمرک و مالیات را از دست خواهد داد و در نتیجه وابستگی به نفت بیشتر خواهد شد.

شما به مشکلات حوزه تولید در سه بخش؛ قوانین و مقررات متعدد که در عمل مورد بی‌توجهی قرار گرفته‌اند، عوامل انگیزشی و محیط کسب و کار اشاره کردید. آیا برای برطرف کردن این سه مانع بزرگ در حوزه تولید، این لایحه کفایت می‌کند؟

پورفلاح: به نظر من، ما ابتدا باید به این اعتقاد و باور برسیم که مسیر توسعه پایدار از تولید می‌گذرد. در عمل، دولت‌ها هر موقع درآمدهایشان کاهش یافته، به سمت حمایت از تولید کشیده شده‌اند. تا این نگرش عوض نشود این لایحه و هر قانون دیگر نمی‌تواند پاسخگوی مشکلات ما باشد. مشکل این است که ما هنوز نتوانسته‌ایم با تامل و تعقل بیشتری مسایل زیربنایی خود را حل کنیم. به‌عنوان

مثال، تصور اکثریت این است که مشکل اصلی ما مسئله هسته‌ای است. اگر این بحران ۲۰ درصد مشکلات تولید و اقتصاد ما باشد، ۸۰ درصد بقیه مشکلات به عوامل درون‌زا، عدم مدیریت درست و عقلانی برمی‌گردد. تمام تلاش دولت در شرایط حاضر این است که در بیست و دوم هرامه یارانه‌ها را پرداخت کند و در سی‌ام هرامه حقوق بدنه سنگین خود را بپردازد. ما می‌توانستیم در این عرصه خیلی بهتر عمل کنیم ولی نکردیم، اما هنوز دیر نشده است. دولت هنوز تا حد زیادی سرمایه اعتماد عمومی را دارد بنابراین باید در زمانی کوتاه تکلیف این بدنه سنگین را روشن کند. ما در سال‌های گذشته چند وزارتخانه را ادغام کردیم اما در عمل دولت چابک و کوچک نشد. دولت بزرگ بودجه را می‌بلعد. از طرف دیگر، هنوز توانسته‌ایم اصل ۴۴ را خوب پیاده کنیم و ترازای هم در اختیار نداریم که چقدر به بودجه عمومی کمک می‌کند. مسئله دیگر جذب سرمایه خارجی است که دکتر سیدنورایی به آن اشاره کردند. وقتی تولیدکننده‌های داخلی امنیت ندارند و نگران این هستند که هر روز واحد تولیدی آنها تعطیل شود چه انتظاری وجود دارد که خارجی‌ها یا ایرانیان خارج از کشور سرمایه خود را به ایران منتقل کنند؟ ریسک سرمایه‌گذاری ایران در دنیا رتبه ۶ را دارد. ما باید طرح دیگری ببندیم چراکه با شیوه‌های قبلی نتوانستیم مشکلات را برطرف کنیم. ما باید این را بدانیم که تنها با رشد و شکوفایی صنعت است که می‌توان «سونامی بیکاری» را که از بی‌سوادی به دیپلم و از دیپلم به لیسانس و بالاتر رسیده، حل کنیم.

موسوی‌نیک: من فکر می‌کنم که مشکل تولیدکنندگان و محیط کسب و کار فقط قانون و مقررات نیست. تولید ما با چندمسئله اصلی مواجه است: اولاً تامین مالی بنگاه‌ها و ثبات فعالیت اقتصادی آن‌ها مهم است چون چشم‌انداز فضای تولید را مشخص می‌کند. بحث بعدی رقابت‌پذیری در اقتصاد است که به‌خاطر وجود انحصارات و فعالیت بنگاه‌های شبه‌خصوصی لطمه دیده است. و مانعی در مقابل بخش خصوصی واقعی ماست. و علاوه بر همه اینها، برخی سیاست‌های بازرگانی، تعرفه‌ای و ارزی دولت نیز توان تولید را کاهش داده است. شاید این مشکلات به‌نوعی متأثر از ماهیت اقتصاد ایران است که مداخلات همه قوا در اقتصاد به اقتضای شرایط اقتصاد نفتی به محیط کسب و کار لطمه زده است. نه تنها همه این مشکلات به نوعی به درآمد نفتی وابسته است بلکه نظام تامین مالی ما نیز متأثر از همین بخش است و این وابستگی در عمل باعث اختلال در همه بخش‌های تولید شده است.

به نظر شما، دولت باید چه سیاست‌های حمایتی را نسبت به تولید کشور در پیش بگیرد که هم در کوتاه مدت و هم بلندمدت تأثیرگذار باشد؟

سیدنورایی: برای پاسخ به این سوال باید اول ماهیت و نوع دولت مشخص شود. ما هر چند در

کشوری اسلامی زندگی می‌کنیم اما به مبانی و اهداف اقتصاد اسلامی که یکی از مهمترین و اصلی‌ترین بحث‌هایش در استقلال اقتصادی است توجهی نمی‌کنیم. البته باید توضیح دهم که مفهوم استقلال اقتصادی را باید کارشناسان معین کنند نه سیاستمداران؛ استقلال به معنای این نیست که ما خودمان را در جزیره‌ای متروکه گرفتار کنیم. دولت و حد دخالت دولت در اقتصاد، مبانی‌ای دارد که ما در این مسائل دچار افراط و تفریط شده‌ایم. در دهه اول انقلاب به واسطه جنگ تحمیلی دیدگاه‌های تمرکزگرایانه‌ای توسط کارشناسان اقتصاد و سیاستمداران ارائه شد که همه بخش‌های اقتصاد با نظر دولت اداره شود به‌طوری که اصل ۴۴ قانون اساسی در همه بخش‌ها، اعم از بازرگانی و کشتیرانی تا هواپیمایی، راه‌آهن و غیره مورد بی‌توجهی قرار گرفت و ما در اغلب شهرها، مراکز عمومی جهت تهیه و توزیع انواع کالاها داشتیم اما بعدها دولت‌ها متوجه اشتباه این رویه شدند. مطابق قانون، دولت اسلامی اصولاً بر اجرای یکسری از اصول ناظر است و تنها در شرایط اضطرار می‌تواند در اقتصاد دخالت کند. به عنوان مثال در بخش انفال، یعنی معادن که نفت هم جزو آن است دولت باید نظارت و سیاست‌گذاری داشته باشد. بنابراین قوه مجریه نباید به‌طور مستقیم از این دارایی استفاده کند بلکه باید از سود حاصل از آن در صندوق ذخیره ارزی و زیرساخت‌های توسعه‌ای و عمرانی استفاده شود. ولی ما در ایران مفهوم مردم-دولت را با مفهوم ملت-حاکمیت اشتباه گرفته‌ایم. وظیفه دولت در اقتصاد نظارت است. دولت باید بر فعالیت مردم و بخش خصوصی نظارت کند نه دخالت. تا مردم و فعالان اقتصادی استانداردها، اوزان و کیفیت را رعایت نکنند. کار دولت تنها قانون‌گذاری، سیاست‌گذاری و نظارت است نه دخالت.

آقای پورفلاح! دولت باید چه رویه‌ای را در پیش بگیرد تا از این نگرانی‌ها فاصله بگیریم؟
پورفلاح: بزرگترین پارامتری که دولت باید رعایت کند این است که بخش خصوصی را در عمل، نه در حرف حمایت کند. باید به نقش مثبت نهادهای مدنی و تشکلهای صنفی اهمیت دهد و از تکرر آنها حمایت کند. در سیاست‌گذاری‌های کلان بدون ارتباط با این تشکلهای سیاست‌گذاری درست انجام نمی‌شود. باید سیاست کوچک‌سازی دولت جدی گرفته شود و دولت سالانه ۲۰ درصد از حجم خود کم کند. منتهی زیرساخت‌هایی را نیز فراهم کند تا نیروهای توانمندش به نیروهای بیکار تبدیل نشود. از طرف دیگر، ما باید نگرش سیاسی به پارامترهای تولید اقتصادی را کنار بگذاریم. حتی باید به کشورهایی که رابطه سیاسی با آنها نداریم نیز صادرات داشته باشیم. امروزه جنگ‌ها در دنیا، جنگ اقتصادی است. اگر با کشوری روابط سیاسی نداریم ولی می‌توانیم ارتباط اقتصادی و صادرات و واردات داشته باشیم. موضوع دیگر این است که تصمیمات کلان کشور باید بر مبنای خردجمعی

باشد تا با تغییر هر دولت برنامه‌های آن زیر سوال نرود. حتی اگر فرض بر این است که این برنامه‌ها انرژی‌بر، زمان‌بر و هزینه‌بر بوده است، نباید با نیروها و برنامه‌ها برخورد حذفی کرد. این رویه‌هایی است که باید تغییر کند چون بسیار به ما ضربه زده است. من فکر می‌کنم در لایحه حمایت از تولید اتفاق خوبی افتاده است و آن اینکه، هم در مرکز پژوهش‌های مجلس، و هم در کمیسیون‌ها و صحن مجلس از این لایحه حمایت خوبی شد، به سرعت آن را بررسی کردند و دولت هم همراهی خوبی نشان داد بنابراین بسیار امیدواریم که در مرحله اجرا هم به نتایج مطلوب دست یابد.

کلیدی‌ترین محورها و بندهای این لایحه کدامند؟

موسوی‌نیک: یکی از بندهای خوب این لایحه ماده ۴ آن است که می‌گوید «کلیه بانک‌ها و موسسات اعتباری موظفند سالانه حداقل ۳۳ درصد از اموال خود اعم از منقول و غیرمنقول و سرقفلی را که به تملک آنها و شرکت‌های تابعه آنها درآمده و به تشخیص شورای پول و اعتبار و بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران مازاد است، واگذار کند.» جز این مواردی چون افزایش سرمایه بانک‌ها، الزام صندوق توسعه ملی برای تامین مالی بنگاه‌های تولیدی، افتتاح حساب‌های ویژه تامین مالی بنگاه‌ها و متوقف کردن پیگرد بدهی تولیدکنندگان تا پایان سال آینده، روح کلی این لایحه را تشکیل می‌دهد. در این حد این لایحه اقدام خوبی در جهت حمایت از بخش مولد کشور است اما به‌صورت کلی، مشکل ما در حوزه تولید مشکل قانون نیست چنانکه همین تامین مالی در قوانین دیگر نیز به طرق مختلف آمده است اما آن اراده‌ای که باید، برای اصلاح نهادی وجود نداشته که گره‌گشا باشد.

پورفلاح: زیادی قوانین خیلی وقت‌ها از موانع تولید است نه مدرسان آن.

موسوی‌نیک: بله، از این لایحه هم باید فقط انتظار حل مسائل کوتاهمدت تولید را داشت نه بیشتر. البته در بعضی موارد مثل الزام بانک‌ها برای تامین مالی بنگاه‌ها شاید نیاز به برنامه بلندمدت دارد که اگر اجرا شود تحولی در نظام بانکی است اما باز هم تکرار می‌کنم ما قبلاً هم مشابه این مقررات را داشته‌ایم. ضمانت اجرایی قوانین بسیار مهم‌تر از تصویب آنهاست.

کدام یک از بندهای لایحه بیش از دیگر بندها، می‌تواند به برون‌رفت بخش خصوصی از معضلات ناشی از رکود توری کمک کند؟

پورفلاح: همه این بندها در جالی خود مهم و موارد بسیار راهگشایی هستند. اما نباید یک‌طرفه قضاوت کرد. بعضی از نگرانی‌های دولت درباره بخش خصوصی واقعیت دارد. ما منکر این نیستیم که در همه بخش‌ها مشکلات و تخلفاتی وجود دارد، ولی به خاطر چند متخلف؛ نباید از حمایت تمام بخش تولید و تولیدکنندگان دست کشید. باید با سعه‌صدر بیشتری عملی کرد. ما با توجه به شاخص‌های

بانک جهانی با رسیدن به شرایط ایده‌آل مان فاصله زیادی داریم ولی نباید ناامید شویم. نسل جوان و فارغ‌التحصیلان ما فرصت هستند نه تهدید. ما ظرفیت بسیاری در حوزه‌های متعدد و شاخص‌های متعدد داریم که باید از آن استفاده کنیم.

آقای سیدنورایی! شما به کدام یک از بخش‌های لایحه نقد دارید و کدام بخش را پاسخگوی نیازهای بخش خصوصی می‌دانید؟

سیدنورایی: به نظر من کسانی که این لایحه را تنظیم کرده‌اند نگاهی را دنبال کرده‌اند که انگار می‌خواهند باصطلاح «از کیسه خلیفه ببخشند!». معاف کردن تولیدکنندگان از مالیات و دادن وام کم‌بهره به آنها را می‌خواهید از چه منبعی تامین کنید؟ مگر اینها سپرده‌های مردم نیستند که در بانک گذاشته شده‌اند. درصدی که می‌خواهید کم کنید همان تسهیلات تکلیفی است که دولت باید تامین کند. باید به نسبت ارزی که واحدهای تولید دارند به آنها معافیت از مالیات و وام کم‌بهره داد. باید معافیت‌ها به‌طور دقیق مشخص شود. در بند ۲۷ این لایحه که به حمایت از صادرات مربوط است باید خیلی دقت شود، برای اینکه خیلی از این موارد صادراتی ۴۰ درصد ارزی دارند. اینها چگونه می‌توانند از معافیت مالیاتی استفاده کنند وقتی ارز دریافت می‌کنند؟

پورفلاح: ولی وقتی ۶۰ درصد ارزش افزوده داشته باشد یعنی اینکه برای تولیدکننده هم هزینه‌بر بوده است. باید به این هم توجه کنیم که تا مواد تبدیل به کالا شود، هم ارزش افزوده ایجاد می‌کند و هم به اشتغال‌زایی منجر می‌شود و صادرات جایگزین واردات می‌شود و اگر در نهایت این کالا صادر شود، باز هم به این هدف رسیده‌ایم.

سیدنورایی: البته صادرکننده بعدها از این ارزش افزوده به نفع خود استفاده می‌کند و با معافیت مالیاتی سهم دولت را نمی‌دهد. یعنی با دادن مالیات دوباره از طریق بانک مرکزی می‌تواند ارز دریافت کند. باید در حمایت از تولیدکنندگان سیستم دقیقی برای محاسبه وجود داشته باشد. در سیاست بازار آزاد شرایط را بازار تعیین می‌کند اما در لایحه از حمایت صحبت می‌کنیم. در اینجا باید خیلی دقت کرد تا صف معافیت از مالیات در جلوی دولت تشکیل نشود.

پورفلاح: آقای دکتر! من هم با شما موافق هستم که باید در دادن معافیت مالیاتی خیلی دقت شود اما همه کشورها به صادرکننده‌های خود کمک می‌کنند.

سیدنورایی: بله، اما حمایت از صادراتی که ارزی بالایی دارد توجیه ندارد.

پورفلاح: باید از صادراتی که ارزش افزوده و اشتغال ایجاد می‌کند حمایت کرد. واقعیت این است که در کشورهای صادرکننده و پیشرفته، صادرکننده‌ها از این معافیت استفاده می‌کنند و بعد وقتی صادرات رونق بگیرد دیگر نیازی به بلوکه کردن ارز نیست. واقعاً اگر ارز صادرکننده نبود، در شرایطی که



سیدنورایی:
 کسانی که این
 لایحه را تنظیم
 کرده‌اند نگاهی را
 دنبال کرده‌اند که
 انگار می‌خواهند
 باصطلاح «از
 کیسه خلیفه
 ببخشند!»،
 معاف کردن
 تولیدکنندگان از
 مالیات و دادن وام
 کم‌بهره به آنها
 را می‌خواهید از
 چه منبعی تامین
 کنید؟ مگر اینها
 سپرده‌های مردم
 نیستند؟



دولت؛ حامی مشروط

پنج توصیه به جای این پرسش همیشگی: دخالت دولت آری یا خیر؟

می‌کند. با نگاهی به بودجه ۱۳۹۴ نیز درمی‌یابیم که موضوع «حمایت از تولید» مهم‌ترین فراز آن است. اما ابعاد حمایت و مداخله دولت در تولید ملی تا کجاست؟ برخی از سیاست‌هایی که به عقیده نگارنده، می‌تواند در راستای حمایت موثر دولت در امر تولید ملی مفید واقع شود، به این شرح‌اند:

یکم، محدودیت واردات: یکی از مهم‌ترین زمینه‌های حمایت دولت‌ها از تولید داخلی، محدودیت واردات است. تولیدکنندگان داخلی که در عرصه‌های تولید خود قادر به رقابت با تولیدکنندگان خارجی نیستند نمی‌توانند سهمی از بازارهای جهانی را تصاحب کنند لذا نیازمند جلب مصرف‌کنندگان داخلی هستند که یکی از سیاست‌های مطرح‌شده در این خصوص، محدودیت واردات و منع واردات توسط دولت است، تا صنعت داخلی بتواند بدون رقیب رشد کرده و به تدریج با افزایش بهره‌وری خود به رقابت با تولیدکنندگان جهانی بپردازد. این مسئله از جمله مواردی است که کشور ما هرگز نتوانسته در آن تجربه موفق داشته باشد چنانکه به عنوان مثال، سیاست حمایتی و محدودیت واردات در صنعت خودروی ما، که همزمان با سیاست مذکور در کشور کره جنوبی شروع شده بود نه‌تنها منجر به قبضه بازارهای جهانی نشد بلکه صنعت خودروی ایران هرگز نتوانست به واسطه سیاست حمایتی دولت به بهره‌وری بالا دست یابد و رقابت‌پذیر شود. این موضوع به نفس این سیاست باز نمی‌گردد بلکه به اجرای نادرست آن مربوط است. هر نسخه‌ای را نمی‌توان برای تمامی اقتصادها پیچید، چراکه یک تجویز مشابه در اقتصاد کره جنوبی منجر به ظهور غول‌های خودروسازی جهان شد اما در اقتصاد ایران با ساختار و بسترهای نهادی این سرزمین، منجر به کسب کمترین سهمی از بازار جهانی خودرو نشد. نتیجه اینکه، اجرای درست یک سیاست که مستقیماً به بستر نهادی کشور بازمی‌گردد از خود سیاست مهم‌تر است. لذا اصلاحات ساختاری یکی از موضوعاتی است که به‌درستی هدف دولت یازدهم قرار گرفته است. از جمله این ساختارها می‌توان به نظام مالی، بانکی، مالیاتی، تامین اجتماعی، قوانین کار فرسوده و ناکارآمد اشاره کرد.

دوم، حذف یا کاهش مالیات تولیدکنندگان: در شرایط فعلی اقتصاد ایران با وجود تحریم‌های گسترده، مشکل نقدینگی یکی از معضلات بزرگی است که تولیدکنندگان را با مشکلات جدی روبرو کرده است. اجرای همزمان سیاست‌های حذف یارانه انرژی، خصوصی‌سازی و همچنین تحریم‌های

در موضوع حمایت دولت از بخش تولید، اولین بحثی که در میان اقتصاددانان مطرح می‌شود مداخله یا عدم مداخله دولت است. یک‌سو اقتصاددانان کلاسیک ایستاده‌اند که معتقد به تسویه خودبه‌خود بازارها و لزوم حذف حضور مداخله‌گرانه دولت در اقتصاد هستند، و سوی دیگر، اقتصاددانان کینزی که معتقدند در شرایط رکود اقتصادی، حضور و مداخله دولت ضرورتی جدی دارد. این دو نگاه قطبی به مداخله دولت، دیری است که مورد انتقاد بوده و از جانب طرفداران این مکاتب مورد اصلاح و تعدیل‌های فراوان قرار گرفته، اما اینکه در اقتصاد ایران باید از چه نوع مکتبی پیروی کرد و در این اقتصاد، اندازه دولت باید چقدر باشد از موضوعات مهمی است که نیاز به بررسی بیشتر دارد. با یک نگاه اجمالی به عمر کوتاه دولت یازدهم، می‌توان برخی آثار مثبت مداخله دولت در اقتصاد کشور را مشاهده کرد. این دولت در دوره مسئولیت خود توانسته رشد اقتصادی کشور را از منفی ۸.۶ درصد به حدود ۲ درصد برساند، نرخ تورم را تا حدود ۱۶ درصد کاهش دهد، نرخ بیکاری را به سیرری نزولی بکشاند و با دستیابی به نرخ رشد ۸.۱ درصدی در بخش صنایع و معادن توجه بسیاری را به عملکرد خود در این عرصه جلب کند.

اما در پاسخ به این پرسش که «آیا بهره‌وری بخش خصوصی بالاتر است یا بهره‌وری بخش دولتی؟» با قاطعیت باید گفت که مشخصاً بهره‌وری بخش دولتی بسیار پایین‌تر است. این موضوع یکی از نتایج شوم استفاده نادرست از منابع طبیعی است که موجب می‌شود بخش‌های مبادلاتی اقتصاد دچار اضمحلال شوند، بخش‌های غیرمبادلاتی رونق یابند و اقتصادها به سمت رانتی‌شدن پیش بروند. یکی از مهم‌ترین زمینه‌هایی که در هر نوع دیدگاهی و در هر شرایطی حضور پررنگ دولت را می‌طلبد، عرصه تولید اقتصادی و حمایت از تولیدکنندگان است خصوصاً اینکه در اسناد بالادستی کشور نیز به شدت بر این موضوع تأکید شده است و در همین راستا و در اجرای بند یک اصل ۱۱۰ قانون اساسی، رهبر انقلاب سیاست‌های کلی «تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه انسانی» را ابلاغ کردند که دولت را به تسریع در عملیاتی کردن سیاست‌های حمایت از تولید ملزم



■ علی قنبری
معاون وزیر جهاد
کشاورزی و عضو
هیئت علمی
دانشگاه تربیت
مدرس

ارز مبادله‌ای اینقدر سخت داده می‌شود، تامین نیاز ارزی واحدهای صنعتی که اکثر آن از طریق صرافی‌ها تامین می‌شود خیلی مشکل‌آفرین است. این لایحه اتفاق مبارکی است البته من هم موافق هستم که باید با دقت بیشتری انجام شود ولی نباید دست صادرکننده‌ها را بست. امروزه در این شرایط صادرکننده‌ها شانه به شانه واردات کار می‌کنند. ما الان ۶۰ میلیارد دلار صادرات داریم و تقریباً در همین اندازه واردات داریم. اگر چه در هر قشری سوءاستفاده هم وجود دارد اما هیچ‌کدام از این معافیت‌های مالیاتی طولانی‌مدت نیست بلکه محدودیت زمانی دارد.

سید نورایی: آقای پورفلاح، من معتقدم این معافیت مالیاتی موقت نیز نیاز به فرمول دقیق دارد، چون حمایت باید ضابطه داشته باشد. باید این معافیت‌ها، مطالبات و معوقات بخش‌های تولیدی بخش به بخش بررسی شود، چون وقتی کلی گفته می‌شود امکان سوءاستفاده را بیشتر می‌کند. این رانتی است که از جیب ملت داده می‌شود و افراد بدحساب را تشویق به ادامه این روند می‌کند. یعنی اگر بدهی خود را به سیستم ندادید، پس ندهید.

پورفلاح: واقعیت این است که در این لایحه سعی شده امتیازات به کسانی که واقعا مستحق آن هستند داده شود. مدیران صنعتی ما با مشکلاتی فراوانی روبرو هستند. من چهار دوره مدیر واحدهای صنعتی بودم؛ خوابان نمی‌برد که مبدا چک ما به سررسید برسد یا یک چک با ساعتی تاخیر نقد شود. یکسری از افراد ناخواسته در این وادی صدمه دیده‌اند و نیاز است که از آنها حمایت شود. کسانی که تخلف می‌کنند به عرصه تولید وارد نمی‌شوند. چون این عرصه واقعا مشکل دارد.

سید نورایی: بله ولی بسیاری از اینها تولید نمی‌کنند بلکه وارد می‌کنند و به اسم کالای ایرانی از امتیازات استفاد می‌کنند اما اسمشان تولیدکننده است نه واردکننده. اتفاق باید اینها را ممیزی کند.

پورفلاح: البته این وظیفه اتاق بازرگانی نیست بلکه این نظارت در اختیار تشکلهای صنفی است.

سید نورایی: اتاق بازرگانی هم یک تشکل اقتصادی است. **پورفلاح:** به هر حال این لایحه بعد از ۱۷ نسخه مختلف و کار کارشناسی به صحن مجلس و بعد شورای نگهبان رسیده است. من هم معتقد هستم که از هر قانون خوب می‌توان بد استفاده کرد و در اجرا به انحراف کشیده شود و یکسری از افراد سوءاستفاده‌گر نیز از این قانون به نفع خود بهره بگیرند اما برای جلوگیری از این واقعه، باید کنترل و نظارت را افزایش داد.

موسوی‌نیک: به نظر من با توجه به شرایط امروز اقتصاد ایران، در آینده ما همچنان با مشکلات ناشی از رکود تئوری روبرو خواهیم بود، این لایحه می‌تواند برای بهبود آن شرایط به کمک‌مان بیاید. باید در اقتصاد برنامه‌ریزی داشت و این لایحه نیز یکی از ابزارهای این برنامه‌ریزی است.



آزادسازی تجاری
نقطه مقابل
حمایت از تولید
است. آزادسازی
در زمینه قوانین
صادرات برای
کشورهای در حال
توسعه گزینه
خوبی است
اما در خصوص
واردات موجب
آسیب‌پذیری
صنایع داخلی
می‌شود.

هدایت سرمایه به تولید

مکملی بر اصل ۴۴ و آنچه در اجرای آن قانون مورد بی توجهی قرار گرفت



■ جعفر قادری
عضو کمیسیون
برنامه و بودجه
مجلس



اجرای قانون

اصل ۴۴ را در

گام نخست از

واگذاری‌ها شروع

کردیم، در حالی که

اکنون به این نتیجه

رسیده‌ایم که باید

ابتدا سراغ بهبود

فضای کسب و کار

می‌رفتیم، به همین

دلیل لایحه رفع

موانع تولید، نه تنها

اقدامی در راستای

سیاست‌های کلی

اقتصاد مقاومتی

است، بلکه به

گونه‌ایست که اصل

۴۴ را نیز محقق

می‌کند.

قانون رفع موانع تولید، مجموعه‌ای از حدود سی پیشنهاد دولت در قالب لایحه تنظیم شده توسط وزارت صنعت، معدن و تجارت است به علاوه بیش از سی ماده الحاقی نمایندگان مجلس که پیش‌تر، برای حمایت از تولید ملی در قالب طرحی به صحن علنی رفته اما به خاطر عدم امکان تضمین تامین مالی معلق مانده بود. در ۶۰-۷۰ ماده‌ای که از طرف مجلس و دولت مطرح شده عمده تلاش بر این بوده که مسائل و مشکلات اصلی حوزه تولید برطرف شود؛ از جمله تعیین تکلیف حدود ۹۰ هزار میلیارد تومان از مطالبات سیستم بانکی. لایحه رفع موانع تولید رقابت‌پذیر و ارتقای نظام مالی از نزدیک‌ترین لوايح قانونی به نگاه بخش خصوصی در حوزه تولید ملی است، چرا که نمایندگان اتاق بازرگانی و تعاون در تمامی جلسات تنظیم و تدوین این لایحه حضور داشته‌اند و در حقیقت خمیرمایه اولیه طرح حمایت از تولید با هماهنگی اتاق‌ها ساخته شد و در نهایت همه این پیشنهادها و کلیات به صورت لایحه مذکور درآمد. ما در تنظیم نهایی لایحه، حتی مواردی که دولت لحاظ نکرده بود را نیز با مشورت بخش خصوصی مطرح کردیم و سعی شد تعاملی همه‌جانبه برای حل معضل تولید در کشور برقرار شود. قانون اجرای اصل ۴۴ در دوران فعالیت مجلس هفتم به تصویب رسید و در مجلس هشتم نیز وارد حوزه نظارت بر اجرای آن شدیم اما اکنون نمایندگان مجلس به این نتیجه رسیده‌اند که در اجرا اشتباهاتی اساسی صورت گرفته است. اشتباه اصلی این بود که اجرای این قانون را در گام نخست از واگذاری‌ها شروع کردیم، در حالی که اکنون به این نتیجه رسیده‌ایم که باید ابتدا سراغ بهبود فضای کسب و کار می‌رفتیم. به همین دلیل لایحه رفع موانع تولید، نه تنها اقدامی در راستای سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی است، بلکه به گونه‌ایست که اصل ۴۴ را نیز محقق می‌کند.

مرکز پژوهش‌های مجلس، هر سه ماه یکبار، عوامل محیطی کسب و کار را پایش می‌کند. نتایج پایش اخیر این مرکز نشان داده است که نخستین مشکل تولیدکنندگان موانع دریافت تسهیلات بانکی و به تبع آن معضل نقدینگی است. بنابر آمار دولت، نقدینگی جامعه ایران هم‌اکنون رقمی بالغ بر ۵۰۰ هزار میلیارد تومان است، اما مدت‌ها است کسی به سمت تولید نیامده است. اشکال اینجاست که بستری برای حمایت از تولید ایجاد نشده تا این نقدینگی جذب تولید شود. به موجب این لایحه «ستاد تسهیل مجوزهای کسب و کار» با اختیاری که رئیس‌جمهوری به وزیر اقتصاد می‌دهد باید در سریع‌ترین زمان ممکن، مجوزهای کسب و کار را صادر کند. از این طریق، هم اطلاعات متقاضیان به‌درستی وارد می‌شود و هم زمان ثبت آن اطلاعات به حداقل می‌رسد. مطابق لایحه مصوب، برای بهبود اوضاع تولید چند کار در دستور کار دولت قرار خواهد گرفت: اول، اینکه دولت موظف خواهد بود ظرف مدت شش ماه تمامی مطالبات و بدهی‌هایش را در سه بخش بانک‌ها، تولیدکنندگان (اشخاص حقیقی) و صندوق (موسسات عمومی) تعیین تکلیف کند. دولت می‌تواند با سه روش تسویه و تهاتر، اوراق مشارکت اسلامی و اسناد تصویه خزانه مطالباتش را به سه بخش فوق پرداخت کند. برای این کار نیز دولت موظف است، طی شش ماه، مبلغ دقیق این بدهی‌ها را تعیین و در بودجه سالانه لحاظ کند. هم‌زمان، برای پرداخت بدهی بدهکاران دانه‌درشت بانکی نیز در ماده ۸ لایحه قوانینی در نظر گرفته شده است. راه دوم، اینکه اگر کسی سرمایه‌ای را برای تامین نقدینگی در طرح یا پروژه‌ای تولیدی بیاورد، سرمایه‌ای آن فرد از مالیات معاف می‌شود به شرط آنکه تا دو سال این پول را خارج نکند. راه سوم، هم طرح افتتاح حساب ویژه برای تولیدکنندگان است. بر اساس این طرح، از این پس تولیدکنندگان علاوه بر کارهای جاری در بانک‌ها حساب ویژه‌ای باز می‌کنند و درآمدشان را در آن حساب واریز می‌کنند. در مقابل، بانک مرکزی نیز موظف است که به آن افراد در ازای پول واریزی در آن حساب ویژه تسهیلات ویژه بدهد.

ماده ۸ لایحه رفع موانع تولید مربوط به بدهکاران دانه‌درشت بانکی است. رقم برآوردشده این معوقات، چیزی حدود ۸۰ هزار میلیارد تومان مطالبات بانکی از اشخاص حقیقی و حقوقی است که بخش عمده آن به واحدهای تولیدی بازمی‌گردد. برای بازپرداخت این معوقات دو راه حل پیش‌بینی شده است. راه اول اینکه، بانک می‌تواند با ورود به کار تولیدی شریکی پیدا کند. کسی که مطالبات را پرداخت کند و با بانک شریک شود، به میزان پولی که پرداخت کرده، سهامدار آن واحد تولیدی خواهد شد. راه حل دیگر آنکه، بانک‌ها وثیقه مازاد را آزاد کنند و با به‌روز کردن آن وثایق، یک دوره سه‌ساله به واحد تولیدی ورشکسته فرصت بازپرداخت بدهند. هم‌زمان، کارشناسان معتمد بانک، باید آن واحد تولیدی را قیمت‌گذاری کنند تا اگر در آن سه سال هم اتفاق مثبتی نیفتاد، مناقصه برگزار شود. اگر داوطلبی برای خرید پیدا نشد ۱۰ درصد از قیمت واحد کم شود. اگر این روال ادامه یافت، به صورت متوالی این ۱۰ درصد کم می‌شود تا قیمت به ۵۰ درصد ارزش آن واحد تولیدی برسد که در این صورت، بانک مکلف است خودش آن واحد را خریداری کند. یکی دیگر از امکانات لایحه این است که برای واحدهای با فناوری بالا معافیت‌هایی در نظر گرفته شده و برای سرمایه‌گذاران خارجی نیز که به صورت مستقل یا مشارکتی در عرصه تولید داخلی ما حضور می‌یابند، ظرفیت‌هایی را به وجود آورده‌ایم تا با استفاده از آن‌ها جذابیت بیشتری برای جلب سرمایه‌گذاری در کشور ایجاد کنیم. از دیگر موارد مورد توجه نیز، تکمیل سامانه نظام جامع مالیاتی از سوی وزارت اقتصاد است. سامانه‌ای که بدون شک می‌تواند تا حد زیادی سبب شفاف‌شدن فعالیت دستگاه‌ها و برطرف‌شدن مشکلات شود.

همه‌جانبه، منجر به رکود اقتصادی شدید در کشور شده که ناشی از تضعیف بخش تولیدی اقتصاد است، در چنین شرایطی که تولیدکننده داخلی با مشکلات زیادی دست‌وپنجه نرم می‌کند افزایش مالیات موجب تحمیل هزینه‌های پیش‌بینی‌نشده‌ای به تولیدکنندگان می‌شود که از قدرت رقابت‌پذیری اقتصادی تولیدکنندگان داخلی خواهد کاست. متأسفانه در شرایط کنونی بخشی از مالیات بر ارزش افزوده که مقرر است طبق قانون از مصرف‌کننده نهایی اخذ شود از تولیدکننده گرفته می‌شود. روندی که بیش از هر چیز، ناشی از ضعف‌های اجرایی قانون مالیات بر ارزش افزوده است.

سوم، ثبات سیاست‌گذاری‌های دولت در زمینه

تولید: تولیدکنندگان باید بر اساس تحلیل هزینه و فایده، وارد بخش صنعت و تولید کشور شوند و لازمه آن ثبات شرایط قانونی و سیاستی دولت در دوره تولید و سرمایه‌گذاری آن‌هاست. بی‌ثباتی سیاستی دولت می‌تواند منجر به کاهش حجم سرمایه‌گذاری و فرار سرمایه‌گذاران از بخش تولید داخلی شود. ثبات سیاستی می‌تواند در جذب سرمایه‌گذاری خارجی نیز موضوع مهمی باشد که منجر به رشد اقتصادی خواهد شد.

چهارم، استفاده از مدیریت نوین و دانش‌محور:

استفاده از تحلیل‌های اقتصادی و استخراج ماتریس‌های داده - ستانده و علمی کردن فرآیند تولید نه تنها موجب افزایش بهره‌وری می‌شود بلکه بالا رفتن سطح تولید، رشد اقتصادی و توسعه‌یافتگی را نیز در پی دارد. پیوند دانشگاه و صنعت نیز به عنوان یکی از شعارهایی که همواره در سرلوحه برنامه‌های دولت‌ها و سیاست‌گذاری‌های آنهاست جز با برنامه‌ریزی تخصصی و جدی در این امر محقق نمی‌شود.

پنجم، آزادسازی تجاری، نقطه مقابل حمایت:

آزادسازی تجاری نقطه مقابل حمایت از تولید است. آزادسازی در زمینه قوانین مربوط به صادرات برای کشورهای در حال توسعه گزینه خوبی است اما در خصوص واردات می‌تواند موجب آسیب‌پذیری صنایع داخلی شود. لذا آزادسازی تجاری را می‌توان به صورت نامتقارن برای اقتصاد ایران تجویز کرد، به شرطی که دوره حمایت از صنایع داخلی محدود، و مورد بررسی مداوم باشد تا در مسیر افزایش بهره‌وری گام‌های جدی برداشته شود. بخش کشاورزی و غلات تنها بخشی است که در تمام اقتصادهای جهان همواره مورد حمایت دولت بوده و حتی پیشرفته‌ترین اقتصادها نیز در حال حمایت از بخش کشاورزی خصوصاً شکر، غلات و گندمشان هستند چرا که مستقیماً به معیشت مردم گره خورده است. از طرف دیگر، بهره‌وری در این بخش نیز مستلزم شرایط اقلیمی و جغرافیایی، سودآوری در آن کم است و چنانچه مکانیسم قیمت آزاد در آن حاکم شود معیشت مردم را به خطر می‌اندازد.

هم حمایت از تولید، هم مبارزه با فساد

لایحه حمایت از تولید در میزگردی با حضور موبد حسینی صدر و علی محمد احمدی



آینده‌نگر: با ارسال لایحه حمایت از تولید به شورای نگهبان و بازگشت آن به مجلس با حداقل تغییرات، به نظر می‌رسد سرانجام تلاش مشترک مجلس، دولت و بخش خصوصی ثمر داده است. موبد حسینی صدر، مدرس دانشگاه و عضو کمیسیون صنایع مجلس به همراه علی محمد احمدی عضو هیات رییس کمیسیون برنامه و بودجه در مجلس و استاد دانشگاه تربیت مدرس، از جمله اقتصاددانان حاضر در پارلمان بودند که طی دوران بررسی لایحه حمایت از تولید، تلاش زیادی برای تصویب این لایحه در مجلس داشتند. هرچند، هر یک نگاه متفاوتی به مقوله تولید دارند اما در فراز و فرودهای بندهای مختلف لایحه به نقاط اشتراکی نیز می‌رسند و متفق القول، بر این باورند که هدف نهایی و زمینه تلاش مجلس و دولت در تصویب این لایحه، این بوده که بتوانند برای وضعیت خطیر بخش خصوصی که به‌ویژه در هشت سال حضور دولت‌های نهم و دهم فروتن و رنجور شده و زیر بار فشار تحریم و بودجه انقباضی کم آورده است، چاره‌ای بیابند. چاره‌اندیشی به موقعی که در امتداد اقتصاد مقاومتی و ضرورت تقویت بنیه اقتصادی و توسعه ملی قابل تبیین است. آینده‌نگر دیدگاه‌های این دو اقتصاددان را در میزگردی به بحث گذاشت که شرح‌اش در ادامه می‌آید.



تلاش این بود در همه این موارد سازوکاری ایجاد شود تا به تولید کمک کنیم. در همین مسیر، کمیسیون ویژه تولید با همراهی کمیسیون اقتصادی و مشارکت گسترده دولت، بخش خصوصی و خانه صنعت، خانه معدن و اتاق بازرگانی روی این لایحه کار کردند.

II طرح مجلس وقتی به صحن علنی آمد با مخالفت‌هایی مواجه شد و کلیات آن رای نیاورد. ویژگی آن طرح سابق، و تفاوت و شباهت با لایحه

پیشنهادی دولت یازدهم در چه چیزهایی است؟
حسینی صدر: طرح مجلس برای حمایت از تولید ملی طرح خوبی بود ولی به دلیل بار مالی و مغایرت آن با اصل ۷۵ قانون اساسی در صحن مجلس رد شد. کلیات، بندها و مواد مندرج در لایحه دولت و طرح مجلس تفاوت زیادی با هم نداشت و در جلسه‌های مختلفی که داشتیم، هر دو متن یعنی طرح مجلس و لایحه دولت تجمع شد تا همان‌طور که اشاره شد، موضوع بار مالی حل‌وفصل شده و دولت به عنوان قوه مجریه راساً به این مسئله ورود کند. به هر شکل تصویب لایحه حمایت از تولید ملی قدم بسیار موثری برای حمایت از این بخش مولد بود که خوشبختانه با تلاش مجلس و دولت به سرانجام رسید.

II آقای احمدی! به نظر شما لایحه حمایت از تولید چه راهی را پیش پای تولیدکننده و صنعتگر ایرانی می‌گشاید؟

احمدی: آزادسازی و ارزیابی وسایل بنگاه‌های اقتصادی، کمک به اختصاص یارانه سود بانکی، افزایش سهم دولت در بیمه کارگران واحدهای تولیدی، توسعه و تقویت فرهنگ حمایت از برندهای داخلی، تامین ارز مواد اولیه واحدهای تولیدی در کنار حمایت‌های مالی، بانکی، مالیاتی و گمرکی از بخش صنعت از جمله مواردی است که تلاش شده در این لایحه دیده شود. لایحه حمایت از تولید ملی با بازنگری در رویه‌های

یارانه‌ها، با وجود تاکید بر موضوع حمایت از تولید در این زمینه عمل خاصی انجام نشد. نه تنها اقدام خاصی در این زمینه صورت نگرفت که حتی کماکان شاهد حضور بخش تولیدی در همان حاشیه‌های پیشین بودیم. اجرای این سیاست‌های نادرست اقتصادی در کشور، منجر به این شد که اقتصاد دچار رکود توری شود. اتفاقی که بیشترین آسیب را به بخش تولید و اشتغال وارد کرد.

II گفته می‌شود این لایحه قرار است آسیب‌های قبلی را مرتفع کند و فضای تازه‌ای برای تولیدکننده ایرانی بگشاید. مشخصاً با تصویب این لایحه، اصلی‌ترین رهاورد آن برای بخش خصوصی چیست؟
احمدی: لایحه حمایت از تولید ابعاد مختلفی دارد اما عمده مسئله و هدف مورد نظر ما در این لایحه، برداشتن موانع قانونی غیر لازم از پیش روی صنعتگران بود. مسئله‌ای که گاه به اندازه فشارهای ناشی از تحریم و نبود نقدینگی برای تولیدکننده، در دسرساز می‌شود. به این تعبیر، اولویت کاری ما برداشتن قوانین زائد گذشته و تصویب قوانین جایگزینی بود که در روند تولید به نحو راهگشا و سازنده‌ای مورد استفاده قرار گیرند. ما در طول یک سال اخیر، برای فراهم کردن بستر لازم جهت چابک‌سازی بخش تولید، با شرکت کمیسیون‌ها، کارشناسان اقتصادی و آقای لاریجانی رییس محترم مجلس، به‌صورت مستمر جلسه‌هایی با نمایندگان دولت داشتیم. یکی از جمع‌بندی‌های جلسه‌های گفت‌وگوی مجلس و دولت، تدوین لایحه‌ای به منظور خروج غیر توری از رکود با توجه ویژه به موضوع تولید بود. مسلماً ما باید چند ویژگی و اولویت کاری را در این لایحه منظور می‌کردیم؛ نخست اهمیت دادن به تولید، دوم اصلاح نظام بانکی و رفع قوانین مزاحم در ارتباط بخش تولید و بانک‌ها، و سوم، حل مشکل گمرک در ارتباط با هدفمندی یارانه‌ها.

II در زمینه تلاش برای خروج از وضعیت رکودی اقتصاد کشور، هم دولت و هم مجلس برنامه‌هایی داشتند که در نهایت با تجمیع آن‌ها، شاهد تصویب لایحه حمایت از تولید بودیم. اندکی درباره فرآیند تدوین این لایحه، و همچنین رایزنی‌های مشترک دولت و مجلس توضیح دهید.

حسینی صدر: ما در مجلس، ابتدا طرحی با عنوان «طرح حمایت از تولید ملی» را در راستای تحقق سیاست‌های اقتصاد مقاومتی در نظر گرفته بودیم که در کمیسیون ویژه آماده شد، در همان حال وزارت صنعت، معدن و تجارت نیز پیش‌نویس لایحه‌ای با عنوان حمایت از تولید ملی را برای تصویب به هیئت دولت ارسال کرد. خوشبختانه بیشتر مواد طرح مجلس و لایحه دولت در زمینه حمایت از تولید ملی مشترک بود و به همین خاطر تلاش ما، بر تجمیع دو ایده طرح و لایحه، و یکدست کردن هر دو متن پیشنهادی متمرکز شد. اینکه از میان طرح و لایحه، بالاخره لایحه به مجلس رسید یک نکته مثبت داشت، اینکه دولت بار مالی اجرای این طرح را ساده‌تر تقبل می‌کند و بهتر می‌تواند این لایحه را راجع کند.

II محورهای اصلی این لایحه چیست و براساس آن چگونه قرار است از تولید ملی حمایت بشود؟

حسینی صدر: موارد مهم لایحه حمایت از تولید ملی شامل حمایت‌های بانکی، بیمه‌ای، مالیاتی، حمایت از تولیدکنندگان، حمایت از بانک‌های تخصصی مانند بانک صنعت و معدن و بانک توسعه صادرات، و همچنین حمایت از اقتصاد دانش‌بنیان است.

II این لایحه تا چه میزان می‌تواند پاسخگوی مشکلات فعلی تولیدکنندگان کشور باشد؟

علی محمد احمدی: اجازه بدهید ورود به این بحث را با یک نقد کوتاه آغاز کنم. پس از ابلاغ سیاست‌های اقتصاد مقاومتی و اجرای مرحله اول هدفمندی



حسینی صدر:
خروج از رکود تا آنجا که مربوط به دوران‌های تجاری است بازه زمانی خاص خود را دارد و با رصد تحولات آماری چندپایه شاید تسکین‌پذیر باشد اما درمان‌پذیر نیست

غلط جاری، کمک خوبی برای بهبود فضای تولید ملی کشور خواهد بود.

حسینی صدر: اجازه بدهید، من هم چند مورد دیگر به همین ویژگی‌ها و شاخصه‌ها اضافه کنم؛ بحث مقررات‌زدایی از مسیر تولید یکی از مشخصه‌های مهم این لایحه است. بسیاری از مقررات در بخش صنایع و معادن و ارتباط تولید با بانک‌ها در گذشته تدوین شده بودند؛ از جمله مقرراتی که وجود داشت این بود که اگر یک تولیدکننده می‌خواست وارد یک طرح جدید شود یا تولید را گسترش دهد، سازمان‌ها یا دستگاه‌های مختلفی بودند که به‌طور فرسایشی تولیدکننده را عاجز می‌کردند. سعی ما این بود که قوانین دست‌وپاگیر گذشته را اصلاح کنیم. در این راستا، ارتباط بین بانک‌ها و واحدهای تولید را مطرح کردیم و دولت را موظف کردیم دستورالعمل‌های اجرایی‌اش را غریب و دسته‌بندی کند. به این شکل، واحدهایی که مقصر و دنبال سوءاستفاده بودند از واحدهایی که قصدشان تولید بوده اما سیاست‌های دولت به آن ضربه‌زده تفکیک، دسته‌بندی و مشخص کردیم و تامین سرمایه در گردش برای واحدهای تولیدی مطرح شد. از این گذشته سیاست‌های گمرکی، ارتباط و بازاریابی برای واحدهای تولیدی، تعیین تفکیک اراضی محل اجرای طرح‌های تولیدی، ارتباط بین شهرک‌های صنعتی و منابع طبیعی را نیز مدنظر قرار دادیم.

II براساس برآورد کارشناسان، بار مالی طرح حمایت از تولید ملی بین ۱۰ تا ۱۲ هزار میلیارد تومان بود و دولت قبلی زیر بار تامین هزینه و بودجه برای این طرح نرفت. آیا امروز تصور می‌کنید تبعات این بار مالی در لایحه نهایی، تعدیل شده است؟

احمدی: بله، اتفاقا یکی از نکات مثبت لوایح حمایت از تولید ملی و خروج غیرنورمی از رکورد این است که بار مالی زیادی به دولت تحمیل نمی‌کند. از اقدامات سازنده دیگر این بود که سیاست‌های مالیاتی و معافیت‌های مالیاتی را هدفمند کردیم. یعنی تلاش شده تا به جای ایجاد بار مالی برای دولت، بر برداشتن قوانین دست‌وپاگیر، تمرکز بر درآمد مالیاتی و تسهیل برخی امور برای بخش خصوصی و تولید تمرکز شود.

III آقای احمدی! در صحبت‌های شما به تنظیم روابط بانکی هم اشاره شد. به هر حال معضل عدم شفافیت در بده‌بستان‌های مالی طی سال‌های گذشته منجر به ظهور پدیده‌هایی چون خاوری و زنجانی شد. شما فکر می‌کنید این لایحه چقدر در پیشگیری از وقوع چنین تخلفاتی مؤثر خواهد بود؟

احمدی: بر اساس تجربه‌هایی که ما در گذشته داشتیم، در این لایحه سعی شده مسیرهای مشخص و شرایط مشخصی برای اعطای تسهیلات در بانک‌ها و شناخت موقعیت و اهمیت سرمایه‌گذار در نظر گرفته شود. همچنین شیوه ارتباط بانک با شرکت‌ها و مکانیسم‌های نظارتی دولت پس از اعطای تسهیلات به این روندهای بانکی اضافه شده است. شما به نکته درستی اشاره کردید. اگر در قالب قوانین و ضوابط

بتوانیم مسیرهای فساد و اختلال مالی را کاهش دهیم، لطف بزرگی به اقتصاد کشور کرده‌ایم. در لایحه حمایت از تولید ملی نیز به این موضوع توجه شده تا بتوانیم مسیر روابط بانکی و بخش خصوصی را تا سرحد ممکن سالم‌سازی کنیم.

II و نقشه راه این «سالم‌سازی» آماده شده است؟ حسینی صدر: بله، به نظر من نقشه راه درست شده و سازوکاری تدوین شده که دیگر بانک‌ها قادر به انجام اقدامات سلیقه‌ای نخواهند بود و دولت هم در این زمینه بحث اعطای شرکت‌های خودش و خصوصی‌سازی را از کانال بورس و ضوابط خاص خود دنبال خواهد کرد. یکی از آستانه‌های خطرناکی که منجر به رانت‌خواری‌ها شده، عدم شفافیت، تقارن اطلاعات و سازوکارهای غلطی که پیش‌تر در روند خصوصی‌سازی‌ها وجود داشت، بوده است. در گذشته، به بهانه خصوصی‌سازی و مسئله تقارن اطلاعات و عدم ورود از بستر بورس، یک شرکت بزرگ و سرمایه بزرگ، بدون اینکه در مسیر قانونی خود پیش برود با نوعی رانت اطلاعاتی به کسانی داده شد و علاوه بر اینکه شرکت و سرمایه بیت‌المال در اختیارشان قرار گرفت، حجم گسترده‌ای از تسهیلات یارانه‌ای نیز به آنان اختصاص یافت. ما در این لایحه این راه را مسدود و سعی کردیم فضایی که منجر به خلق بابک زنجانی‌ها و خاوری‌ها شده را شفاف کنیم. فکر می‌کنم این لایحه به تنهایی کافی نیست و در این زمینه باید نظارت‌های بیشتری داشته باشیم که به توانایی دولت در تدوین آیین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌های اجرایی این قانون بازمی‌گردد. تجربه نشان داده وقتی دولت نسبت به تدوین آیین‌نامه‌های مرتبط عمل کرده، بیشتر خود را ملزم به اجرایی کردن قانون می‌داند. از سوی دیگر در مرحله عمل، خیلی از تصمیم‌ها و بندهای قانونی مندرج در لایحه نیازمند آیین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌های اجرایی است. از این‌ها گذشته، ما یک قانون داریم که این قانون هر بندش برای اجرایی شدن باید باز شود؛ بنابراین باید آیین‌نامه و دستورالعمل‌های اجرایی خوبی داشته باشیم؛ هم برای اینکه به تولید لطمه نخورد و هم اینکه مسیر را برای کسانی که می‌خواهند تولید کنند، هموار و ضابطه‌مند کنیم.

II در جلسه‌هایی که برای تصویب لایحه با بخش خصوصی و اعضای اتاق‌های بازرگانی داشتید، آنها بیشتر چه مطالباتی را مطرح می‌کردند؟ احمدی: بخش خصوصی بیشتر نگران بحث سرمایه در گردش و مواجهه با نظام مالیاتی بودند که در این قانون سازوکاری برای آن در نظر گرفته شده است. آنها همچنین در مورد سازوکارهایی که در مبادی خروجی و پیش‌روی صادرکنندگان وجود دارد، نگران‌اند.

II درباره ماده ۲۸ الحاقی لایحه نقدهایی وجود داشت و نهایتاً منجر به تغییری در آن شد. دلیل این تغییر چه بود و تا چه میزان مسائل مورد نظر از سوی بخش خصوصی در این تغییرات لحاظ شد؟

حسینی صدر: این ماده با هدف تسهیل فرآیندهای گمرکی، برخی مقررات گمرک را اصلاح کرده بود که در صحن علنی مجلس ایرادهای قانونی و نگارشی

به آن وارد شد و اصلاح لازم انجام شد. مهمترین نقد وارده به این ماده آن بود که موجب بی‌اثر شدن قوانین و دستورالعمل‌های مربوط به شفاف‌سازی و مبارزه با فساد می‌شود. این ماده صرفاً با هدف تسهیل فرآیندهای گمرکی، برخی مقررات گمرک را اصلاح کرده بود و بدون شک چنین تعبیر و قصدی در نویسندگان لایحه وجود نداشت، بنابراین مشکلات نگارشی آن نیز به سرعت مورد بازنگری و اصلاح قرار گرفت.

احمدی: شاید سوء برداشتهایی صورت گرفته بود اما در واقع هدف اصلی ما این بود که فرآیندهای گمرکی تسهیل شود. پای صحبت بسیاری از فعالان بخش خصوصی که بنشینید، می‌بینید که از بوروکراسی اداری حاکم بر گمرک گله دارند. هدف نمایندگان هم این بود که این مسائل از پیش پای صنعتگر برداشته شود. بخش‌هایی از تولید ملی ما امروز نیازمند واردات برخی تجهیزات است و در صورت عدم امکان واردات، واحد تولیدی قادر به ادامه روند کاری خود نیست. این مسئله تولیدکننده را با مقوله گمرک درگیر می‌کند و البته خیلی جزئیات دیگر دارد که اینجا فرصت بازگویی همه آنها نیست.

II در فرآیند تدوین لایحه، ۳۰ ماده الحاقی به آن اضافه شد که بخش خصوصی تاکید داشت لایحه را سنجین کرده‌اند و لایحه‌ای با این میزان بندهای الحاقی نمی‌تواند فعالیت درستی داشته باشد. دلیل اضافه کردن ۳۰ ماده الحاقی به لایحه چه بود؟

احمدی: محور این پیشنهادها راه‌اندازی حسابداری برای حمایت از تولید ملی؛ تمدید تسهیلات بانکی، اصلاح موادی از قانون معادن، و تامین اجتماعی، فناوری‌های نوین، مسائل بانکی و کشاورزی بود. بنابراین نمی‌شود گفت لایحه حجیم‌شده، بلکه مواردی بوده که نیاز به تجمیع داشته و طرح‌های پیشنهادی مختلفی در زمینه حمایت از تولید در کمیسیون‌های مختلف ارائه شده بود که همه این‌ها نیازمند تجمیع بود و اگر این‌ها انجام نمی‌شد، تکلیف طرح‌های دیگر مشخص نبود. نکته دیگر اینکه، در زمان بررسی لایحه در کمیسیون، اصلاحاتی انجام و گزارش نهایی آن به مجلس ارائه شد. دو سه ماده از لایحه را صحن علنی مجلس به کمیسیون ارجاع داد و در نهایت بندهای آن مورد تصویب نمایندگان قرار گرفت و به شورای نگهبان فرستاده شد. به‌طور کلی بحث شفاف‌سازی و مبارزه با فساد در لایحه رفع موانع تولید به قوت خود باقی است و ما سعی کرده‌ایم علاوه بر حمایت از تولید، مبارزه با فساد و شفاف‌سازی را نیز در این قانون برجسته کنیم.

II به نظر شما آیا این لایحه می‌تواند کمکی به خروج اقتصاد ایران از رکود تورمی بکند؟

حسینی صدر: خروج از رکود تا آنجا که مربوط به دوران‌های تجاری است بازه زمانی خاص خود را دارد و با رصد تحولات آماری چندپایه شاید تسکین‌پذیر باشد اما درمان‌پذیر نیست. خروج از رکود نیازمند تلفیقی از سیاست‌های پولی و مالی است. همچنین تحرک محیط کسب‌وکار نیز اهمیت ویژه‌ای دارد تا بر این اساس به تدریج رکود را به رونق تبدیل کند.

احمدی: لایحه

حمایت از تولید

ابعاد مختلفی دارد

اما عمده مسئله

و هدف مورد نظر

ما در این لایحه،

برداشتن موانع

قانونی غیر لازم

از پیش روی

صنعتگران بود.

مسئله‌ای که گاه

به اندازه فشارهای

ناشی از تحریم

ونمود نقدپسینی

برای تولیدکننده،

درس‌ساز

می‌شود.



دوای درد بخش خصوصی

گفت‌وگو با محسن بهرامی ارض اقدس

مشاور معاون اجرایی رییس‌جمهور و عضو هیات نمایندگان اتاق تهران به آینده اقتصاد کشور خوش بین است و امیدوار. محسن بهرامی ارض اقدس، اراده و تغییر مشی دولت را مهم‌تر از هر لایحه و قانونی می‌داند و معتقد است «اینکه دولت به نظرات کارشناسان رجوع کرده و ثبات نسبی را در بازار مالی، پولی، سرمایه و ارز به وجود آورده یعنی اینکه حال عمومی اقتصاد، تولید و بخش خصوصی خوب است و راه برای برنامه‌ریزی بلندمدت هموارتر». او در عین حال با تأکید بر اینکه «انتظار از هر لایحه‌ای باید انتظاری نسبی باشد نه مطلق» می‌گوید: «این لایحه نمی‌تواند تمام مشکلات بخش خصوصی و تولید را حل کند اما دولت تلاش کرده تا با مشورت مجلس و بخش خصوصی کاری کند که محورهای عمده چالش‌های بخش خصوصی استخراج شده و در قالب لایحه حمایت از تولید، درمانی برای آن پیدا شود.»

به نظر شما دلیل ارائه «لایحه رفع موانع تولید رقابت‌پذیر و ارتقای نظام مالی کشور» از طرف دولت چیست؟ آیا شرایط رکود و تورم این الزام را به وجود آورده است یا این مشی عمومی دولت بود که حمایت از بخش خصوصی و کم کردن وابستگی نظام مالی دولت به درآمدهای نفتی و افزایش اتکا به تولید را در دستور کار قرار داده است؟

اینکه هدف دولت حمایت از بخش خصوصی بوده، قابل تردید نیست. از مهمترین شعارهای دوران تبلیغات انتخاباتی دکتر روحانی استفاده از ظرفیت‌های بخش خصوصی، خصوصی‌سازی اقتصادی و واگذاری اقتصاد به مردم بود. جز این‌ها نشانه‌های دیگری هم به چشم می‌خورد که مشی دولت در حمایت جدی از بخش خصوصی را به نمایش می‌گذارد؛ رئیس‌جمهوری از یک‌سو، رئیس‌دفتر خود را از میان فعالان شناخته‌شده بخش خصوصی انتخاب کرد و از سوی دیگر، از گروهی از وزیران سابق که در دوران آقای احمدی‌نژاد باوجود

تجربه ارزشمندشان خانه‌نشین شده بودند، دعوت کرد برای کمک به او و دولت به کابینه بروند. این افراد در دوران فترت، به دلیل مشاوره یا مطالعه یا فعالیت اقتصادی در بخش خصوصی، با مشکلات این بخش از نزدیک آشنا شدند و اکنون به عنوان حلقه پیوندی نزدیک میان دولت و بخش خصوصی عمل می‌کنند و برای تسهیل انتقال مسئولیت و تصدی‌گری اقتصاد از دولت به بخش خصوصی فعالیت‌های زیادی انجام داده‌اند. از طرف دیگر، اینکه دکتر روحانی در سفرهای خارجی خود به تاجیکستان، ترکمنستان و قزاقستان گروه کثیری از بازرگانان را به عنوان هیئت همراه خود بردند، اقدامی بی‌سابقه است که نشان از درک صحیح دولت یازدهم از نقش و ظرفیت بخش خصوصی در مسیر رشد و توسعه اقتصاد کشور دارد. همچنانکه حضور رییس‌دفتر رییس‌جمهوری در جلسه توسعه و سرمایه‌گذاری استان‌ها مسیری بی‌واسطه را برای انتقال مسائل و مشکلات و رساندن صدای فعالان بخش خصوصی به رئیس‌جمهوری ایجاد کرده است.

همه این‌ها باعث شده که دولت تمام تلاش خود را برای حمایت از تولید به‌کار بگیرد و برای حل دو معضل مهم رکود و تورم در کشور، به دنبال یافتن راه‌حلی فوری و راهگشا باشد. اما اینکه ما بخواهیم در این موقعیت دشوار اقتصادی به مسیر رشد اقتصادی بازگردیم، ابزارهایی لازم دارد.

اول اینکه دولت با دیپلماسی اقتصادی و زبان دیپلماتیک، روابط ایران را با کشورهای دیگر بهبود ببخشد تا تبادل کالا، صادرات، واردات و انتقال وجه به سادگی صورت گیرد. فراموش نکنیم که در آغاز کار دولت یازدهم حتی بانک مرکزی ما تحریم بود و حمل‌ونقل، بیمه، و افتتاح اعتبار خارجی با مشکل مواجه بود. پول نفت ما در خارج بلوکه بود و نفت را می‌فروختیم اما نمی‌توانستیم پول آن را به داخل منتقل کنیم. اما الان دولت یکی‌یکی این گره‌ها را باز می‌کند. ابزار بعد کنترل تورم است که برای برون‌رفت از این رکود ترمی ضروری است. دولت همچنین تلاش کرده است تا محیط کسب‌وکار را بهبود ببخشد. در پایان دوران دولت سابق بسیاری از واحدهای تولیدی به مرز ورشکستگی رسیده بودند، خیلی از واحدهای صنعتی تعطیل یا نیمه‌تعطیل بودند و کمبود نقدینگی داشتند. اگر بخواهیم در کشوری رونق ایجاد شود باید از تولید داخلی حمایت کنیم. برای بهبود محیط کسب‌وکار باید دو کار در دستور کار قرار بگیرد؛ نخست اینکه دولت قوانین مرتبط با محیط کسب‌وکار اعم از قانون مالیات بر ارزش افزوده، قانون کار، تأمین اجتماعی، و برخی از قوانین موضوعه که مشکلاتی برای کارآفرین‌ها ایجاد می‌کند را اصلاح کند. مسئله بعدی هم کوچک‌سازی دولت است. دولت باید خود را چابک کند، مسئولیت‌ها و وظایف تصدی‌گری را واگذار کند و به سمت هدایت، حمایت، نظارت و کنترل گام بردارد.

فکر می‌کنید لایحه یا همان قانون رفع موانع تولید رقابت‌پذیر تا چه میزان می‌تواند مشکلات پیش روی بخش خصوصی را برطرف کند؟

مهم‌تر از خود لایحه تغییر خط مشی دولت است. تغییر همان رویه‌هایی که دولت قبلی در پیش گرفته بود. امروزه دولت با انضباط مالی، با تغییر سیاست‌ها، و اصلاح قوانین مالی و مالیاتی سعی می‌کند فضای اقتصادی به‌خصوص فضای تولید را بهبود بخشد. خوشبختانه دولت یازدهم با افزایش پایه پولی از طریق چاپ اسکناس که در دولت دهم انجام می‌شد به شدت مخالف است، اگرچه این روش در کوتاه‌مدت می‌توانست مشکلات دولت را برطرف کند اما دولت در عوض تلاش می‌کند با استفاده از روش‌های اصولی، از رکود ترمی به دوره رونق گذر کند و این لایحه و لوایح دیگر از این جهت مهم هستند. دولت در این لایحه با تسهیل و تشویق صادرات، اصلاح قوانین مالیاتی، اتخاذ رویه‌های



مناسب برای رقابتی کردن تولید و مدیریت واردات در پی تغییر رویه‌هاست. بسته‌ای که با ارائه پیشنهاد تشکلهای اقتصادی و در راس آنها اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران تدوین شده است. این لایحه بسته موثری است که موجب رونق در فضای کسب و کار می‌شود. از طرف دیگر باید بخش خصوصی خود به این باور برسد که در این دولت نقش آفرینی کند. باید بخش خصوصی خودش هم به فکر خودش باشد.

اینکه می‌فرمایید بخش خصوصی خودش

هم باید به فکر باشد و برای رفع موانع اقدام کند به چه معناست و بخش خصوصی دقیقاً باید چه کاری انجام دهد؟

باید تشکلهای دانش‌بنیانی را به‌وجود آورد، افراد باتجربه و کارشناسان خبره‌ای حضور داشته باشند، برای حل مشکلات صنف خود به دولت راهکار ارائه بدهند و خواسته‌های خود را مطالبه کنند. یکی از این تشکلهای البته اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران است که باید صدای همه اصناف باشد. به‌هرحال گاهی در خود بخش خصوصی هم چندصدایی و گاه اختلاف‌نظر و اختلاف منافع وجود دارد. به‌عنوان مثال، واردکننده‌ها علاقه‌مند به کاهش قیمت ارز هستند و صادرکنندگان نفع خود را در افزایش قیمت ارز می‌بینند. ولی ما باید به منافع ملی توجه کنیم و منافع ملی آنجایی است که نفع نسبی هر دو طرف در آن لحاظ شود و دولت به‌طور منطقی هر دو بخش را حمایت کند. اتاق بازرگانی محل هم‌اندیشی فعالان بخش خصوصی است برای برون‌داد یک مطالبه جدی و خواسته‌های جدی‌تر که بخش خصوصی بتواند از آن حمایت کند.

به نظر شما کلیدی‌ترین محور و بندهای

این لایحه چیست و در چه بندهایی مشکلات واقعی بخش خصوصی دیده شده است؟

به نظر من بخش‌های مربوط به اصلاح سیاست‌های مالیاتی، اصلاح بازار پول و سرمایه از موضوعاتی است که بسیار حائز اهمیت است و البته این موضوعات از مسائل مورد توجه بخش خصوصی هم هست. دولت می‌خواهد اقتصاد، تولیدمحور و رقابتی باشد. این البته تنها از طریق مبارزه همزمان با فساد و رانت‌جویی، رانت‌خواری، ویژه‌خواری و ... ممکن است. دولت به عنوان سیاست محوری به این موارد اشاره داشته و یا از طریق صندوق حمایت مالی، جذب مشارکت خارجی، بورس، توسعه فعالیت رنکینگ یا رتبه‌بندی می‌خواهد به این مسائل کمک کند. البته همه این موارد برگرفته از سیاست و مشی کلی دولت است. در واقع «لایحه رفع موانع تولید رقابت‌پذیر و ارتقای نظام مالی کشور» یک بسته است که در آن نگاه سیستمی وجود دارد. رویکردی که عرض کردم در سیاست کلی دولت نیز دیده می‌شود و همان چیزی است که دولت قبلی از آن بی‌بهره بود. شما نمی‌توانید

در بازار پول رفتار و سیاستی را در پیش گیرید و در بازار ارز، بازار سرمایه و کار رفتار دیگری. این‌ها همه به هم پیوسته هستند و مانند اعضای یک پیکرند. به نظر من این لایحه منظومه منسجمی است که همه بندهای آن در ارتباط با یکدیگر اهمیت دارند. اما باید به یک نکته هم توجه داشت و آن اینکه قانون همیشه کلیات را تصویب می‌کند و بقیه خواسته‌ها باید از طریق مصوبات، بخشنامه‌ها و آیین‌نامه‌ها تأمین شوند. به هر حال دولت باید به این نکته توجه کند که راه توسعه از مسیر فعالیت بخش خصوصی می‌گذرد. بخش خصوصی قدرتمند است که باعث می‌شود وابستگی دولت به اقتصاد نفتی و درآمدهای نفتی کمتر شود و منبع درآمد دولت از طریق مالیات افزایش یابد. همین امسال با کاهش قیمت نفت سهم درآمدهای نفتی در بودجه سال ۱۳۹۴ کمتر شده و سهم حدود ۴۰ درصدی نفت هم صرف هزینه‌های عمرانی خواهد شد. شاید فرصتی مناسب‌تر از این نباشد برای اینکه دولت بتواند از بخش خصوصی حمایت کند تا هزینه جاری خود را از محل این درآمدها تأمین کند. سال ۱۳۹۴ اولین سالی است که ارتباط اداره امور جاری کشور با نفت قطع شده و کشور از طریق مالیات اداره خواهد شد و به نظر من همین یک بزرگه تاریخی برای حمایت از تولید است.

آیا با توجه به مشکلات پیش‌روی دولت و

وضعیت فعلی اقتصاد ایران این لایحه می‌تواند به برون‌رفت از معضل رکود تورمی کمک کند؟

حتماً می‌تواند. ما در ارتباط با کنترل تورم، دولت و عملکردش را موفق می‌دانیم. سیاست خروج از رکود تورمی خود را در ابعاد متعدد هویدا کرده است. نخستین گام اعمال این سیاست‌ها در بنگاه‌های بزرگ است. رشد اول در بنگاه‌های بزرگ، و به تدریج در بنگاه‌های متوسط و کوچک اتفاق می‌افتد و به سمت بازار کشیده می‌شود. ما الان در شرایطی هستیم که امیدواریم این رشد از بنگاه‌های بزرگ به بخش‌های دیگر برسد. البته نباید فراموش کنیم که کاهش قیمت نفت و بلا تکلیفی در گفت‌وگوهای هسته‌ای و ابهام درباره آینده تحریم‌ها به این انتظار دامن زده است. امیدواریم در آینده نزدیک شاهد آثار خوب رشد اقتصادی در کشور باشیم.

در تدوین این لایحه، پیشنهادهای اتاق

بازرگانی تهران تاچه حد مورد توجه سیاست‌گزاران بوده است؟

اینکه ما هم در تنظیم این لایحه پیشنهاد داده‌ایم و این پیشنهادها مورد توجه دولت بوده حرفی نیست اما در نهایت بخش خصوصی دولت را درک می‌کند و بر مشکلات دولت اعم از کمبود نقدینگی، کمبود ارز، تعهدات دولت سابق، و مسائل دیگر اشراف دارد. بخش خصوصی قبل از انتظار کمک از طرف دولت می‌گوید «ما به خیر تو امید نمی‌کنیم» مرسان». کاری که در دولت سابق اتفاق می‌افتاد.

ما در آن دوران مدام اصطلاح «خودتحریمی» را می‌شنیدیم و این خودتحریمی از تحریم خارجی به مراتب اثرات بدتری داشت. دولت در این دوره با تصمیمات غیر کارشناسی به این مسائل و مشکلات دامن نمی‌زند و دولت و بدنه دولت به خرد جمعی و کار کارشناسی برگشته است.

به نظر شما این لایحه در نهایت چقدر

می‌تواند عملیاتی باشد؟

من فکر می‌کنم واقعاً لایحه‌ای عملیاتی است به این دلیل که به واقعیت‌ها نزدیک است. این لایحه روی چهار گلوگاه اقتصادی ما یعنی بازار کار، بازار سرمایه، بازار پول و بازار کالا تأثیر خواهد گذاشت و آن‌ها را هدف قرار داده است. یعنی اگر این لایحه به مرحله عمل برسد در کنار قوانین مربوط به بهبود محیط کسب و کار می‌تواند به روند اقتصاد کشور جهش مثبتی بدهد و البته امیدواریم در فضای بین‌المللی هم تحولات آینده، خصوصاً در مورد قیمت نفت و توافق هسته‌ای به گونه‌ای رقم بخورد که خبرهای خوشی در راه باشد. اما به نظر من با تمام این احوال، اینکه ما انتظار داشته باشیم به محض تصویب یک قانون حتی با وجود داشتن ضمانت اجرایی، تمامی مشکلات حل شود، شاید انتظار درستی نباشد. واقعیت این است که همه قوانین خوب اثر نسبی دارند، ما هم به تأثیر این لایحه امیدوار هستیم. اما مهم‌تر این است که در محیط کسب و کار شرایطی پیش آمده که احساس عدم امنیت از میان رفته و دولت از بخش خصوصی و بخش خصوصی از دولت هراسی ندارد. دست‌کم تصمیمات دولت از ثبات بیشتری برخوردار است و ظرف یک روز و دو روز عوض نمی‌شود. دولت دیگر رقیب بخش خصوصی نیست، مزایده‌ها، مناقصه‌ها و ... بر خلاف سابق از شفافیت بیشتری برخوردار است و در دولت یازدهم اراده مبارزه با فساد و حمایت از تولید به قدر کافی وجود دارد. البته ناگفته پیداست که از قوای دیگر به خصوص از قوه قضاییه نیز انتظار می‌رود با سرعت بیشتری با این مفسدان برخورد کند تا این برخورد قاطع در کنار سیاست‌های حمایتی دولت به رشد و توسعه کشور بیانجامد. به‌هرحال دولت با چهار سیاست در بخش اقتصاد کلان مثل بازار پولی، مالی، مالیاتی و بودجه‌ای، بهبود محیط کسب و کار، تسویه بدهی‌ها و معوقات دولت قبل، اصلاح قوانین و مصوبات، حمایت از صادرات و خروج از رکود و تورم می‌خواهد اقتصاد را به شکوفایی برساند و به نتیجه رسیدن در این راه نیاز به همدلی و همراهی همه دارد. بالاخره در سال ۱۳۹۳ دولت توانست بسیاری از مسائل را سرسaman بدهد و ما امیدواریم که در سال جاری این رشد شتاب بیشتری بگیرد. البته بخش خصوصی هم خواسته‌های خود را تا حد توان دولت تعدیل می‌کند ولی ما همچنان امیدواریم دولت در راه توانمندسازی بخش خصوصی بکوشد، چراکه بخش خصوصی توانمند می‌تواند به توانمند کردن خود دولت نیز یاری برساند.

این لایحه روی

چهار گلوگاه

اقتصادی ما یعنی

بازار کار، بازار

سرمایه، بازار پول

و بازار کالا تأثیر

خواهد گذاشت و

آن‌ها را هدف قرار

داده است. یعنی

اگر این لایحه به

مرحله عمل برسد

در کنار قوانین

مربوط به بهبود

محیط کسب و کار

می‌تواند به روند

اقتصاد کشور

جهش مثبتی بدهد.

راه علاج رکود

نگاهی به لایحه قانونی رفع موانع تولید و خروج از رکود



غلامرضا تاجگردون

رئیس کمیسیون برنامه، بودجه و محاسبات مجلس



۱ ضرورت لایحه: بسیاری از کارشناسان و مسئولان اقتصادی اذعان دارند که در پی تصمیم‌گیری‌ها و سیاست‌گذاری‌های نادرست چندسال گذشته، اقتصاد ایران متدهاست رکودی همراه با تورم را تجربه می‌کند. معضلی که در علم اقتصاد از آن با عنوان «بیماری هلندی» یاد می‌شود. در چنین شرایطی شاید مهم‌تر از هر امری برداشتن بار سنگین مشکلات از دوش بخش تولید باشد و به همین دلیل است که دولت و مجلس نیز ماه‌هاست تلاش دارند با پیشنهاد و تصویب طرح‌ها و لوایح حمایتی از بخش خصوصی، گامی در این مسیر بردارند. از جمله تلاش‌های مشترک مجلس و دولت در این مدت، تصویب لایحه رفع موانع تولید و خروج از رکود بود که در قالب بخش‌های مختلف آن، به چاره‌جویی برای مشکلات تولیدکنندگان مولد کشور پرداخته شده است.

۲ دو هدف لایحه: بسیاری از تولیدکنندگان کشور به دلیل افزایش سه برابری قیمت ارز که ناشی از تصمیم و تدابیر غلط دولت گذشته بود، توان بازپرداخت بدهی‌های خود را ندارند. این مسئله در شرایط کنونی به یکی از بن‌بست‌ها و موانع بزرگ در برابر بخش مولد کشور تبدیل شده و توان ادامه کار واحدهای تولیدی را گرفته است. یکی از مسائلی که در لایحه مزبور تمهیداتی برای آن اندیشیده شده امکان افزایش استهمال بدهی‌های تولیدکنندگان است. نکته مهم دیگر در لایحه، توجه ویژه به موضوع افزایش سرمایه بانک‌هاست. در حال حاضر بانک‌ها اظهار استیصال می‌کنند و مدعی هستند که برای ارائه تسهیلات به بخش تولید، نقدینگی لازم را ندارند. بنابراین علاوه بر در نظر گرفتن موادی به قصد کاهش بنگاهداری بانک‌ها، افزایش سرمایه نقدینگی برای افزایش قدرت مانور نظام بانکی، از مهم‌ترین مواردی است که در این لایحه مورد توجه قرار گرفته است.

۳ تاثیر بر بازار بورس و کاهش فساد: با اجرای لایحه خروج از رکود و تبدیل این لایحه به قانون، تاثیر بسیار مثبتی در تقویت بازار بورس را شاهد خواهیم بود. افزایش هماهنگی میان سیاست‌های پولی، مالی و بازار سرمایه کشور ضمن جلوگیری از ایجاد حباب در بازار بورس، مانعی نیز در برابر فساد و رانت‌خواری در اقتصاد خواهد بود. تجربه ناگوار بروز فساد و رانت اقتصادی در ابعاد بسیار کلان طی سال‌های گذشته یکی از خطراتی است که اقتصاد ما را تهدید کرده و بدیهی است که باید برای مدیریت و کاهش آن چاره‌ای اندیشید و امیدواری وجود دارد که اجرایی شدن این لایحه گامی در جهت رسیدن به این مقصود باشد.

۴ بدهی‌های دولت: بر اساس ماده یک لایحه، وزارت امور اقتصادی و دارایی موظف است ظرف مدت شش ماه از تاریخ لازم الاجرا شدن این قانون، «جدول بدهی‌ها و مطالبات دولت و شرکت‌های دولتی» را در سه طبقه تهیه و به کمیسیون‌های اقتصادی و برنامه، بودجه و محاسبات مجلس شورای اسلامی ارائه کند. بر اساس طبقه‌بندی صورت گرفته، طبقه اول شامل مطالبات و بدهی‌های اشخاص حقوقی، خصوصی و تعاونی به تفکیک اشخاص، طبقه دوم شامل مطالبات و بدهی‌های نهادها و مؤسسات عمومی غیردولتی به تفکیک اشخاص و طبقه سوم مطالبات و بدهی‌های بانک‌ها و مؤسسات اعتباری به تفکیک بانک‌ها را در برمی‌گیرد. همچنین در این لایحه آمده است که «دولت موظف است از سال ۱۳۹۴ به بعد، همزمان با ارائه لایحه بودجه، جدول بدهی‌ها و مطالبات قطعی شده



امیر ابراهیمی
نایب رئیس کمیسیون اقتصادی مجلس

و تعهدات دولت به اشخاص حقوقی، خصوصی و تعاونی و اشخاص عمومی غیردولتی و تعهدات اشخاص مزبور به دولت را که به تأیید سازمان حسابرسی کشور رسیده است، به مجلس شورای اسلامی ارائه کند». بنابراین در موضوع پرداخت بدهی‌های دولت که یکی از موانع اصلی پیش‌روی بخش خصوصی به‌ویژه در صنایع برق، آب و راه به‌شمار می‌رود، چاره‌اندیشی خوبی صورت گرفته که می‌تواند به رفع موانع کمک کند.

۵ از قانون تا اجرا: لایحه قانونی رفع موانع تولید و خروج از رکود، حاوی فرصت‌های فراوانی است اما تدوین و تنظیم آیین‌نامه‌های اجرایی و دستورالعمل‌های آن است که می‌تواند در مرحله اجرا، آن را عملیاتی‌تر کند. با تأیید شورای نگهبان و تبدیل این لایحه به قانون امیدواریم دولت گام‌های حمایتی و نظارتی لازم را جهت اجرای آن برداشته و در سال ۱۳۹۴ بخش خصوصی از موانع تصویب آن بهره‌مند شود. بدون تردید مجلس و دولت با همراهی بخش خصوصی زحمت زیادی در تنظیم این لایحه کشیده‌اند و امیدواری وجود دارد که خروجی نهایی این تلاش‌ها، کمک به بخش تولید و صنعت در جهت رفع موانع کار و فعالیت آنها باشد.

معضلی به نام تامین مالی

جز نگاه واقع‌گرایانه به پتانسیل‌های داخلی راه دیگری نداریم

کلیات لایحه حمایت از تولید محورهای متعدد و متفاوتی دارد اما با توجه به عدم تناسب میزان منابع ایران با نیاز واحدهای اقتصادی و صنعتی، یکی از چالش‌های این لایحه تامین منابع مالی بانک‌ها بوده است. بنابراین در طراحی لایحه، روش‌های مختلفی برای افزایش سرمایه بانک‌ها دیده شد؛ از جمله حمایت از فعالیت‌های بازار سرمایه از محل صندوق تثبیت بازار، معافیت‌های مالیاتی، تهاتر بدهی‌ها و مطالبات دولت با بخش‌های غیردولتی، استهمال بدهی اشخاص حقیقی و حقوقی به شبکه بانکی، افتتاح حساب ویژه برای تامین نقدینگی واحدهای تولیدی و امکان تغییر کاربری بخشی از زمین‌های کشاورزی برای تبدیل به بخش صنعتی. تامین مالی بانک‌ها از طریق افزایش سرمایه، در شرایط رکود و مشکلات انبوه پیش روی بخش خصوصی بسیار کمک‌کننده است. چنانکه در نظر سنجی جدید مرکز پژوهش‌های مجلس از واحدهای صنعتی، از ۲۰۰ فعال و تشکل اقتصادی، آنها مهم‌ترین مشکل‌شان را «تامین مالی» اعلام کرده بودند. بنابراین از موانع این لایحه همین است که می‌تواند مشکل واحدهای تولیدی از منظر نقدینگی را حل و فصل کند. در کنار نقاط قوت این لایحه برخی منتقدین معتقدند که رویکردهای این لایحه شبیه به سیاست‌های اقتصادی دهه ۱۳۷۰ است و به همین خاطر دولت و مجلس در بندهای متعددی از لایحه حمایت از تولید تلاش کردند نسبت به تامین منابع مالی بخش تولید امکان‌سنجی و اطمینان حاصل کنند. با در نظر گرفتن این نقد و با وجود بودجه انقباضی و شرایط خطیر دولت در سال ۱۳۹۴ روان‌سازی قوانین و کاهش حجم بوروکراسی اداری شاید بتواند بخشی از مشکلات را حل کند. یکی از چالش‌برانگیزترین مباحث دوران رکود، موضوع تزریق منابع به بنگاه‌های تولیدی و تامین سرمایه در گردش واحدهای فعال است. امری که در سال ۱۳۹۳ مورد توجه رئیس کل بانک مرکزی نیز قرار گرفت. در همین زمینه یکی از جهت‌گیری‌های بانک مرکزی این بوده که بانک‌ها، دارایی‌های ثابت، مانند بنگاه‌ها و املاک خود را به تدریج واگذار کنند. برای این کار، برنامه‌ای سه‌ساله در نظر گرفته شده که هر سال روند اجرای آن توسط بانک مرکزی نظارت و ارزیابی می‌شود. شکی نیست که مواجهه کشور با رکود همراه با تورم در سال‌های ۱۳۹۱ و ۱۳۹۲ مسئولان دولت یازدهم را بر آن داشته تا با پیاده‌سازی تفکر اقتصادی خود برای این موضوع چاره‌اندیشی کنند و ماحصل تلاش‌های چندماهه آن‌ها منجر به ارائه لایحه خروج از رکود یا همان رفع موانع تولید شده است. باید دید در سال جاری پس از طی مراحل قانونی و اداری، چه درصد و میزانی از این لایحه عملیاتی خواهد شد. فراموش نکنیم که وضعیت اقتصاد کشور در سایه تحریم‌ها و قیمت نفت به وضعیتی رسیده که ما جز نگاه واقع‌گرایانه به پتانسیل‌های داخلی راه دیگری نداریم.

لبخند بازار چین به کالای ایرانی

پرونده‌ای در بررسی روابط
تجاری ایران و چین

آینده‌نگر: اسفندماه گذشته روزنامه‌های ورزشی خبری را منتشر کردند با این عنوان: «ایران اولین صادرات غیرنفتی خود به چین را انجام داد.» خبرنگاران ورزشی‌نویس، انتقال یک فوتبالیست ایرانی به باشگاهی در چین را دست‌مایه چنین تیتری قرار داده بودند زیرا تصور عامه مردم و حتی آن‌ها که دستی در اخبار دارند بر این است که ایران فقط واردکننده کالای چینی است و جز نفت متاعی برای چین ندارد. صفحاتی که در ادامه می‌خوانید ردیه‌ای محکم بر این باور غلط است. مطابق با آمار گمرک جمهوری اسلامی در سال گذشته، چین اولین شریک تجاری ایران در بخش صادراتی بوده و جایگزین عراق در فهرست کشورهای هدف صادراتی کشورمان شده است. صادرات ۸،۵ میلیاردی ایران به چین در سال ۱۳۹۳ آن هم بدون احتساب نفت نشان از بازار بزرگی در شرق دارد که مصرف‌کننده ۲۹ درصد صادرات غیرنفتی ایران شده است. افزایش صادرات کالاهای غیرنفتی ایران به چین در سالی که گذشت به گونه‌ای بود که ولی‌الله افخمی‌راد رییس سازمان توسعه تجارت این کشور را نخستین شریک صادراتی ایران اعلام کرد. دیدارهای مقامات ارشد ایرانی و چینی در طول عمر ۱۸ ماهه دولت تدبیر امید نیز البته در افزایش حجم صادرات غیرنفتی ایران به چین تأثیر به‌سزایی داشته است. خرداد ماه سال ۱۳۹۳ دکتر روحانی در سفری رسمی به چین وعده گسترش همه‌جانبه روابط با چین به‌ویژه در بخش اقتصادی را داد. خیزش صادراتی ایران به چین در سال گذشته نشانی از عملی شدن این وعده است. عمده‌ترین کالاهای صادراتی ایران به چین در سالی که گذشت را مواد معدنی، فلزات اساسی مانند آلومینیوم و مواد پتروشیمی تشکیل داده‌اند. مواد غذایی و در راس آن‌ها خشکبار از دیگر صادرات عمده کشورمان به چین بوده است. سنگ‌های ساختمانی مانند مرمر و گرانیت بخش دیگری از این فهرست را تشکیل داده است. این در حالی است که خالق تبار مدیر مرکز آموزش بازرگانی موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی بهمن‌ماه گذشته در همایش کاربردی گسترش صادرات به چین، اقلام دیگری را نیز دارای ظرفیت صادراتی به چین ارزیابی کرد که این کالاهای فهرست متنوعی را شامل می‌شد: از وسایل نقلیه مانند کامیونت گرفته تا انواع مواد شوینده و خشکبار و فرآورده‌های دریایی مثل ماهی، خاویار، میگو. روابط گسترده ایران و چین با سرمایه‌گذاری چینی‌ها در صنایع ایران نیز همراه بوده است به گونه‌ای که ایران رتبه هشتم در میان کشورهای هدف سرمایه‌گذاری چین را دارا است. با این حال مشکلات گمرکی و مالی همچنین موانع ترانزیت کالا ترمزهایی بوده که قطار صادرات ایران به چین را کند کرده است. در صفحات پیش رو کوشیده‌ایم که موانع و راه‌کارهای سرعت گرفتن این قطار را با نمایندگان ارشد بخش دولتی و خصوصی مسوول در تجارت با چین به بحث بگذاریم.



صادرات به چین را جدی بگیریم

گفت‌وگو با اسدالله عسگراولادی رییس اتاق مشترک ایران و چین

«چین بازار بسیار بزرگی است و اگر قیمت مناسب و کیفیت مرغوب داشته باشید و خوش‌قولی صفت کار شما باشد، هر کالایی را می‌توانید به چین بفرستید.» این توصیه‌ای است که اسدالله عسگراولادی رییس اتاق بازرگانی و صنایع ایران و چین به فعالان اقتصادی این حوزه دارد. به گفته عسگراولادی چینی‌ها همه چیز وارد می‌کنند و بازار بزرگ چین مستعد حضور جدی‌تر کالاهای ایرانی است. در بخش واردات هم او چینی‌ها را مقصر ورود اجناس نامرغوب چینی به ایران نمی‌داند و قوانین نامناسب گمرکی و طمع برخی تاجر را عامل بی‌اعتمادی مردم به جنس چینی ارزیابی می‌کند. عسگراولادی راه درست تجارت با چین را سفر به این کشور و دیدار چهره‌به‌چهره با بازرگانان چینی می‌داند و فعالان اقتصادی این بخش را از اکتفا به تجارت از طریق اینترنت بر حذر می‌دارد.



ریاست جمهوری آقای هاشمی‌رفسنجانی نیز ادامه پیدا کرد و روابط تجاری ایران با چین به مرز ۵ میلیارد دلار رسید. در دوره آقای خاتمی این عدد صد درصد افزایش یافت و به حدود ۱۲ میلیارد دلار رسید. در دوره آقای احمدی‌نژاد این روابط سه برابر شد و به ۳۶ میلیارد دلار رسید. پس در شرق نگاهمان را به چین معطوف کردیم. علت اصلی آن بود که غربی‌ها خرید نفت را تحریم کرده بودند اما چینی‌ها نفت ما را می‌خریدند. ما در قبال فروش بالای انرژی به چین کالاهای مورد نیاز خود را از این کشور تهیه می‌کردیم. این، مسئله برای هر دو طرف استراتژیک بوده است. در دولت آقای روحانی که آن‌را دولت تدبیر و امید می‌نامیم، تاکنون سه ملاقات مهم بین مسئولین بلندپایه ایران با چینی‌ها انجام شده که به گسترش روابط دو کشور به‌خصوص در بخش اقتصادی کمک فراوانی کرده است. با این دیدارها روابط ما از مرز ۳۶ میلیارد دلار به بالای ۵۰ میلیارد دلار رسید و در پایان سال ۱۳۹۳ حجم روابط تجاری دو کشور ۵۲ میلیارد دلار بوده است. برنامه ما در سال ۱۳۹۴، افزایش این حجم به ۶۰ میلیارد دلار است. تصور می‌کنم به راحتی موفق

آقای عسگراولادی! این روزها همه در ایران با جنس چینی آشنا هستند که این امر نشان از حجم بالای روابط تجاری دو کشور دارد. به عنوان اولین سؤال بفرمایید طی چه روندی روابط تجاری ایران و چین به وضعیت فعلی رسید؟

روابط گسترده تجاری جمهوری اسلامی ایران و چین از زمانی شروع شد که پس از پیروزی انقلاب اخم‌ها و بداخلاقی غربی‌ها در دادوستد با ایران نمود بارزی یافت. همان زمان مقام معظم رهبری در دوره ریاست جمهوری‌شان، هنگام بازگشت از سفر به کره شمالی دیداری یک‌روزه از چین داشتند و از همین سفر نگاه ما به چین جدی‌تر شد. تا پیش از آن روابط تجاری ما با چین در مرز ۱۵۰ تا ۲۰۰ میلیون دلار بود، آن‌هم به صورت تهاثر و خیلی محدود. بعد از اینکه شاهد بداخلاقی غربی‌ها بودیم، لب‌خند چینی‌ها را پذیرفتیم و تجارت با آن‌ها را توسعه بخشیدیم به گونه‌ای که در سال‌های جنگ و در دولت مقام معظم رهبری حجم روابط تجاری ایران و چین به ۳،۵ میلیارد دلار رسید. این روند در دوره هشت‌ساله

هم خواهیم شد. زیرا حتی اگر مذاکرات ایران با غرب به نتیجه برسد، دریچه دوستی تجاری ایران و غرب به این زودی‌ها گشوده نخواهد شد. بنابراین روابط گسترده ما با چین روابطی بلندمدت و بر اساس سود متقابل طرفین است.

■ چه میزان از این حجم روابط تجاری سهم صادراتی ما به چین بوده است و چه میزان از آن واردات ما از چین است؟

در تمام سی سال اخیر صادرات ما حرکت صعودی داشته و تراز تجاری همیشگی به نفع ما مثبت بوده است، یعنی دریافتی ارزی ما بیشتر از پرداختی ارزی ما بوده است؛ البته با احتساب فروش نفت خام. علت آن است که طرف تجاری ما هیچ‌گاه نفت را از سبد مبادلات تجاری دو کشور خارج نمی‌کند؛ بنابراین تراز تجاری میان دو کشور همواره مثبت به سمت ایران بوده است. صادرات ما به چین با احتساب نفت رقمی بین ۲۸ تا ۳۰ میلیارد دلار است. اگر نفت خام، میعانات گازی و مواد پتروشیمی را از آن جدا کنیم به رقم صادرات خالص غیرنفتی ۱۲ میلیارد دلاری خواهیم رسید. در سوی مقابل واردات ما از چین ۲۳ میلیارد دلار است که بخش عمده این رقم را ماشین‌آلات صنعتی و مواد اولیه تشکیل می‌دهند. از این رقم، عددی نزدیک به ۲۰۰ میلیون دلار سهم کالاهای مصرفی وارداتی ایران از چین است. مشکلی که امروزه در مورد جنس چینی می‌شناسیم به همین ۲۰۰ میلیون دلار بازمی‌گردد و مقصر این مشکل خودمان هستیم نه طرف چینی. مشکل اول در مورد مرغوبیت کالای چینی است. مواد اولیه و ماشین‌آلاتی که ما از چین می‌خریم بی‌نظیر است و چرخ کارخانه‌های ما را می‌چرخاند. در سه چهارم کالا است که بحث کیفیت خوب و بد و متوسط به اعتبار جنس چینی لطمه زده است. پوشاک، لوازم الکترونیکی، اسباب‌بازی و کفش معروف‌ترین این کالاهاست. وقتی تاجر ایرانی به چین می‌رود، آن‌ها سه مدل از یک نوع کالا را در درجه‌بندی یک، دو و سه جلوی می‌گذارند. این تقصیر سازنده چینی نیست که برخی تاجران ما جنس درجه سه را سفارش می‌دهند و به کشور می‌آورند. در مرحله بعدی، مبادی ورودی ما با توجه به استانداردهای گمرکی و بهداشتی از ورود کالای نامرغوب جلوگیری می‌کنند اما قوانین بعضاً بد گمرکی، باعث ورود این اجناس به بازار از طرق دیگر می‌شود. از جمله این قوانین بد، قانون اموال متروکه است. تاجری که جنس نامرغوب آورده پس از مدتی طبق قانون این اجناس را متروکه اعلام می‌کند و باز بر طبق همان قانون بد، آن‌ها را به حراج می‌گذارد و وارد بازار کشور می‌کند یعنی همان اجناسی که از دید استانداردهای گمرکی ایران بدون کیفیت تشخیص داده شده، به کمک قانون متروکه وارد بازار می‌شود. در حالی که قانون نباید اجازه حراج شدن این اموال را بدهد. پس اینجا هم دولت ایران و هم کسی که جنس را آورده مقصر است نه چین. با نهایت تأسف بخشی دیگر از این اجناس از طریق قاچاق وارد کشور می‌شود. علیرغم





به چین سفر کنید! اینترنت و موبایل و ایمیل را کنار بگذارید و در گام اول به این کشور بروید. لاقال سالی یک بار در نمایشگاه‌های مربوط به حوزه کاری تان حضور جدی داشته باشید. اگر از طریق اینترنت و موبایل و ایمیل شریک تجاری پیدا کرده‌اید، بروید او را از نزدیک ببینید تا متوجه شوید که یک دلال است یا کارخانه‌دار؟ بهترین راه برای این شناخت شرکت در نمایشگاه‌ها است.

چینی‌ها از این اتفاق خیلی ناراحت شده‌اند و به تدریج دارند با آن کنار می‌آیند. توجه کنید که چین نیز مانند هر کشور دیگری برای سرمایه‌گذاری و تولید مشترک به جایی خواهد رفت که برایش منفعت داشته باشد. یکی از مشکلاتی که در بخش تولید مشترک وجود دارد، نگاه قیّم‌مآبانه دولت به صنایع حتی در حوزه صنایع کوچک است. با این نگاه نمی‌توان سرمایه‌گذار خارجی را به ایران آورد. چینی‌ها با ۱۸۰ کشور دنیا دادوستد دارند. همین الان در مصر و اتیوپی حضور جدی دارند. یعنی اگر ما با آن‌ها به توافق نرسیم آن‌ها به ایران نخواهند آمد و به کشورهای دیگر خواهند رفت.

II در بخش ترانزیت کالا وضعیت ما چگونه است؟ آیا از راه ترانزیت کالاهای چینی از طریق ایران مثلا در آسیای میانه و قفقاز می‌تواند درآمدی عاید کشورمان شود؟

چینی‌ها برای صادرات به افغانستان، ترکمنستان و قزاقستان راه‌های مواصلاتی مستقلی دارند. اما برای دسترسی به بازارهای ارمنستان و آذربایجان می‌توانند از راه ایران عمل کنند. همچنین آن‌ها بخشی از تجارت‌شان با عراق یا کردستان عراق را از طریق ایران انجام می‌دهند. تلاش ما ترغیب طرف چینی به گسترش ترانزیت کالا به این کشورها و همچنین گرجستان است.

II آقای عسکروا لادی شمار بیس اتاق ایران و چین هستند. این اتاق چه توصیه‌هایی به تجار ایرانی فعال در بازار چین دارد؟

به چین سفر کنید! اینترنت و موبایل و ایمیل را کنار بگذارید و در گام اول به این کشور بروید. لاقال سالی یک بار در نمایشگاه‌های مربوط به حوزه کاری تان حضور جدی داشته باشید. اگر از طریق اینترنت و موبایل و ایمیل شریک تجاری پیدا کرده‌اید، بروید او را از نزدیک ببینید تا متوجه شوید که یک دلال است یا کارخانه‌دار؟ بهترین راه برای این شناخت شرکت در نمایشگاه‌ها است. اتاق ایران و چین سالانه در ۴ نمایشگاه چین حضور جدی دارد. ما در نمایشگاه‌های شانگهای، گوانجو (سالی دوبار)، نمایشگاه اوروچی در منطقه مسلمان‌نشین ییگار و سمینار تشویق سرمایه‌گذاران چینی حضور جدی داریم. همچنین اطلاعات صورت‌بندی‌شده‌ای از استان‌های مختلف چین در اختیار اتاق است که فعالان اقتصادی این بخش می‌توانند از آن بهره‌گیرند. تعرفه‌های چین و اینکه کدام استان کدام کالا را وارد می‌کند در این گزارش‌ها منعکس شده است. مثلا اینکه یک استان چین فنجان را بیش از سایر اقلام مصرفی وارد می‌کند. البته اگر یک تاجر ایرانی به من بگوید برای من خریدار پیدا کن به او خواهیم گفت که این وظیفه اوست که به نمایشگاه در چین برود و خریدار را از نزدیک پیدا کند. آن کسی که پشت اینترنت نشسته و می‌خواهد از ایران جنس بخرد بعید است شریک تجاری خوبی باشد مگر اینکه او را از نزدیک ببینید و اعتمادتان جلب شود.

معروف است که چینی‌ها همه چیز را می‌خرند و می‌خورند. در شانگهای و یکن بازارهای بزرگی است که هر جنبنده‌ای را برای خوردن می‌فروشند. مقصود این است که مصرف بالای جامعه ۱.۴ میلیاردنفری چین، باعث شده که بسیاری از کالاهایی که خود چین صادرکننده آن است به چین وارد هم بشود. چینی‌ها حجم بالایی یخچال و کولر وارد می‌کنند و اگر قیمت تمام‌شده جنس ایرانی رقابت‌پذیر باشد جنس ما را نیز وارد خواهند کرد. البته رقابت در بازار چین اهمیت بالایی دارد. مثلا ایران صادرکننده بزرگ سنگ آهن به چین بود و قیمت تمام شده ما نزدیک به ۱۰۰ دلار بود. استرالیا وارد رقابت با ایران شد و با قیمت ۷۰ دلار همین کالا را به چینی‌ها فروخت و حالا جای ما را در بازار گرفته است. در صادرات به چین باید آن سه اصل معروف را رعایت کنیم: «کالای باکیفیت صادر کن، قیمت را رقابتی کن و خوش‌قول باش.» متأسفانه هم در ایران و هم در چین کم نیستند بازرگانانی که راه موفقیت را در اجرای برعکس این سه اصل فهمیده‌اند.

II این روزها خیلی از چینی‌ها به عنوان متخصص در صنعت نفت و دیگر صنایع ما فعال هستند. این نشان می‌دهد که چینی‌ها در پروژه‌های عظیمی ما با کار می‌کنند. وضعیت روابط ایران با چین در زمینه سرمایه‌گذاری و خدمات فنی و مهندسی چگونه است؟

در مجموع موقعیت ما در این بخش رضایت‌بخش است. ما توقع داریم که چینی‌ها هر سال بین سه تا چهار میلیارد دلار در ایران سرمایه‌گذاری کنند. این عدد الان در مرز ۱.۵ میلیارد دلار است. چینی‌ها در ایران دو کارخانه موتورسیکلت و دو چرخه دارند، توسعه سه معدن را در استان کرمان به عهده دارند، جاده شمال و چند خط راه‌آهن در آذربایجان و چابهار برعهده دارند. این حضور نشان از همکاری مشترک گسترده دو طرف است. چینی‌ها دنبال این هستند که در ایران مانند کشورهای دیگری که حضور دارند شهرک چینی (china town) راه بیندازند. ما به چینی‌ها پیشنهاد کرده‌ایم در مناطق آزاد اروند، انزلی و چابهار این کار را نکنند. البته تمایل آن‌ها سرمایه‌گذاری و حضور در صنایع بزرگ به خصوص پالایشگاه‌ها و نیروگاه‌ها است اما توقع ما این است که چینی‌ها در دیگر صنایع ایران نیز حضور جدی‌تری داشته باشند.

II در این بخش آیا می‌توان به تولید و صادرات برندهای مشترک ایرانی-چینی به عنوان یک زمینه فعالیت مشترک امید بست؟

دولت ما سخت‌گیری‌هایی در مورد مسائل امنیتی و مسائل نیروی کار برای چینی‌ها اعمال می‌کند. وزارت کار ایران معتقد است که نیروی کار چینی باید در ایران مالیات بپردازد اما چینی‌ها معتقدند که این نیروی کار در چین مالیات به دولت این کشور می‌پردازد و پرداخت مالیات در ایران برایش مضاعف است. این ایرادات همه در حال بحث و بررسی است. اتفاقاتی نیز افتاد که به اعتماد چینی‌ها لطمه زد. مثلا وزارت نفت تصمیم گرفت چینی‌ها را از پارس جنوبی بیرون کند؛

تلاش‌های دولت، سپاه و نیروهای انتظامی، همچنان حجم واردات قاچاق بالا است. این مصیبت است که بیست میلیارد دلار از کالاهای وارداتی ما از طریق قاچاق وارد می‌شود. یعنی برخی تجار ما می‌روند و جنس‌های نامرغوب را می‌خرند، اگر نتوانستند به داخل کشور بیاورند که هیچ، اگر نتوانستند آن را قاچاق می‌کنند یا اینکه متروکه می‌کنند. در خلیج فارس ۱۹۰۰ کیلومتر مرز دریایی داریم. کنترل این پهنه دشوار است. سپاه و نیروهای انتظامی خیلی زحمت می‌کشند اما کار سخت است. هر ده کیلومتر یک خور وجود دارد و قاچاقچی‌ها از طریق این خورها اجناس را وارد می‌کنند و پلیس مرزی هم نمی‌تواند روی هر نخل یک پاسبان بگذارد. بنابراین باید اصلاح ساختاری در این بخش انجام شود.

II از صادرات کالاهای ایرانی به چین گفتید. ایران به جز نفت چه گروه کالاهایی را به چین صادر می‌کند؟

ما سه رقم کالای بزرگ به چین صادر می‌کنیم. اول محصولات معدنی اعم از سنگ آهن و سنگ فلزات دیگر. گروه دوم، فلزات است. چین علیرغم داشتن منابع فلزات، به دلیل مبادلات و تولیداتی که دارد از ما فلز می‌خرد. گروه سوم محصولات کشاورزی و در صدر آن‌ها خشکبار است. هم‌اکنون ایران سالیانه دومیلیارد دلار پسته به چین صادر می‌کند که در خشکبار رقم بزرگی است. چینی‌ها همچنین انواع و اقسام غذاهای کنسرو شده دریایی، مرغ یا میگو را از ما می‌خرند. درست است که چین تولیدات بالایی در این حوزه دارد اما برای تامین غذای جمعیت ۱.۴ میلیاردی‌اش ناچار به واردات است. چندی پیش نگاهی به آمارهای چین داشتم و متوجه شدم که امسال برآورد شده که این کشور ۱۹۵۰ میلیارد دلار کالا وارد خواهد کرد و ۲۱۸۰ میلیارد دلار کالا صادر می‌کند.

II سهم ایران از این بازار عظیم چقدر است؟

با احتساب نفت، سهم صادراتی ایران چیزی نزدیک به ۳۰ میلیارد دلار است. این درست است که در برابر عظمت این بازار، ایران سهم ناچیز یک تا یک و نیم درصدی دارد اما باز هم در خاورمیانه اول هستیم. قبلا سعودی‌ها مقام اول صادرات به چین را داشتند اما در دو سال اخیر جای خود را به ما داده‌اند. رتبه‌های بعدی به امارات متحده عربی و ترکیه اختصاص دارد.

II اشاره داشتید که چین بازار بسیار بزرگی است و کالاهایی همچون محصولات کشاورزی، معدنی و فلزات از ما می‌خرد اما سئوال این است که کدام دسته کالاها در چین بازاری ندارند و تجار ما نباید روی آن‌ها سرمایه‌گذاری کنند؟

برعکس تصور شما ایران می‌تواند همه چیز به چین صادر کند. چینی‌ها همه چیز وارد می‌کنند. یعنی ما اگر به چین یخچال هم صادر کنیم چینی‌ها از ما می‌خرند؟ چرا که نه؟ چین خودش یخچال تولید می‌کند اما اگر یخچال ایرانی به نسبت کیفیتش قیمت مناسبی هم داشته باشد، در بازار چین راه خواهد یافت. اصلا

II یعنی ما اگر به چین یخچال هم صادر کنیم چینی‌ها از ما می‌خرند؟

چرا که نه؟ چین خودش یخچال تولید می‌کند اما اگر یخچال ایرانی به نسبت کیفیتش قیمت مناسبی هم داشته باشد، در بازار چین راه خواهد یافت. اصلا



■ سید رضا
سیدآزاده
رئیس بازارگانی
ایران در چین



اقتصاد چین
سال‌ها است به
عنوان کارخانه
تولید دنیا عمل
می‌کند و برای
ایفای این نقش
به مواد اولیه و
تجهیزات تولید
نیاز دارد. این
دست‌کالاهای
وارداتی در پروسه
تولید اقتصاد چین
استفاده شده و
خروجی آن حجم
عظیم صادرات این
کشور است.

سهم ما از دومینوی بازار چین

راهکار ورود به بازار بزرگ‌ترین واردکننده جهان

جمهوری خلق چین قصد دارد تا سال ۲۰۲۰ تبدیل به یک کشور صنعتی شود اما در این روند مشکلاتی به وجود آمده است. چین به مدت سه دهه رشد اقتصادی بی‌نظیری را تجربه کرد و میزان رشد اقتصادی این کشور ۹ تا ۱۱ درصد بود. با این حال در سال گذشته میلادی، یعنی در سال ۲۰۱۴، رشد اقتصادی چین به رقم ۷٫۴ درصد افت کرد که کم‌ترین نرخ رشد اقتصادی چین در طول ۲۴ سال گذشته بود. بنابر سیاست‌گذاری مقامات چینی، این کشور در سال جاری میلادی باید رشد اقتصادی ۷ درصدی را تجربه کند اما پیش‌بینی‌ها از رشد زیر ۷ درصدی اقتصاد این کشور خبر می‌دهند. به این ترتیب کاهش رشد اقتصادی چین موجب ضربه خوردن به تجارت خارجی این کشور به‌خصوص در حوزه واردات شده است. تاثیر این ضربه از آمارهای منتشره از وضعیت تجارت خارجی چین در دو ماه گذشته مشهود است. در دوماه اول سال جاری میلادی واردات چین نسبت به مدت مشابه در سال قبل کاهش شدیدی معادل با ۲۱ درصد داشته است. این روند در بررسی ماهانه نزولی‌تر نیز بوده و واردات چین در ماه فوریه گذشته نسبت به ماه ژانویه کاهش ۲۲٫۶ درصدی را تجربه کرده است. اگرچه دولت چین رشد تجارت خارجی این کشور را ۶ درصد هدف‌گذاری کرده اما انقباض وارداتی ماه‌های اخیر عدم تحقق این رقم را نشان می‌دهد. علت این وضعیت کاهش رشد اقتصادی چین است که منجر به کاهش سرمایه‌گذاری خارجی شده است. افزایش هزینه تولید و هزینه خدمات ناشی از کاهش رشد اقتصادی، شرایط جدیدی در اقتصاد چین رقم زده به گونه‌ای که دولت‌مردان چینی از آن به عنوان مرحله گذار یاد می‌کنند. از نتایج این وضعیت به اصطلاح گذار، کاهش تعداد شغل در چین است که به نوبه خود بر کاهش واردات موثر خواهد بود. در سال گذشته ۱۳ میلیون شغل در چین ایجاد شد اما امسال هدف‌گذاری دولت برای ایجاد ۱۰ میلیون شغل در بهترین حالت است. این موضوع نیز بر انقباض واردات تاثیر خواهد گذاشت. علیرغم تلاش مقامات چینی برای اطمینان بخشی به اقتصاد این کشور از طریق گذار دانستن وضعیت فعلی، برآیند پیش‌بینی نهادهای تجاری معتبر نشان می‌دهد که چین تا سال‌ها رشد اقتصاد دورقمی را تجربه نخواهد

کرد. چنین وضعیتی باعث کاهش تقاضا در چین شده و تاثیر خود را علاوه بر بخش واردات بر تولیدات و محصولات ساخت چین نیز خواهد گذاشت. از این رو چین تلاش می‌کند با یافتن بازارهای صادراتی جدید، کاهش تقاضای داخلی خود را جبران کند. چین در بخش صادرات همچنان سیاستی تهاجمی داشته و با تنوع پرشمار محصولات، عزم تصاحب بازارهای نوظهور را دارد اما افزایش هزینه تولید در شرایط کاهش رشد اقتصادی موجب شده محصولات که برای تولید به نیروی کارگری احتیاج دارند با کاهش سودآوری مواجه شوند و حیات بسیاری از شرکت‌های تولیدی چینی به افزایش صادرات گره بخورد. با این توضیحات باید پذیرفت که حضور در بازار واردات چین از گذشته سخت‌تر شده است. در کنار مشکلات جدید ناشی از انقباض وارداتی، مشکل قدیمی رقابتی قدرتمند خارجی نیز همچنان به قوت خود باقی است. در حال حاضر کشورهای بزرگ صنعتی در چین حضور جدی در قالب سرمایه‌گذاری دارند. بخشی از این کشورها در دوران عدم عضویت چین در سازمان تجارت جهانی برای عبور از مرزهای تعرفه‌ای این سازمان، به سرمایه‌گذاری در این کشور روی آوردند و سودآوری بالای بازار چین موجب تداوم این حضور علیرغم موانع شده است. به طور مثال در بخش خودرو در سال گذشته ۱۸ میلیون دستگاه خودرو در چین به فروش رفته که ناشی از سرمایه‌گذاری عظیم خارجی در صنعت خودروسازی این کشور بوده است.

کالاهای وارداتی چین

برای بررسی کالاهای وارداتی چین و رتبه‌بندی آن‌ها باید تقریب خالص صادراتی و وارداتی این کشور را مدنظر قرار داد. یعنی مشخص کرد که این کشور در کدام گروه کالایی صادرکننده خالص و در کدام گروه کالایی واردکننده خالص است. برای این کار آمار صادرات و واردات چین در یک گروه کالایی را در سال‌های مختلف مورد مطالعه قرار می‌دهند و مشخص می‌سازند که این کشور در کدام گروه کالایی واردات خالص دارد. فایده چنین مطالعه‌ای وقتی معلوم می‌شود که بدانیم ورود به بازار در حوزه کالایی که کشور مبدا واردات خالص دارد، مزیت بالایی خواهد

داشت اگرچه در این بخش رقیب شما نه تولیدکنندگان داخلی بلکه رقابتی بعضا قدرتمند خارجی هستند. از میان ۹۷ گروه کالایی که بر اساس کدهای دورقمی تعرفه تجاری تقسیم‌بندی شده‌اند، چین در ۳۶ گروه واردکننده خالص و در مابقی گروه‌ها صادرکننده خالص است.

اگر کالاهای وارداتی به چین را بر اساس اولویت تقسیم‌بندی کنیم، اولین

سهم به تجهیزات الکترونیکی می‌رسد و سوخت‌های معدنی، ماشین‌آلات صنعتی و تجهیزات پزشکی در رده‌های بعدی قرار دارند. پلاستیک و مواد شیمیایی آلی از جمله دیگر واردات عمده چین است. بررسی این لیست نشان می‌دهد که واردات عمده چین را تجهیزات و مواد اولیه تشکیل می‌دهد علت آن است که اقتصاد چین سال‌ها است به عنوان کارخانه تولید دنیا عمل می‌کند و برای ایفای این نقش به مواد اولیه و تجهیزات تولید نیاز دارد. این دست کالاهای وارداتی در پروسه تولید اقتصاد چین استفاده شده و خروجی آن حجم عظیم صادرات این کشور است. بنابراین برخلاف تصور رایج که بر اساس حجم متنوع صادرات چین، این کشور را بی‌نیاز از واردات تصور می‌کنند، چین یکی از بزرگ‌ترین واردکنندگان دنیا است. از جمله مصادیق کالایی مهم برای بخش واردات چین، مواد غذایی خوراکی از جمله گوشت، شیر، عسل، تخم‌مرغ و انواع لبنیات است. چین همچنین در حوزه محصولات کشاورزی علی‌الخصوص گندم واردکننده محسوب می‌شود. این موضوع با توجه به جمعیت بسیار بالای این کشور (۱٫۴ میلیارد نفر) و وضعیت آب‌وهوایی استان‌های مختلف چین که با محدودیت زمین حاصل‌خیز و منابع آب مواجه‌اند، غیرطبیعی نیست. چنین شرایطی موجب گره خوردن امنیت غذایی چین به واردات مواد خوراکی شده است. از سوی دیگر رشد اقتصادی سال‌های اخیر و افزایش سطح درآمد و زندگی در این کشور موجب شده کالاهای مصرفی مردم چین

در بخش خوراک، تنوع بالایی پیدا کند. گسترش تعاملات چین با جهان از جمله بازدید ۳۱۰ میلیون توریست در سال گذشته از چین باعث شده که ذائقه توریست‌ها در میان مردم چین نیز رواج پیدا کند. چینی‌ها بر اساس این تبادلات فرهنگی به محصولات غذایی‌ای علاقه‌مند شده‌اند که تا پیش از این در این کشور مرسوم نبوده است و منبع ورود این محصولات غذایی واردات خواهد بود. تغییر عادات غذایی مردم چین و توسعه رستوران‌ها امروزه از چینی‌ها مردمی ساخته که بیشتر وقت خود را برای صرف غذا در رستوران‌ها می‌گذرانند. همه این موارد نشان از آن دارد که حوزه محصولات خوراکی و کشاورزی بازار مستعدی برای گسترش صادرات به چین است. از جمله واردات عمده دیگر چین، شکر و به تبع آن شکلات است. در حال حاضر قیمت شکلات در چین در قیاس با ایران با استناد به عرضه فروشگاه‌ها، سه برابر است. مصرف شکلات در چین نیز بسیار بالا و از جمله کالاهای مصرفی مورد علاقه چینی‌ها است. در کنار شکلات، محصولات خشکباری همچون پسته و گردو نیز در بازار چین طرفداران فراوانی دارد.

تجارت ایران و چین به روایت آمارهای دو طرف

مطابق با آمار گمرک ایران، در سال ۲۰۰۸ ایران دو میلیارد دلار صادرات به چین و حدود ۵ میلیارد دلار واردات از چین داشت. این رقم در ۷ سال گذشته افزایش پیدا کرد و در سال ۲۰۱۳ به رقم ۷ میلیارد دلاری صادرات ایران به چین رسید. در سوی مقابل حجم صادرات چین به ایران حدود ۸٫۵ میلیارد دلار بوده که یک تراز ۱٫۸ میلیارد دلاری به نفع چین را نشان می‌دهد. البته این آمارها بدون احتساب نفت محاسبه شده است. اگر به آمارهای طرف چینی بنگریم تفاوت‌های عمده‌ای را مشاهده می‌کنیم. علت آن است که گمرک چین علاوه بر احتساب نفت، کالاهایی که از مسیر کشورهای مختلف به ایران فرستاده می‌شوند و مبدأ آن‌ها چین است را نیز به عنوان صادرات چین به ایران در نظر می‌گیرد. بر این اساس صادرات ایران به چین با احتساب نفت ۲۷٫۵ میلیارد دلار است. واردات ایران از چین نیز براساس نحوه محاسبه گمرک چین، به عدد ۲۴٫۳ میلیارد دلار می‌رسد. به این ترتیب در سال ۲۰۱۴ مبادلات ایران و چین با احتساب نفت نزدیک به ۵۲ میلیارد دلار بوده است. این رقم نشان آن است که چین به تنهایی نیمی از تجارت خارجی کشورمان را به خود اختصاص می‌دهد.

راه کارهای گسترش صادرات ایران به چین

در حال حاضر به دلیل تحریم‌های ظالمانه اعمال شده بر کشورمان دست ایران برای حضور وسیع در بازار چین به دلیل مشکلات بانکی بسته است اما با فرض رفع این وضعیت و برای گسترش صادرات غیرنفتی به چین باید مطالب ذیل را مدنظر قرار داد: مشکل اول ایران برای حضور در بازار واردات چین،

حضور قوی رقبای خارجی است. مثلاً کشور همسایه ما پاکستان با چین توافق‌نامه تجارت آزاد دارد و برای صدور کالایی مانند فرش تعرفه‌ای به چین نمی‌پردازد و این در حالی است که ایران به عنوان یک تولیدکننده سنتی فرش از این مزیت محروم است. چین همچنین توافق‌نامه تجارت ترجیحی با همسایه مشترکمان، افغانستان دارد و این کشور در آینده می‌تواند به بازار چین چشم داشته باشد. همچنین کشورهای شورای همکاری خلیج فارس مشغول مذاکرات جدی با چین برای امضای موافقت‌نامه تجارت آزاد هستند و این در حالی است که عسل با برند عربستان در بازار چین جای پای محکمی برای خود باز کرده است. ترکیه و کشورهای عضو اتحادیه آسه‌آن نیز موافقت‌نامه‌های مشابهی با چین داشته و از رقبای جدی ما محسوب می‌شوند. فقدان زیرساخت‌های حقوقی مناسب، دست ما را برای رقابت با رقبای خارجی در چین خالی کرده است. راه کار لازم آن است که برای گسترش صادرات به بازار بزرگ چین بسترسازی‌های حقوقی لازم در زمینه تفاهم‌نامه‌های گمرکی و تجاری انجام شود.

مسئله دیگر نحوه برخورد شرکت‌های ایرانی با بازار چین است. ایران در حال حاضر صادرات قابل توجهی به چین دارد و نزدیک به سی درصد صادرات غیرنفتی ما به این کشور است اما به نظر می‌رسد نگاه بخش خصوصی به چین بر مدار واردات از این کشور شکل گرفته نه صادرات به آن. برای گسترش صادرات به چین باید اقدام به بازاریابی در این کشور کرد. همچنین تاسیس دفتر و از همه مهم‌تر صرف هزینه برای شناخت بازار لازم است. در این بخش البته سیاست‌های حمایتی دولت چه از نظر ارایه اطلاعات تجاری و چه از نظر آموزش نقش به‌سزایی خواهد داشت. آموزش به تجار و شرکت‌های ایرانی به عنوان یک اولویت مهم، نیاز به اساتیدی دارد که شناخت کافی از بازار چین داشته باشند. متأسفانه در حال حاضر اکثر تجار ایرانی که مشغول تجارت با چین هستند اطلاعاتی از بازار چین ندارند. چین کشوری پهناور در حد یک قاره است. مساحت و جمعیت این کشور با اتحادیه اروپا برابری می‌کند. سفر از یک استان چین به استانی دیگر محتاج استفاده از هواپیما و یا قطارهای تندرو است. هر استان چین دارای ویژگی‌های خاصی است. مثلاً استان گواندونگ چین ده درصد تولید ناخالص چین را تولید می‌کند، یعنی نزدیک به یک تریلیون دلار. به عبارت دیگر این استان چین به‌تنهایی تولید ناخالص داخلی‌ای برابر با اقتصادهای بزرگی چون اندونزی و ترکیه دارد.

موانع مدیریتی و موانع شکلی

همان‌طور که گفته شد بخشی از محصولات صادراتی ایران به چین محصولات غذایی است و این حوزه می‌تواند گسترش فراوانی را نیز شاهد باشد. یکی از مشکلات ما در این بخش به قوانین قرنطینه‌ای خاص چین و لزوم اطلاع صادرکنندگان ایرانی از این قوانین بازمی‌گردد. همچنین دسته‌بندی خاص

برخی کالاهای دارای مزیت ایرانی در چین مانند گلاب و زعفران موانعی را سر راه صادرات گسترده این اجناس به چین ایجاد کرده است. چینی‌ها گلاب را فاقد مصرف غذایی می‌دانند و آن را در طبقه‌بندی محصولات غذایی قرار نمی‌دهند. برای قرار گرفتن این محصول در بخش خصوصی مذاکرات و تلاش‌های مشترک بخش خصوصی و دولتی و اخذ مجوزهای لازم از دولت چین نیاز است. در مورد خاص دیگر، کالای گرانبه‌ای زعفران در کشور چین در گروه ادویه‌جات قرار ندارد و جزو گیاهان دارویی طبقه‌بندی شده است. این موضوع فرایند صادرات زعفران به چین را به شکل خاصی کرده و بازرگانان ایرانی باید از این فرایند مطلع باشند. باید یادآور شد که صرف صادرات چند گروه کالایی از ایران به چین به معنای گسترش صادرات غیرنفتی نیست. گسترش صادرات غیرنفتی به معنای تشکیل زنجیره‌های صادراتی و مدیریت صادرات یک کالا از تولید در ایران تا توزیع خرد در چین است. متأسفانه این زنجیره صادراتی در کشور ما ناقص است و این واسطه‌ها هستند که وارد این زنجیره شده و اجازه نمی‌دهند تولیدکننده ایرانی مشتری خود را در چین شناسایی کند. اولین شرط لازم برای تکمیل این حلقه و شناسایی مشتریان در بازار مبدأ، معرفی و حضور فیزیکی در بازار و دومین شرط، کسب اعتبار در بازار است. به علت شرایط بازار چین، صادرکنندگان ریز و درشت ایرانی برای حضور در این بازار تلاش می‌کنند و این نوع حضور که بعضاً از یکبار فراتر نمی‌رود باعث لطمه به اعتبار برندهای ایرانی شده است. بنابراین فعالیت انواع شرکت‌های ریز و درشت در بازار چین و صادرات موردی از فاکتورهای منفی در صادرات ایران به چین محسوب می‌شود. از این رو برای صادرات به چین نیاز به هماهنگی بیشتر اتحادیه‌های تجاری و در راس آن اتاق‌های بازرگانی است. در چین این هماهنگی وجود دارد و اگر یک شرکت تجاری قصد حضور در بازار ایران را داشته باشد، این اقدام ابتدا در نهادهای بازرگانی این کشور مطرح و مورد ارزیابی قرار می‌گیرد؛ اگر این اقدام فایده‌بخش تشخیص داده شد، وظایف نهادهای مختلف دولتی و خصوصی چین در این پروژه مشخص شده و هر کدام سهم خود را برای پیشبرد آن ایفا خواهند کرد. سوال آنجاست که آیا در میان فعالان بخش خصوصی در استان‌های مختلف کشورمان هماهنگی و سازماندهی برای ورود به بازار چین وجود دارد؟ در بازار چین بسیاری از ارتباطات از سال‌ها قبل شکل گرفته و در صورت عدم سازماندهی و هماهنگی روزنه‌ای به آن گشوده نخواهد شد. بنابراین حضور بلندمدت در بازار آن هم با سازماندهی و هماهنگی از شروط اصلی فعالیت صادراتی در چین محسوب می‌شود. بدون در نظر گرفتن چنین مولفه‌هایی برای ورود به بازار چین ناگزیر از روش پرهزینه آزمون و خطا باید استفاده کرد.

بخشی از

محصولات

صادراتی ایران به

چین محصولات

غذایی است و

این حوزه می‌تواند

گسترش فراوانی

را نیز شاهد

باشد. یکی از

مشکلات ما در این

بخش به قوانین

قرنطینه‌ای خاص

چین و لزوم اطلاع

صادرکنندگان

ایرانی از این

قوانین بازمی‌گردد.

همچنین

دسته‌بندی خاص

برخی کالاهای

دارای مزیت ایرانی

در چین مانند

گلاب و زعفران

موانعی را سر راه

صادرات گسترده

این اجناس به

چین ایجاد کرده

است.

آینده‌نگر منتشر می‌کند:

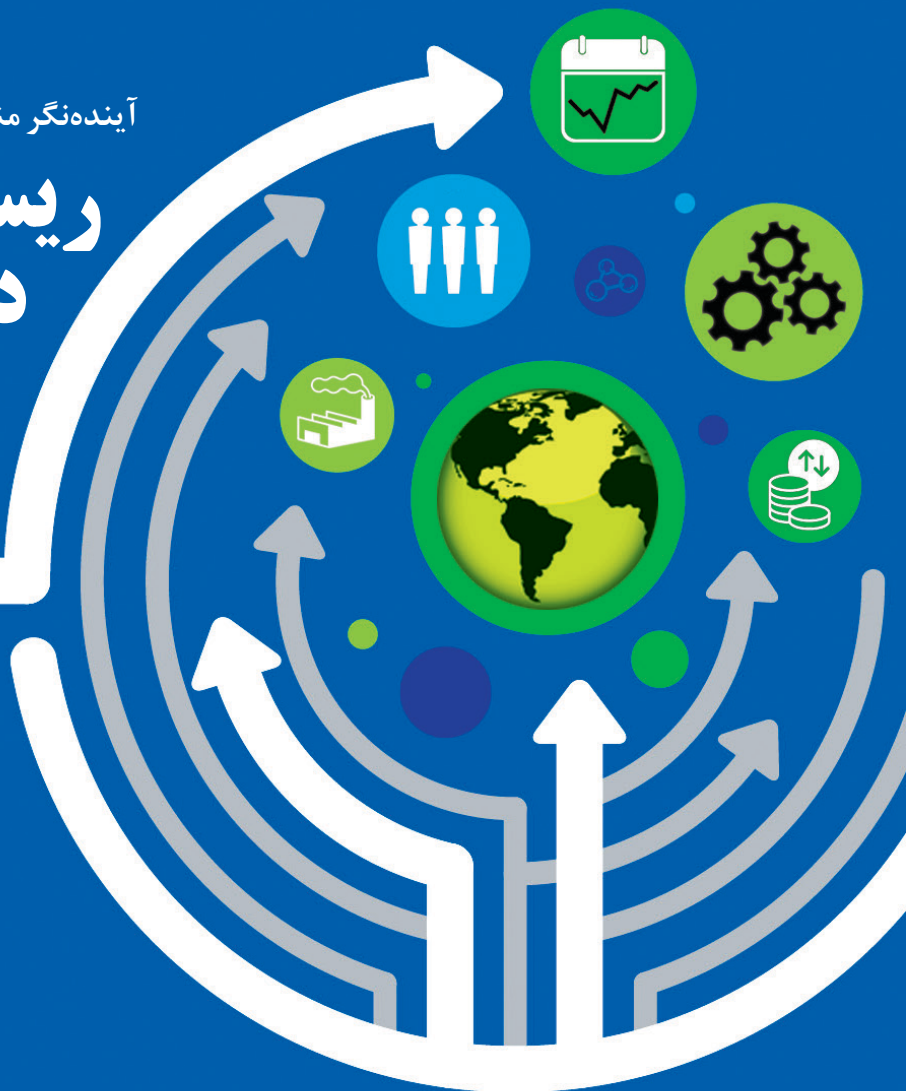
ریسک‌های اقتصادی دنیا در سال جدید

آخرین گزارش سالیانه مجمع جهانی اقتصاد (داووس)

ترجمه بابک واحدی

آینده‌نگر: در جهان امروز، که به واسطه پیشرفت فن‌آوری‌های ارتباطی و گسترش روابط تجاری منطقه‌ای، روز به روز قامت یک بازار واحد را به خود می‌گیرد، در اختیار داشتن درکی مناسب و کارآمد از ریسک‌های پیش روی جهان و کشورها و منطقه‌های مختلف آن، در کنار روندهایی که می‌روند تا جامه‌ای نو بر تن این جهان تازه ببوشانند، برای همه کشورهای جهان حائز اهمیت بسیار است.

کشورهایی که شاید هنوز از منظر سیاست با چینش دشمنی‌ها و دوستی‌ها مرزهایی میان خود با کشورهای دیگر ترسیم می‌کنند و مرزهای پیشین را پاک می‌کنند، نمی‌توانند منکر تأثیراتی باشند که وضعیت اقتصادی مناطق دور دست و کشورهای دیگر بر اقتصادشان می‌گذارد. از تأثیر سیاست‌های پولی امریکا بر سرعت رشد صادرات چین گرفته تا تأثیر مناقشه اوکراین بر احیاء نیمه‌جان اقتصادی در اروپا، جهان با سرعتی که پیش از این هرگز سابقه نداشته در حال دگرگونی است. از این رو، لزوم پیش‌آگاهی از ریسک‌های پیش رو و روندهای محتمل آینده برای کشور ما نیز که سهم مهمی در اقتصاد خاورمیانه دارد و متأثر از مؤلفه‌های مختلف اقتصاد جهانی است، احساس می‌شود، و به همین سبب آینده‌نگر بر آن شده است تا گزارش ریسک‌های جهانی مجمع جهانی اقتصاد، داووس، را که از مهم‌ترین و مفیدترین گزارش‌ها از این دست در جهان به شمار می‌رود، در اختیار سیاست‌گذاران، مدیران و صاحب‌نظران و اهالی کسب‌وکار بگذارد.





■ کلاوس شواب
بنیان‌گذار و
رئیس مجمع جهانی اقتصاد

دهمین شماره گزارش ریسک‌های جهانی در زمانه‌ای از تغییرات و دگرگونی‌های شگرف در جهان ما منتشر می‌شود. تحولات ادامه‌دار سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، محیط‌زیستی و تکنولوژیک بسیاری از فرض‌های بنیادین پیشین ما جهانیان را به چالش می‌کشند و باطل می‌سازند. در هر بخش جامعه، تصمیم‌گیرندگان به سختی می‌کوشند با پیچیدگی فزاینده و بی‌ثباتی ناشی از ماهیت بیش از پیش به هم متصل جهان و سرعت فزاینده تغییرات سروکله بزنند و از پس مدیریت آن‌ها برآیند.

سیستم‌های ارتباطی سریع‌تر، روابط نزدیک‌تر و درهم‌تنیده‌تر تجاری و سرمایه‌گذاری، انتقال‌پذیری فزاینده فیزیکی و دسترسی بیش‌تر به اطلاعات، دست به دست هم داده‌اند تا کشورها، اقتصادها و کسب‌وکارها را بیش از پیش به هم نزدیک سازند. در دهه پیش‌رو—که دورنمای این گزارش است—زندگی ما بیش از پیش متأثر از نیروهای دگرگون‌سازی خواهد بود که چندی است جان گرفته‌اند و دست در کار دارند. اثرات تغییرات جوی مدام شدت می‌گیرد و بی‌ثباتی و عدم اطمینان از بستر ژئوپولیتیک جهان و اثراتی که دگرگونی ژئوپولیتیک بر همکاری بین‌المللی خواهد گذاشت، در آینده هم باقی خواهد ماند. هم‌زمان، جوامع مدام تحت فشار تحولات اقتصادی، سیاسی و اجتماعی هستند، از جمله افزایش نابرابری درآمدی. اما از سوی دیگر احساسات ملی هم رو به افزایش گذاشته است. آخرین مسأله، که در اهمیت دست کمی از مسائل دیگر ندارد، این که تکنولوژی‌های جدید، مثل اینترنت یا نوآوری‌های جدید، ثمر نخواهند داد مگر این‌که سازوکارهای قانونی جدید در سطوح بین‌المللی و ملی ایجاد شوند و مورد توافق همه قرار بگیرند.

در جهانی که ریسک‌ها پا را از مرزها و بخش‌ها فراتر می‌گذارند، انگیزه‌های زیربنایی گزارش ریسک‌های جهانی در همان سرآغاز کار، در سال ۲۰۰۵، این بوده است که بر ریسک‌های جهانی پرتویی از نور بناباند و درک و دریافتی مشترک از اضطراری‌ترین مسائل، و این که چطور این مسائل در هم تنیده‌اند نشان دهد. و حال که به دهمین سال انتشار گزارش رسیده‌ایم این مسائل و انگیزه‌ها بیش از هر زمان دیگری مهم جلوه می‌کنند. دریافت مشترک از چالش‌ها لازمه همکاری چندجانبه در سطح جهانی است، همکاری‌ای که بهترین و مؤثرترین راه برای رویارویی با ریسک‌های جهانی و سنگر بستن در مقابل آن‌ها خواهد بود. بدین منظور که انگیزه بیش‌تری در جهت اقدام در مسیر مقابله با ریسک‌های جهانی ایجاد کنیم، گزارش امسال

شامل مثال‌هایی جدید از کاهش ریسک و مقاومت در برابر ریسک‌ها است.

همچون سال گذشته، گزارش بر اساس داده‌های پیمایش درک ریسک‌های جهانی تهیه شده است، که حدود ۹۰۰ عضو جامعه چندجانبه جهانی مجمع جهانی اقتصاد در آن مشارکت کرده‌اند. گزارش امسال تمایز جدیدی میان ریسک‌ها و روندها بازمی‌شناسد، که اجازه می‌دهد روندهایی مثل گسترش فضای راه‌حل‌ها برای بسیاری از ریسک‌های محتمل، پررنگ‌تر شوند. گزارش همچنین بحث جدی و ریشه‌ای از ریسک‌هایی ارائه می‌دهد که با ظهور اقتصادهای درهم‌تنیده و مسابقه قدرت ژئوپولیتیک، شهری‌شدن سریع دنیای درحال توسعه و همچنین تکنولوژی‌های نو ظهور

مانند زیست‌شناسی ترکیبی و هوش مصنوعی، ایجاد می‌کنند.

سال آینده آستان فرصت‌های بی‌سابقه‌ای برای کنش جمعی خواهد بود که برای مواجهه با ریسک‌های جهانی لازم خواهند آمد، فرصت‌هایی مثل کنفرانس جهانی سندی درباره کاهش ریسک فجایع، و کنفرانس تغییرات جوی ۲۰۱۵ سازمان ملل متحد در پاریس. اکنون که دهمین گزارش ریسک‌های جهانی را منتشر می‌کنیم و از پیشرفت‌هایی که در یک دهه گذشته صورت گرفته است خبر می‌دهیم، امیدوارم که این گزارش بتواند سهمی در پیش‌برد بحث و جدل‌ها درباره طرز فکر ما از ریسک‌های جهانی، و نحوه کاهش آن‌ها و مقاومت در برابرشان، ایفا کند.

سخن آغازین



■ اسپن بارت اید
مدیرعامل و عضو
هیئت‌مدیره مجمع
جهانی اقتصاد

همکاری میان کشورها، حوزه‌های تخصص و گروه‌های ذی‌نفع سه عنصر لازم برای مواجهه کارآمد با ریسک‌های جهانی است. گزارش ریسک‌های جهانی، که یکی از مهم‌ترین و شاخص‌ترین گزارش‌های مجمع جهانی اقتصاد است، از همان آغاز انتشارش در سال ۲۰۰۶ تاکنون تلاشی بوده است در جهت افزایش این همکاری. این گزارش که در اندیشکده شبکه آینده‌نگر مجمع جهانی اقتصاد، یعنی مرکز استراتژی‌های جهانی، تهیه شده است، قادر است همچنین از مهارت‌های موجود منحصربه‌فرد در داخل جوامع مختلف و شبکه‌های اطلاعاتی مجمع جهانی اقتصاد، و نیز از تخصص کل ساختار سازمان، در جهت دستیابی به این هدف بهره بگیرد. شماره ۲۰۱۵ گزارش ریسک‌های جهانی یک هیئت هدایت تأسیس کرده تا رهنمودهای استراتژیک را برای این گزارش تأمین کند، و نیز یک هیئت مشاوره چندجانبه چندسطحی برای مشاوره در مورد روش‌شناسی این گزارش و محتوای آن. شرکای شرکتی گزارش، مشاوران دانشگاهی آن، و اعضای هیئت مشاوره، کمک شایانی به این گزارش کرده‌اند. این گزارش همچنین بر تحقیقات، پروژه‌ها، بانک‌های اطلاعاتی و برنامه‌هایی در داخل بدنه مجمع جهانی اقتصاد مبتنی است. نظرات و نکاتی که در این گزارش مطرح شده است نتیجه گفت‌وگوها و بحث و جدل‌ها، مشاوره با صاحب‌نظران و کارگاه‌های بسیاری است که دیدگاه‌های رهبران جوامع مختلف را در چارچوب پیمایش درک ریسک‌های جهانی منعکس می‌کنند. در ده سال گذشته، گزارش ریسک‌های جهانی بر آگاهی جهان از خطرات ناشی از ماهیت درهم‌تنیده ریسک‌های جهانی افزوده است و مدام خواهان همکاری همه گروه‌های ذی‌نفع در راستای مقابله با این ریسک‌ها شده است. گزارش امسال، با ارائه تصویری کلی از تشخیص ریسک‌های جهان و ارزیابی اقدامات انجام‌شده—با تغییر نگرش از «چه چیز» به «چگونه»—قصد آن دارد که جامع‌ترین مجموعه دیدگاه‌ها را به تصمیم‌گیرندگان عرضه کند، مجموعه‌ای که هرگز در تاریخ ده‌ساله‌اش فراهم نکرده بود.

این گزارش، از همان آغاز، این آگاهی را در جهان پدید آورده است که جهان مدام بیش از پیش درهم‌تنیده می‌شود و این که ریسک‌های جهانی را نمی‌توان تک‌به‌تک در نظر گرفت. در عوض، این ریسک‌ها اثرات درهم‌پیچیده گسترده‌ای دارند که در بحران مالی جهانی سال ۲۰۰۸ و عواقب اجتماعی-اقتصادی آن نمایان بود. سال ۲۰۱۴ به تنهایی شاهد چندین مورد از این ریسک‌ها بود، ریسک‌هایی که احتمالاً اثرات شدید خود را در سال‌های آینده نشان خواهند داد: رابطه به سردی گراییده غرب و روسیه که یک سال پیش برای بیش‌تر ما غیرقابل‌پیش‌بینی بود، مناقشه سوریه و گسترش داعش در منطقه جریان‌های مهاجرت بی‌سابقه‌ای را به سمت کشورهای همسایه و اروپا به راه انداخته است، که اگر به درستی مدیریت نشود ممکن است بر انسجام اجتماعی اثر بگذارد. افشای اطلاعات و دزدی‌های اطلاعاتی و سایبری اعتماد جهانی را به شدت کاهش داده است، که ریسک پیچیده‌تر شدن جست‌وجوی راه‌حل‌هایی برای دیگر چالش‌های مدیریت جهان، را به دنبال آورد.

مقابله موفق با این مسائل پیچیده و درهم‌تنیده مستلزم همکاری بیش‌تر گروه‌های ذی‌نفع در جهت افزایش توانایی پیش‌بینی، مدیریت و کاهش ریسک‌های جهانی و افزایش آمادگی جامعه جهانی و مقاومت آن در برابر ریسک‌ها، خواهد بود. این گزارش نخستین گام را در جهت ایجاد یک همکاری جامع در جهان برمی‌دارد و از طریق پرورش درک و دریافتی مشترک از مسائل موجود به این مهم کمک می‌کند.



مقابله موفق با
مسائل پیچیده و
درهم‌تنیده مستلزم
همکاری بیش‌تر
گروه‌های ذی‌نفع
در جهت افزایش
توانایی پیش‌بینی،
مدیریت و کاهش
ریسک‌های جهانی
و افزایش آمادگی
جامعه جهانی و
مقاومت آن در برابر
ریسک‌ها، خواهد
بود.



می‌دهد و می‌تواند ریسک‌های جهانی را تشدید کند یا رابطه میان آن‌ها را تغییر دهد.

ترسیم نقشه ریسک‌های جهانی در سال ۲۰۱۵

چشم‌انداز ریسک‌های جهانی، نقشه‌ای از محتمل‌ترین و تأثیرگذارترین ریسک‌های جهانی، نشان می‌دهد که بیست‌وپنج سال پس از سقوط دیوار برلین، «مناقشه میان کشورها» بار دیگر مهم‌ترین نگرانی جهان است (جدول ۱). با این‌همه، ۲۰۱۵ تفاوت‌های چشم‌گیری با گذشته دارد، و مهم‌ترین تفاوت، افزایش ریسک‌های تکنولوژیک است و واقعیت‌های جدید اقتصادی، که به یادمان می‌آورد تنش‌های ژئوپولیتیک، خود را در نقابی بسیار متفاوت از گذشته می‌نمایاند. اطلاعات در چشم‌به‌هم‌زدنی در سراسر جهان منتشر می‌شود و تکنولوژی‌های نوظهور تأثیر بازیگران جدید و انواع جدید سلاح‌ها را افزایش داده‌اند. هم‌زمان، دغدغه‌های گذشته، از فجایع محیط‌زیستی، آرام‌آرام رنگ می‌بازند، اگرچه پیشرفت در این عرصه چندان کافی نبوده است - همان‌طور که از دغدغه چشم‌گیر ناکامی در تطبیق با تغییرات جوی و بحران آب در گزارش کنونی، پیداست.

این چالش‌های متنوع درهم‌تنیده می‌توانند ثبات اجتماعی را تهدید کنند، و این مسأله به زعم بیش‌تر صاحب‌نظران بیش‌ترین درهم‌تنیدگی را با ریسک‌های دیگر سال ۲۰۱۵ دارد. و میراث بحران اقتصاد جهانی در قالب منابع مالی عمومی محدود و بیکاری ادامه‌دار، این مسأله را بیش از پیش تشدید می‌کند. مضمون اصلی بی‌ثباتی چشم‌گیر اجتماعی، نشان‌دهنده تناقضی مهم است که از زمان بحران تاکنون گریبان جهان را گرفته اما در گزارش امسال خود را به وضوح نشان می‌دهد. ریسک‌های جهانی از مرزها و حوزه‌های نفوذ فراتر می‌روند و مواجهه با آن‌ها نیازمند همکاری همه گروه‌های ذی‌نفع است، با این‌همه این ریسک‌ها اعتماد و همکاری لازم میان این گروه‌ها، برای روبه‌رو شدن و تطبیق با چالش‌های نوین جهانی، را هم تهدید می‌کنند.

جهان آمادگی کافی را برای روبه‌رو شدن با این محیط مدام پیچیده‌تر از ریسک‌های مختلف ندارد. برای نخستین بار، گزارش ریسک‌های جهانی دیدگاه‌ها و نکاتی را در این باره، در سطح منطقه‌ای، ارائه کرده است: بی‌ثباتی اجتماعی از جمله سه ریسک مهمی است که اروپا، امریکای لاتین و حوزه کارائیب، و خاورمیانه و شمال آفریقا، کم‌ترین آمادگی را برای مقابله با آن دارند. ریسک‌های اجتماعی دیگر هم، از ناکامی در طراحی شهری در جنوب آسیا گرفته تا بحران آب در خاورمیانه و شمال آفریقا، اهمیت بسیار دارند. و ظرفیت و توان مقابله با بیکاری ادامه‌دار - ریسک مهمی که با بی‌ثباتی اجتماعی درهم‌تنیده است - از اصلی‌ترین نگرانی‌ها در اروپا و آفریقای جنوب صحرا است.

همچون سال گذشته، بخش دوم گزارش سه دسته اصلی ریسک‌ها را که براساس یافته‌های پیمایش

ریسک‌ها و کلاف‌های سردرگم

خلاصه اجرایی: روندهای سال ۲۰۱۵ را چگونه بشناسیم

آورده‌ایم (ریسک‌های اقتصادی، اجتماعی، ژئوپولیتیک، و تکنولوژیک) بلکه محرک‌های این ریسک‌ها را هم در قالب ۱۳ روند شناسایی کرده‌ایم و مورد بررسی قرار داده‌ایم. علاوه بر این، انگیزه‌هایی برای مقابله با چالش‌های چشم‌گیر یافته‌ایم، که امیدواریم موجب همکاری میان کسب‌وکارها، دولت‌ها و گروه‌های جامعه مدنی را فراهم سازند.

ریسک جهانی، رویداد یا شرایطی نامعلوم است که اگر رخ دهد، می‌تواند اثرات منفی‌ای بر چند کشور یا چند صنعت در ده سال آتی بگذارد. روند جهانی هم‌الگویی بلندمدت است که در حال حاضر رخ

شماره ۲۰۱۵ گزارش ریسک‌های جهانی محصول نهایی یک دهه رصد کردن مهم‌ترین و بزرگ‌ترین ریسک‌های بلندمدت جهانی است، که نشان از دیدگاه‌ها و نظرات متخصصان و تصمیم‌گیرندگان جهان دارد. در طول این یک دهه، تحلیل ریسک‌ها از تشخیص ریسک به تفکر درباره درهم‌تنیدگی ریسک‌ها و اثرات گسترده بالقوه‌ای که دارند تکامل یافته است. گزارش امسال این تلاش طولانی‌مدت را یک گام دیگر پیش برده است، و دلایل بالقوه و نیز راه‌حل‌های ریسک‌های جهانی را شناسایی کرده است. نه تنها طبق سنت دسته‌بندی این گزارش دیدگاه‌هایی را درباره ۲۸ ریسک جهانی



معین شده‌اند، مورد بررسی قرار می‌دهد. این دسته‌ها به شرح زیر هستند:

۱

برهم‌کنش میان ژئوپولیتیک و اقتصاد

ارتباط میان ژئوپولیتیک و اقتصاد در آینده شدت خواهد گرفت، زیرا دولت‌ها بیش از پیش از ابزارهای اقتصادی، از قراردادهای منطقه‌ای و معاهده‌های تجاری گرفته تا سیاست‌های حمایتی و سرمایه‌گذاری‌های برون‌مرزی، بهره می‌گیرند تا قدرت ژئوپولیتیک نسبی برای خود ایجاد کنند. این مسأله منطق همکاری اقتصادی در جهان را تهدید می‌کند و احتمالاً کل نظام قاعده‌بنیان بین‌الملل از این محل تهدید و تخریب خواهد شد.

۲

شهری‌شدن در کشورهای در حال توسعه

جهان در بحبوحه گذاری بزرگ از زندگی روستایی به زندگی شهری است، و مهم‌ترین نشانه و عامل آن رشد شتابان شهرها در آسیا و آفریقا. اگر این روند به‌درستی مدیریت شود، به افزایش نوآوری کمک خواهد کرد و رشد اقتصادی را سرعت خواهد بخشید. با این حال، توانایی ما در مواجهه با طیفی گسترده از ریسک‌های جهانی – از جمله تغییرات جو، بیماری‌های واگیر، ناآرامی اجتماعی، تهدیدهای سایبری و توسعه زیرساخت‌ها – بیش از هر چیز به این مسأله بستگی خواهد داشت که شهرها چطور مدیریت و اداره می‌شوند.

۳

مدیریت تکنولوژی‌های نوظهور

سرعت تغییرات تکنولوژیک بیش از هر زمان دیگری در تاریخ است. رشته‌هایی مثل زیست‌شناسی ترکیبی و هوش مصنوعی توانایی‌ها و ظرفیت‌های بنیادین جدیدی خلق می‌کنند، که پتانسیل سترگی از حل بزرگ‌ترین مشکلات جهان پیش روی ما می‌گشاید. هم‌زمان، این تکنولوژی‌ها ریسک‌هایی هم خلق می‌کنند که پیش‌بینی کردن‌شان بسیار دشوار است. لازم است که سازوکارهای نظارتی بیش از پیش فواید و سودهای ناشی از تکنولوژی‌های جدید را با تقاضای تجاری هماهنگ سازند، و مسائل اخلاقی و ریسک‌های میان‌مدت تا بلندمدت – ریسک‌های متنوع اقتصادی، محیط‌زیستی و اجتماعی – را بیش از پیش مدنظر قرار دهند. کاهش ریسک‌های جهانی، آماده‌شدن برای رویارویی با آن‌ها، و سنسگر مقاومت بستن در برابر آن‌ها کاری طولانی و پیچیده است، که اغلب در نظریه شناخته‌شده اما در عمل دشوار خواهد بود. بر همین اساس، بخش سوم گزارش برنامه‌های ثابت‌شده یا خوش‌آیند را معرفی می‌کند که برای پاسخ دادن به رویدادهای عظیم محیط‌زیستی و تطبیق با تغییرات جو طراحی شده‌اند. ترسیم الگوی حوزه رودخانه شورای دارلینگ در استرالیا روش‌های نوآورانه‌ای از

کنند. «زورس پابلیک»، هم که بخشی از یک برنامه مدیریت سیل آب‌ها در آلمان است، برنامه‌ای با همکاری بخش عمومی و خصوصی است که سال‌های سال مجرای برای ارتباط صاحب‌خانه‌ها و صاحبان کسب‌وکار فراهم ساخته تا بتوانند با همکاری هم از آسیب‌پذیری‌شان در برابر ریسک سیل بکاهند.

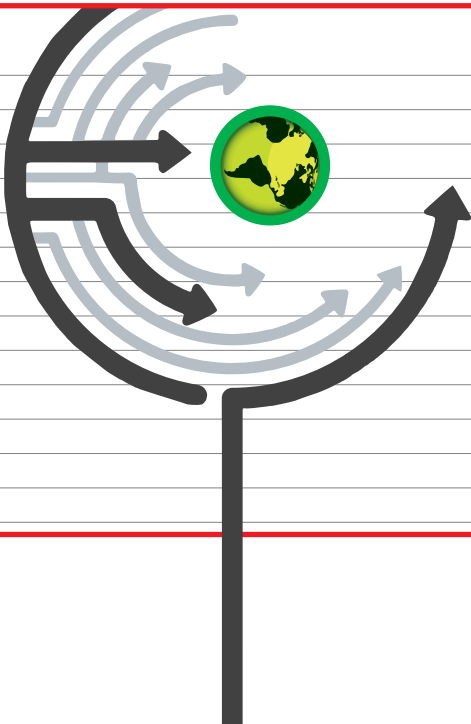
مدیریت آب را به کار گرفته است که حالا جاهای دیگر جهان سرگرم تقلید از آن هستند. میزگرد امریکای مقاوم هم به جوامع برگزیده‌ای در سراسر ایالات‌متحده کمک کرده است تا دریابند که چطور از ریسک‌های مختلف متأثر می‌شوند و بعد استراتژی‌هایی برای مقاوم‌سازی منافع خود طراحی

جدول ۱: ریسک‌های جهانی ۲۰۱۵

اقتصادی	حباب دارایی در اقتصادی بزرگ
	ضدتورم در اقتصادی بزرگ
	شوگ قیمت انرژی بر اقتصاد جهانی
	فروپاشی یک مکانیزم یا نهاد مالی بزرگ
	فروپاشی / کمبود زیرساخت‌های حیاتی
محیط زیستی	بحران مالی در اقتصادهای مهم
	بیکاری ساختاری بالا یا سطح اشتغال پایین‌تر از حد بهینه
	تورم غیرقابل مهار
	وقایع جوی عظیم (مثل سیل، توفان، و غیره)
	ناکامی در تطبیق با تغییرات جوی
ژئوپولیتیک	از دست دادن مقدار زیادی از تنوع زیستی یا فروپاشی اکوسیستم (زمین یا اقیانوس)
	فجایع طبیعی عظیم (مثل زمین‌لرزه، سونامی، انفجار آتش‌فشان، توفان‌های مغناطیسی)
	فجایع محیط‌زیستی ساخته دست بشر (مثل نشت نفت، انتشار رادیواکتیو، و غیره)
	فروپاشی حاکمیت ملی (مثل فساد، تجارت غیرقانونی، جنایات سازمان‌یافته، مصونیت از جزا، بن‌بست سیاسی، و غیره)
	مناقشه میان کشورها، با پی‌آمدهای منطقه‌ای
اجتماعی	حمله‌های عظیم تروریستی
	فروپاشی حکومت یا بحران (مثل جنگ داخلی، کودتای نظامی، دولت‌های ورشکسته، و غیره)
	سلاح کشتار جمعی
	ناکامی در طراحی مناسب شهری
	بحران‌های غذایی
تکنولوژیک	مهاجرت غیرداوطلبانه در سطح گسترده
	بی‌ثباتی اجتماعی چشم‌گیر
	شیوع سریع و گسترده بیماری‌های واگیر
	بحران‌های آب
	از کار افتادن زیرساخت‌ها یا شبکه‌های حیاتی اطلاعات
تکنولوژیک	حملات سایبری در سطح گسترده
	دزدی اطلاعات یا کلاهبرداری اطلاعاتی در سطح گسترده
	سوءاستفاده گسترده و عظیم از تکنولوژی‌ها (مثل چاپ سه‌بعدی، هوش مصنوعی، مهندسی ژنتیک، زیست‌شناسی ترکیبی، و غیره)

جدول ۲: روندهای سال ۲۰۱۵

جمعیت در حال پیر شدن
تغییرات جوی
فرسایش محیط‌زیستی
طبقه متوسط در حال رشد در اقتصادهای نوظهور
عواطف ملی فزاینده
قطبی‌شدگی فزاینده جوامع
گسترش بیماری‌های قلبی
گسترش ابراصالات
افزایش نقل و انتقال جغرافیایی
افزایش نابرابری درآمدی
تغییرات قدرت
شهری‌شدن
تضعیف حاکمیت بین‌الملل



پنج ریسکی که باید آن را شناخت

بخش نخست: ریسک‌های جهان در سال آینده

سال ۲۰۱۳ افزایش یافته است - ریسک محتمل پیش رو این است که توان بدهکاران برای پرداخت بدهی‌هایشان کاهش خواهد یافت، و همین امر ثبات آتی نظام مالی جهان را به خطر می‌اندازد.

برعکس، نرخ‌های پایین بهره هم ریسک ایجاد حباب‌های دارایی را بالا برده است. از زمان بحران مالی تاکنون، استفاده از سیاست پولی انبساطی - مثل آزادسازی مقداری و نرخ‌های بهره صفر - اثر مورد انتظار را نداشته‌اند و نتوانسته‌اند دسترسی به اعتبار را در اقتصاد واقعی افزایش دهند، و در عوض به تورم مضاعف قیمت‌های دارایی انجامیده‌اند. رشد سرسام‌آور اعتبارات و حباب‌های دارایی در طول تاریخ به ورشکستگی بانک‌ها و رکود در اقتصاد واقعی انجامیده‌اند. ریسک شکست و فروپاشی یک سازوکار یا موسسه مالی، و بحران‌های مالی، همان اثربخشی و احتمالی را در گزارش امسال دارند که در گزارش سال گذشته داشتند. پایین حال، ریسک‌های دیگر، مثل بحران‌های آب، مناقشه بین کشورها و ناکامی در تطبیق با تغییرات جوی، صحنه را روبرو دارند. این امر موجب دور شدن توجه متخصصان و تصمیم‌گیرندگان از ریسک‌های اقتصادی و ادامه دادن اصلاحات اقتصادی بلندمدت شده است. علی‌رغم تلاش‌های اخیر، چه فشارهای ضدتورمی و چه ترکیدن یک حباب قیمت دارایی، هر دو می‌توانند موجب فروپاشی یک سازوکار مالی یا موسسه مالی عظیم شوند - به‌ویژه از آن‌جا که بخش بانکی کم‌تر مدیریت و کنترل می‌شود، اما مدام مهم‌تر می‌شود. همچنین، در بسیاری از کشورها سطح بدهی‌ها هنوز به‌طرز نگران‌کننده‌ای بالا است، و از این رو ریسک‌های مرتبط با بدهی احتمالاً تا چندین سال آینده همچنان باقی خواهند ماند. تمرکز تصمیم‌گیرندگان بر دیگر ریسک‌ها می‌تواند به وضعیت عدم اقدام بیانجامد و موجب شود در زمان‌های که اصلاحات ساختاری بیش از هر زمان دیگری در گذشته ضروری است، این تصمیم‌گیرندگان دست روی دست بگذارند. حفظ انگیزه اصلاحات هم در بخش مالی و هم در بخش پولی برای اجتناب از بحران‌های اقتصادی عظیم در آینده بسیار حیاتی خواهد بود.

آمادگی متفاوت مناطق مختلف

از آن‌جا که بیش‌تر تلاش‌های مقابله با ریسک‌های جهانی در سطح ملی و منطقه‌ای انجام شده‌اند، مهم است که به میزان آمادگی مناطق جهان به‌صورت تفکیک‌شده نگاهی اندازیم. شکل زیر به تفکیک هر منطقه از جهان نشان می‌دهد که آن منطقه در برابر کدام ریسک‌ها کم‌ترین آمادگی را دارد. آمادگی در برابر ریسک‌ها آمیزه‌ای است از میزان مواجهه این مناطق با ریسک‌های مختلف و تدابیری که پیش از این در جهت کاهش ریسک‌ها یا آماده‌سازی برای مقابله با آن‌ها انجام شده است. تکان‌دهنده است که هر منطقه مجموعه‌ای کاملاً

دیگری همچنان باقی است: متخصصان امر از ریسک‌های چشم‌گیر کهنه نگران هستند، که شاید زیر سایه ریسک‌های مشهودتر در پیمایش نادیده گرفته شده باشند.

در کوتاه‌مدت، شرکت‌کنندگان در پیمایش نگران ریسک‌های جهانی مرتبط با تحولات و رویدادهای اخیر و اقدامات انسانی هستند، از جمله مناقشه میان کشورها، فروپاشی حکومت‌ها، ناکامی در حکمرانی ملی و حملات عظیم تروریستی. فهرست ریسک‌های بلندمدت اما بیش‌تر تحت سلطه ریسک‌های مربوط به روندهای فیزیکی و محیط‌زیستی است که در اخبار اخیر رسانه‌ها چندان اشاره‌ای به آن‌ها نشده است، مثل بحران آب، عدم تطبیق با تغییرات جوی و بحران غذا. جالب است که ریسک بی‌ثباتی اجتماعی در هر دو دسته کوتاه‌مدت و بلندمدت امتیاز بالایی گرفته است. این روند منتهی به شکندگی اجتماعی یکی از پنج روندی است که در پیمایش سال ۲۰۱۵ بالاتر از بقیه ایستاده‌اند - در کنار نگرانی فزاینده نسبت به وضعیت ژئوپولیتیک جهان، نادیده گرفته‌شدن ریسک‌های اقتصادی در سایه ریسک‌های قریب‌الوقوع‌تر، نگرانی از ریسک‌های محیط‌زیستی که مورد توجه قرار نگرفته‌اند، و آسیب‌پذیری پابرجای فضای سایبری.

ریسک‌های اقتصادی: از چشم افتاده‌ها؟

اقتصاد جهانی دارد به رشد برمی‌گردد، البته رشدی کند و آهسته، و همگان بر این اعتقادند که پیشرفت چشم‌گیری در زمینه کاهش احتمال وقوع بحران مالی‌ای دیگر صورت گرفته است. این شاید برداشتی اشتباه از کنترل موجود باشد، زیرا که تاریخ نشان داده است مردم همیشه از شکست‌های گذشته درس نمی‌گیرند و اغلب با همان ریسک‌های گذشته غافل‌گیر می‌شوند.

انتظار می‌رود که نرخ بیکاری جهانی تا سال ۲۰۱۸ در همین سطح باقی بماند، که نشان می‌دهد بیکاری ساختاری در کشورهای پیشرفته همچنان مشکل و معضلی بسیار مهم و آزاردهنده خواهد بود. بدین ترتیب احتمالاً دست‌مزدها در سطح پایین کنونی باقی خواهند ماند، که فشارهای ضدتورمی را حفظ خواهد کرد؛ در حوزه یورو، تورم در سال ۲۰۱۴ به مقدار بسیار اندک ۰.۶۶ درصد کاهش یافت. از آن‌جا که سال‌های گذشته شاهد انباشت بدهی در بسیاری از اقتصادهای بزرگ بوده است - به‌ویژه در چین، که در آن نسبت بدهی به تولید ناخالص داخلی از ۹۲ درصد در دوره ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۷ به ۱۱۰ درصد در

چشم‌انداز ریسک‌های جهانی، آن‌طور که در پیمایش مجمع جهانی اقتصاد تعریف شده است، پنج ریسک جهانی را پررنگ می‌سازند که هم بسیار محتمل هستند و هم اثربخشی زیادی دارند. مناقشه میان کشورها در سال ۲۰۱۴ از هر دو جهت گوی سبقت را از ریسک‌های دیگر ربوده بود، که نشان می‌دهد مناقشه‌های ژئوپولیتیک کنونی بر بی‌ثباتی ژئوپولیتیک و اجتماعی می‌افزایند. همچون سال گذشته، نگرانی از ریسک‌های محیط‌زیستی و اقتصادی همچنان باقی مانده‌اند، به‌ویژه پیرامون مسائل عدم تطبیق با تغییرات جوی، بحران آب، و بی‌کاری و اشتغال پایین‌تر از سطح بهینه، که نشان می‌دهد در این بخش‌ها اقدامات موثر اندکی برای مقابله با ریسک‌ها انجام شده است. هم‌زمان، تهدیدهای سایبری از جمله اثرگذارترین ریسک‌های جهانی هستند. شرکت‌کنندگان در پیمایش مجمع جهانی اقتصاد همچنین از اهمیت بسیار زیاد و اثر شگرف شیوع سریع و گسترده بیماری‌های واگیر گفته‌اند، که نشان از نیاز به آمادگی در سطح بالاتر برای مقابله با شیوع گسترده بیماری‌های واگیر، هم در سطح کشورها و هم در سطح بین‌المللی، دارد تا بتوان با این ریسک مهم مواجه شد.

در بخش ریسک‌های ژئوپولیتیک، شرکت‌کنندگان به اسلحه‌کشتار جمعی اشاره کرده‌اند و آن را سومین ریسک مهم اثرگذار پیش‌روی جهان دانسته‌اند، که شامل سلاح هسته‌ای، شیمیایی، بیولوژیک و تکنولوژی‌های رادپولوژیک می‌شود. البته به زعم آن‌ها این ریسک از نظر احتمال وقوع دومین ریسک نامحتمل جهان است، گرچه اگر به کار گرفته شوند بحران بین‌المللی پدید می‌آورد که هزینه‌های انسانی و اقتصادی بسیار زیادی به دنبال خواهد آورد. در دهه‌های آینده، پیشرفت‌های تکنولوژیک، دسترسی بیش‌تر به دانش علمی و آسیب‌پذیری بیش‌تر اطلاعات محرمانه در برابر تهدیدهای سایبری ریسک به کار گرفتن اسلحه‌کشتار جمعی را، به‌ویژه در مناطق شکننده جهان، بالا می‌برد. از این رو ضروری است که همکاری بین‌المللی در جهت کنترل این اسلحه‌افزایش یابد.

در میان ریسک‌های اقتصادی، بحران مالی و بیکاری به همان اندازه گزارش سال گذشته اثرگذار و محتمل هستند، با این حال امسال ریسک‌های دیگر میانه صحنه را روبرو دارند. با این‌که جهان در زمینه مقابله و جلوگیری از بحران‌های مالی پیشرفت‌هایی کرده است، و بهبودهای مختصری در زمینه مسائل مالی و بیکاری رخ داده است، خطر ریسک‌های



اقتصاد جهانی دارد به رشد برمی‌گردد، البته رشدی کند و آهسته، و همگان بر این اعتقادند که پیشرفت چشم‌گیری در زمینه کاهش احتمال وقوع بحران مالی‌ای دیگر صورت گرفته است.





درهم‌تنیدگی جهانی و افزایش سرعت انتقال اطلاعات، وابستگی ژئوپولیتیک و اقتصاد به یکدیگر را بیش از پیش افزایش داده است، و لازم است که هم دولت‌ها و هم کسب‌وکارها «طراحی ژئوپولیتیک» را در دستور کار خود قرار دهند تا به یکباره غافل گیر نشوند.

برهم‌کنش ژئوپولیتیک و اقتصاد

بخش دوم: نگاهی دقیق‌تر به ریسک‌های جهان

ریسک‌های ژئوپولیتیک بار دیگر به جهان بازگشته‌اند، و این رویداد در مرکزیت ناکامی حکمرانی ملی در وضعیت درهم‌تنیدگی ریسک‌های جهان آشکار است، و نیز در ارتباط نزدیک این ریسک با مناقشات بین‌کشوری و بی‌ثباتی چشم‌گیر اجتماعی. حال که اقتصادها در مقیاسی بی‌سابقه از طریق جریان‌های مالی و تجاری به هم وابسته و مرتبط هستند، بسیاری از تحلیل‌گران نگران بازگشت روندهای معطوف به برهم‌کنش میان ژئوپولیتیک و اقتصاد هستند. باین که حکومت‌ها در گذشته هم از ابزارهای اقتصادی برای افزایش قدرت نسبی‌شان بهره می‌گرفته‌اند، روابط و پیوندهای قدرتمند اقتصادی جهان امروز این برهم‌کنش را پیچیده‌تر و از این رو مدیریت آن را دشوارتر کرده است. این بازگشت به گذشته اثرات شگرفی بر کارایی سازوکارهای حکمرانی خارجی در دیگر حوزه‌ها خواهد داشت، از مبارزه با تغییرات جوی گرفته تا رسیدن به راه‌حلی بین‌المللی برای مدیریت اینترنت.

حتی باین که دولت‌ها تلاش‌های خود برای حفظ یا بسط قدرت‌شان را شدت می‌بخشند، شهری شدن آرام‌آرام کانون قدرت را از سطح ملی به سطح مدیران شهری و شهرداران خواهد برد و موازنه قدرت را به نفع ایشان جابه‌جا خواهد کرد. داده‌های جمع‌آوری شده برای این گزارش نشان می‌دهند که شهری شدن یک محرک مهم برای بی‌ثباتی چشم‌گیر اجتماعی، فروپاشی زیرساخت‌های حیاتی، بحران آب، و شیوع بیماری‌های واگیر خواهد بود. همچنین تنها نتیجه گذار بی‌سابقه از رشد حوزه‌های روستایی به حوزه‌های شهری تقویت و تشدید این مسأله خواهد بود و نه چیز دیگر: تا سال ۲۰۵۰ دوسوم جمعیت جهان - حدوداً ۶٫۳ میلیارد نفر - در شهرها زندگی خواهند کرد، و ۸۰ درصد آن‌ها در مناطق کم‌تر توسعه‌یافته ساکن خواهند بود. شهری شدن به صورت سریع و برنامه‌ریزی نشده در این مناطق، پتانسیل ایجاد ریسک‌های بسیار دارد. این که جهان در مقابله با ریسک‌های جهانی، از تغییرات جوی گرفته تا بیماری‌های واگیر، چه‌قدر کارآمد باشد بیش از پیش به میزان مدیریت بهینه شهرها بستگی خواهد داشت. تمرکز تعداد زیادی از مردم، دارایی‌ها، زیرساخت‌های حیاتی و فعالیت‌های اقتصادی بدین معنی خواهد بود که ریسک‌هایی که در سطح شهرها شکل می‌گیرند پتانسیل برهم زدن جامعه و ایجاد اختلال در آن را خواهند داشت.

از هوش مصنوعی گرفته تا زیست‌شناسی ترکیبی؛ ضرورت حکمرانی و مدیریت در سطح جهانی زمانی پررنگ‌تر می‌شود که تکنولوژی‌های جدید را در نظر می‌آوریم، به‌ویژه از آن‌جا که نااطمینانی بسیاری درباره

نحوه شکل‌گیری و تکامل این تکنولوژی‌های جدید و اثرات گسترده اجتماعی، اقتصادی و محیط‌زیستی آن‌ها وجود دارد. داده‌های موجود همچنین به درهم‌تنیدگی شدید فجایع طبیعی و ساخته دست بشر اشاره دارد. سال‌های پیش‌رو احتمالاً شاهد پیشرفت‌های سریعی در حوزه‌هایی مثل هوش مصنوعی و زیست‌شناسی ترکیبی خواهد بود - و در حالی که بسیاری از اثرات آن‌ها احتمالاً مفید خواهند بود، اثرات منفی آن‌ها به سرعت در جهان درهم‌پیچیده امروز منتشر و پخش خواهند شد و همه را تحت تأثیر قرار خواهند داد. بعضی از این اثرات منفی را به‌آسانی نمی‌توان پیش‌بینی کرد و برابرشان سنگر کشید.

در بسیاری از موارد، از طریق مقابله با روندهای زیربنایی بیش‌تر این ریسک‌ها، آسیب‌پذیری در برابر این ریسک‌ها را می‌توان به‌شدت کاهش داد. علاوه‌براین، درک بستر و مسیر احتمالی سلسله‌ای از ریسک‌ها و روندها می‌تواند در روشن ساختن شیوه‌های مقابله با آن‌ها و افزایش فرصت‌هایی که روندها پیش‌رو می‌گذارند، مفید باشد. هدف تحلیل زیر همین است.

ریسک‌های جهانی بر خاسته

از برهم‌کنش روزافزون ژئوپولیتیک و اقتصاد

ژئوپولیتیک طبق سنت بر اراده نظامی، منابع و جمعیت به‌عنوان سنج‌های نفوذ ملی متمرکز می‌شود، اما اقتصاد بر رشد، بهره‌وری و شکوفایی متمرکز است. باین حال، در طول تاریخ، ژئوپولیتیک و اقتصاد در هم آمیخته‌اند - مثلاً در خیزش قدرت سیاسی بریتانیا بر شانه‌های انقلاب اقتصادی صنعتی، دوران استعمارگری بریتانیا و فرانسه، یا جنگ سرد، آن‌زمان که یک شکاف ژئوپولیتیک عمیق، اقتصاد را دو پاره کرده بود. جنگ سرد که پایان یافت، دورانی از هنجارهای مشترک در اقتصاد جهانی پدید آمد؛ اکنون بیش از ۲۵ سال بعد از سقوط دیوار برلین، رقابت استراتژیک بار دیگر به صحنه جهان بازمی‌گردد. جهان با برهم‌کنشی فزاینده میان ژئوپولیتیک و اقتصاد درگیر است. سیاست حقیقی امروز انگیزه ایدئولوژیک ندارد، بازیگران جدیدی دارد و بر بستری از انسجام اقتصادی عمیق رخ می‌دهد.

آیا ژئوپولیتیک باعث تخریب اقتصاد جهانی، بهره‌وری نظام بین‌الملل و منطق‌برد-برد تجارت خواهد شد؟ تصمیمات اقتصادی و حوزه‌های نفوذ چه تأثیری بر موازنه قدرت در جهان خواهند گذاشت؟ چه ریسک‌های جهانی‌ای ممکن است رخ بنمایند، وقتی کشورها از ابزارهای اقتصادی، و نه نظامی، برای پیشبرد اهداف خود بهره بگیرند؟ این پرسش موجب پررنگ‌تر شدن روندهایی مثل تنش‌های فزاینده کنونی در شرق آسیا، سرعت گرفتن انسجام و ادغام منطقه‌ای در جنوب‌شرق آسیا و در نگاهی کلی‌تر افزایش توافق‌نامه‌های منطقه‌ای، انقلاب نفت و گاز شیل در ایالات متحده، ناآرامی در خاورمیانه و اوکراین، سازوکارهای اقتصادی در امریکای لاتین، تلاش چین برای در دست گرفتن رهبری اقتصاد جهان، و اقدامات تروریستی و خشونت‌باری که مرزها را جابه‌جا می‌کند و اقتصادها را پس می‌رانند، شده است.

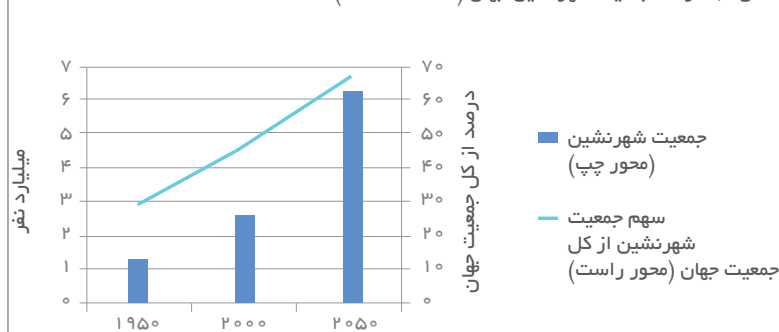
درهم‌تنیدگی جهانی و افزایش سرعت انتقال اطلاعات، وابستگی ژئوپولیتیک و اقتصاد به یکدیگر را بیش از پیش افزایش داده است، و فضای سایبری در این میان جبهه جدید مهمی از محاسبات سیاسی و اقتصادی شده است، زیرا که حملات سایبری بیش از پیش توان ایجاد آسیب‌ها و زیان‌های اقتصادی را دارند. از این رو کار تصمیم‌گیرندگان در پیش‌بینی مسیر اقداماتی چون تحریم‌ها و دیگر ابزارهای ایجاد فشار اقتصادی دشوارتر شده است، و احتمال رخ دادن عواقب ناخواسته بالا گرفته است. درهم‌تنیدگی اقتصاد و ژئوپولیتیک می‌تواند موجب ایجاد درهم‌تنیدگی میان ریسک‌های جهانی شود، و این هم‌بستگی را افزایش دهد، یا ماهیت آن را دگرگون سازد؛ که این امر بر بسیاری از حوزه‌های سیاست‌گذاری عمومی و همکاری بین‌المللی تأثیر خواهد گذاشت.

لازم است که هم دولت‌ها و هم کسب‌وکارها «طراحی ژئوپولیتیک» را در دستور کار خود قرار دهند تا به یکباره غافل گیر نشوند. در ادامه بر سه حوزه‌ای که بیش‌ترین احتمال پذیرفتن تأثیر مستقیم از تحولات آنی را دارند، متمرکز خواهیم شد - اختلال در تجارت بین‌المللی، و تهدید همکاری سیاسی و نظام قاعده‌بنیان بین‌الملل.

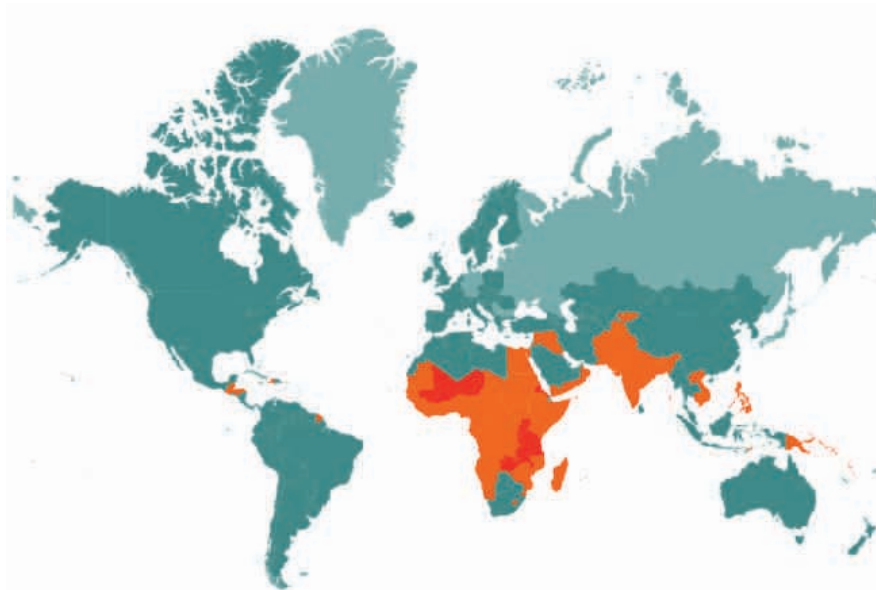
وضعیت جهان چگونه است؟

فضای بین‌الملل امروز، با عقب‌نشینی از منطق حاکم جهانی شدن که مشخصه دهه ۱۹۹۰ و اوایل دهه ۲۰۰۰ بود، عمدتاً بر است از دولت‌ملت‌هایی که صرفاً به دنبال منافع خویش هستند و می‌کوشند نسبت

شکل ۲،۱: رشد جمعیت شهرنشین جهان (۱۹۵۰-۲۰۵۰)



شکل ۲،۲: چشم‌انداز رشد جمعیت شهری جهان ۲۰۵۰-۲۰۱۰



جمعیت شهری در سال ۲۰۵۰ در مقایسه با سال ۲۰۱۰

پنج برابر یا بیش‌تر (تیره‌ترین قرمز) دو برابر یا بیش‌تر (قرمز) اما کمتر از پنج برابر (نارنجی) بیش‌تر اما کمتر از دو برابر (سبز تیره) کمتر (سبز روشن)

به دیگران قدرت بیش‌تری ببایند، حتی به بهای ملاحظات اقتصادی. از سوی دیگر افزایش بیکاری و وضعیت‌های مالی وخیم‌تر، اقتصادها را بر آن داشته است که درون‌نگر تر شوند. رشد تجارت در سراسر زنجیره‌های ارزش جهان و تشدید روابط مالی، هزینه اقتصادی سیاست‌های حمایتی‌تر را افزایش داده است، سیاست‌هایی مثل تعرفه‌ها، تحریم‌ها و جنگ‌های تجاری.

دولت‌ها که درون‌نگر تر می‌شوند سیاست‌های اقتصادی بین‌الملل بیش از پیش به سمت همکاری با گروه‌های کوچک‌تر کشورهای هم‌دل سوق می‌یابد، همکاری‌ای که به این کشورها اجازه می‌دهد اهداف اقتصادی‌شان را بهتر پی بگیرند.

کشورها همیشه به دنبال دستیابی به اهداف اقتصادی و ژئوپولیتیک بوده‌اند - مثلاً جامعه اقتصادی اروپا با هدف ایجاد ثبات در روابط کشورهای عضو اتحادیه و افزایش هزینه‌های جنگ و افزایش بزرگی بازار و فرصت‌های اقتصادی، ایجاد شده است. گروه‌های منطقه‌ای بسیاری ایجاد شده‌اند، زیرا که تشکیل این گروه‌های همکاری به کشورها اجازه می‌دهد قدرت نسبی‌شان در برابر دیگر کشورها را افزایش دهند. همین طرز فکر است که موجب شده است اتحادیه ملل جنوب شرق آسیا (آسه‌آن) می‌کوشد تا سال ۲۰۱۵ یک بازار واحد ایجاد کند و به دنبال توافق‌نامه شراکت اقتصادی جامع منطقه‌ای (RCEP) است. این طرز فکر همچنین یکی از محرک‌های تلاش ایالات متحده در پیگیری بحث و مذاکره درباره دو توافق‌نامه بزرگ تجارت و سرمایه‌گذاری آزاد بوده است - شراکت تجارت و سرمایه‌گذاری دوسوی اقیانوس اطلس و شراکت دوسوی اقیانوس آرام.

باین حال، در برخی موارد توافق‌نامه‌های ادغام رقیب به ایجاد رقابت استراتژیک انجامیده است: در امریکای لاتین، ائتلاف پیسیفیک و مرکوسور الگوهای متفاوتی از ادغام را معرفی کرده‌اند؛ در اوکراین، کشوری که مابین اتحادیه اروپا و اتحادیه اقتصادی اوراسیا دوباره شده است؛ و کشورهای آسیایی باید توافق‌نامه‌های جدید مثل TPP و RCEP را به دقت بررسی کنند و تصمیم بگیرند که کدام توافق‌نامه، آن که امریکا هدایتش می‌کند یا آن که از سوی آسه‌آن ارائه شده، برای آن‌ها مناسب‌تر است. وضعیت کنونی جهان آمیزه‌ای پیچیده از گفت‌وگوهای منطقه‌ای رقیب و هم‌پوشان است.

محرک برهم‌کنش تشدیدشده میان اقتصاد و ژئوپولیتیک نقش مستقیم فزاینده دولت در اقتصاد جهان بوده است، که تجارت سنتی و جریان‌های سرمایه را تحت تأثیر قرار می‌دهد و احتمالاً کشورها را قادر می‌سازد که از طریق وابستگی اقتصادی نفوذ ژئوپولیتیک ببایند. این روند در افزایش سرمایه‌گذاری‌های دولت‌محور در زیرساخت‌های کشورهای دیگر نمایان است، مثلاً در مورد سرمایه‌گذاری‌های چین در آفریقا یا امریکای لاتین؛ و نیز در سرمایه‌گذاری‌های استراتژیک بنیادهای سرمایه‌گذاری دولتی و بنگاه‌های دولتی در زمین

و کسب‌وکارهای کشورهای دیگر، مثل مورد سرمایه‌گذاری‌های کشورهای حوزه خلیج فارس در آفریقا؛ و در نهایت در خرید دولتی بدهی‌های دولتی کشورهای دیگر. در ماه اوت سال ۲۰۱۴ چین و ژاپن به ترتیب ۷،۲ درصد و ۷ درصد از بدهی امریکا را در اختیار داشتند.

کشورهای جهان همچنین برای تقویت جایگاه ژئوپولیتیک‌شان به ابزارهایی روی آورده‌اند که دسترسی به منابع ملی مهم اقتصادی یا قیمت‌های کالاها را تحت کنترل دارند. و از طریق این ابزارها قدرتی انحصاری می‌یابند و از آن در جهت تضعیف عملکرد اقتصادهای دیگر بهره می‌گیرند. این روش‌های بالقوه برای استفاده از اهرم قدرت و فشار بر دیگر کشورها از طریق روابط اقتصادی، بخش آشکاری از تفکر سیاست خارجی جهان شده است.

محدوده شهر: ریسک‌های شهری شدن سریع و برنامه‌ریزی نشده در کشورهای در حال توسعه

جهان در حال تجربه کردن گذاری بی‌سابقه از زندگی روستایی به زندگی شهری است. در سال ۱۹۵۰، یک‌سوم مردم جهان در شهرها زندگی می‌کردند؛ امروز این رقم به بیش از نصف رسیده است، و انتظار می‌رود در سال ۲۰۵۰ شهرنشینان جهان بیش از دو سوم جمعیت جهان باشند. (شکل ۲،۱)

این افزایش سریع عمدتاً در کشورهای در حال توسعه رخ خواهد داد (شکل ۲،۲). آفریقا و آسیا - که هر دو به نسبت کم‌تر از مناطق دیگر شهری شده هستند - بیش‌ترین سرعت شهری شدن را تجربه خواهند کرد و انتظار می‌رود که تا سال ۲۰۵۰ جمعیت شهرنشین آفریقا به ۵۶ درصد کل جمعیت و در آسیا به ۶۴ درصد

برسد (رقمی که در حال حاضر به ترتیب ۴۰ درصد و ۴۸ درصد است). این تحولات نشان‌دهنده تغییری بی‌سابقه در جهان شهرنشین است و حرکت آن از شمال و غرب به جنوب و شرق کره زمین.

این شهری شدن اگر به‌خوبی مدیریت شود، می‌تواند منبع فواید بسیار برای توسعه جهان باشد. شهرها روشی کارآمد از سازمان‌دهی زندگی مردم هستند: شهرها امکان ایجاد صرفه‌جویی‌های ناشی از مقیاس و اثر شبکه‌ای را فراهم می‌آورند، و نیاز به حمل‌ونقل را کاهش می‌دهند، که خود این امر به دوست‌تر شدن فعالیت اقتصادی با محیط‌زیست می‌انجامد. نزدیکی و تنوع مردم می‌تواند نوآوری را ارتقاء بخشد و از آن‌جا که به اشتراک گذاشتن افکار و ایده‌ها به افکار و ایده‌های نو می‌انجامد اشتغال را افزایش دهد. تنوع شهرها همچنین می‌تواند مدارای اجتماعی بیافریند و فرصت‌های مشارکت مدنی ایجاد کند. اما شهری شدن سریع می‌تواند ماهیت همه ریسک‌های جهانی را که از نظر گذراندیم تغییر دهد، و در احتمال وقوع و میزان اثرگذاری آن‌ها تأثیر بگذارد. علاوه بر این، شهرها محل ادغام و هم‌گرایی ریسک‌های بسیار هستند، که همین امر آن‌ها را در برابر وقوع زنجیره‌وار ریسک‌ها آسیب‌پذیر می‌سازد و درهم‌تنیدگی ریسک‌های جهانی را افزایش می‌دهد. درک بهتر وابستگی مادی ریسک‌های جهانی در سطح شهرها نخستین گام در مسیر ایجاد مقاومت در شهرها برای مقابله با این ریسک‌ها است. سه منطقه - جنوب آسیا، شرق آسیا و اقیانوسیه، و امریکای لاتین و حوزه کارائیب - ریسک شهری شدن سریع و بی‌برنامه را جزو اصلی‌ترین ریسک‌هایی دانسته‌اند که کم‌ترین آمادگی را در برابرشان دارند.

سه منطقه - جنوب آسیا، شرق آسیا و اقیانوسیه، و امریکای لاتین و حوزه کارائیب - ریسک شهری شدن سریع و بی‌برنامه را جزو اصلی‌ترین ریسک‌هایی دانسته‌اند که کم‌ترین آمادگی را در برابرشان دارند.

مدیریت بهینه ریسک

بخش سوم: مقاومت در برابر ریسک‌ها

برنامه این است که درس‌هایی که از گذشته آموخته‌اند به جوامع بیش‌تری کمک کند تا بتوانند همچون جوامع دیگر در برابر ریسک‌ها مصونیت یابند یا از شدت آن‌ها بکاهند.

اهمیت آگاهی‌بخشی کافی در زمینه ریسک‌ها موضوع اقدامات مدیریت ریسک کارآمد است، و در قالب سومین موردی که در این‌جا آورده‌ایم قرار دارد- افزایش آگاهی در زمینه ریسک سیل در ساکسونی، که منطقه‌ای در آلمان است و مستعد سیل‌های خانمان‌برانداز. هدف مثال‌هایی که در این‌جا آورده‌ایم این است که منبعی از الهام باشند و اساسی برای ادامه کار در آینده.

تضمین دوام منبع آب سالم در طول تاریخ بشر از مهم‌ترین مسائل پیش روی انسان بوده است. مدیریت آب شامل کاستن از چهار ریسک می‌شود: کمبود، از جمله خشک‌سالی؛ کیفیت ناکافی؛ سیل؛ و آسیب زدن به اکوسیستم‌های زیستی. براساس اعلام سازمان ملل متحد:

مصرف آب با سرعتی دو برابر رشد جمعیت افزایش می‌یابد. تا سال ۲۰۵۰، دو سوم جمعیت جهان «شرایط تنش» آب را تجربه خواهند کرد.

از هر نفر یک نفر از مردم جهان فاقد دسترسی به منابع بهینه آب آشامیدنی خواهد بود و از هر سه نفر یک نفر منبع بهینه فاضلاب نخواهد داشت. این امر سالانه جان ۳٫۵ میلیون نفر را خواهد گرفت.

در فاصله سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۶، خشک‌سالی، سیل و توفان حدود ۳۰۰ هزار نفر قربانی گرفت و حدود ۴۲۲ میلیارد دلار آسیب مادی در پی داشت.

تأثیر را در یک دهه آینده خواهد داشت. تأثیر فجایع طبیعی آمیزه‌ای است از بسامد و شدت فاجعه با آسیب‌پذیری افراد، و فعالیت‌های اقتصادی، و دارایی‌ها. تقویت توان مقاومت در برابر این ریسک‌ها تلاشی است در جهت کاهش آسیب‌پذیری و در نهایت تأثیر بالقوه‌تر فحایع طبیعی.

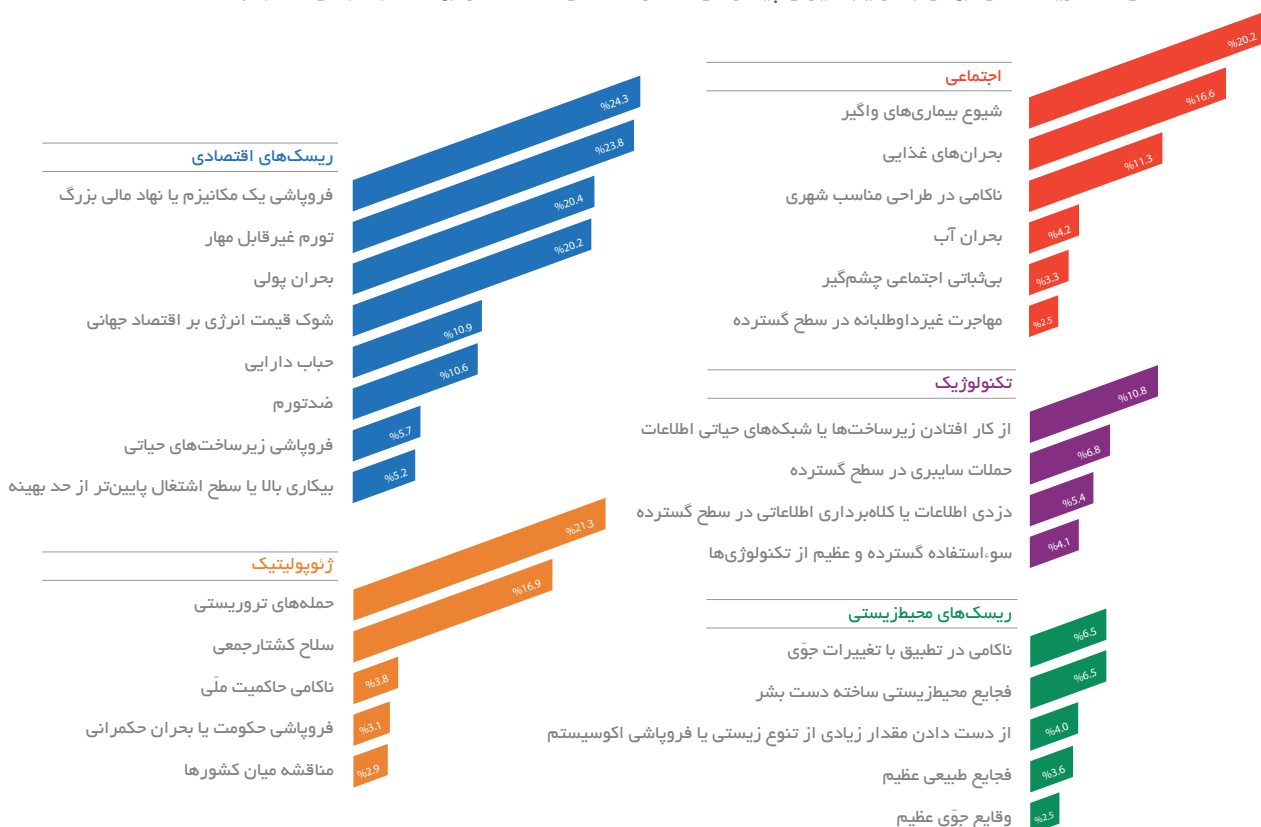
اولین نمونه برنامه‌ای است برای مقابله با بحران آب. در دهه‌های آینده، تغییرات جوی بر فشاری که رشد اقتصادی و توسعه بر منابع آبی زیرزمینی و سطحی تجدیدپذیر گذاشته‌اند، خواهد افزود. از آن‌جا که آب مسأله‌ای است که باید به درستی در سطح محلی مدیریت شود، برنامه‌های موفق که در جای دیگر امتحان شده‌اند باید به کار گرفته شوند. برنامه‌ای که در این گزارش به‌عنوان نمونه آورده‌ایم برنامه حوزه رودخانه مورای دارلینگ در استرالیا است، که در دیگر مناطق آسیا هم تکرار شده است.

تمرکز نمونه دوم بر اقدام جمعی برای ایجاد مقاومت در برابر ریسک است. این برنامه بسیار امیدوارکننده، میزگرد امریکای مقاوم نام دارد، و به جوامع محلی برگزیده در سراسر ایالات متحده امریکا کمک می‌کند تا درهم‌تنیدگی ریسک‌هایی را که با آن‌ها مواجه هستند درک کنند و استراتژی‌های مناسب را برای مقابله با آن ریسک‌ها، که شامل رویدادهای جوی بزرگ هم می‌شود، طرح‌ریزی نمایند. امید

تحلیل و رسیدن به درکی بهتر از ریسک‌های جهانی نخستین گام به سمت تلاش موفق برای مقابله با آن‌ها است. ریسک‌ها را باید به کاراترین نحو به اطلاع مردم، دولت‌ها، کسب‌وکارها و جامعه مدنی رساند. حتی پس از آن هم، اقدام مقتضی در راستای مقابله با ریسک‌ها زمانی ممکن خواهد شد که همه گروه‌های ذی‌نفع بدانند چه باید بکنند و چه الگویی را در پیش بگیرند. با در نظر گرفتن این نکته، گزارش اسامال ریسک‌های جهانی نمونه‌هایی از مدیریت بهینه ریسک و ایجاد توان مقابله و آماده‌سازی در برابر رویدادهای فاجعه‌آمیز جوی، ارائه می‌کند.

تمرکز بر رویدادهای جوی از این رو است که این ریسک با مهاجرت کلان غیرداوطلبانه و ریسک‌های دیگر مرتبط است. ما از شرکت‌کنندگان در پیمایش درک ریسک‌های جهانی سال ۲۰۱۴ پرسیده‌ایم که به‌نظر ایشان چه پیشرفت‌هایی در زمینه کاهش و مقابله با هر ریسک در ده سال گذشته صورت گرفته است (شکل ۳، ۱). بحران آب و ریسک‌های مرتبط با رویدادهای جوی، مثل فجایع طبیعی، از دست رفتن عمده تنوع زیستی و تخریب اکوسیستم، هم در میان پاسخ‌های این افراد کم‌ترین میزان پیشرفت را نشان داده‌اند. علاوه‌براین، بحران آب ریسک جهانی‌ای است که به زعم آن‌ها احتمالاً بیش‌ترین

شکل ۳، ۱: ریسک‌های جهانی به‌ترتیب میزان پیشرفتی که در ۱۰ سال گذشته در جهت مقابله با آن‌ها انجام شده است



چگونه باریسک‌ها مقابله کنیم؟

مثال‌های عملیاتی از تلاش‌های جمعی

حوزه رودخانه موری دارلینگ

حوزه رودخانه موری دارلینگ برای بیش از ۲ میلیون نفر آب تأمین می‌کند، از جمله بیش‌تر جمعیت شهر آدلاید، و نیز ۴۰ درصد از آب کشاورزی استرالیا. نرخ ناپایدار برداشت آب، میزان جریان آب رودخانه را کاهش داده است؛ در سال ۲۰۰۷، کشتی ماشین‌بر دهانه رودخانه موری برای نخستین بار در تاریخ ۷۱ ساله‌اش به گل نشست. از این رو مقامات و سیاست‌گذاران دریافتند که باید کاری برای حل این مشکل و جلوگیری از ادامه این روند انجام دهند. و این بود که برنامه حوزه رودخانه موری دارلینگ طراحی شد و به اجرا درآمد. نخست، باید الگوهای جوی و الگوهای تکه‌به‌تکه جریان آب‌های زیرزمینی و سطحی طراحی می‌شدند، آن‌هم برای منطقه‌ای به وسعت فرانسه. بعد باید این الگوها را در یک الگوی واحد منسجم گردآوری می‌کردند. تیمی متشکل از حدود ۱۰۰ نفر از ۱۵ سازمان از سال ۲۰۰۶ این برنامه را آغاز کردند و الگوهایی برای مدیریت نااطمینانی‌ها و به هم پیوستن الگوهای مختلف طراحی نمودند. نتیجه حدود ۷۰ الگوی مختلف آب‌های زیرزمینی و سطحی شد، و داده‌های مربوط به بیش از یک قرن تغییرات جوی که حجمی ۶۱ هزار گیگابایتی داشت - تقریباً هم‌اندازه کل کتابخانه کنگره آمریکا.

امروز سازمان مسئول حوزه موری دارلینگ - سازمانی دولتی که مسئولیت مدیریت منابع آب این حوزه را دارد - یک وب‌سایت به‌روز دارد که در آن همه می‌توانند سطح آب روزانه و سالانه، سطح نمک آب (میزان بالقوه تولید برق) و دمای آب در همه رودخانه‌های این حوزه، را ببینند. در مسأله‌ای که تصمیم‌گیری‌ها می‌تواند بر زندگی همه مردم تأثیر بگذارد، ایجاد اعتماد اهمیت حیاتی دارد و این برنامه در ایجاد اعتماد نسبت به سیاست‌ها موفق بوده است.

افزایش آگاهی ریسک سیل در ساکسونی؛ تجربه آگاهی‌بخشی درباره ریسک

در ماه اوت سال ۲۰۰۲، سیل‌های شدید تقریباً دو سوم ایالت ساکسونی آلمان را تحت تأثیر قرار دادند. این رویداد فاجعه‌بار به طراحی برنامه سرمایه‌گذاری در زمینه امنیت در برابر سیل انجامید، که شامل ۱۶۰۰ تدبیر مقابله با سیل و ۵۴۸ نقشه ریسک سیل برای همه جوامع در معرض خطر می‌شود. یک برنامه سراسری ملی هم برای افزایش آگاهی درباره سیل آغاز به کار کرد.

اتحادیه بیمه آلمان با همکاری فرمانداری ساکسونی، برای آگاهی‌بخشیدن در زمینه سیل، یک سیستم اطلاعات جغرافیایی آن‌لاین راه انداخت، که زورس نام داشت، و در آن صاحبان خانه، مستأجران و کسب‌وکارها می‌توانند محاسبه دقیق ریسک پیش روی‌شان از جهت سیل، باران‌های موسمی، و زمین‌لرزه را برحسب آدرس‌شان مشاهده کنند. این برنامه از بیش از ۲۰۰ آژانس مدیریت آب در سراسر آلمان و شرکت‌های بیمه مختلف کمک گرفته است تا اطلاعاتی آسان و قابل درک را به رایگان در اختیار مردم بگذارد. این برنامه از زمان آغازش در سال ۲۰۰۱ بیش از ۲۰ میلیون آدرس، و ۲۰۰ هزار کیلومتر رودخانه را تحت پوشش گرفته است.

میزگرد امریکای مقاوم

سیل، توفان، آتش‌سوزی، گردباد و دیگر فجایع طبیعی هزاران نفر را در سراسر جهان می‌کشند یا مجروح می‌کنند، و سالانه میلیاردها دلار هزینه روی دوش امریکا می‌گذارند. عوامل مقاوم‌ساز جامعه در برابر این تهدیدها - توانایی محافظت از خود، جذب فجایع، کاستن از شدت آن‌ها و واکنش مناسب یا احیاء سریع بعد از وقوع - بسته به شرایط محلی متفاوت خواهد بود. اما بسیاری از جوامع حتی به فکر ایجاد مقاومت هم نیافتاده‌اند، چه‌رسد به این‌که کاری در جهت ایجاد آن انجام دهند.

این است که برنامه میزگرد امریکای مقاوم، که از سال ۲۰۱۴ آغاز به کار کرده است، می‌کوشد با جوامع مختلف به طریقی از پایین به بالا همکاری کند. این برنامه قصد آن دارد که در دورنمایی سه ساله تدابیر و راه‌حلهایی را که جوامع مختلف برای ایجاد مقاومت در برابر فجایع اندیشیده‌اند بیاموزد، آن‌ها را پرورش دهد و در جوامع دیگر به کار بندد. این برنامه شامل چند گام است: نخست یک کمیته میزگرد با جوامع مختلف دیدار می‌کند تا آن‌ها را در برنامه مشارکت دهد، و از همه گروه‌ها، از جمله کسب‌وکارهای مختلف، دعوت می‌کند که آراء و یافته‌های خود را با هم در میان بگذارند. در گام دوم ۷۰ نفر برای بازی در یک بازی خاص دعوت می‌شوند که «رویدادهای فاجعه‌آمیز» نام دارد، و در آن هرکس نقشی را اختیار می‌کند (اولین امدادگر، فرد عادی، مقام دولتی و غیره) و در یک شهر مجازی بندری هم‌زمان که سناریویی از یک فاجعه طبیعی در حال رخ دادن است شروع به تصمیم‌گیری می‌کند و در واکنش به رویدادهای تصادفی و غیرمنتظره باید پاسخ‌ها و واکنش‌های درست را بیابد. سوم، مجموعه‌ای از تمرین‌ها طراحی و اجرا خواهند شد تا نقاط ضعف و قوت هر جامعه تعیین شود و براساس آن‌ها مسیر مخصوص هریک از جوامع طراحی و اجرا شود.

نتیجه‌گیری پایانی

بالین که هم‌بستگی فزاینده جهانیان آن‌ها را به هم نزدیک‌تر کرده است، مجموعه گزارش‌های ریسک جهانی بر روی دیگر سکه تأکید گذاشته است: زندگی‌های مردم که پیچیده‌تر می‌شود و مدیریت آن دشوارتر، کسب‌وکارها، دولت‌ها و مردم به یک‌سان مجبور می‌شوند در محیطی که پر است از عوامل نادقیق و نامطمئن، تصمیم بگیرند. در حقیقت، درک دلالت‌های این محیط نامطمئن و افزایش آگاهی نسبت به درهم‌تنیدگی ریسک‌ها، اساس گزارش ریسک‌های جهانی است. اما خوش‌بینانه اگر بنگریم، خوب است که جهان را کد نموده‌اند؛ اهمیت مدیریت ریسک و ضرورت ایجاد مقاومت از مدت‌ها پیش اصلی‌ترین مسأله تصمیم‌گیرندگانی بوده است که می‌دانند ریسک‌ها دیگر ایزوله و تک‌افتاده نیستند و حوزه‌های نفوذ و تأثیرگذاری بسیاری دارند. بر این اساس، نیاز به همکاری و آموختن از تجربه‌هایی یک‌دیگر بیش از پیش احساس می‌شود. ما در تهیه این گزارش، با درس گرفتن از این آموزه تاریخی، تمیزی میان ریسک‌ها و روندها قائل شده‌ایم و امیدواریم این امر به سازمان‌های عمومی و خصوصی در سراسر جهان کمک کند که با این بُعد طبیعت بشر در کاستن از ریسک‌ها و ایجاد مقاومت روبه‌رو شوند. حقیقت این است که شناخت ما از خویشتن در مقام موجودات عقلایی پس از بحران مالی جهان دچار تردید و شبهه شده است، بحرانی که تأثیراتش هنوز در سطح اجتماعی دیده می‌شوند، و بیکاری پایدار، نابرابری فزاینده، جریان‌های مدیریت‌نشده مهاجرت و قطبی‌شدگی ایدئولوژیک از جمله عواملی هستند که جوامع را با سرعتی خطرآفرین به سمت لبه پرتگاه فروپاشی می‌کشاند. شکنندگی اجتماعی حتی ثبات ژئوپولیتیک را هم تهدید می‌کند، زیرا که از بین رفتن همکاری میان دولت‌ها رابطه میان آن‌ها را دشوارتر می‌سازد. و ربع قرن پس از سقوط دیوار برلین، مناقشه میان کشورها بار دیگر یکی از مهم‌ترین ریسک‌ها، از نظر احتمال و تأثیرگذاری، است. بالین حال ابزارهای ایجاد مناقشه متنوع‌تر می‌شوند - از ابزارهای ژئوپولیتیک اقتصادی، مثل تحریم‌های تجاری، تا حمله‌های سایبری به زیرساخت‌های مهم، تا پتانسیل مسابقه جدید تسلیحاتی با اسلحه مرگ‌بار خودکار.

ما در مواجهه با این ریسک‌ها مستأصل و ناتوان نیستیم. همان‌طور که پیش‌تر گفتیم، همکاری چندجانبه گروه‌های مختلف و حکمرانی و مدیریت جهانی نقش مهمی در ایجاد مقاومت و کاستن از ریسک‌ها دارد. از کنفرانس‌های بزرگ میان‌دولتی در سندان و پاریس، تا نهایی کردن اهداف توسعه پایدار، سال ۲۰۱۵ طیف بی‌سابقه‌ای از فرصت‌ها را برای اقدام جمعی در راستای مقابله با ریسک‌های جهانی در خود دارد.

همکاری چندجانبه
گروه‌های مختلف
و حکمرانی و مدیریت جهانی
نقش مهمی در
ایجاد مقاومت
و کاستن از
ریسک‌ها دارد.
از کنفرانس‌های
بزرگ میان‌دولتی
در سندان و
پاریس، تا نهایی
کردن اهداف
توسعه پایدار،
سال ۲۰۱۵ طیف
بی‌سابقه‌ای از
فرصت‌ها را برای
اقدام جمعی در
راستای مقابله با
ریسک‌های جهانی
در خود دارد.



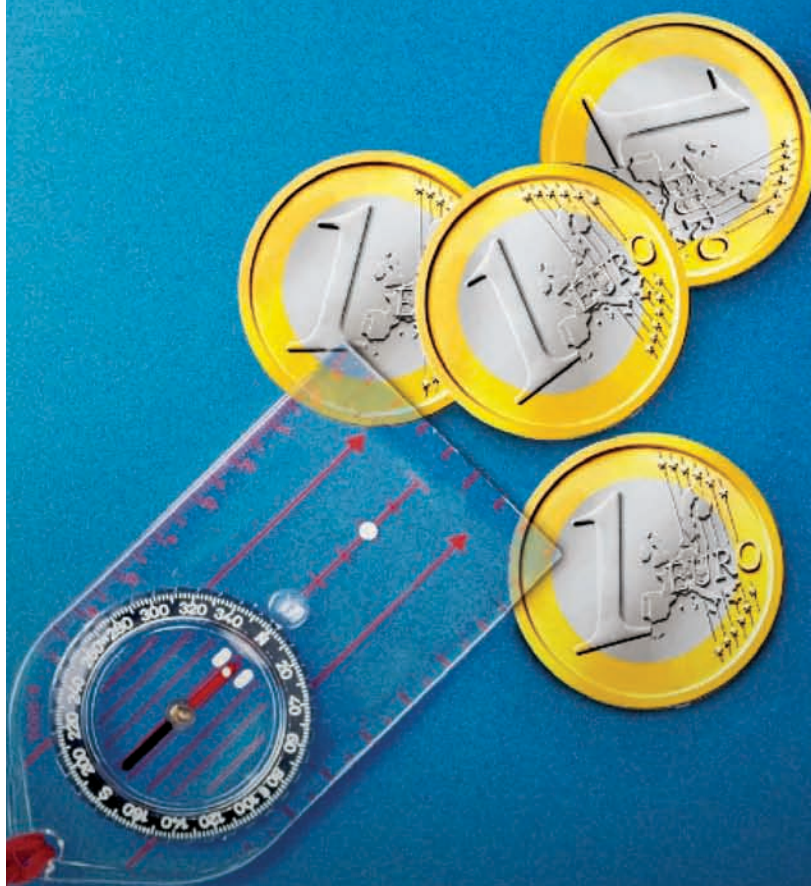
سیاست‌مداران
باید در سال ۲۰۱۵
ریسک بی‌ثبات
شدن اقتصادهای
خود را بپذیرند

سال واگرایی

■ ترجمه محمد امین فقیه

PROJECT ■ SYNDICATE

در سال جاری، «واگرایی» به موضوعی اصلی در اقتصاد جهانی تبدیل خواهد شد و روندها، سیاست‌ها و عملکرد اقتصادی را متأثر خواهد کرد. هر چه در سال جاری جلوتر رویم، رفع این واگرایی‌ها دشوارتر می‌شود و سیاست‌گذاران را با یک انتخاب مواجه می‌کند: یا بر موانعی که تا به امروز مانع اقدامات مؤثر شده‌اند، فائق آیند و یا ریسک بی‌ثبات شدن اقتصادهای خود را بپذیرند. اقتصاد جهانی با سرعت‌های چندگانه در چهار گروه از کشورها نمود خواهد یافت. گروه اول کشورهایی به رهبری آمریکا که روند صعودی‌شان ادامه خواهد داشت. بازار کار این کشورها قوی‌تر خواهد شد و با افزایش مجدد دستمزدها، شاهد افزایش اشتغال‌زایی نیز خواهند بود. منافع حاصل از رشد اقتصادی نسبت به چند سال گذشته توزیع یکنواخت‌تری خواهد داشت، اگرچه اقشار مرفه‌تر همچنان بیشتر منتفع خواهند بود. گروه دوم به رهبری چین با نرخ رشد پایین‌تر نسبت به میانگین‌های تاریخی اخیر به ثبات خواهند رسید و همزمان روند بلوغ ساختارهای خود را ادامه خواهند داد. این کشورها جهت‌گیری مدل‌های رشد خود را برای پایداری بیشتر تغییر خواهند داد - اقدامی که بی‌ثباتی دوره‌ای بازارهای مالی جهانی آن را دچار مشکل می‌کند، اما باعث توقف آن نمی‌شود. این کشورها می‌کوشند بازارهای داخلی خود را گسترش دهند، چارچوب‌های قانونی را بهبود دهند، بخش خصوصی را تقویت نمایند و حوزه مدیریت اقتصادی بازارمحور را وسیع‌تر کنند. در گروه سوم به رهبری اروپا، همزمان با ادامه تلاش‌ها، رکود اقتصادی به سرخوردگی‌های اجتماعی و سیاسی در برخی کشورها دامن می‌زند و باعث پیچیده شدن سیاست‌های منطقه‌ای می‌شود. رشد آهسته، عوامل انقباضی و مجموعه‌های بدهی‌های بیش از اندازه مانع سرمایه‌گذاری می‌شوند و تعادل ریسک را بر هم می‌زنند. در بیشتر اقتصادهایی که با مشکل روبه‌رو هستند، بیکاری به ویژه در میان جوانان به شدت زیاد و ادامه‌دار خواهد بود. گروه آخر کشورهای غیر قابل پیش‌بینی هستند که اندازه و ارتباطات آن‌ها با یکدیگر اهمیتی اساسی خواهد داشت. بارزترین نمونه این کشورها روسیه است. رئیس‌جمهور این کشور، ولادیمیر پوتین، در مواجهه با رکود اقتصادی روبه‌رشد، نزول پول ملی، خروج سرمایه و کمبودهای ناشی از



فرار از مالیات دشمن اصلی یونان

الگوی از اینکه مساله مالیات
تاچه حد می تواند اقتصاد یک کشور را در تنگنا قرار دهد

Bloomberg

نخست وزیر جدید یونان، الکسیس سیپراس، بر سر تقاضای کشورش برای رهایی از برنامه ریاضتی و کوهی از بدهی، با صدراعظم آلمان، آنگلامرکل، در کشمکش است اما در همین حال هزاران یونانی فقیر بی صبرانه منتظر پیروزی آقای نخست وزیر از طریق محکوم کردن یونانی های ثروتمند و شرکت هایشان هستند که از پرداخت مالیات فرار می کنند. وعده نخست وزیر یونان برای تحت فشار قرار دادن کسانی که مالیات کافی نمی پردازند و یا به طور کامل از آن فرار می کنند، به پیروزی او کمک کرد و یک روز پس از انتخابات ۲۵ ژانویه، اعداد و ارقام وزارت دارایی این کشور نشان می داد که درآمد دولت در سال گذشته ۵۱/۴ میلیارد یورو و کمتر از هدف ۵۵/۳ میلیارد یورویی بوده است، که بخشی از آن مربوط به عدم تحقق ۴ میلیارد یورو درآمد مالیاتی می شود. نخست وزیر جدید یونان در همین زمان خطاب به پارلمان گفت: «تبرّد اصلی ما علیه معضل فرار از مالیات است، که دلیل واقعی به ورطه افتادن کشور هم همین است.» آقای سیپراس نخست وزیر جدید می گوید دولت او فهرستی از دارایی های هر یک از شهروندان یونانی تهیه خواهد کرد و از افراد دارای سپرده های بزرگ حسابرسی خواهد نمود. این فهرست شامل صدها یونانی می شود که در یکی بانک های خصوصی در ژنو دارای سپرده هستند. اما آلمان که بزرگ ترین بستانکار یونان در منطقه است و نقش اساسی در ماندن این کشور در منطقه یورو دارد تردید دارد که رهبران جدید یونان بتوانند فراریان از مالیات را پیدا کنند. وزیر دارایی آلمان، در دیدار با همتای یونانی خود در برلین گفت پیشنهاد خود را برای فرستادن ۵۰۰ مقام مالیاتی آلمانی به یونان برای حل مشکل تکرار کرده است، اما این پیشنهاد تاکنون پذیرفته نشده است. او می گوید: «ما این موضوع را به خوبی می دانیم و از آن حمایت می کنیم که صاحبان ثروت در یونان باید در رفح بحران مشارکت داشته باشند، این که میزان مالیات در حال افزایش است و این که کارآمدی مدیریت مالیات در حال بهبود است.» از سال ۲۰۰۹ تاکنون که کسری بودجه یونان آشکار شد، اصلاح نظام مالیاتی این کشور برای افزایش کارآمدی و عدالت، موفقیت های کمی داشته است. طبق بررسی اتحادیه صنایع یونان در همین سال، هزینه فرار از مالیات برای درآمد سالانه این کشور حدود ۳۰ میلیارد یورو برآورد شده است. مطالعه ای توسط اتحادیه اروپا در سال ۲۰۱۲ تخمین زده است که ۲۴ درصد از اقتصاد یونان توسط کسب و کارهایی تولید می شود که مالیات نمی پردازند. دولت با لغو تخفیف های مالیاتی و جریمه شرکت هایی که رسید صادر نمی کنند، حلقه فشار را تنگ تر کرد و توانست فروش شرکت ها و بدهی مالیاتی آن ها را ردیابی کند. حالا شرکت ها موظفاند مدارکی را به زبان یونانی و انگلیسی امضا کنند که تصریح می کند مشتریان در صورت عدم دریافت رسید، ملزم به پرداخت هزینه نیستند. طبق گزارش سال گذشته اتحادیه اروپا، یونان یکی از بیشترین افزایش ها را در درآمد مالیاتی به عنوان درصدی از تولید ناخالص داخلی در اروپا از سال ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۲ داشته است. با این حال، دریافت مالیات این کشور همچنان زیر میانگین اتحادیه اروپا است.

کاهش واردات، باید تصمیم بگیرد که آیا مایل به تغییر رویکرد خود نسبت به اوکراین، از سرگیری روابط با غرب برای لغو تحریم ها و ایجاد اقتصادی پایدار و متنوع هست یا خیر. گزینه دیگر تلاش برای انحراف نارضایتی های عمومی در داخل با گسترش مداخلات در اوکراین است. این رویکرد به احتمال زیاد منجر به دور جدیدی از تحریم ها و اقدامات متقابل با آن ها خواهد شد و روسیه را وارد رکود عمیق تری خواهد کرد. و شاید باعث بی ثباتی سیاسی و ریسک بیشتری در سیاست خارجی شود. و اوضاع بد اقتصاد اروپا را وخیم تر خواهد کرد.

کشور غیر قابل پیش بینی دیگر برزیل است. رئیس جمهور این کشور، دیلما روسف، که تا مرز شکست در انتخابات اخیر پیش رفت، تمایل خود را به بهبود مدیریت اقتصاد کلان، شامل مقاومت در برابر بازگشت به حکومت محوری، نشان داده است، که البته منافع احتمالی آن در حال حاضر در مقایسه با زبان های جانبی و پیامدهای نامطلوبش کم رنگ تر هستند. اگر وی موفق شود، کشورش در کنار مکزیک به ثبات بیشتر آمریکای لاتین در سال ۲۰۱۵ کمک خواهد کرد و باعث خواهد شد منطقه بر اثرات مخرب اقتصاد ونزوئلا که متأثر از کاهش قیمت نفت است، فائق آید.

این عملکردهای اقتصادی با سرعت های چندگانه منجر به سیاست های چندمسیره بانک های مرکزی خواهند شد و همزمان فشارها برای سیاست های پولی و اگر، به ویژه در اقتصادهای پیشرفته و دارای اهمیت سیستماتیک، تشدید می شوند. بانک مرکزی آمریکا که پیش از این خرید دارایی های بلندمدت خود را در مقیاس بزرگ متوقف کرده است، ممکن است تصمیم به افزایش نرخ بهره در سه ماهه چهارم ۲۰۱۵ بگیرد. در مقابل، بانک مرکزی اروپا تسهیل کمی به شیوه خاص خود را ادامه خواهد داد و در سه ماهه نخست سال جاری مجموعه ای از تدابیر جدید را برای گسترش ترازنامه خود آغاز خواهد کرد. بانک مرکزی ژاپن رویکرد افزایش حداکثری محرک های پولی را ادامه خواهد داد. بدیهی است که نمی توان برای واگرایی به لحاظ نظری حدودی قائل شد. مسئله این است که تغییرات نرخ تبادل ارز امروزه تنها سازوکار برای حل مشکلات است و شکاف بین ارزش گذاری ها و اصول اساسی بازاریابی خاص به اندازه ای افزایش یافته است که قیمت ها را در معرض نوسان های دوره ای قرار داده است.

برای ایالات متحده، ترکیب اقتصاد قدرتمندتر و سیاست حمایت پولی کمتر، نرخ تبادل دلار را در برابر یورو و ین - که پیش از این نیز به شدت افزایش یافته است - بیش از پیش بالا خواهد برد. با وجود کشورهای اندکی که امکان تقویت ارز خود را فراهم می کنند، روند افزایشی دلار به قوت خود باقی می ماند و می تواند مخالفت سیاسی داخلی را برانگیزد. علاوه بر این، با دشوارتر شدن ایفای نقش تنظیم کنندگی بازارهای ارز، ممکن است بین کشورها تنش هایی به وجود آید. این امر می تواند محل آرامش نامعمولی شود که اخیرا بر بازارهای سهام حاکم شده است. خوشبختانه راه هایی وجود دارد که مطمئن شویم واگرایی ها در سال ۲۰۱۵ منجر به اختلالات اقتصادی و مالی نمی شوند. در واقع، بیشتر دولت ها - به ویژه در اروپا، ژاپن و ایالات متحده - ابزارهای لازم را برای خنثی کردن تنش های روبه رشد و به طور همزمان، آزادسازی قابلیت های سازنده اقتصادهای خود دارند.

پیش از این توافق گسترده، البته نه جهانی، در میان اقتصاددانان درباره اقدامات لازم در سطوح ملی، منطقه ای و جهانی شکل گرفته است. بنابراین، مسئله جلوگیری از قابلیت های مخرب واگرایی به طراحی سیاست ها مربوط نمی شود؛ بلکه به پیاده سازی سیاست ها مربوط می شود و درک درست این موضوع نیازمند اراده سیاسی قوی و پایدار است. فشارها برای مواجهه با ریسک های واگرایی بر سیاست گذاران در سال آینده افزایش خواهد یافت. پیامدهای عدم اتخاذ تمهیدات لازم تا سال های بعد از آن نیز ادامه خواهد داشت.

طبق گزارش
سال گذشته
اتحادیه اروپا،
یونان یکی
از بیشترین
افزایش ها را در
درآمد مالیاتی به
عنوان درصدی
از تولید ناخالص
داخلی در اروپا
از سال ۲۰۱۱
تا ۲۰۱۲ داشته
است. با این
حال، دریافت
مالیات این کشور
همچنان زیر
میانگین اتحادیه
اروپا است.

تاحدی ریاضت بیشتر

اثرات جانبی مبارزه با فساد در
چین: آیا نباید مقصد کارت‌های
هدیه را کنترل کرد؟

the guardian

زمانی که چین برای استقبال از سال نوی چینی در زمستان آماده می‌شد، شهروندان پکن تلاش می‌کردند سال نو را مانند گذشته جشن بگیرند. فانوس‌های کاغذی قرمز رنگ با تزیینات زیبا در مغازه‌ها و خانه‌ها دیده می‌شد. قطارها مملو از جمعیتی بودند که برای دیدار اقوام و آشنایان به سمت روستا می‌رفتند. اما شهروندان پکنی، پیش‌بینی می‌کنند سال جدید چینی کم‌بارتر از گذشته باشد. در سال‌های گذشته، شرکت‌ها، به ویژه شرکت‌های وابسته به دولت، اغلب کارت‌های هدیه‌ای به کارمندان خود می‌دادند تا در فروشگاه‌های زنجیره‌ای و بزرگ خرید کنند. اما با کمپین ضدفساد دولت شی جین‌پینگ، بسیاری از کارفرمایان سخاوت کمتری به خرج می‌دهند. شی در مبارزه پُرسروصدای خود با تحصیل مال نامشروع، فرهنگ ارتشا و دریافت حق‌وحساب را در میان نخبگان سیاسی و سازمانی هدف گرفته است و بیش از ۷۰ هزار نفر از مقامات رسمی را در سال گذشته به دلیل تخطی از قوانین ضدفساد مجازات کرده است. اهداف نامشهودتری



نیز قربانی این کمپین شده‌اند، و آن خرده‌فروشان وابسته به فروش کارت‌های هدیه می‌باشند. این کارت‌ها دارای ارزش ۱۰۰ یوان (۱۶ دلار) تا ۱۰۰۰ یوان بودند و شرکت‌ها به راحتی آن‌ها را به میزان انبوه می‌خریدند و در مناسبت‌های مختلف به کارمندان خود می‌دادند. این کارت‌ها همچنین حریم خصوصی کارمندان را حفظ می‌کردند، زیرا برای تهیه این کارت‌ها و خرید با آن‌ها، نیازی به ارائه مشخصات فردی نبود. مأموران مبارزه با فساد رئیس‌جمهور شی جلوی این کارت‌های پلاستیکی غیرقابل ردگیری را گرفتند. اکنون افراد باید نام واقعی خود را هنگام خرید با این کارت‌ها ذکر کنند و همین امر بسیاری از خریداران بالقوه را درباره استفاده از این کارت‌ها مردد کرده است، زیرا اکنون پلیس توانایی رهگیری هرگونه جابه‌جایی کارت‌ها را دارد. یک مقام شرکت بوکام، زیرمجموعه بانک دولتی ارتباطات در هنگ کنگ، می‌گوید: «اگر من یکی از مقامات یک سازمان دولتی باشم و تعداد زیادی از این کارت‌ها را بخرم، می‌توانند از من بپرسند این تعداد کارت را به چه دلیل و برای چه کسانی می‌خرید؟ این کار ممکن است ایجاد

مشکل کند.»

اما از طرف دیگر کاهش تقاضا برای این کارت‌ها در خرده‌فروشی‌ها وحشت ایجاد کرده است. آنچنانکه با کاهش فروش کارت‌های هدیه، سهام سان‌آرت، مجری یک هاپرمارکت که حاصل سرمایه‌گذاری مشترک شرکت اوشان فرانسه و رونتکس تایوان است و با بیش از ۳۷۰ فروشگاه در سراسر چین ۲۹ درصد ارزش خود را در سال گذشته از دست داد. پیش از آغاز کمپین ضدفساد، حدود ۱۷ درصد فروش سان‌آرت مربوط به کارت‌های هدیه‌ای بود که خریداران در فروشگاه‌ها استفاده می‌کردند. سال گذشته، در جشن نیمه پاییز، که عیدی سنتی و یکی از زمان‌های اوج خرید در چین است، فروش کارت‌های هدیه سان‌آرت تقریباً ۲۰ درصد کاهش داشت. به گفته مدیرعامل سان‌آرت، این کاهش به ویژه به این دلیل نگران‌کننده است که مشتریان هنگام استفاده از کارت‌ها، با دست بازتری خرید می‌کنند. وی می‌گوید: «وقتی مردم این کارت‌ها را به طور رایگان دریافت می‌کردند، شاید احتیاط کمتری نسبت به زمان خرید نقدی داشتند.» سایر خرده‌فروشان نیز با کاهش شدید فروش در اثر محدودیت برای کارت‌های هدیه مواجه هستند. بنابر آمارها سایر فروشگاه‌های زنجیره‌ای در این کشور نیز به‌طور مشابه کاهش ۴ تا ۷ درصدی فروش در سال گذشته داشته‌اند.

کمپین ضدفساد دولت چین بیش از یک سال است که آغاز شده است و نشانه‌ای از عقب‌نشینی در آن دیده نمی‌شود. با توجه به شدت کمپین مبارزه با فساد، بسیاری از کارفرمایان در دادن انواع مختلف هدایا صرفه‌جویی می‌کنند. یوگانگ چن، یکی از شرکای مک‌کنزی در شانگهای، می‌گوید: «تشخیص فساد از غیرفساد مشکل است.» به همین دلیل، بیشتر مقامات دولت و مدیران شرکت‌های دولتی «جانب احتیاط را نگه می‌دارند.»

حفظ روند رشد در هند

پیشرفت ممکن است اگر: به سرمایه‌های فیزیکی
و انسانی توجه و سیاست‌های مالی و پولی عاقلانه‌ای دنبال شود

The
Economist

افت سرعت رشد جهانی بر روی رشد هند نیز بی‌تأثیر نبوده است. حفظ روند رشد لازم برای نجات میلیون‌ها هندی از فقر نیازمند بازنگری در رویکرد سیاست‌های اقتصادی این کشور است. اگر هند می‌خواهد در این کار موفق شود، باید نهادهای اقتصاد کلان خود را تقویت نماید و به نبرد برای دستیابی به نظام آزاد جهانی بپیوندد. تحقق این آرزوها نیازمند سرمایه‌گذاری‌هایی برای ارتقای کارآمدی، به ویژه در حوزه زیرساخت‌ها است. چهار گوشه این کشور باید از طریق جاده، راه‌آهن، بندر و فرودگاه به بازارهای داخلی و بین‌المللی متصل گردد.

ورودی‌هایی مانند انرژی، موادمعدنی و آب باید با قیمت‌های رقابتی در دسترس قرار گیرد. این کشور باید به بازارهای گسترده‌تر متصل شود و دسترسی به منابع مالی، به ویژه برای کسانی که به طور سنتی کنار گذاشته شده‌اند، تسهیل گردد. طرح‌های رسیدن به این اهداف در دست توسعه تهیه شده و اکنون زمان پیاده‌سازی آن‌ها است.

همچنین، سرمایه‌انسانی باید بهبود یابد و این کار مستلزم سرمایه‌گذاری بیشتر در بخش سلامت، تغذیه و بهداشت برای داشتن شهروندانی سالم و توانا؛ تحصیلات متناسب با مهارت‌های ارزشمند در بازار کار؛ و اشتغال‌زایی در شرکت‌هایی است که برای

سرمایه‌گذاری بر روی آموزش دارای انگیزه هستند. برای رسیدن به همه این‌ها، نظام اداری باید در خدمت اقتصاد باشد، اما در بسیاری موارد عکس این موضوع صادق است. رهبری سیاسی این کشور اعتقاد خود را به کوچک کردن دولت و افزایش نظارت ابراز کرده است.

تقویت رشد از طریق تقاضای داخلی باید با دقت مدیریت شود. هند به عنوان کشوری که به هیچ یک از بلوک‌های قدرت تعلق ندارد، نمی‌تواند خود را در معرض نیاز به حمایت‌های چندجانبه قرار دهد. دامی که حتی کشورهای توسعه‌یافته‌ای مانند پرتغال و اسپانیا در آن گرفتار شدند. اما با افزایش کسری و بدهی‌های حساب‌های جاری به دلیل کسری مالی، خطر تحریک بیش از حد بازار وجود دارد که در صورت کمبود نقدینگی، ناگهان ناپایدار می‌شود. معبود اقتصادهای در حال ظهوری که از نوسان ناگهانی اجتناب کرده‌اند، از طریق توسل به چارچوب‌های



چرا اقتصاد روسیه فرو نخواهد پاشید

واقعیت‌هایی درباره اقتصاد روسیه که غرب نادیده می‌گیرد

PROJECT SYNDICATE

تنزل پرشتاب روبل، با وجود افزایش قابل توجه - و ظاهراً دیر هنگام و از فرط استیصال - نرخ بهره توسط بانک مرکزی روسیه در ماه گذشته، شبیح فروپاشی اقتصاد این کشور را بیدار کرده است. در واقع، غرب تلاش نموده است در رویارویی خود با رئیس‌جمهور روسیه، این شبیح را زنده کند. اما با وجود این که اقتصاد روسیه بی‌تردید با مشکل مواجه است، فروپاشی آن بعید به نظر می‌رسد. نفت و گاز بیش از ۶۰ درصد صادرات روسیه را به خود اختصاص می‌دهند، و بیشتر مابقی آن مربوط به سایر مواد اولیه است. به این ترتیب، سقوط ناگهانی قیمت‌های جهانی نفت بی‌شک ضربه بزرگی به اقتصاد این کشور بوده است که در ترکیب با اثرات تحریم‌های رو به افزایش غرب، رکود قابل ملاحظه‌ای را به همراه داشته است. آن چه اوضاع را برای این کشور وخیم‌تر می‌کند، این است که انتظار می‌رود قیمت مواد اولیه برای مدتی پایین بماند. در این وضعیت، اثرات مخرب از دست رفتن درآمد، موقت نخواهد بود. اما روسیه نیز به لحاظ اقتصادی چندان بی‌دست‌وپا نیست؛ دست‌کم هنوز به این وضعیت نرسیده است. شرایط امروز تفاوت

زیادی با سال ۱۹۹۸ دارد که روسیه با کسری دوگانه مالی و حساب جاری دست به گریبان بود. روسیه در آن زمان نیاز شدیدی به وام داشت و به شدت شروع به وام گرفتن با ارزهای خارجی کرد. با تنزل بهای روبل، میزان بدهی‌های روسیه افزایش یافت و سرانجام، این کشور در پرداخت بدهی‌های خود ناتوان ماند. اما در مقابل، روسیه در سال‌های اخیر مازاد قابل توجه بودجه داشته است و بدهی‌های عمومی آن کم‌تر از ۲۰ درصد تولید ناخالص داخلی است. درست است که درآمد این کشور از صادرات نفت و گاز، که بخش اعظم درآمدهای دولت را تشکیل می‌دهد، بر حسب دلار نصف شده است؛ بهای ارز این کشور نیز تقریباً به همین اندازه بر مبنای درصد کاهش یافته است و این یعنی درآمد دولت به روبل تقریباً بدون تغییر خواهد ماند. به همین ترتیب، تراز حساب جاری روسیه نیز به طور کلی در سال‌های اخیر مازاد داشته است. بدهی‌های عمومی و خصوصی ناخالص کمتر از ۴۰ درصد تولید ناخالص داخلی این کشور است و میزان زیادی از آن به روبل است. سقوط ناگهانی درآمد حاصل از صادرات به سرعت در حال تغییر شرایط است، اما روسیه نقطه اتکالی لازم را برای شروع مجدد دارد

و هنوز برای به وحشت افتادن این کشور زود است. سقوط ارزش روبل بیش از همه معلول خروج سرمایه از این کشور است. متنفذین مشهور روسیه پیش‌تر ثروت خود را خارج از این کشور ذخیره کرده‌اند، اما پس‌انداز قابل توجهی نیز در کشور خود دارند. آن‌ها با وخامت شرایط اقتصادی و سیاسی، به احتمال زیاد پول‌های بیشتری را خارج خواهند کرد. صاحبان سرمایه‌های کوچک نیز دلایل زیادی برای تبدیل دارایی‌های خود به ارزهای خارجی دارند. شرایط فوق‌بانک‌مرکزی روسیه را در وضعیت دشواری قرار می‌دهد. تنزل بهای روبل وابسته به تورم قیمت سوخت است که در حال حاضر نزدیک به ۱۱ درصد است و از هدف ۵ درصدی بانک مرکزی روسیه بسیار بیشتر می‌باشد. در این شرایط، افزایش زیاد نرخ بهره توجه عقلانی دارد و مقامات روسیه می‌توانند امیدوار باشند که این کار خروج سرمایه را کاهش دهد. با این حال، این خطر وجود دارد که اگر تصمیم به افزایش نرخ بهره به عنوان اقدامی برای دفاع از ارز کشور قلمداد شود، نتیجه عکس بدهد. مشکل اینجا است که نرخ بهره بیشتر منجر به رکود بیشتر روسیه می‌شود و بانک‌مرکزی را سپر بلا قرار می‌دهد در حالی که بانک‌مرکزی مسئول معضلات روسیه - تنزل روبل، رکود اقتصادی و افزایش تورم - نیست و استفاده از نرخ بهره برای جلوگیری از خروج سرمایه همواره با شکست مواجه بوده است. در این وضعیت انگشت اتهام را به جای بانک‌مرکزی باید به سمت سیاستمداران این کشور گرفت. البته پوتین تاکنون خوش‌اقبال بوده است. او درست زمانی به قدرت رسید که قیمت نفت رو به افزایش گذاشته بود. اقبال اقتصادی او، در کنار آمادگی‌اش برای ایستادگی در برابر غرب، تصویری در روسیه ایجاد کرده است که این کشور دوباره یک ابرقدرت جهانی شده است.

پوتین تاکنون خوش‌اقبال بوده است. او درست زمانی به قدرت رسید که قیمت نفت رو به افزایش گذاشته بود. اقبال اقتصادی او، در کنار آمادگی‌اش برای ایستادگی در برابر غرب، تصویری در روسیه ایجاد کرده است که این کشور دوباره یک ابرقدرت جهانی شده است.



کند. مثلاً، ثبت اختراع یک دارو برای هند ضروری‌تر از جلب رضایت شرکت‌های داروسازی بین‌المللی است. هند باید شفافیت سیاست‌های خود را تضمین کند و نیز اطمینان حاصل نماید که اختلاف‌نظرها، به ویژه درباره مالیات، هر چه سریع‌تر حل و فصل می‌شوند. تلاش‌های دولت این کشور به این منظور پیش از این آغاز شده است. در نهایت، هند به عنوان کشوری که صادرکننده منابع طبیعی اساسی نیست و وابسته به واردات منابع اولیه است، باید نظام مالی و تجارت بین‌المللی باز، رقابتی و پرتحرکی داشته باشد. برای مثال، امنیت انرژی هند وابسته به مالکیت دارایی‌های نفتی در کشورهای دور و شکننده نیست، بلکه مستلزم روند مناسب بازار نفت و عدم بروز اختلال در آن است. وجود نهادهای مستقل و چندجانبه که بتوانند نقش میانجی‌گری بی‌طرف را در تسهیل معاملات اقتصادی بین‌المللی ایفا کنند، به نفع هند است.

خانوارهای آن‌ها ضعیف‌تر است. اقدامات ضدتورمی، در صورت لزوم، باید دارای شیب ملایم باشد. بانک‌مرکزی هند همچنین باید به ثبات مالی نیز توجه کند. این موضوع معمولاً هدفی ثانویه است، اما اگر اقتصاد ناگهان با کاهش تورم و افزایش قیمت دارایی مواجه شود، می‌تواند به موضوع اصلی بدل شود. باید به یاد داشت که نقش بانک‌مرکزی افزایش قیمت سهام نیست، بلکه این است که تضمین کند بنیان‌های اقتصاد و نظام مالی آن شرایط را برای رشد پایدار فراهم می‌کنند. هند در آینده قابل پیش‌بینی با کسری حساب جاری مواجه خواهد بود و این یعنی به تأمین مالی خالص خارجی نیاز خواهد داشت. باثبات‌ترین نوع تأمین مالی خارجی، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی است که این مزیت را نیز دارد که فناوری‌ها و روش‌های جدیدی را به همراه می‌آورد. با این حال، هند نباید منافع خود را قربانی جذب سرمایه‌گذاری‌های مستقیم خارجی

سیاستی درست موفق به این کار شده‌اند. دوراندیشی مالی در این زمینه ضروری است. این که آیا هند به نهادهای بیشتری برای کنترل کسری و نظارت بر کیفیت بودجه خود نیاز دارد، جای بحث دارد. تعدادی از کشورها، سازمان‌های مستقلی برای رسیدگی به بودجه دارند. این سازمان‌ها اهمیت خاصی در ارائه برآوردهای بودجه به ویژه برای دیون بلندمدت فاقد بودجه دارند. همان‌گونه که تجربه کشورهای توسعه‌یافته نشان می‌دهد، ایجاد تعهدات مالی بلندمدت، مانند مستمری‌ها و برنامه‌های سلامت همگانی، آسان، اما تحقق آن‌ها دشوار است. به لحاظ پولی، بانک‌مرکزی هند باید تلاش خود را معطوف به ثابت نگه‌داشتن تورم نماید تا شرایط بهینه برای رشد مهیا شود. اما این بانک در عین توجه به تورم، باید بداند که بازارهای در حال ظهور به اندازه اقتصادهای صنعتی انعطاف‌پذیر نیستند. این بازارها شکننده‌تر هستند و شبکه‌های امنیتی و سپر اقتصادی



بازارها، یک گام به پیش

در رده‌بندی سالانه بلومبرگ کشورهای کره جنوبی و چین و کشورهای حوزه خلیج فارس در صدر بازارهای در حال توسعه قرار دارند

می‌شود. به گزارش بانک کره، اقتصاد کره جنوبی با رشد بی‌رمق ۰/۴ درصدی در سه‌ماهه پایان سال گذشته پیش می‌رفت.

چین: آمارها و نظرسنجی‌های کارشناسان ما در بلومبرگ نشان می‌دهد که بازارهای چین تأثیری از بحران بازارهای در حال ظهور نپذیرفتند و شاخص ترکیبی شانگهای، بعد از سقوط ناگهانی ۳/۹ درصدی در سال ۲۰۱۳، ۵۸ درصد در سال ۲۰۱۴ رشد داشت که شامل سرمایه‌گذاری مجدد سودهای به‌دست آمده می‌شد. اونیل که مبدع اصطلاح کشورهای «بریکس» در سال ۲۰۰۱ برای نشان دادن قدرت اقتصادی روبه‌رشد برزیل، روسیه، هند و چین بوده، می‌گوید: «من نمی‌فهمم چرا مردم این قدر به چین منفی نگاه می‌کنند. حدس می‌زنم چین در دهه جاری در هر سال ۷/۵ درصد رشد داشته باشد. تاکنون میانگین رشد آن بین سال‌های ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۴ نزدیک به هشت درصد بوده است.»

قطر و امارات: ام‌اس‌سی‌آی، شرکتی نیویورکی که شاخص‌های مختلف سهام را منتشر می‌کند، کشورها را بر اساس انواع مختلف معیارها به دو دسته بازارهای در حال ظهور و بازارهای سرحد ورود به بازارهای در حال ظهور تقسیم می‌کند. این معیارها شامل حجم مبادلات، محدودیت‌های سرمایه‌گذاری خارجی، مدیریت سازمانی و ثبات ارزی و سیاسی می‌شود. براساس این معیارها، در سال ۲۰۱۴ قطر و امارات از جایگاه سرحد به جایگاه در حال ظهور منتقل شدند و البته همین امر به آن‌ها کمک کرد ۳۷/۵ میلیارد دلار از سرمایه بازارهای در حال ظهور را جذب کنند.

عربستان: در ادامه همین آمارها، عربستان سعودی به عنوان بازار سرحد در نظر گرفته شده است، زیرا این کشور سرمایه‌گذاری مستقیم را در بازارهای خود به شش عضو شورای همکاری خلیج فارس محدود کرده است. دیگر کشورها تنها می‌توانند از طریق تبادل و یا سرمایه‌های قابل معامله در بورس (ای‌تی‌اف) در این کشور سرمایه‌گذاری کنند. عربستان البته اعلام کرد درصدد لغو این محدودیت‌ها است. به گفته دو کارشناس آشنا به موضوع، ممکن است دولت این کشور به زودی این کار را انجام دهد. سباستین لایبلیچ، مدیر تحقیقات شاخص ام‌اس‌سی‌آی در ماه ژوئیه به بلومبرگ گفت این امر شرایط را برای انتقال این کشور به فهرست بازارهای در حال ظهور در سال ۲۰۱۷ مهیا می‌کند. شاخص بازار بورس عربستان، در ۱۲ ماه منتهی به ژانویه سال جاری، ۲/۸ درصد کاهش داشت. در فهرست سهام این بازار، شرکت صنایع پایه سعودی، یکی از بزرگ‌ترین تولیدکنندگان محصولات پتروشیمی در جهان؛ بانک الراجحی، بزرگ‌ترین بانک قرض‌الحسنه، و هولدینگ پادشاهی، مجرای سرمایه‌گذاری شاهزاده میلیاردر عربستان، ولید بن طلال قرار دارند. کاهش قیمت نفت به طور حتم تأثیر منفی بر بودجه صادرکنندگان نفت و گاز خلیج فارس خواهد گذاشت. دولت عربستان سعودی

حال ظهور برای سرمایه‌گذاری در سال ۲۰۱۵ قرار دارد و قطر در رده دوم، چین در رده سوم و امارات متحده عربی در رده چهارم جای دارند. عربستان سعودی در بالای فهرست مطمئن‌ترین بازارهای سرحد - و نه بازارهای در حال ظهور - قرار دارد. مارک موبیوس که به عنوان مدیر اجرایی «گروه بازارهای در حال ظهور تمپلتن» می‌گوید: «هم کره جنوبی و هم چین در این مقطع بازارهای جذابی به نظر می‌رسند.» او با اشاره به این موضوع که این کشورها واردکننده نفت هستند، می‌گوید: «هر دوی این بازارها از قیمت پایین نفت و رشد اقتصادی نسبتاً بزرگی بهره‌مند خواهند شد.»

کره جنوبی: به گفته هارتموت ایسل، مسئول بخش سرمایه‌گذاری آسیا و اقیانوسیه شرکت خدمات مالی یوبی‌اس، بیش از نیمی از سرمایه‌گذاری‌های شاخص در بورس کره جنوبی مربوط به صادرکنندگان است. سامسونگ به تنهایی ۱۷ درصد بازار را در اختیار دارد و به همین دلیل، سرنوشت بورس کره تا حد زیادی به اوضاع مشتریان بزرگ مثل آمریکا بستگی دارد. «البته ضعف رقابتی کره جنوبی در برابر ژاپن باعث کاهش خوش‌بینی‌ها درباره این کشور می‌شود. جیم اونیل، مسئول بازنشته شرکت مدیریت دارایی گلدمن‌سچ، می‌گوید: «یکی از مسائل اصلی بازار کره ارزش وُن در برابر یُن است.» در تاریخ ۱۲ ژانویه، یُن وارد هفتمین سال ارزش نازل خود در برابر دلار شد. بهای کمتر ارز باعث ارزان شدن کالاهای صادراتی

تا اواسط ماه دسامبر ۲۰۱۴، شرایط کاملاً مانند سال ۱۹۹۸ به نظر می‌رسید. سهام، اوراق قرضه و ارزها در تمام کشورهای در حال توسعه به سرعت در حال سقوط بودند؛ درست مانند ۱۶ سال قبل که روسیه با قصور در پرداخت بدهی‌های خود، سرمایه‌گذاران را غافلگیر کرد. در روز ۱۵ دسامبر، شاخص بلومبرگ درباره ۲۰ ارز با بازارهای بزرگ در حال ظهور به پایین‌ترین سطح خود در این دهه سقوط کرد. با کاهش قیمت نفت و ادامه تحریم‌های بین‌المللی، روبل روسیه برای نخستین بار از مرز ۶۴ واحد در برابر دلار پایین‌تر رفت. اوراق قرضه صادرشده توسط غول نفتی برزیل، پتروبرس، به دنبال تحقیقات درباره فساد گسترده در این شرکت به شدت سقوط کرد. طبق داده‌های گردآوری‌شده توسط بلومبرگ، تنها در ماه دسامبر، سرمایه‌گذاران بیش از چهار میلیارد دلار سرمایه خود را از معاملات بورس بازارهای در حال ظهور بیرون کشیدند و ۴۸ درصد جریان ورودی سال جاری را از بین بردند. با ادامه بی‌ثباتی در سال ۲۰۱۵، سرمایه‌گذاران آینده‌نگر در بازارهای در حال ظهور فرصتی پیش روی خود احساس کردند. قیمت سهام در بازار چین، کره جنوبی و کشورهای خلیج فارس با وجود کاهش بیش از ۵۰ درصدی در قیمت نفت، در حال رشد است. کره جنوبی در صدر چهارمین رده‌بندی سالانه نشریه «بلومبرگ مارکتس» از مطمئن‌ترین کشورهای در

Bloomberg
Markets



دولت
عربستان سعودی
تاکنون کسری
بودجه‌ای معادل
۳۹ میلیارد دلار را
برای سال ۲۰۱۵
پیش‌بینی کرده
است.



با ادامه بی ثباتی
در سال ۲۰۱۵،
سرمایه‌گذاران
آینده‌نگر در
بازارهای در حال
ظهور فرصتی پیش
روی خود احساس
کردند. قیمت
سهام در بازار
چین، کره جنوبی و
کشورهای خلیج
فارس با وجود
کاهش بیش از ۵۰
دلاری در قیمت
نفت، در حال رشد
است.

ردیف	مطمئن‌ترین بازارهای در حال ظهور
۱	کره جنوبی
۲	قطر
۳	چین
۴	امارات
۵	شیلی
۶	مالزی
۷	پاناما
۸	پرو
۹	لتونی
۱۰	لهستان
۱۱	تایلند
۱۲	جمهوری چک
۱۳	مجارستان
۱۴	کلمبیا
۱۵	ترکیه
۱۶	برزیل
۱۷	فیلیپین
۱۸	مکزیک
۱۹	آفریقای جنوبی
۲۰	اندونزی
۲۱	مراکش
۲۲	روسیه
۲۳	یونان
۲۴	هند
۲۵	مصر

ردیف	مطمئن‌ترین بازارهای سرحد
۱	عربستان
۲	استونی
۳	اسلواکی
۴	لیتونی
۵	بحرین
۶	اسلونی
۷	بلغارستان
۸	ویتنام
۹	قرقستان
۱۰	رومانی
۱۱	کرواسی
۱۲	قبرس
۱۳	لبنان
۱۴	تونس
۱۵	پاکستان
۱۶	نیجریه
۱۷	آرژانتین
۱۸	اوکراین
۱۹	ونزوئلا

بیش از همیشه ناهمگون شده‌اند و رکود در روسیه امری حتمی است.» در عین حال، سرمایه‌گذاران به دو کشور دیگر بریکس علاقه نشان می‌دهند. پیرلین وانگ، تحلیل‌گر سرمایه‌گذاری بانک جولیوس بائر در سنگاپور می‌گوید: «ما نسبت به دولت‌های جدید در چین و هند بسیار خوش‌بین هستیم، زیرا اصلاحاتی را آغاز کرده‌اند که به نفع اقتصاد و بازارهای مالی در سال ۲۰۱۵ خواهد بود.» نارندرا مودی ۲۶ ماه مه سال گذشته با برنامه‌ای اصلاح‌طلبانه نخست‌وزیر هند شد. از آن زمان تا روز ۱۲ ژانویه سال جاری، شاخص بورس بمبئی ۱۱/۶ درصد افزایش داشته است. آدام تجپول، مدیر سرمایه‌گذاری آسیایی بانک خصوصی جی‌بی مورگان، می‌گوید بازار سهام چین باید در سال ۲۰۱۵ در نتیجه برنامه دولت برای بازار بورس شاهد رشد باشد. این برنامه به سرمایه‌گذاران خارجی امکان خرید سهام را در سرزمین اصلی چین از طریق بازار هنگ‌کنگ می‌دهد. تجپول می‌گوید چین همچنین از قیمت پایین انرژی و اتخاذ سیاست پولی مسالمت‌آمیز توسط بانک خلق چین منتفع خواهد شد، که پول را به بازار این کشور سرازیر می‌کند. اندرو جیلان، کارشناس اقتصاد چین می‌گوید: «تاسیس شرکت‌ها در چین بیش از پیش سودده است.» هندرسون همچنین به هولدینگ خودروسازی بریلیانس چین علاقه دارد که شریک شرکت‌های هوندا و نیسان نیز هست. چین بزرگ‌ترین بازار خودروی جهان به شمار می‌رود. مارک مویوس می‌گوید بی‌ثباتی فعلی نباید سرمایه‌گذاران بلندمدت را منصرف کند. او می‌گوید: «سه موضوع کلیدی پابرجا باقی خواهند ماند. نرخ رشد اقتصادی بازارهای در حال ظهور همچنان سریع‌تر از بازارهای توسعه‌یافته خواهد بود، بازارهای در حال ظهور ذخایر خارجی بسیار بزرگ‌تری نسبت به بازارهای توسعه‌یافته دارند، و نسبت بدهی حکومت به تولید ناخالص داخلی در کشورهای بازارهای در حال ظهور بسیار کوچک‌تر از بازارهای توسعه‌یافته است.»

تاکنون کسری بودجه‌ای معادل ۳۹ میلیارد دلار را برای سال ۲۰۱۵ پیش‌بینی کرده است. با این حال، دولت ملک عبدالله از پذیرش کاهش تولید نفت برای بالا رفتن قیمت‌ها مطابق منافع سازمان کشورهای صادرکننده نفت سر باز زد. پادشاه این کشور در ماه ژانویه در ۹۰ سالگی درگذشت و ولیعهد او، سلمان بن عبدالعزیز آل سعود، به جای او نشست. تحلیل‌گران بعید می‌دانند که سیاست نفتی این کشور تحت پادشاهی سلمان ۷۹ ساله تغییر کند.

نفت و کشورهای حاشیه خلیج فارس: مدیران مالی خاطر نشان می‌کنند که عربستان و دیگر کشورهای حوزه خلیج فارس می‌توانند به راحتی پروژه‌های بلندپروازانه توسعه داخلی خود را با دلارهای ذخیره‌شده در زمان اوج قیمت نفت تأمین مالی کنند. رامی سیدانی، مدیر سرمایه‌گذاری بازارهای منطقه‌ای شرکت بریتانیایی سرمایه‌گذاری شرودر در دبی، می‌گوید: «دولت‌های شورای همکاری خلیج فارس به لطف افزایش قیمت‌های انرژی در دهه گذشته مازاد بودجه هنگفتی داشته‌اند.» این مازاد بودجه تا ژانویه سال جاری معادل ۷۳۴ میلیارد دلار برای عربستان، ۷۴ میلیارد دلار برای امارات و ۴۵ میلیارد دلار برای قطر بوده است. سیدانی می‌گوید: «محرک اصلی رشد در این منطقه از جهان هزینه کرد دولت‌ها است و انتظار ما این است که این دولت‌ها برای تنوع بخشیدن به اقتصاد خود همین شیوه را ادامه دهند.» هوتن یازاری، مدیر بازارهای سرحد بانک مریل لینچ آمریکا، می‌گوید این امر شرکت‌های مصرف‌کننده، عمرانی، املاک و بانک‌ها را به محل خوبی برای سرمایه‌گذاری تبدیل می‌کند. او شرکت املاک اعمار در دبی و شرکت املاک الدار در ابوظبی و همچنین فرست‌گالف بانک و کامرشال بانک ابوظبی را برای سرمایه‌گذاری توصیه می‌کند.

بریکس: در کشورهای در حال توسعه، شکافی در میان کشورهای بریکس دیده می‌شود. ایسل از شرکت یوبی‌اس می‌گوید: «این چهار کشور در حال حاضر

شیوه رتبه‌بندی جدول

بلومبرگ بازارهای در حال ظهور و بازارهای سرحد را بر اساس ظرفیت پذیرش سرمایه‌گذاری آن‌ها در سال ۲۰۱۶ رده‌بندی کرده است. شاخص اقتصادی ۴۰ درصد وزن کل را در این رده‌بندی داشت و شامل میانگین رشد پیش‌بینی‌شده برای تولید ناخالص داخلی در سال ۲۰۱۵ و ۲۰۱۶، و همچنین پیش‌بینی نرخ تورم، بدهی دولت به عنوان درصدی از تولید ناخالص داخلی، سرمایه‌گذاری کل به عنوان درصدی از تولید ناخالص داخلی و تراز حساب جاری به عنوان درصدی از تولید ناخالص داخلی بود. همچنین نرخ مشارکت کار، ذخایر خارجی به عنوان درصدی از تولید ناخالص داخلی و نمره زیرساخت انجمن اقتصادی جهانی در نظر گرفته شد. شاخص‌های مالی نیز ۴۰ درصد وزن کل را در این رده‌بندی داشتند و شامل نسبت قیمت به ارزش دفتری شاخص اصلی سهام، نقدینگی شاخص اصلی سهام طی سه سال، بی‌ثباتی نرخ تبادل طی سه سال، کسری اعتبار بدهی حکومت طی دو سال و امتیاز ریسک بانکداری «واحد هوشمندی اکونومیست» (وابسته به نشریه اکونومیست) بود. معیارهای سیاسی و اجتماعی (۲۰ درصد) شامل شاخص مشاهده فساد (سازمان بین‌المللی شفافیت)، امتیاز ریسک سیاسی واحد هوشمندی اکونومیست، امتیاز سهولت کسب‌وکار بانک جهانی و نرخ سواد بزرگسالان بود.

منظور از بازار سرحد (Frontier market) در این جدول کشوری است که دارای بازار سهام قابل سرمایه‌گذاری است، اما ثبات و توسعه‌یافتگی آن از بازارهای در حال ظهور (Emerging market) کمتر است.

ریسک جهان در سال جدید

بر اساس
تحقیقات موسسه
اوراسیا گروپ

■ کلیف کاپچان

مدیر اوراسیا گروپ

■ یان برمر

رئیس اوراسیا گروپ

■ ترجمه بابک واحدی

ژئوپولیتیک برگشته است. در سرآغاز سال نو، مناقشه سیاسی میان قدرت‌های جهان بیش از هر زمان دیگری در تاریخ پس از جنگ سرد در جریان است. روابط آمریکا و روسیه به کل درهم شکسته است. چین دارد مسیر پیشروی خودش را طرح‌ریزی می‌کند. پیوندهایی که اروپا را یک‌پارچه نگه داشته بود در بسیاری از جبهه‌ها در حال فروپاشی هستند. کشورهای دیگر - اعراب حاشیه خلیج فارس، برزیل، هند - بر شتاب برنامه‌های خود افزوده‌اند و اتحادیه‌های خود را در واکنش به افزایش ناامنی و بی‌ثباتی ژئوپولیتیک جهان تقویت می‌کنند. در نهایت این تغییر روابط و اتحادها، نظم جهانی را شکلی تازه خواهد بخشید، اما در حال حاضر اثرات آن‌ها، گرچه چشم‌گیر و قابل توجه هستند، بیش‌تر در سطح منطقه‌ای مشهودند تا در سطح جهانی. اهمیت خیزش چین هنوز کم‌تر از آنی است که از سرتیتر رسانه‌ها برمی‌آید. بله، درست است که چین اصلی‌ترین شریک تجاری بیش از ۱۰۰ کشور جهان است، اما تأثیر و نفوذ سیاسی، امنیتی و اقتصادی آن هنوز فاصله زیادی تا توسعه و تکامل نهایی دارد. این تأثیر، با سرعت رشد خواهد کرد، اما هنوز راه درازی در پیش دارد. بحران در خاورمیانه جهانی پدید آورده است که شمار پناهندگانیش بیش از هر زمان دیگری از جنگ جهانی دوم بدین سواست، گرچه در جاهای دیگر چندان اثر چشم‌گیری نگذاشته است، به‌ویژه وقتی رابطه اخیراً محدود شده میان بحرآن خاورمیانه و بازارهای انرژی را در نظر می‌گیریم. تجدیدنظرطلبی روسیه تهدیدی مستقیم برای سراسر پهنه اروپا است، که هنوز تمام قدرتش را نشان نداده است. و بیش‌تر کشورهای اروپایی زیاده‌ازحد مشغول و درگیر مسائل داخلی‌شان بوده‌اند. در حال حاضر، تغییر بزرگ‌تر در ایالات متحده است؛ تحولی که هم تغییر اتحادها و روابط میان قدرت‌های جهان را تسریع می‌کند، و هم ریسک ژئوپولیتیک را در سراسر جهان افزایش می‌دهد. دیدگاه رایجی وجود دارد که آمریکا دارد از باقی جهان عقب می‌نشیند، و این که این عقب‌نشینی موجب ایجاد مناقشه‌های بیش‌تر شده است. این دیدگاه غلط است. برعکس، این اقدامات یک‌جانبه فزاینده آمریکا بوده است که تأثیری ژئوپولیتیک داشته. آمریکا در سال‌های اخیر بیش از پیش همچون کشورهای دیگر رفتار کرده است: گاهی اقدام تحریک‌آمیز می‌کند، گاه با تأخیر واکنش نشان می‌دهد، و گاه بی‌تفاوت است - اما با تأثیری بسیار بیش‌تر. تناقضی در این میان هست. اقدامات یک‌جانبه جدید جهان متأثر از خواست آمریکا برای نشان دادن رهبری‌اش در جهان نبوده است. در عوض، آمریکا از طریق زرادخانه‌ای از سازوکارهای نامتجانس قدرت خود را اعمال می‌کند که به آن اجازه می‌دهد آسان‌تر از پیش به‌تنهایی وارد عمل شود، و اقداماتش تأثیر ناخوش‌آیند مستقیم‌چندانی در داخل کشور نداشته باشند. زیاده‌روی در استفاده از پهنادهای برای پوشاندن اسلحه متعارف، بهره‌گیری از نظارت استنادانه به نفع ایالات متحده، و تغییر شدید در سیاست‌ها: استفاده از دیپلماسی زورگویانه اقتصادی در جهت پی‌گیری منافع آمریکایی، با در نظر نگرفتن منافع متحدان. آمریکا و اروپا تا بدین جا همکاری نزدیکی در زمینه تحریم‌ها و دیگر اقدامات تنبیهی علیه ایران و روسیه داشته‌اند. اما انتظار نمی‌رود که این اتحاد در سال ۲۰۱۵ ادامه یابد، زیرا که اروپا آرام‌آرام به لحاظ اقتصادی آسیب‌پذیرتر می‌نماید و سیاستمداران آمریکایی، آن‌ها که در قدرت هستند و آن‌ها که دارند برای انتخابات ۲۰۱۶ آماده می‌شوند، رویکرد سخت‌گیرانه‌تری را در پیش می‌گیرند. همه این تحولات سیاست بین‌الملل را به آشوب خواهند کشید. سال ۲۰۱۵ در مقایسه با سال ۲۰۱۴ چالش‌های بیش‌تری به خود خواهد دید. به این سبب که هزینه‌های اجتناب از ریسک ایالات متحده همچنان پایین خواهند بود، تأثیر این وضعیت در جاهای دیگر جهان به شدت احساس خواهد شد. همچنین احیاء بیش‌تر اقتصاد جهان به بهبود وضعیت جهان کمک خواهد کرد. در بسیاری از موارد، لازم است که صبر و تحمل پیشه کنیم. بدین نیستیم اما برای نخستین بار از آغاز به کار بنگاه مشاوره اوراسیا گروپ در سال ۱۹۹۸، احساس می‌کنیم اوضاع در جهان ژئوپولیتیک رو به وخامت خواهد نهاد.

۱ کند شدن رشد اقتصادی چین

۲ پول به‌مثابه سلاح

۳ حاکمان ضعیف

۴ مصائب اردوغان

۵ خیزش بخش‌های استراتژیک

۶ سیاست اروپایی



کند شدن رشد اقتصادی چین

تولید کنندگان مواد اولیه مراقب باشند



ما در مورد سال آینده چین خوشبین هستیم، زیرا که رئیس‌جمهور ژو جینگ‌پینگ از زمان جلوس بر صندلی ریاست‌جمهوری قدرت بسیار زیادی یافته است. او سیاست‌هایی را که مدت‌ها بود برای اقتصاد چین ضروری می‌نمودند آغاز کرده است، سیاست‌هایی در جهت موازنه اقتصاد، بهبود کیفیت هوا، و تدابیری با هدف کارآمدتر ساختن بنگاه‌های دولتی، و راه انداختن یک کارزار عظیم مبارزه با فساد در داخل حزب کمونیست. ژو برنده اصلی میدان مبارزه ژئوپولیتیک است که از رویارویی غرب با روسیه پدید آمده، و تمرکز اقتصادی داخلی او تضمین می‌کند که سیاست منطقه‌ای چین متعادل‌تر باشد. این حاصل تمرکز ژو بر داخل، به جای تمرکز بر اختلافات با ژاپن، هند، و جنوب شرق آسیا بوده است.

علاوه بر این، مهم‌ترین ثمره سیاسی ژو از افت شدید قیمت‌های نفت برخاسته است. در اولویت قرار دادن تلاش برای کاهش سرمایه‌بری و منبع‌بری رشد اقتصادی، اتخاذ سیاست‌های جدید در زمینه انرژی و محیط‌زیست، محدود کردن بدهی‌های بنگاه‌های دولتی و حکومت‌های محلی، و کاستن از شدت تولید مازاد در صنایع سنگین، همه و همه به کاهش خطر شکست سیاسی می‌انجامد، زیرا که کاهش هزینه‌های انرژی از شدت تنش‌ها و فشارها می‌کاهد. ژو خواهان موازنه شدید اقتصادی است، بی‌آن که مجبور به پذیرش ریسک‌های سیاسی جدی شود؛ او دوره ۱۸ تا ۲۴ ماهه دیگری از ثبات به ارمان آورده است، که به رشد پایدار اما کندتر در چین خواهد انجامید، به‌ویژه در بخش‌های وابسته به مواد اولیه.

پس در این میان ریسک کجاست؟ در همه آن کشورهایی که به صادرات مواد اولیه به چین وابسته هستند. کشورهای نفتی به نوسانات شدید در تقاضا و قیمت عادت دارند. اما تولید کنندگان مواد اولیه چند دهه است که از رشد پایدار تقاضای چین در چند دهه گذشته سود می‌برند. حال چین دارد تغییر مسیر می‌دهد. و بعضی از اقتصادهای جهان باید فکری برای روبه‌رو شدن با این واقعیت جدید کنند.

به‌ویژه در برزیل، کند شدن رشد اقتصادی چین - بزرگ‌ترین شریک تجاری آن کشور - تحولی بسیار ناخوش‌ایند است، زیرا رئیس‌جمهور دیلماروسف با اقتصادی گرفتار رکود دست‌وپنجه نرم می‌کند. روسف، که دومین دوره ریاست‌جمهوری خود را با تعهدات و فشارهای سیاسی سنگین آغاز کرده است، حالا مجبور است از مخارج بکاهد و مالیات‌ها را افزایش دهد تا منبع مالی لازم برای کمبود درآمدها را جبران کند. هم‌زمان که افت قیمت مواد اولیه رشد را کاهش می‌دهد و رکود به بار می‌آورد، رئیس‌جمهور برزیل بیش از پیش محبوبیت خود را از دست خواهد داد و به‌لحاظ سیاسی هم ضعیف‌تر خواهد شد، و این امر موجب می‌شود اجرای اصلاحات کلان اقتصادی و پولی در کشور برای او دشوارتر شود.

اندونزی هم از کاهش قیمت مواد اولیه و خام در اثر کاهش تقاضای چین متأثر خواهد شد، زیرا که ۶۵ درصد صادرات اندونزی مواد خام و اولیه هستند. و کاهش سرعت رشد اقتصادی هم به نوبه خود توانایی رئیس‌جمهور جوکو ویدودو در زمینه بهبود حکمرانی و ایجاد ثبات در اقتصاد را محدود خواهد کرد، اقتصادی که سواى این مسأله یکی از خوش‌آیندترین‌ها در میان بازارهای نوظهور جهان بوده است.

اما بیش‌ترین فشار بر تایلند که به‌لحاظ سیاسی بی‌ثبات است وارد خواهد شد. در آن کشور، افت قیمت‌های مواد خام، به‌سبب کاهش تقاضای چین دورنمای رشد اقتصادی را پایین خواهد کشید، و این نیز به نوبه خود مشروعیت هیئت نظامی حاکم را کاهش می‌دهد، و فشارها را بر کشور افزایش می‌دهد که به دموکراسی بازگردد. این امر تعهد حکومت نظامی تایلند برای حفظ کنترل بودجه را دشوار خواهد ساخت، زیرا که کشاورزان جنوب تایلند، که متحد سنتی ارتش هستند، به دنبال آن خواهند بود که کاهش قیمت محصولاتشان در بازار را با بارانه‌های جدید جبران کنند. مقامات تایلند همچنین تحت فشار خواهند بود تا به رنج کاران شمال کشور هم، که بارانه‌های‌شان پس از کودتا کاهش یافته، کمک کنند.

پول به‌مثابه سلاح

سلاح تحریم کند می‌شود



امریکا توانایی خود در ردگیری تبادلات مالی رهبران روسیه و متحدان دولتی و خصوصی آن‌ها را افزایش می‌دهد. اما تدابیر سخت‌گیرانه علیه نهادهای مالی (عمدتاً بانک‌های اروپایی) که به تأمین مالی نهادهای بین‌المللی تحت تحریم امریکا کمک می‌کنند، چندان علنی و آشکار نیست. در پشت صحنه اما دورنمای یک تهدید جدی پیداست: این که امریکا با قطع دسترسی کشورهای زیر تحریم به سرمایه و زیرساخت‌های لازم برای بازپرداخت بدهی‌ها، این کشورها را به‌لحاظ اقتصادی منزوی سازد. ریسک محاسبه اشتباه و عواقب ناخواسته در این میان بسیار زیاد است، زیرا که استفاده از این ابزارها کار تازه‌ای برای واشنگتن است و امریکا دارد با آزمون و خطا پیش می‌رود تا مگر کارکرد درست آن‌ها را بیاموزد. نکته بسیار مهم در این میان این است که، اسلحه ساختن از مالیه ابزاری است که می‌توان آن را با همکاری حداقلی حکومت‌های دیگر به کار بست. مهم‌ترین چالش میان‌مدت در این میان آسیبی است که بر روابط اروپا و امریکا وارد می‌شود. اروپا در اثر اقدامات یک‌جانبه امریکایی‌ها، که اروپا و بانک‌های آن باید بهایش را بپردازند، فرسوده‌تر خواهد شد. همچنین، تشدید تحریم‌ها واکنش کشورهای تحریم‌شده را در پی خواهد آورد. و از سوی دیگر، در بلندمدت، کشورهای دیگر از وابستگی‌شان به دلار و نهادهای تحت سلطه امریکا خواهند کاست، به‌ویژه در شرق آسیا، که در آن چین قدرت زیادی دارد و انگیزه کافی برای ایجاد نهادهایی از آن خود، و بدهی دلاری کم‌تری وجود دارد. بانک سرمایه‌گذاری زیرساخت‌های آسیا، بانک بریکس، برنامه‌های زمینی و دریایی راه ابریشم، همگی گام‌هایی در این مسیر هستند. این پروژه‌ها، همراه با عزم راسخ پکن برای توسعه و تعمیق روابط تجاری و سرمایه‌گذاری در سراسر منطقه، در نهایت توان واشنگتن در استفاده از این ابزارها، با هدف به زانو درآوردن اقتصادهای ضعیف، را کاهش خواهد داد.

و یک نگرانی بزرگ دیگر هم برای سال ۲۰۱۵ وجود دارد که آن هم به خیزش بخش‌های استراتژیک مربوط است: حکومت‌هایی که هدف تحریم‌ها بوده‌اند بیش از پیش با شرکت‌هایی که از تحریم‌ها پیروی می‌کنند در مقام ابزارهای اعمال قدرت امریکا و شرکت‌های دشمن، برخورد خواهند کرد. این امر موجب می‌شود که این بنگاه‌ها با ریسک فزاینده تلافی مواجه شوند - از آزار قانونی تا تحریم قراردادهای تجارت سایبری. به‌ویژه بخش مالی امریکا در این میان بسیار آسیب‌پذیر است.

دلار قدرتمند

درصد از تولید ناخالص داخلی امریکا



درصد تبادلات مالی تجارت جهانی به دلار



کشورهای نفتی
به نوسانات شدید
در تقاضا و قیمت
عادت دارند اما
تولید کنندگان مواد
اولیه چند دهه
است که از رشد
پایدار تقاضای
چین در چند دهه
گذشته سود
می‌برند. حال چین
دارد تغییر مسیر
می‌دهد. و بعضی از
اقتصادهای جهان
باید فکری برای
روبه‌رو شدن با این
واقعیت جدید کنند.

آینده

شماره سی و ششم / فروردین ۱۳۹۴

حاکمان ضعیف انتخابات و رشد اقتصادی



ریسک سیاسی حاصل از ضعف احزاب و رهبران حاکم، که به‌تازگی در انتخابات دوباره پیروز شده‌اند، در بازارهای اصلی جهان در سال ۲۰۱۵ بسیار بالا و جدی خواهد بود. اگر دو استثناء بسیار مهم، یعنی هند و اندونزی، را کنار بگذاریم، موج انتخابات بازارهای نوظهور در سال ۲۰۱۴ احزاب و رهبران حاکم را به پیروزی‌هایی نصفه‌نیمه رساند. رشد کند اقتصادی و افزایش مطالبات مردمی قدرت کافی نداشتند که کاندیداهای حزب حاکم را در برزیل، کلمبیا، آفریقای جنوبی، و ترکیه، از میدان رقابت بر سر قدرت بیرون رانند، و بعید است در انتخابات سال ۲۰۱۵ نیز به همین کاری از آن‌ها برآید. اما این عوامل توانستند از محبوبیت و حمایت مردمی حاکمان بکاهند، که نتیجه‌اش تأسیس دولت‌های ریسک‌گریزی بوده است که تعهد چندانی به اصلاحات اقتصادی یا واکنش به شوک‌های خارجی (از جمله نوسانات بازار نفت و افزایش نرخ‌های بهره ایالات متحد) در سال پیش رو نخواهند داشت. اگرچه حکومت تازه انتخاب شده هند (و تا حد کم تر اندونزی) از یک دوره ماه‌عسل و فاصله سیاسی از شکست‌های گذشته سود برده است، حکومت‌هایی که دوره‌های اول را گذرانده‌اند و حالا دوباره انتخاب شده‌اند با محدودیت‌ها و موانع بیش‌تری مواجه هستند.

در برزیل، روسف به‌زحمت در یک فضای سیاسی به‌شدت قطبی شده توانست دوباره انتخاب شود. کابینه سازنده‌تر روسف، که پیش‌قراول آن وزیر جدید دارایی، بوآخیم لوی، است، تعدیل‌ها و تنظیم‌های پولی حائز اهمیت را اجرا خواهد کرد تا بتواند از تنزل دوباره رتبه اعتباری کشور جلوگیری کند و سرانجام بتواند اصلاحات و گشایش در بخش نفت به روی بازارها را آغاز نماید. باین حال، تعهدات سیاسی فزاینده روسف - شامل کاهش محبوبیت مردمی و حمایت مجلس، رسوایی فساد پتروباس، و طبقه متوسطی که مطالبات بیش‌تری نسبت به گذشته دارد - فضای تعدیل و اصلاحات پولی وسیع یا اصلاحات اقتصادی ساختاری را تنگ خواهد کرد.

در ترکیه، پیروزی اردوغان، از ثبات دولت خواهد کاست و در سال ۲۰۱۵ موجب از بین رفتن انسجام و یک‌پارچگی سیاست‌گذاری‌های کشور خواهد شد. اردوغان و نخست‌وزیر جدید، احمد داووداوغلو، دست در دست هم خواهند کوشید عملکرد حزب حاکم عدالت و توسعه را در انتخابات پارلمانی بعدی به حداکثر موفقیت برسانند. رهبران ترکیه همچنین به بانک مرکزی فشار خواهند آورد که نرخ‌های بهره را پایین آورد، که ریسک افزایش تورم را به دنبال دارد. پس از انتخابات، این دو رهبر بر سر قدرت اجرایی وارد رقابت خواهند شد، که فرایند سیاست‌گذاری را دچار مشکل می‌کند، و تلاش‌هایی که در جهت حذف مخالفان سیاسی از جایگاه‌ها و سمت‌های مهم دولتی انجام می‌شوند خدمات دولتی را فلج خواهد کرد. و در نهایت رئیس‌جمهور کلمبیا، موضع دوست‌دار بخش خصوصی را حفظ خواهد کرد. ضعف بسیاری از حاکمان بازارهای نوظهور جهان در سال ۲۰۱۵ هم رشد اقتصادی را کند خواهد کرد و هم بر بی‌ثباتی سیاسی خواهد افزود.

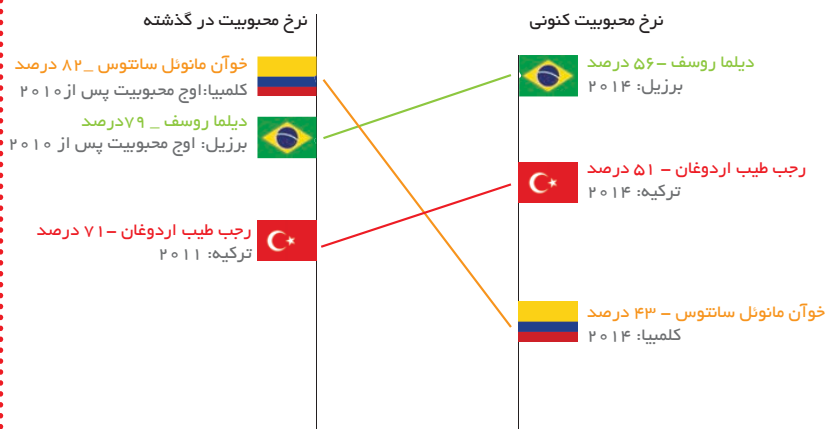
مصائب اردوغان ریسک‌هایی برای ترکیه



برای دومین سال پیاپی، ترکیه به لیست ما از ریسک‌های مهم جهان در سال پیش‌رو راه یافته است. قیمت‌های پایین نفت خبر خوبی برای این کشور بوده است، اما این تنها خبر خوشی است که آن‌ها شنیده‌اند. حاکمیت سخت‌گیرانه، تصمیمات ناصواب سیاسی، و تصمیمات اشتباه در زمینه سیاست خارجی همگی دست به دست هم داده‌اند تا اوضاع ترکیه را با مشکل مواجه سازند. در داخل، اردوغان از پیروزی در انتخابات سال ۲۰۱۴ استفاده کرده است تا شکست قطعی دشمنان سیاسی خودش را تضمین کند (دشمنانی که شمارشان کم نیست) و هم‌زمان نظام سیاسی کشور را از نو شکل دهد تا بتواند چنبره خود بر قدرت را حفظ کند. بعید است که اردوغان بتواند قدرتی را که می‌خواهد در دست بگیرد، و این امر موجب می‌شود که او در عوض بر نفوذ نرم تکیه کند - که به حرف و حدیث‌های بیش‌تر درباره نخست‌وزیری‌اش، انسجام سیاسی کم‌تر، و پیش‌بینی ناپذیری سیاسی بیش‌تر، خواهد انجامید. مردم چندرنگ ترکیه حالا به مردمی چنددسته تبدیل می‌شوند، همان‌طور که در سیاست، کسب‌وکار، رسانه‌ها، پلیس و ارتش، و دادگستری این کشور چنین است. و این که در طرف اشتباه جهت‌گیری قرار بگیرید روزبه‌روز خطرناک‌تر می‌شود.

در زمینه سیاست خارجی، اردوغان تقریباً هر اشتباه ممکن را انجام داده است. حمایت از اخوان المسلمین در مصر به ضرر او تمام شد، زیرا که ارتش حکومت اخوان المسلمین را حذف کرد و حکومت جدیدی بر پا نمود که مخالف اردوغان و خواسته‌های اوست. اردوغان پیش از آن که نیروهای سعودی قطری‌ها را دوباره به جبهه کشورهای شورای همکاری خلیج فارس بکشاند، با قطر متحد شده بود. و همان هنگام که حکومت روسیه داشت محبوبیتش را از دست می‌داد و اقتصاد آن کشور پای در رکود می‌گذاشت، با پوتین پیمان دوستی بست. از سوی دیگر اردوغان سخت کوشید تا بشار اسد را در سوریه براندازد، مردی که سال‌های سال بر قدرت خواهد بود تا ترکیه را اذیت کند و برای اردوغان مشکل بیافریند. روابط ترکیه با متحدان این کشور در ناتو هم هرگز این چنین مشکل‌دار و تیره نبوده است. با در نظر گرفتن بی‌ثباتی فراگیر در منطقه، وقت خوبی برای دوست شدن با دوستان اشتباه نیست. پناهندگان به همراه خود افرای گری بیش‌تر را وارد ترکیه می‌کنند و بر دشواری‌های اقتصادی کشور می‌افزایند. صلح پایدار با کردها هم، که خواهان اصلاحات سیاسی هستند و از اردوغان می‌خواهند که با داعش وارد جنگ شود، نامحتمل‌تر از هر زمان دیگر به نظر می‌رسد. و مشکلات ترکیه بر خلأ سیاسی در خاورمیانه هم دامن می‌زند، آن هم در زمانه‌ای که نزاع‌های فرقه‌ای و جنگ‌های از راه دور سیری صعودی گرفته‌اند.

ترکیه آن‌قدر مزایا و نقاط قوت دارد که تبدیل به فاجعه نشود - یک جمعیت عظیم، شهری شده، و تحصیل کرده؛ یک جامعه کسب‌وکار و بانک‌داری قدرتمند؛ یک بوروکراسی کارآمد. اردوغان گرایش به اقتدارگرایی دارد، اما او یک پوتین دیگر نیست. با این حال سیاست درهم‌ریخته ترکیه مشکلاتی در خود دارد که به این زودی‌ها رفع نخواهند شد.



خیزش بخش‌های استراتژیک

کسب‌وکار آنلاین و مسئله امنیت



در سال ۲۰۱۵، موفقیت و شکست کسب‌وکار بیش از پیش به حکومت‌ها بستگی خواهد داشت. دهه‌ها تصور عمومی بر این بود که شرکت‌های چندملیتی مدام از سیاست‌گذاران مستقل‌تر می‌شوند، چه از حکومت‌های کشوری که در آن خانه دارند و چه حکومت‌های کشورهایی که در آن‌ها فعال هستند. و فکر می‌کردیم که کنترل و نفوذ دولت در تنظیم جریان کالاها و خدمات در سراسر جهان دارد رنگ می‌بازد. اما برعکس، نفوذ حکومت‌ها دارد افزایش می‌یابد، و تمرکز دولت‌ها بیش‌تر از آن که بر رشد اقتصادی باشد بر ثبات سیاسی است. در میان بخش‌های استراتژیک اقتصاد، آن بخش‌هایی که دولت آن‌ها را برای حفظ ثبات سیاسی و منافع نخبگان حاکم مهم و حیاتی می‌داند، و نیز اتحادیه‌های حکومت‌های ملی و محلی، برای موفقیت حیاتی و ضروری هستند. این امر دورنمای شرکت‌هایی را که هماهنگ با اهداف سیاسی عمل می‌کنند پررونق‌تر می‌سازد و آن شرکت‌هایی را که چنین نیستند با آسیب و زیان مواجه می‌سازد. این روند را در بازارهای نوظهور می‌توان دید، آن‌جا که حکومت‌ها همین حالا هم نقش چشم‌گیری در اقتصاد دارند. در بخش‌های مختلف کشورهای مختلف اوضاع بدین منوال است. مثلاً بخش رسانه ترکیه، که پیش‌تر یک فضای کسب‌وکار باز بود بیش از پیش به بخشی استراتژیک تبدیل شده است، زیرا که حکومت بیش از پیش نسبت به هر آن‌چه که انتقاد از دولت را تسهیل کند حساس شده است. بخش‌های مختلفی در روسیه هم چنین شده‌اند، آن‌جا که هر شرکتی که امریکایی تلقی شود مدام با افزایش فشار روبه‌رو می‌شود. (مهم‌ترین نمونه مک‌دونالد بود که در سال ۲۰۱۴ با ضربه سختی مواجه شد، زیرا که آن را یک برند نمادین امریکایی می‌دانند، نه برندی جهانی). این روند در چین اهمیت بسیار بیش‌تری دارد، آن‌جا که علی‌رغم تلاش‌های دولت برای کاهش وابستگی شرکت‌های دولتی و افزایش رقابت‌پذیری و کارایی آن‌ها، منافع این شرکت‌ها همچنان با حمایت و پشتیبانی بسیار همراه است. حکومت می‌خواهد سرمایه بیش‌تری را به کشور جذب کند، اما نه به هزینه پذیرش الگوی دولت سرمایه‌داری. این را اگر کنار ظرفیت باورنکردنی حملات سایبری چین و فقدان دادگستری مستقل در آن کشور (و بنابراین اهمیت توجه اندک به حفظ حقوق مالکیت معنوی) بگذارید، می‌توان انتظار داشت که بخش‌های بیش‌تری به بخش‌های استراتژیک بپیوندند که شرکت‌های چندملیتی نمی‌توانند با آن‌ها رقابت کنند. این مسأله بیش‌تر از همه در بخش‌هایی صادق است که برای نوآوری در بازار بسیار ضروری هستند، بخش‌هایی که رفتار مصرف‌کننده را رصد می‌کنند و داده‌های کلان را جمع‌آوری می‌نمایند، حوزه‌ای که حکومت چین می‌خواهد آن را به کل تحت کنترل خود بگیرد. رهبری چین بیش از پیش به توانایی خود در اجرای اصلاحات و ایجاد گشایش در بازارها مطمئن می‌شود اما این تصویر می‌تواند دگرگون شود، اما هنوز فاصله زیادی تا آن نقطه باقی مانده است. در سال ۲۰۱۵ این مسأله چالش بزرگی خواهد بود.

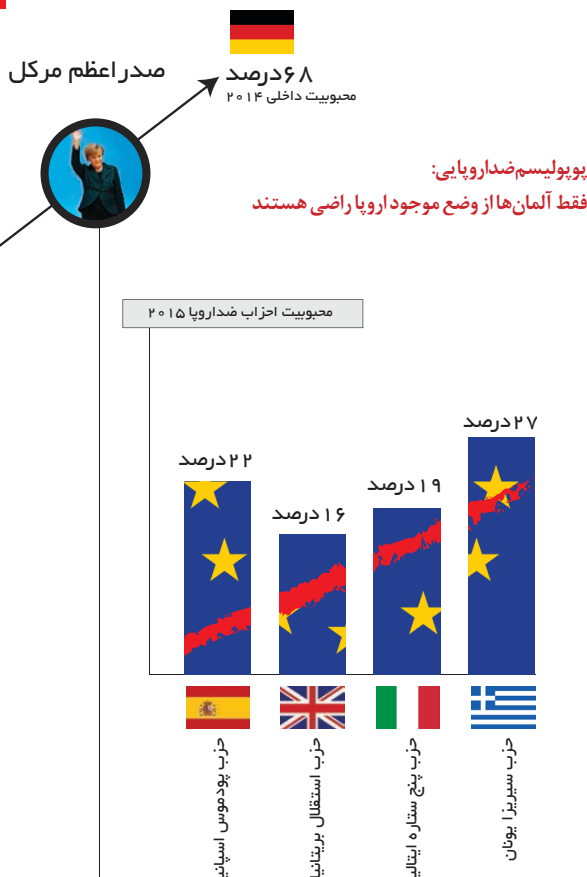
دومین چالش به کشورهای تحریم‌شده مربوط است. توانایی کره شمالی در اجرای حملات سایبری علیه شرکت سونی، موجب شد که شرکت‌های دیگر حوزه سرگرمی وقتی پای محتوای مربوط به کره شمالی به میان می‌آید بیش‌تر احتیاط کنند. (این که سونی شرکتی ژاپنی است که مقرش هم در آن کشور است، چندان کمکی به این ماجرا نکرد). این بزرگ‌ترین پیروزی‌ای بود که کره شمالی در چندین سال گذشته کسب کرده است. و سومین چالش، رشد بخش‌های استراتژیک است. ترجیحات امنیت‌ملی، طیف وسیعی از شرکت‌های فن‌آوری، ارتباطی، و مالی را در بر می‌گیرد. شرکت‌های پویایی مثل آمازون، اپل، فیس‌بوک، گوگل، و بسیاری دیگر شاهد چالش‌هایی در زمینه انجام کسب‌وکار خواهند بود، نه فقط در چین، بلکه در هر کشوری که در آن داده‌ها، اطلاعات، و محتوای اخبار رسانه‌ها به لحاظ سیاسی مسأله‌ای حساس و استراتژیک تلقی می‌شود.

سیاست اروپایی

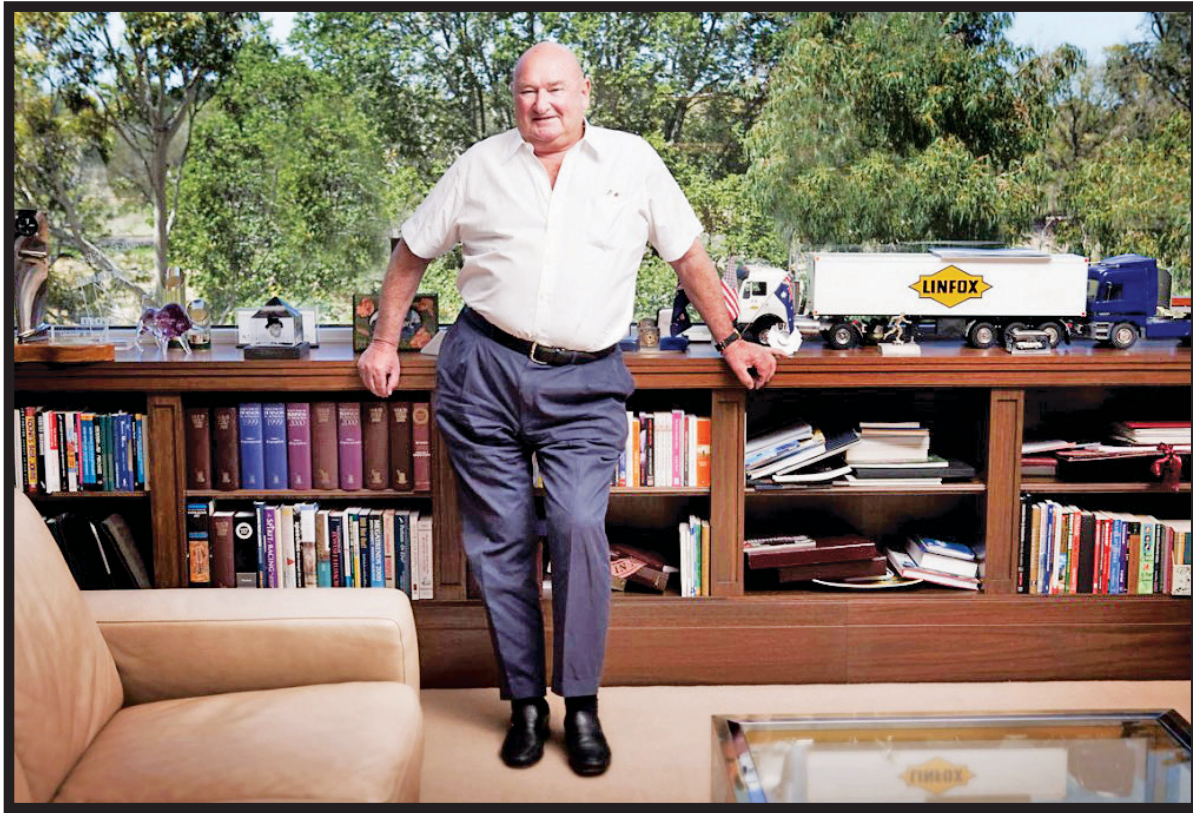
پیشروی پوپولیست‌ها



حال و روز اقتصاد اروپا بسیار بهتر از زمان اوج بحران حوزه یورو است. اما سیاست این قاره وضع بدتری دارد. این وضعیت وخیم در هر سه سطح، پایین به بالا، درون اتحادیه، و بیرون به درون، هویدا است. در میان مردم سراسر اروپا خشمی عظیم اوج گرفته است. گرچه سطحی از بی‌ثباتی اجتماعی پیوسته با این خشم وجود دارد، مشکل اصلی موج جنبش‌های سیاسی‌ای است که روزه‌روز شدت و گستردگی بیش‌تری می‌یابند. بعضی از این جنبش‌ها چپ افراطی هستند؛ باقی راست افراطی. حتی در آلمان، خیزش بدیل‌هایی برای حزب حاکم، توانایی صدراعظم آنگلا مرکل برای حمایت از انسجام اروپایی و ثبات حوزه یورو را محدود کرده است. چنددستگی و اختلاف میان دولت‌های اتحادیه اروپا رو به وخامت گذاشته است. بهترین حالت ممکن برای اروپا این خواهد بود که آلمان، فرانسه، و بریتانیا در کنار هم برای رهبری این اتحادیه همکاری کنند. اما در چنین فضایی این اتفاق بسیار نامحتمل می‌نماید؛ فرانسه نمی‌تواند تأکید آلمان بر ریاضت اقتصادی را تحمل کند، زیرا که فرانسه نخواهد توانست به اهداف در نظر گرفته شده برای کسری بودجه‌اش دست یابد - و نیز این که عدم محبوبیت فرانسوا اولاند (که به ۱۳ درصد کاهش یافته است، نرخی که هیچ رئیس‌جمهور فرانسه تاکنون تجربه نکرده بود) فقط و فقط مشوق و محرک جبهه‌ملی است. بریتانیایی‌ها با در نظر گرفتن شک و تردیدهایی که نسبت به عضویت‌شان در اتحادیه اروپا دارند، احتمالاً همچنان از در دست گرفتن رهبری اروپا سر باز خواهند زد. و دولت‌های جدید پوپولیست‌تر پیرامونی اروپا به دنبال اجرای اصلاحات، موازنه پولی، و به کار بستن قوانین دیگری خواهند بود که بحران حوزه یورو آن‌ها را ممکن ساخته است. سال آینده، مناقشه بر سر موازنه‌های پولی میان بروکسل، برلین، پاریس، رُم، و دیگر پایتخت‌های اروپایی چنان بالا خواهد گرفت که نزاع دموکرات‌ها و جمهوری خواهان امریکایی پیش آن به میهمانی شاد خانوادگی شبیه خواهد بود. به همین سبب امسال بزرگ‌ترین ریسک در گزارش ما به سیاست اروپا مربوط است.



مناقشه بر سر موازنه‌های پولی میان بروکسل، برلین، پاریس، رُم، و دیگر پایتخت‌های اروپایی چنان بالا خواهد گرفت که نزاع دموکرات‌ها و جمهوری خواهان امریکایی پیش آن به میهمانی شاد خانوادگی شبیه خواهد بود. به همین سبب امسال بزرگ‌ترین ریسک در گزارش ما به سیاست اروپا مربوط است.



فاکس موفق
 شده است تعداد
 کامیون هایش را
 به بیش از ۵۰۰۰
 دستگاه افزایش
 دهد؛ این کامیون ها
 در میان ۱۱
 کشور مختلف در
 رفت و آمده هستند
 و منبع درآمدی
 برای بیش از
 ۱۵۰۰۰ نفر در
 استرالیا، نیوزیلند و
 آسیا شده اند.
کمپانی لینفاکس
 تنها در زمینه
حمل و نقل با
کامیون فعالیت
 نمی کند، بلکه مالک
 دو فرودگاه بزرگ
 ملبورن است.

سلطان حمل و نقل آسیا

زندگی نامه لیندسی ادوارد فاکس کارآفرین استرالیایی

ترجمه ریحانه عبدی

معلم خصوصی فرزندانم شده بود. یک بار بچه ها سر میز شام از ویلبر پرسیدند که پدرمان چطور دانش آموزی بود؟ با خودم گفتم که به دردمر افتادم و آبرویم خواهد رفت! ولی ویلبر یک جواب عالی به آن ها داد: پدرتان دانش آموز فوق العاده ای بود؛ فقط معلم ها نمی دانستند که چه چیزی به او بیاموزند.

بلافاصله بعد از ترک مدرسه، لیندسی یک کامیون دست دوم خرید و به شغل رانندگی کامیون روی آورد. فاکس می گوید: «پدرم راننده کامیون بود. من هم می خواستم کامیون خودم را داشته باشم، بنابراین به سراغ شرکت ای وی تیمز رفتم و قانعشان کردم که با سفته ای چهار نوبته، یک کامیون به من بفروشند». به این ترتیب فاکس موفق شد اولین کامیونش را حتی پیش از گرفتن گواهینامه بخرد: «وقتی برای امتحان رانندگی به موریس مینور رفتم تنها ۱۶ سال داشتم. می دانستم که این احتمال وجود دارد که کسی از من گواهی تولد نخواهد، بنابراین خودم را ۱۹ ساله جا زدم. چند سال پیش سعی کردم این اشتباه را اصلاح کنم. نامه ای به ثبت نوشتم با این مضمون که

خانواده را نمی داد، آخر هفته ها به کارهای ریز و درشت مشغول می شد. مادرش نیز یک زن خانه دار سنتی بود، زنی دوست داشتنی، غمخوار، مهربان و نقطه اتکای خانواده. با این حال زندگی خانوادگی او چندان خوشایند نبود؛ خود فاکس می گوید: «پدرم بسیار خشن بود و مادر و پدرم همیشه در حال دعوا بودند». اما در شهری که فاکس زندگی می کرد، همه هوای یکدیگر را داشتند. او می گوید: «وقتی در خیابان راه می رفتید، همه همدیگر را می شناختند. می توانستی به راحتی به در خانه همسایه بروی و یک فنجان شکر یا آرد قرض بگیری. اگر کسی به دردمر می افتاد، همه حاضر بودند بدون چشم داشت تا جایی که می توانند کمک کنند. این روحیه، تفاوت عظیمی در اجتماع محلی ما به وجود آورده بود». او در دبیرستانی در ملبورن مشغول به تحصیل شد اما در ۱۶ سالگی، مسئولان مدرسه از او خواستند دبیرستان را به علت عدم علاقه به درس و تحصیل، ترک کند: «دو سال در سال سوم درجا زدم و این اصلا جالب نبود. چند سال بعد از اینکه مدرسه را ترک کردم، ویلبر کورتیس که آن زمان معلم سال سوم بود، حالا

لیندسی ادوارد فاکس، متولد ۱۹ آوریل سال ۱۹۳۷، از تجار و فعالان اقتصادی استرالیا است. او در سال ۲۰۰۹ با دارایی هایی به ارزش حدود ۱٫۵ میلیارد دلار، دهمین فرد ثروتمند استرالیا لقب گرفت و امروز با ۲٫۸ میلیارد دلار، نفر هشتم این لیست است. فاکس عمده شهرتش را مدیون تاسیس و عضویت در هیات مدیره کمپانی خانوادگی اش به نام لینفاکس است که در حوزه حمل و نقل، لجستیک و باربری کامیون فعالیت دارد. با تلاش های فاکس، کسب و کاری که فقط با یک نفر راننده کامیون که بارهای نوشابه را جابجا می کرد شکل گرفته بود، اندک اندک و به تدریج رشد کرد تا به بزرگ ترین کمپانی مدیریت زنجیره ای تامین حمل و نقل خصوصی در آسیا-پاسفیک بدل شود. اما برای فاکس، این راه چندان آسانی نبود، چراکه او باید در راه صعود به قله های موفقیت، بر مشکلاتی مانند داشتن یک پدر خشن، اخراج از مدرسه و... غلبه می کرد.

لیندسی فاکس در منطقه پراهان در حومه شهر ملبورن پرورش یافت. پدر لیندسی هم یک راننده کامیون بود و از آنجا که درآمد این کار کفاف خرج

مطابق با اطلاعات گواهینامه جدیدی که برایم فرستاده‌اید من سه سال بزرگتر از سن واقعی‌ام هستم؛ و البته این صحیح نیست. آن‌ها هم در جواب من نامه‌ای برایم فرستادند با این مضمون: خیر! سن شما درست درج شده.

اولین قدم بزرگ فاکس به دنیای کسب‌وکار، عقد موفقیت‌آمیز قراردادی با شرکت BP (بریتیش پترولیوم) برای توزیع سراسری نفت کوره یا مازوت بود: «من مسئولان BP را قانع کردم که اگر تمام امور حمل‌ونقل‌شان در طول سال را به ما محول کنند، حتماً برایشان صرفه اقتصادی خواهد داشت. آن‌ها بعد از مدتی سرویس‌رسانی کل ساحل شرقی استرالیا را به ما دادند و به‌نظر همین قرارداد پایه اصلی رشد کمپانی ما بود. در آن زمان با اینکه تنها سی سالم بود، ۶ فرزند و ۶۰ کامیون داشتم».

از آن زمان تاکنون فاکس موفق شده است تعداد کامیون‌هایش را به بیش از ۵۰۰۰ دستگاه افزایش دهد؛ این کامیون‌ها در میان ۱۱ کشور مختلف در رفت‌وآمد هستند و منبع درآمدی برای بیش از ۱۵۰۰۰ نفر در استرالیا، نیوزیلند و آسیا شده‌اند. کمپانی لینفاکس تنها در زمینه حمل‌ونقل با کامیون فعالیت نمی‌کند، بلکه مالک دو فرودگاه بزرگ ملبورن و همچنین موسسه حمل‌پول آماگارد است. یکی از شاخه‌های این کمپانی به نام لینفاکس لجستیک، در زمینه طراحی زنجیره تامین، یکپارچگی سیستم‌های فناوری اطلاعات، عملیات توزیع، جابجایی کشتی در خشکی و مدیریت انبارداری از پیشروترین کمپانی‌های جهان محسوب می‌شود. در خود استرالیا، لینفاکس سالانه بیش از ۴ میلیارد لیتر مواد سوختی جابجا می‌کند، بیش از ۱۵ میلیون جعبه کالا به دست خرده‌فروشان می‌رساند، و همچنین تامین‌کننده حمل‌ونقل ۹ تولیدکننده کالاهای زودمصرف منطقه است. فاکس می‌گوید: «اگر کامیون نباشد هیچ باری به مقصدش نمی‌رسد. هیچ راه دیگری برای انتقال کالاها و محصولات از نقطه الف به ب وجود ندارد. کشور ما بسیار وسیع و گسترده است و صنعت حمل‌ونقل با کامیون بخشی جدانشدنی از آن به حساب می‌آید».

به همین دلیل بود که وقتی اقتصاد جهانی به سراسیمگی رکود افتاد، فاکس چندان هم از اوضاع پیش آمده ضرر نکرد. فاکس در جایی گفته بود: «امسال بهترین سال در تاریخ کمپانی ما بود! بیشتر کسب‌وکار مادر حوزه جابجایی کالاهای زودمصرف، غذا و نوشیدنی است، به‌علاوه ما در بخش معدن هم فعال هستیم. این روزها همه بیشتر در خانه غذا می‌خورند و معدن‌ها هم فعالیت‌شان افزایش پیدا کرده». در نتیجه رکود جهانی، فاکس باید مقدار بیشتری شکلات، بستنی، بیسکویت و نوشابه را جابجا می‌کرد.

اما در همان زمان که کسب‌وکار فاکس هر روز پیشرفت می‌کرد و گسترده‌تر می‌شد، زندگی

شخصی و خانوادگی او دستخوش اتفاقات ناگواری بود. در سال ۱۹۹۱ پسر فاکس به نام مایکل خودکشی کرد. او در مورد این اتفاق می‌گوید: «من حاضرم برای برگرداندن مایکل از همه چیزم بگذرم. او در قلب تک‌تک اعضای خانواده جایگاه ویژه‌ای دارد و هیچ‌گاه فراموش نخواهد شد. زندگی پر از بالا و پایین است و نکته مهم، توانایی برخوردن بعد از یک زمین خوردن است». در پی این تراژدی، فاکس به فعالیت‌هایی در جهت پیشگیری از خودکشی در میان جوانان روی آورد و برنامه‌های اشتغال‌زایی ملی‌ای طرح‌ریزی کرد تا هدف و فرصتی برای فعالیت در اختیار جوانان قرار دهد. او همچنین عضو شورای ملی پیشگیری از خودکشی است و با دولت فدرال درباره پیشگیری از خودکشی

جوانان همکاری می‌کند.

امروزه لینفاکس بر چند بازار قدرتمند خارج از استرالیا و نیوزیلند نیز تمرکز کرده است که چین، هند، تایلند و اندونزی از آن جمله‌اند. استراتژی کمپانی لینفاکس برای غلبه بر رقبا نیز آن است که به استانداردهای ایمنی سفت و سختی که از روز اول پیاده‌سازی کرده بود وفادار بماند. با وجود اینکه لیندسی فاکس امروزه یک میلیارد دلار بزرگ است، اما همچنان همان روحیه‌ای را دارد که در آغاز راه به‌عنوان یک راننده کامیون دست‌دوم داشت؛ او اخیراً کارت ویزیتی برای خودش طراحی کرده که به شکل کامیون است و در زیر آن نوشته: لیندسی فاکس، دارای نشان درجه یک استرالیا، راننده کامیون.

از رانندگی کامیون تا اسطوره حمل‌ونقل

چطور یک کارآفرین یقه‌آبی خودش را به قله موفقیت رساند؟

فاکس در مورد دستاوردهای کنونی‌اش در زندگی می‌گوید: «اگر زمانی به من می‌گفتید قرار است در این برهه مشخص از زندگی‌ام در این نقطه ایستاده باشم، حتماً فکر می‌کردم که خواب نما شده‌ام! بودن در جای مناسب در زمان مناسب، داشتن تعهد و عمل به وظایف در قبال همه کسانی که زمانی با آن‌ها در ارتباط بوده‌اید، همه این‌ها در کنار هم برای شما میزان مشخصی از اعتبار به همراه دارد. و برای هر چیزی که بخواهید بسازید، اعتبار پایه و اساس اصلی است». ممکن است فاکس از روز اول برای موفقیتی که امروز به‌دست آورده برنامه‌ریزی نکرده باشد، اما شکی نیست که یک زندگی سرشار از سخت‌کوشی را برای رسیدن به اهدافش برگزیده. چطور راننده کامیونی که زمانی در کامیون دست دومش نوشابه جابجا می‌کرد، موفق شد راهش را به قله موفقیت و تبدیل شدن به یک میلیارد دلار باز کند؟

مردم: فاکس از روز اول فهمید که کسب‌وکار اصلی‌اش نه کامیون‌رانی و حمل‌ونقل، بلکه مراد به مردم است. تمرکز او برای ساختن روابط مستحکم شخصی و وفاداری به کسانی که اطرافش بودند، به فاکس کمک کرد تا بتواند دوران‌های سختی را در زندگی پشت سر بگذارد. او می‌دانست موفقیت چیزی نیست که بتواند به تنهایی بدست آورد.

تلاش: علی‌رغم دستاوردهایش، زندگی فاکس چندان هم آسان نبوده است. از دست دادن پسرش یک نقطه تحول در زندگی او بود و به فاکس هم در زندگی شخصی و هم در زندگی حرفه‌ای، اهداف و انگیزه‌های جدیدی بخشید. بعد از این اتفاق بود که فاکس بالاخره به قدرت ذهن، و عزمش در پیش بردن چیزی که در پی آن است پی برد.

تجربه: فاکس تمام زندگی‌اش را در کنار کامیون‌ها بوده است. پدرش راننده کامیون بود و فاکس هم می‌خواست همین راه را ادامه دهد. اما چیزی که امروز فاکس را از همقطاران‌ش متمایز می‌کند، توانایی‌اش در وفادار ماندن به ریشه‌هایش است. با این‌که او می‌تواند هر اتوموبیل یا وسیله نقلیه‌ای که می‌خواهد را داشته باشد، هنوز هم ترجیح می‌دهد با کامیون رفت‌وآمد کند. کوله‌بار تجربیات فاکس در تمام سطوح صنعت حمل‌ونقل، و همچنین تمایزش به درگیر شدن در کار و جایی که به او نیاز هست، به او در مقابل رقبایش مزیتی غیرقابل انکار بخشیده است.

مشارکت: شهرت لینفاکس در استرالیا تنها به‌واسطه داستان افسانه‌ای میلیاردی شدن صاحبش نیست، بلکه به خاطر نقش موثری است که این کمپانی در ادای دین و انجام وظیفه در قبال اجتماع پیرامونش به عهده گرفته است. فاکس تمام تلاشش را به کار بست تا شرکتش در حوزه‌های ایمنی و محیط‌زیست، پیشرو باشد، و همچنین کارمندان را تشویق می‌کند از تمام توانشان استفاده کنند تا زمانی که او می‌خواهد کمپانی می‌گذرانند، برای شرکت به‌صورت کلی ارزشمند و مثبت باشد.

اعصاب فولادین: فاکس هیچ‌گاه در زندگی محافظه‌کاری پیشه نکرده است. از عمومی کردن سهام کمپانی، تا گرفتن تصمیمات چند میلیون دلاری در کسری از ثانیه، اقدامات فاکس همواره پرریسک و البته در صورت موفقیت پربازده بوده است. هر اشتباهی که در طول راه مرتکب می‌شود به معنای آن است که یک قدم به هدف بزرگ‌ترش نزدیک شده است: «فکر می‌کنم مردم به من به چشم یک جنگجوی استرالیایی کوچک نگاه می‌کنند که از یک خانواده طبقه کارگر آمده، یک کامیون خریده و موفق شده خودش را بالا بکشد».



فاکس هیچ‌گاه در زندگی محافظه‌کاری پیشه نکرده است. از عمومی کردن سهام کمپانی، تا گرفتن تصمیمات چند میلیون دلاری در کسری از ثانیه، اقدامات فاکس همواره پرریسک و البته در صورت موفقیت پربازده بوده است.



خوش شانس در پشتکار است

گفت‌وگوی شبکه خبری ABC با لیندسی فاکس

حوزه استرالیا جدا کردید؟

بیشتر به خاطر حفظ کنترل این کار را کردم. مدیریت شاخه آسیا از داخل خاک استرالیا کار واقعاً دشواری است. این درست که تنها یک پرواز هشت ساعته بین دو قاره فاصله است اما فقط فاصله نیست که ما را از هم جدا می‌کند. اگر هربار که می‌خواهید معامله‌ای در سنگاپور، مالزی یا تایلند انجام دهید، مجبور باشید صبر کنید تا اجازه از دفتر استرالیا صادر شود، هیچ کاری پیش نمی‌رود.

II خودتان را فرد خوش شانس می‌دانید؟

به قول مارک تواین هرچه سخت‌کوش‌تر باشی، خوش شانس‌تر می‌شوی. ما همواره باید هوای کسانی که مراقب ما هستند را داشته باشیم. اگر هوای همدیگر را نداشته باشیم، پیروز نمی‌شویم. تو نمی‌توانی مشتری‌هایت را حفظ کنی مگر اینکه ترکیبی از سه اصل را در کسب‌وکار به کار ببندی: اعتماد، شرافت و صداقت. وقتی به کسانی که استخدام کردم نگاه می‌کنم، می‌بینم اصل صداقت در آن‌ها ۱۰۰ درصد بوده. شاید قابلیت‌هایشان ۹۰ درصد بوده باشد ولی من ترجیح می‌دهم چنین شخصی را استخدام کنم تا برعکس آن.

II چهار نفر از فرزندان شما در بخش‌های

مختلف کمپانی لینفاکس مشغول به کارند؛

بیشتر در پست‌های اجرایی. هیچ وقت سعی

نکردید آن‌ها را منصرف کنید تا در راه‌های

دیگری قدم بگذارند؟

نه. من در خانواده‌ای بزرگ شدم که همه هم‌سفره بودیم، همه از یک سفره می‌خوردیم و پولمان را هم در یک جیب می‌گذاشتیم. همین درمورد بچه‌هایم نیز صادق است. همه آن‌ها به نحوی تربیت شده‌اند که نسبت به بقیه اعضای خانواده احساس مسئولیت می‌کنند. آن‌ها هم هر کدام خانواده خودشان را دارند و همه باید آماده باشند در مواقع لزوم به کمک هم بیایند و در همه چیز شریک باشند. به هر حال همه آن‌ها از کودکی با کامیون‌ها و راننده‌ها بزرگ شده‌اند. این یک فرایند طبیعی بود که وارد این کسب‌وکار شوند؛ مثل بچه‌هایی که در مزرعه بزرگ می‌شوند، فرایند درگیری بچه‌های من با کسب‌وکار هم مانند یک کلاس درس و آموزنده بود. یک بار یکی از دوستانم پیشنهاد داد که در سرتاسر استرالیا بچرخیم و برای جوانان موقعیت شغلی فراهم کنیم. من و او حدود یک سال و نیم در کشور می‌گشتیم و کمپانی‌ها را قانع می‌کردیم به نوجوانان فرصت کار کردن بدهند. در آن دوران خودکشی در کشور بیداد می‌کرد بنابراین این موقعیتی بود که به جوانان کشورمان این فرصت را بدهیم که کار کنند و هدفی داشته باشند. هدف ما آن بود که ۲۵ هزار فرصت شغلی ایجاد کنیم، اما این هدف در طی تنها دو ماه عملی شد. اینها همه به واسطه قدرت مردمی بود که برای فرزندانمان نگران بودند. آن‌ها می‌دانستند اگر کاری نکنند ممکن است قربانی بعدی از خانواده خودشان باشد.

II شما ابتدا صاحب یک کمپانی جمع‌وجور

با تعداد محدودی راننده کامیون بودید، اما

حالا و در این مقطع از زندگی، صاحب

بزرگ‌ترین کمپانی خصوصی استرالیا با هزاران

کارمند هستید. چنین موفقیت بزرگی در

کسب‌وکار چه تغییری در الگوی رهبری شما

در داخل سازمان ایجاد کرده است؟

من دیگر رهبر سازمان نیستم. بیست سال پیش این سمت را به پسر بزرگم محول کردم و از روزی که او کارش را شروع کرد، موفق شده شرکتی که به ارث برده بود را متحول کرده و آن را به موقعیت کنونی برساند. این موفقیت از بها دادن به جوانان و اعتماد به غریزه تجاری آنان حاصل شده است.

II ما در دورانی موسوم به «قرن آسیایی»

زندگی می‌کنیم. چطور می‌توانیم در بازارهای

آسیایی رقابت کنیم و برای خود آینده‌ای در

این بازارها بسازیم؟ توصیه‌های کلیدی شما

برای یک تجارت موفق در آسیا چیست؟

شناختن هدف، ایجاد یک رابطه قوی، و عمل به قول‌ها و وعده‌ها. ایجاد رابطه در یک کلمه خلاصه می‌شود. من برای ۵۵ سال با همسر و کارم رابطه جدی داشته‌ام و همان یک کلمه در این موارد هم صادق بوده است: توافق. میز مذاکرات همواره باید بدون برنده و بازنده ترک شود. همه مشکلات زندگی با همین یک کلمه حل می‌شوند. همچنین باید این رابطه را با تصمیم گیرندگان اصلی ایجاد کرد و نه واسطه‌ها. هیچ وقت از زمانی که صرف این کار می‌کنید پشیمان نخواهید شد.

II چرا حوزه کاری شرکت در آسیا را از

II چه شد که اصلاً شما عاشق کامیون‌ها

شدید؟

پدرم راننده کامیون بود. همه چیز از همین‌جا شروع شد. وضعیت درس و مدرسه افتضاح بود؛ در حالی که اسم پسر خالهام روی تابلوی افتخارات مدرسه نوشته می‌شد، من اسمم را روی نیمکت می‌تراشیدم! خوب معلم‌ها هم به راحتی مرخص کردند. بنابراین در سن ۱۶ سالگی یک کامیون خریدم و مشغول کار شدم.

II گویا فقط ۲۳ سال داشتید وقتی شروع

به استخدام کارمند و خریدن کامیون‌های

جدید کردید. و وقتی به ۳۰ سالگی رسیدید ۶۰

کامیون در کمپانی‌تان در حال فعالیت بود.

مهارت‌های کسب‌وکار را از کجا یاد گرفتید؟

تجربیات عملی و روزمره. مثل فروش روزنامه یا فروش نوشابه در استادیوم‌ها وقتی بچه بودم. اولین بخش تجارت جایی است که تو باید پول خودت را به خطر بیندازی و فکر می‌کنم با دست زدن به چنین ریسک‌هایی، تجربیات فرد عمیق‌تر و بیشتر می‌شود. وقتی از پس یک کامیون بریایی، دومی آسان‌تر است. تجربه‌ای که از اولی بدست آمده تطبیق با شرایط پیش رو را راحت‌تر می‌کند. این واقعاً شبیه افسانه‌هاست که کسی برای راه انداختن یک کسب‌وکار ساده یک کامیون بخرد و حدود ۵۰ سال بعد صاحب چنین کمپانی‌ای با این تعداد کارمند شود. تصور موقعیت کنونی، وقتی فقط یک کامیون داری به‌نظر غیرممکن است. ولی مهم این است که در عمل، و در صورت پیش رفتن در یک مسیر منظم، این غیرممکن، ممکن خواهد شد.

موفقیت یعنی کنترل زمان

به این فکر کنید که در گذشته از چه کارهایی لذت می بردید و انجام چه کارهایی برایتان چندان رضایت بخش نبوده است. بر اساس این سنجش فردی پیشنهاد می شود که حدس هایی بزنید در مورد کاری که دوست دارید در آینده انجام دهید



■ دانا سوربن
کارآفرین کانادایی
■ ترجمه علیرضا اکبری

خیلی ها معتقدند که موفقیت بستگی دارد به میزان پولی که دارید و میزان پولی که درمی آورید. با این معیار هیچ فردی را نمی توان به عنوان موفق ترین فرد در جهان انتخاب کرد. بیل گیتس با سرمایه ای معادل ۷۹ میلیارد دلار ثروتمندترین مرد جهان است اما او بیشترین درآمد سالانه را در جهان نداشته. شاید عنوان پردرآمدترین فرد جهان به ری دالیو تعلق داشته باشد که سالانه ۳ میلیارد دلار درآمد شخصی دارد. اما اگر معتقد باشید که موفقیت یعنی داشتن بارزترین شبکه تولید و بالاترین درآمد سالانه آن وقت نه بیل گیتس موفق است و نه ری دالیو. علت این است که تلاش برای به دست آوردن بیشترین سرمایه یا بالاترین درآمد سالانه تنها زمانی موفق است که بتوانید هر سال بالاترین رتبه را در این زمینه به دست آورید. در این صورت همیشه به جای لذت بردن از آنچه به دست آورده اید باید به فکر قرار گرفتن در رتبه اول باشید. به طور خلاصه اگر مقام اول را نداشته باشید همیشه تصور منفی ای که نسبت به خودتان دارید باقی خواهد ماند. برای همین باید تعریف دیگری از موفقیت داد: موفقیت به معنای توانایی در کنترل زمان این سخن به معنی طرفداری از فقر و نداری نیست. موفقیت در کنترل زمان موفقیتی است که افراد تنها زمانی به آن دست می یابند که توانسته باشند به قدر کافی پول به دست آورند که بتوانند بدون دغدغه صورت حساب هاشان را بپردازند. بسیاری از مردم هرگز به این سطح از امنیت مالی نمی رسند. اما کسی که مثلاً صاحب شبکه ای از سرمایه به ارزش میلیاردی است می تواند فراتر از این موفقیت مالی هم بیندیشد. اگر شما هم بتوانید با انجام آنچه که لازم می دانید به این نقطه برسید فردی موفق به حساب خواهید آمد. اما اگر با انجام کاری خردکننده که دستمزد خوبی نصیبتان می کند اما جسم و روح و روانتان را ویران می کند قصد دارید موفق شوید شاید وقت آن رسیده باشد که از مرکب پیاده شوید و جدی به این فکر کنید که با زندگی تان چه می خواهید بکنید.

توصیه: به این فکر کنید که در گذشته از چه کارهایی لذت می بردید و انجام چه کارهایی برایتان چندان رضایت بخش نبوده است. بر اساس این سنجش فردی پیشنهاد می شود که حدس هایی بزنید در مورد کاری که دوست دارید در آینده انجام دهید. به این منظور این سئوالات را از خود بپرسید:

- آیا من نسبت به کارم شور و شوق کافی دارم؟
- آیا من یکی از کسانی هستم که این کار را بهتر از هر کس دیگری در جهان انجام می دهد؟
- آیا بازار برای این کار من را به خود جذب خواهد کرد؟

معمولاً مردم نمی دانند که برای داشتن هر سه ویژگی باید بانکدار شوند یا مدیر اجرایی یا اینکه اصلاً خودشان کسب و کاری نوپا راه بیندازند. بنابراین من به دانشجویانم توصیه می کنم با افرادی که در این نوع کسب و کارها فعالیت می کنند مصاحبه کنند. تلاشی که آنها برای سامان دادن به چنین مصاحبه هایی انجام می دهند بارزش خواهد بود. وقتی که موفق شدند قرار مصاحبه بگذارند از آن ها می خواهم از افراد این سه سؤال بالا را بپرسند. مثلاً در چنین مصاحبه ای دانشجو ممکن است سئوالاتی به این شرح بپرسد.

- آیا در شرکت شما افرادی هستند که نسبت به کارشان شور و شوق فراوانی داشته باشند؟
- عملکرد این افراد با افرادی که صرفاً برای پرداخت صورت حساب هاشان کار می کنند چقدر متفاوت است؟
- در حوزه کاری شما افراد مستعد چه کارهایی را متفاوت از سایرین انجام می دهند؟
- آیا این نوع افراد مستعد در حوزه کاری شما به خوبی جذب بازار کار می شوند؟

خیلی ها معتقدند که موفقیت بستگی دارد به میزان پولی که دارید و میزان پولی که درمی آورید. با این معیار هیچ فردی را نمی توان به عنوان موفق ترین فرد در جهان انتخاب کرد.



عادت‌های آفت مدیران موفق است

در مقام یک مدیر سعی کنید موارد زیر را هرگز تحمل نکنید

در بیشتر مواقع شکیبایی یک فضیلت است. اما چیزهایی هست که هرگز نباید آنها را تحمل کرد. در مقام یک مدیر سعی کنید موارد زیر را هرگز تحمل نکنید.

با هر متر و معیاری شکیبایی صفت خوبی است. اما برای اینکه زندگی‌ای موفق و مدیریتی معنادار را تجربه کنیم باید از نشان دادن شکیبایی و تحمل در مورد چیزهایی که می‌توانند برای زندگی و کار ما ویرانگر باشند خودداری کنیم. بهتر است با اعلام موارد زیر به عنوان رفتارهای غیرقابل تحمل به خودتان و دیگران شروع کنید و نتیجه را به دقت مورد بررسی قرار دهید.

■ **ریاکاری:** زندگی بر اساس صداقت به شما کمک می‌کند که با خودتان و دیگران در صلح دائمی به سر برید. ریاکاری واقعیتی ناصحیح را به زندگی شما و اطرافیان تان تحمیل می‌کند.

■ **تنبلی:** افراد موفق معمولاً به دنبال کشف چیزهای نو هستند. زندگی کوتاه‌تر از آن است که بخواهید آن را با انفعال و راحت‌طلبی هدر دهید.

■ **میان‌مایه‌گی:** همیشه وسوسه کمتر خواستن در انسان وجود دارد. اما آنچه که انسان‌های برجسته را از دیگران متمایز می‌کند تمایل آن‌ها است به انتخاب راه‌هایی سخت‌تر که منجر به موفقیت‌های بزرگ خواهد شد.

■ **منفی‌بافی:** هر فکر منفی‌ای شما را از رسیدن به بالاترین سطح عملکردتان باز خواهد داشت. اگر دائم در حال منفی‌بافی در ذهن تان هستید راهی بیابید که آن را متوقف کنید.

■ **شلخته‌گی:** آشفتگی و بی‌نظمی استرس‌زاست و سلامت احساسی و ذهنی شما را تحت تاثیر قرار می‌دهد. از شر آنچه که به آن نیازی ندارید خلاص شوید و چیزهای باقی‌مانده را در جای خود قرار دهید.

■ **زندگی ناسالم:** از غذای ناسالم، روابط ناسالم و عادات ناسالم پرهیز کنید و با عقلانیت در مورد آنچه انجام می‌دهید تصمیم بگیرید. به خودتان یادآوری کنید که شایسته بهتر از این‌ها هستید و بعد آن چیز بهتر را برای خودتان فراهم کنید.

■ **تاسف:** همه ما چیزهایی برای تاسف خوردن در زندگی داریم ولی اگر بخواهید خودتان را زیادی درگیر گذشته کنید از پیشرفت باز می‌مانید. از گذشته درس بگیرید و هر چیز نادرستی را که می‌شود درست کرد اصلاح کنید و پشت سر بگذارید.

■ **بی‌احترامی:** رابطه شما با دیگران عنصر اصلی موفقیت است و احترام عنصر اصلی این رابطه. بی‌احترامی هر دلیلی که داشته باشد و نسبت به هر کسی که ابراز شود می‌تواند یکی از مخرب‌ترین عناصر برای موفقیت شما باشد.

■ **بی‌اعتمادی:** بی‌اعتمادی معمولاً از تجربه‌هایی کوچک در موقعیت‌های مختلف به وجود می‌آید پس بهتر است حواس تان را جمع کنید. سعی کنید افرادی را در اطراف تان جمع کنید که بتوانید به آن‌ها اعتماد کامل داشته باشید.

■ **عصبیت:** همه ما دچار عصبانیت می‌شویم و گاهی این عصبانیت ما را به انجام واکنش‌هایی وادار می‌کند. اما بنا کردن زندگی بر اساس خوی عصبی فلج‌کننده و بی‌حاصل است. سعی کنید عصبانیت تان را به سمت مشکلات هدایت کنید نه آدم‌ها و بعد سعی کنید آن مشکل را از سر راه بردارید.

تفاوت مدیران موفق با افراد عادی

کدام ویژگی‌های زیر را در خودتان دارید؟

اگر تصمیم دارید در مقام یک مدیر، رئیس یا کارآفرین تبدیل به رهبری برجسته شوید باید سعی کنید ویژگی‌هایی را در خودتان تقویت کنید که دیگران فاقد آن هستند. کدام ویژگی‌های زیر را خودتان دارید؟ کدام ویژگی‌ها را باید به دست آورید؟

■ **به مردم احساس ارزشمند بودن بدهید:** مردم نیاز دارند احساس ارزشمند بودن را تجربه کنند. مدیران برجسته به دیگران این احساس را انتقال می‌دهند که در مرکز توجه قرار دارند و عامل اصلی پیش رفتن کارها هستند.

■ **برای ارتباط بهتر با کارمندان تان وقت صرف کنید:** برای شناخت بهتر کسانی که برایتان کار می‌کنند وقت صرف کنید. برای کارمندان تان سروری نکنید. در عوض به حرف‌هاشان گوش کنید. وقتی که با کسی ارتباط برقرار می‌کنید در واقع دارید برای ارتباط بیشتر سرمایه‌گذاری می‌کنید.

■ **حتی در مواقعی که اوضاع بحرانی است صادق و صریح باشید:** همیشه صادقانه و صریح صحبت کنید. نشان دهید که در هیچ شرایطی از به زبان آوردن حقیقت هراسی ندارید.

■ **مسئولیت شکست را بپذیرید:** اگر شما مسئول شکست هستید - می‌خواهد دلیلش عملی مستقیم از سوی شما باشد یا تعریف استراتژی‌ای نادرست یا ضعف رهبری - آن را بپذیرید. عذر و بهانه نیاورید، فراق‌کنی نکنید و دیگران را هم قربانی نکنید.

■ **اعتبار شرکت را میان همه تقسیم کنید:** برجسته‌ترین مدیران کاملاً آگاهند که خودشان به تنهایی موفق نمی‌شوند کار زیادی از پیش ببرند. برای اینکه کارها پیش بروند نیاز به تیم و گروه کاری هست، بنابراین اعتبار موفقیت تان را بین تک‌تک اعضای تیم تقسیم کنید.

■ **از کارمندان تقدیر کنید و مدام این کار را تکرار کنید:** مطمئن شوید کسانی که تحت رهبری شما کار می‌کنند توجه کافی، تقدیر کافی و تاییدی که استحقاق‌اش را دارند، از طرف شما دریافت می‌کنند.

■ **به افراد مسئولیت بدهید و از مدیریت جزئی خودداری کنید:** اختیار دادن به دیگران به معنای رها کردن آن‌ها و انداختن آن‌ها در سراسیمه سقوط نیست. تفویض اختیار باید با کمک، هدایت و راهنمایی در مواقع لزوم همراه باشد. به این شکل، کارها انجام می‌شود و اعضای تیم شما رشد می‌کنند.

■ **مهارت را تقدیر کنید و استعداد را تحسین:** به دنبال بهترین‌ها در میان کارمندان تان باشید و به آن‌ها کمک کنید مهارت و قدرت‌شان را بشناسند و ارتقا دهند

■ **وضع موجود را به چالش بکشید و از میان‌مایه‌گی دوری کنید:** به یاد داشته باشید که خلاقیت از ناراضی ناشی می‌شود و پیشرفت‌های عظیم وقتی حاصل می‌شوند که برای تغییر وضع موجود شانس خود را بیازمایید.

■ **بر روی کارمندان تان سرمایه‌گذاری کنید و بگذارید آن‌ها احساس کنند اهمیت زیادی دارند:** هر چقدر از زمان و انرژی و پول تان را صرف سرمایه‌گذاری برای رشد و یادگیری کارکنان تان کنید هزینه‌اش در درازمدت از زبان هنگفت عدم رشد و عدم یادگیری کمتر خواهد بود.



برجسته‌ترین
مدیران کاملاً
آگاهند که
خودشان به
تنهایی موفق
نمی‌شوند کار
زیادی از پیش
ببرند. برای اینکه
کارها پیش بروند
نیاز به تیم و گروه
کاری هست،
بنابراین اعتبار
موفقیت تان را بین
تک‌تک اعضای تیم
تقسیم کنید.

راز موفقیت در کسب و کار

تجارت بازی نیست اما می توان درس هایی
از بازی های فکری آموخت که به کار تجارت بیاید

جاش مانیون پیش از اینکه یکی از موفق ترین شرکت های امریکایی را تاسیس کند استاد بزرگ شطرنج بود. مانیون که در صنعت بازاریابی دیجیتال فعال است یکی از بزرگ ترین عوامل موفقیت خود را پیشینه اش در بازی شطرنج می داند. او بسیاری از درس هایی را که در بازی آموخته در کسب و کار خود به کار می بندد. او در این باره می گوید: «آن سابقه برای من در رویکردی که نسبت به حل مشکلات و به طور کلی کسب و کار و زندگی ام در پیش گرفتم موثر بود». مانیون نخستین کارآفرینی نیست که به رابطه میان شطرنج و کسب و کار پی برده است. پیتربیل بنیان گذار شرکت «پی پال» هم شطرنج باز بود و در کلاس های بازرگانی اش در دانشگاه استنفورد فوت و فن تجارت را با فنون شطرنج در هم می آمیخت و به دانشجویانش درس می داد. مانیون خاطرنشان می کند که تفاوت شطرنج با تجارت این است که در شطرنج هر دو طرف به اطلاعات و ابزار یکسانی (صفحه و مهره ها) دسترسی دارند اما با این همه او معتقد است اهل تجارت می توانند درس هایی زیادی از شطرنج بیاموزند که به کار رونق کسب و کارشان بیاید.

■ اگر امکان حرکت خوبی داشتید صبر کنید، ممکن است به زودی امکان

حرکت بهتری به وجود بیاید

مانیون می گوید شطرنج بازان بی تجربه سعی می کنند تا از اولین فرصت برای زدن پیاده حریف استفاده کنند. آن ها دیگر به تامل برای حرکتی بهتر ادامه نمی دهند چون حرکت شان را کرده اند. در تجارت باید مطمئن شد که تمام چشم انداز، بی کم و کاست پیش روی ماست و با در نظر داشتن تمام اطلاعات دست به تصمیم گیری زد و هر غذای به ظاهر لذیذی که در پیشقاب بود را نباید بدون بررسی غذاهای دیگر نوش جان کرد.

■ برای پیروزی باید خیلی از حرکت ها را از پیش طراحی کرد

بسیاری از کارآفرینان شرکتی تاسیس می کنند بی آنکه برنامه ای برای تبدیل این شرکت به شرکتی ماندگار در بازاری بزرگ و در حال رشد داشته باشند. مانیون می گوید ممکن است این افراد در آغاز به سودی سرشار هم دست پیدا کنند اما حقیقتا به این فکر نکرده اند که بعد از این رشد اولیه، قدم بعدی چیست. چه محصولی از نخستین محصول شما برتر است؟ وقتی کسب و کار شما رشد کرد و آدم هایی مهم قرار شد به دفتر محقر شما رفت و آمد پیدا کنند چه خواهید کرد؟ چطور می خواهید مزیت رقابتی خود را در درازمدت حفظ کنید؟ این ها همه سوالاتی است که آدم ها پاسخ به آن ها را به تعویق می اندازند و می گویند وقتی به آن جا رسیدیم فکرش را می کنیم و این می تواند خطرناک باشد.

■ در شطرنج آدم باید وقتش را تنظیم و مدیریت کند.

در یک تورنمنت شطرنج شما زمانی مشخص دارید تا تعداد حرکتی معین انجام دهید. اهمیتی ندارد روی صفحه چه اتفاقاتی می افتد. اگر زمان را ببازید، بازی را باخته اید. مانیون معتقد است، این مسئله رابطه ای مستقیم با نقدینگی در کسب و کارهای نوپا دارد. مهم نیست که شما بهترین محصول را تولید کنید. اگر در میانه راه نقدینگی تان تمام شود کارتان ساخته است. در یک کسب و کار نوپا شما باید مطمئن باشید که در طول مسیر کاری دارید پول تان را درست مدیریت می کنید، یه خوبی پول در می آورید و بیش از حد ولخرجی نمی کنید. بعضی از کارآفرینان فکر می کنند که اگر کسب و کارشان دچار بحران شود جامعه کاپیتالیستی به یاری شان خواهد شتافت اما این خیال خامی بیش نیست.

ترس های پنهان یک کارآفرین

همه کارآفرینان ترس
از شکست را در ذهن دارند



جیسن فراید
کارآفرین استرالیایی

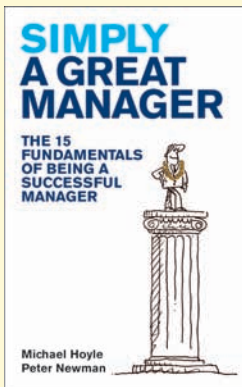
ما کارآفرینان خیلی چیزها را در دل خودمان نگه می داریم و چیزی بروز نمی دهیم. ما دوست داریم دیگران خیال کنند که در اوج موفقیت هستیم و همه چیز طبق برنامه های ما پیش می رود. واقعیت این است که ما اغلب در مورد کاری که می کنیم ملاحظات داریم که کاملا عقلانی است. متأسفانه ما معمولا ترس هامان را از ترس اینکه چگونه ممکن است مورد تفسیر قرار گیرند پنهان می کنیم. هیچ کارآفرینی نیست که این ترس ها را نداشته باشد. چه کارآفرینان در این مورد صادقانه حرف بزنند و چه حرف نزنند همه شان ترس از شکست را دائم در ذهن دارند.

اگر بخواهم از خودم شروع کنم باید بگویم موارد زیر ترس هایی هستند که هر روز ذهنم درگیر آن هاست و با کسی در میان نمی گذارم شان:

- من دیگر جوان نخواهم شد. آیا ممکن است ۱۰ سال دیگر که به عقب نگاه می کنم بابت آنچه امروز می کنم حسرت بخورم؟
 - آیا در موفقیت به روی من بسته شده است؟
 - آیا روزی فرا خواهید رسید که چشم انداز کاری امروزم کاملا رنگ واقعیت به خود بگیرد؟
 - آیا من در کاری که می کنم به قدر کافی توانا هستم؟ دیگران همه بهتر از من هستند.
 - آیا محصول تولیدی من طوری که امید دارم کار خواهد کرد؟
 - آیا ممکن است ورشکسته و برای همیشه در این وضع باقی بمانم؟
 - آیا خواهم توانست دوباره پول در بیاورم؟
 - آیا تا ابد باید در حسادت نسبت به ایده ها و موفقیت دیگران بسوزم؟
 - آیا ممکن است مجبور شوم برای دیگری کار کنم؟
 - آیا ممکن است دیگران معتقد باشند که آدم مزخرفی هستم؟
 - امروز سرمایه گذاران در کار من سرمایه گذاری می کنند اگر روزی به من نه بگویند به این معناست که دیگر کارم را به قدر کافی خوب انجام نمی دهم؟
 - آیا دیگران سخت تر از من کار می کنند؟
 - آیا من دارم تصمیمات درستی می گیرم؟
 - آیا هیچ کدام از کارهایی که من می کنم اهمیت در این کسب و کار دارند؟
 - آیا بلندپروازی من هرگز ارضا خواهد شد یا این مسیری تمام نشدنی است؟
 - آیا ممکن است روزی شانس کارآفرین بودن را از دست بدهم؟
- ترس های پنهان شما چیست؟



ما کارآفرینان
خیلی چیزها را در
دل خودمان نگه
می داریم و چیزی
بروز نمی دهیم.
ما دوست داریم
دیگران خیال کنند
که در اوج موفقیت
هستیم و همه چیز
طبق برنامه های ما
پیش می رود.



**۱۵ ویژگی اساسی
مدیران بزرگ**
مایکل هوایل
و پیتر نیومن
ترجمه علیرضا اکبری
پاورقی - بخش نهم

علیرضا اکبری: در چند دهه اخیر کتاب‌های زیادی درباره اصول مدیریت به زبان‌های مختلف در سراسر دنیا تالیف و منتشر شده است. اگر چه بسیاری از این کتاب‌ها معلومات سودمندی در اختیار مدیران قرار می‌دهند اما بسیاری از این کتاب‌ها به ورطه تئوری پردازی افراطی در غلغله‌اند و فارغ از مشکلات و تنگناهای واقعی و ملموسی که هر مدیری هر روز با آن دست و پنجه نرم می‌کند نکاتی را به عنوان اصول مدیریت به خواننده القامی کنند که هیچ معلوم نیست تا چه حد در شرایط واقعی محیط کار برای مدیران چاره‌ساز خواهد بود. مایکل هوایل و پیتر نیومن مولفان کتاب «راهنمای ساده مدیریت: ۱۵ ویژگی اساسی مدیران بزرگ» معتقدند که اصول مدیریت را باید با الهام از شرایط واقعی محیط کار و تجربیات شخصی مدیران بزرگ و موفق استخراج و تدوین کرد. آنها در این کتاب بر اساس تجربیات واقعی ۱۵ ویژگی اساسی را برای مدیران موفق و بزرگ برمی‌شمرند و هر یک از این ویژگی‌ها را در فصلی مجزا به تفصیل مورد بررسی قرار می‌دهند. از این پس در هر شماره از آینده‌نگر ترجمه یکی از این فصول ۱۵ گانه را خواهید خواند.

در فضیلت آموختن

برای ما اینکه فرزندانمان برای تحصیل باید به مدرسه بروند امری بدیهی است. ما درک می‌کنیم که در مقام پدر و مادر بخشی از وظیفه ما این است که فرزندانمان را برای زندگی‌ای که پیش رو دارند مهیا کنیم. اما توانایی خواندن و نوشتن و داشتن درکی از فیزیک و تاریخ همه ماجرا نیست. کودکان باید برای بسیاری دیگر از جنبه‌های زندگی آماده شوند، چیزهایی مثل تشخیص خطر، رفتار اجتماعی، ادب اجتماعی، آمادگی برای به اشتراک گذاشتن چیزها یا دیگران و قبول مسئولیت.

رشد دادن آدم‌ها شامل انتقال معلومات «ترم» و «سخت» به آنها است. معلومات سخت شامل معلوماتی می‌شود که شما می‌توانید در کتابی آن را پیدا کنید یا در آزمونی آن را بیازمایید. این نوع معلومات پاسخ این سؤال‌ها هستند: چه کسی اولین انسانی بود که قدم به کره ماه گذاشت؟ کریستف کلمب چه زمانی نخستین سفرش به آمریکا را آغاز کرد؟ چطور می‌شود لامپی را به سیم برق متصل کرد؟ چرا آهن‌ربا همیشه در یک جهت اجسام را جذب می‌کند؟

معلومات نرم معلوماتی است که انسان باید خود به‌دست بیاورد. مثلاً اجتماعی شدن کودکان و اینکه هر کودکی باید یاد بگیرد که اسباب‌بازی‌هایش را با دیگران شریک شود تا همه خوشحال‌تر باشند یکی از این معلومات است. معلمان والدین با صلاحیت طوری زمینه را فراهم می‌کنند که کودکان بیاموزند که شریک شدن وسائل‌شان با دیگران کار خوبی است و با بخشیدن وسائل‌شان به دیگران متفاوت است.

در مقابل مادری را در نظر بگیرید که در جواب بزرگسالی که از دختر کوچکش می‌پرسد چند سالت است بگوید او ۳ ساله است. اولویت این مادر باید رشد فرزندش باشد نه اینکه به جای او به سؤالاتی که از دخترش پرسیده می‌شود پاسخ بدهد. این سؤال به این دلیل از دخترچه پرسیده نشده که جوابش مهم بوده بلکه به این دلیل پرسیده شده که کودک را به حرف زدن دعوت کند. اینکه ما جواب را می‌دانیم دلیل نمی‌شود که جواب را به زبان آوریم. گاهی ما باید به دیگران اجازه دهیم یا به آن‌ها کمک کنیم خودشان پاسخ دهند.

پس اگر والدین مسئول رشد دادن فرزندشان باشند بدیهی است که کارفرمایان هم مسئول رشد دادن کارمندان‌شان باشند. این مسئله به دلایلی کاملاً لازم است. اگر شما کارمندان‌تان را رشد دهید آن‌ها آماده می‌شوند تا در صورت لزوم بخشی از وظائف شما را به عهده بگیرند یا در مدتی که شما غیبت دارید مسئولیت شما را به عهده بگیرند و در ضمن مهارت بیشتری پیدا کنند و درصد خطای‌شان پایین بیاید تا بتوانند رشد کنند و با حداکثر راندمان کاری‌شان برسند. در مورد اهمیت رشد دادن دیگران نقل‌قول‌های زیادی وجود دارد:

■ مهم‌ترین کمک شما به دیگران این نیست که کمک مالی در اختیار آن‌ها بگذارید، بلکه این است که آن‌ها را نسبت به خودشان باورمند کنید.

دیزانیلی



این اشتباه است
اگر تصور کنیم که
تنها کسانی که
در رده‌های بالای
شرکت هستند
باید رشد داده
شوند یا آموزش
در شرکت باید
فقط تا حدی
انجام شود که
مدیران را نسبت
به سایرین برتر
نگه دارد.

■ اگر مرد دانا را نصیحت کنید داناتر می‌گردد.

ضرب‌المثل

■ شمع با شعله‌ور کردن شمعی دیگر چیزی از نور خود را از دست نمی‌دهد.

جیمز کلر، کشیش کاتولیک

■ به جای ماهی دادن به آدم‌ها ماهی‌گیری یاد دهید.

ضرب‌المثل چینی

■ یک کاپیتان خوب باید به استعداد هم‌تیمی‌هایش اجازه شکوفایی دهد. مثل یک باغبان خوب نه باید زیاد به گیاهان سخت بگیرد و نه آن‌ها را کلاً به طبیعت بسپارد.

مایک بریرلی، کاپیتان سابق تیم کریکت انگلستان

مدیران برجسته:

دوست دارند برای حل مشکلات به دیگران کمک کنند.

به وظایفی که به کارمندان‌شان محول می‌کنند به چشم موقعیتی برای ارتقاء آنان نگاه می‌کنند.

برای دیگران کاری انجام نمی‌دهند اما به آن‌ها کمک می‌کنند خودشان کارشان را انجام دهند.

درک می‌کنند که با رشد دادن دیگران خودشان و تیم کاری‌شان را رشد می‌دهند.

مدیران ضعیف:

فکر می‌کنند آموزش تنها وظیفه واحد آموزش است.

بودجه آموزش را از بودجه و زمان‌های مرده می‌دزدند.

باور دارند که وقتی خودشان می‌توانند کاری را سریع‌تر انجام دهند آموزش دادن آن به کارمندان‌شان وقت تلف کردن است.

این اشتباه است اگر تصور کنیم که تنها کسانی که در رده‌های بالای شرکت هستند باید رشد داده شوند یا آموزش در شرکت باید فقط تا حدی انجام شود که مدیران را نسبت به سایرین برتر نگه دارد. رشد دادن دیگران همیشه به معنای آموزش دادن آن‌ها است ولی نه لزوماً آموزش به طور مستقیم.

بیشتر معلمان این مطلب را درک می‌کنند. یادگیری باید از درون فرد حاصل شود. شما باید بخواهید تا یاد بگیرید. درس دادن فقط تا حدی می‌تواند سبب یادگیری فرد شود. کشف و شهود شخصی می‌تواند دانشی به مراتب عمیق‌تر برای ما به

ارمغان آورد تا گوش دادن به سخنرانی است. یک ضرب‌المثل باستانی چینی این مطلب را به خوبی بیان کرده است:

بشنو و فراموش کن / ببین و به یاد بسپار / انجام بده و درک کن



آفاق بزرگانی، صنایع، معاون و کشاورزی تهرآن

ولادت با سعادت

امیر المومنین علی (ع)

مبارک باد



صلی اللہ علیہ
یا امیر المومنین

با آینده نگر
آینده را بهتر بسازید



Ayandeenegar Tehran Chamber
of Commerce, Industries
Mines and Agriculture
No.36 May 2015